



فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی - دوره ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰
مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم

خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی شان
هاشم عطاپور، افشین حمدی‌پور، پریش اکبرزاده

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی؛ رویکرد آینده‌پژوهانه
فاطمه رجبیان غریب، سعید محمدزاده، محمد شریف شریف‌زاده

نقش و جایگاه دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح
زینب صدوقی

خوانش آموزه‌های اندیشه‌ساز و تجربه‌های زیست‌شده حافظ در راه خودیافتگی انسان معمار
هیوارحمانی، محمدرضا پورزرگر، بهروز منصوری

پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه سیاسی ایران باستان
فاطمه ذوالفقاریان

واکنش بازار سرمایه به رفتار سود فصلی شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا
سیما نوروزی، محمدحسین رنجبر، جهانبخش اسدنیا



فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی | دوره ۱۳، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۰
امتیاز: ۳/۱۱/۱۴۵۲ / کمیسیون نشریات وزارت عتف
۱۳۸۸/۰۹/۰۳

هیئت تحریریه

حسین ابراهیم‌آبادی، دانشیار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ غلامعلی افروز، استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران؛ اکارت اهلرز، استاد جغرافیا دانشگاه بن؛ مرتضی بحرانی، دانشیار اندیشه سیاسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ حسن حنفی، استاد فلسفه دانشگاه قاهره؛ هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی؛ داریوش رحمانیان، دانشیار تاریخ دانشگاه تهران؛ فرامرز رفیع‌پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدتقی رهنمایی، استاد جغرافیا دانشگاه تهران؛ مقصود فراستخواه، استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ مایکل کوک، استاد اسلام‌شناسی دانشگاه پرینستون؛ رضا ماحوزی، دانشیار فلسفه علم پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ فتح‌الله مجتبابی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران؛ مصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدعلی مظاهری، استاد روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی؛ محمدهادی زاهدی‌وفا، دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)؛ عباس منوچهری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

داوران این شماره

اباذر اشتري، استادیار جامعه‌شناسی توسعه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ نادیه ایمانی، دانشیار معماری، دانشگاه هنر؛ محمدرضا بمانیان، دانشیار معماری دانشگاه تربیت مدرس؛ یحیی حساس‌یگانه، دانشیار حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی؛ حسین دهقانی سانج، دانشیار مهندسی آب مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی؛ غلامرضا ذاکر صالحی، دانشیار آموزش عالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ جبار رحمانی، استادیار انسان‌شناسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ روزبه زرین‌کوب، استادیار تاریخ دانشگاه تهران؛ نعمت‌اله فاضلی، استاد مطالعات فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ حسین گنجی‌دوست، استاد محیط زیست دانشگاه تربیت مدرس؛ رضا ماحوزی، دانشیار فلسفه مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ سیدعبدالامیر نبوی، دانشیار علوم سیاسی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ سیدضیاء هاشمی، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

کارشناس فصلنامه: مهناز شاه‌علی‌زاده
ویراستار فارسی: سمیه صالح‌نیا
ویراستار انگلیسی: سمیه صالح‌نیا و اعظم کهنی

«مقالات منتشرشده در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان آن است و ضرورتاً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

«دریافت مقاله صرفاً از طریق سایت (www.isih.ir) امکان‌پذیر است.

پایگاه‌های نمایه‌کننده



صاحب امتیاز

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مدیر مسئول

حسین میرزایی

سرمدیر

محمود مهرمحمدی

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن‌نژاد (گلستان یکم) شماره ۱۲۴
تلفن: ۲۲۵۷۰۷۱۹ / پست الکترونیکی: info@isih.ir / وبگاه: www.isih.ir
قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

شیوه‌نامه نگارش و شرایط پذیرش مقاله

۱. مقاله، میان‌رشته‌ای و دارای ویژگی‌های پژوهشی باشد و میان‌رشته‌نگی، در چکیده و متن مقاله به‌خوبی تبیین و توضیح داده شود؛
۲. در راستای اولویت‌های پژوهشی فصلنامه باشد و پیش‌تر در نشریه‌های داخلی و خارجی یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده یا به‌طور همزمان برای انتشار به جایی دیگر واگذار نشده باشند؛
۳. نثر مقاله و شیوایی نگارش از جمله معیارهای مهم داوری مقاله است.
۴. چکیده فارسی و انگلیسی مقاله بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ کلمه باشد که در آن خلاصه‌ای از موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین یافته‌های مقاله قید شود.
۵. کل مقاله بین ۶ هزار تا ۹ هزار کلمه باشد و دارای نوآوری باشد.
۶. مشخصات نویسندگان به این ترتیب ذکر شود: مرتبه علمی، رشته تحصیلی، گروه، دانشکده، دانشگاه و یا سازمان (پژوهشکده، پژوهشگاه) و پست الکترونیکی آکادمیک.
۷. معادل غیرفارسی اسامی و مفاهیم مهم در پاورقی هر صفحه آورده شود.
۸. ارجاعات درون متنی به صورت (نام مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه) نگارش شود. برای مثال: (علوی و عبدالله‌زاده، ۲۰۰۳، ۲۵).
۹. تهیه چکیده گسترده به زبان انگلیسی برای مقاله‌های پذیرفته شده ضروری است.
۱۰. مقاله دارای فهرست منابع و مأخذ مستند و کامل و اطلاعات کتاب‌شناختی معتبر باشند و به سبک APA نگارش شود؛ برخی موارد در ذیل آمده است. برای دریافت کامل شیوه‌نامه به سایت مراجعه نمایید.

الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (شماره چاپ)، محل انتشار: نام انتشارات.	کتاب
آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). <i>تحلیل گفتمان انتقادی</i> (چاپ اول). تهران: انتشارات علمی _ فرهنگی. Morreale, S. P., Spitzberg, B. H., & Barge, J. K. (2007). <i>Human communication: Motivation, knowledge and skills</i> (2nd ed). Belmont, CA: Thonson Wadsworth.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره یا سال (شماره)، صفحه.	مقاله در نشریه
ایمان، محمدتقی (۱۳۸۰). نقد روش‌های کمی و لزوم توجه به روش‌های کیفی در پژوهش رسانه‌ها در ایران. <i>مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز</i> ، ۱۶(۲)، ۱۴۷-۱۳۱. Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. <i>International Journal of Epidemiology</i> , 35, 1119-1122.	
الگوی کلی: نام خانوادگی، نام (سال)، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی (ویراستار)، نام اثری که مقاله در آن چاپ شده است. مقاله منتشر شده در عنوان کنفرانس، محل برگزاری (صفحه آغاز - صفحه پایان)، محل نشر: نام ناشر.	مقاله در کنفرانس
جمالی، حمیدرضا (۱۳۹۰). تولید علم ایران. در محمدصادق حسینی (ویراستار)، <i>مجموعه مقالات علم در ایران</i> . مقاله منتشر شده در کنفرانس علوم اجتماعی ایران، تالار قدس (صص ۲۸-۲۵). تهران: انجمن جیحون. Rowling, L. (1993, September). Schools and grief: how does Australia compare to the United States. In Wandarna coowar: Hidden grief. paper presented at the proceedings of the 8th National Conference of the National Association for Loss and Grief (Australia). Yeppoon, Queensland (pp. 196-201). Turrumurra, NSW: National Association for Loss and Grief.	
الگوی کلی: نام خانوادگی نویسنده، نام (تاریخ). عنوان پایان‌نامه (پایان‌نامه منتشر نشده ...). دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور.	پایان نامه
جهانگشای رضایی، مصطفی (۱۳۸۴). <i>طراحی و بکارگیری نرم افزار ارزیابی عملکرد واحدهای خودروسازی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)</i> . دانشگاه تهران، تهران، ایران. Kassover, A. (1987). <i>Treatment of abusive males: Voluntary vs. court-mandated referrals</i> (Unpublished doctoral dissertation). Nova University, Fort Lauderdale, FL.	

۱۰. دریافت مقاله به صورت الکترونیکی و از طریق سایت www.isih.ir می‌باشد.
۱۱. مقاله‌های ارسالی مورد ارزیابی داوران تعیین شده از طرف هیئت تحریریه قرار خواهند گرفت و پذیرش نهایی آنها منوط به تأیید هیئت تحریریه است؛
۱۲. مسئولیت مطالب، نظریات و اطلاعات ارائه شده در مقاله‌ها و صحت و سقم آنها برعهده مؤلف یا مؤلفان است.

فهرست مقالات

خود ارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری
اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی‌شان
هاشم عطاپور، افشین حمدی‌پور، پریوش اکبرزاده / ۱

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی؛
رویکرد آینده‌پژوهانه
فاطمه رجبیان غریب، سعید محمدزاده، محمد شریف شریف‌زاده / ۳۳

نقش و جایگاه دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح
زینب صدوقی / ۷۱

خوانش آموزه‌های اندیشه‌ساز و تجربه‌های زیست‌شده حافظ در راه
خودیافتگی انسانِ معمار
هیوا رحمانی، محمدرضا پورزرگر، بهروز منصوری / ۱۳۱

پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه سیاسی ایران باستان
فاطمه ذوالفقاریان

واکنش بازار سرمایه به رفتار سود فصلی شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا
سیما نوروزی، محمدحسین رنجبر، جهانبخش اسدنیا / ۱۵۷



خود ارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی‌شان

هاشم عطاپور^{۱*}، افشین حمدی‌پور^۲، پریش اکبرزاده^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

چکیده

مقاله حاضر قصد دارد به بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بپردازد. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه پژوهش اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز بودند که ۲۰ درصد از آنها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبق‌های نسبتی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. به این ترتیب، تعداد ۱۵۳ نفر از کل اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز در تکمیل پرسشنامه شرکت داشتند. نتایج نشان داد میانگین خودارزیابی اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده در پژوهش نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برابر با ۸/۷۲ بوده و میانگین جامعه پژوهش با اطمینان ۹۵ درصد در حد فاصل ۸/۲۹ و ۹/۱۵ قرار دارد که با توجه به دامنه نمرات قابل حصول در حد متوسط قرار دارد. بین خودارزیابی گروه‌های مختلف آموزشی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان تفاوت معناداری وجود دارد. اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز حوزه‌های بالقوه‌ای که می‌توانند از پژوهش‌های آنها بهره‌مند شوند را به‌ترتیب «صنعت»، «محیط زیست»، «آموزش»، «خط‌مشی و سیاست‌گذاری» و «کشاورزی» بیان کرده‌اند. همچنین، نتایج نشان داد هرچه «تعداد طرح‌های برون‌دانشگاهی» و «ارتباط کاری اعضای هیئت علمی با سازمان‌های خارج از دانشگاه تبریز» بیشتر باشد، میزان خودارزیابی آنها نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان نیز بیشتر است. بر مبنای نتایج حاصل‌شده، تشویق اعضای هیئت علمی به انجام طرح‌های برون‌دانشگاهی و داشتن ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه می‌تواند ارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان را بیشتر کرده، و با درگیر ساختن آنها با مسائل و موضوعات واقعی جامعه به افزایش اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: خودارزیابی، اثرگذاری اجتماعی پژوهش، اعضای هیئت علمی، دانشگاه تبریز، اثرات گسترده پژوهش

۱. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول) hashematapour@tabrizu.ac.ir

۲. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۱. مقدمه

جامعه دانشگاهی، یکی از مهمترین و معتبرترین سرمایه‌های انسانی هر کشور در تولید علم را تشکیل می‌دهد که می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح، به موقع و مطابق با نیازهای جامعه، در زمینه ارتقای کیفیت ارائه خدمات و تولیدات علمی مؤثر واقع شوند. در واقع مبانی پیشرفت و ارتقای هر کشور در نظام آموزش عالی آن کشور نهفته است. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها، مالک دانش ضمنی و عینی هستند (باب الحوائجی، تاج‌الدینی، نوشین‌فرد، و حریری، ۱۳۹۲، ۵۱).

در بحث تولید علم دو شیوه مطرح است: شیوه اول تولید دانش، که الگوی مروتونی تولید دانش نیز نامیده می‌شود، بر استقلال علم از سایر نهادهای اجتماعی تأکید دارد. شیوه دوم تولید دانش بر ارتباط علم با سایر نهادهای اجتماعی و کاربرد دانش تولید شده برای ذی‌نفعان تأکید دارد (گیونز و همکاران^۱، ۱۹۹۴). مطرح‌شدن شیوه دوم تولید دانش و ایده مأموریت سوم دانشگاه‌ها که خواستار ورود پژوهش دانشگاهی به مسائل مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌باشد همگی حاکی از فعال شدن توجه به اثرگذاری اجتماعی علم در نظام ارزیابی علم و فناوری است (مولاس-گالرت، سالتر، پاتل، اسکات، و دوران^۲، ۲۰۰۲؛ عطاپور، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزی همزمان برای تولید علم و توجه به انتقال یافته‌های علمی به عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است و در این راستا، توجه به اثرگذاری اجتماعی علم در پیشبرد اهداف می‌تواند مؤثر واقع شود. تحت تأثیر شیوه دوم تولید دانش، ایده‌پردازی و ارائه راهکار برای رفع چالش‌های موجود و آینده جامعه، شامل مسائل سیاسی داخلی و خارجی، یکی از فلسفه‌های وجودی دانشگاه برشمرده شده است (مقیمي، آراسته، و محمدخانی، ۱۳۹۵، ۱۹۶).

تاکنون دو نوع اثرگذاری، علمی و اجتماعی در حوزه علم‌سنجی مطرح شده است. ارائه تعریفی از اثرگذاری علمی، که مورد اجماع پژوهشگران حوزه علم‌سنجی بوده و از قابلیت سنجش و اندازه‌گیری نیز برخوردار باشد، کار آسانی نیست. می‌توان گفت اثرگذاری علمی



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

1. Gibbons, et al.

2. Molas-Gallart, Salter, Patel, Scott, & Duran



به‌واسطه استفاده در متون علمی و اثرگذاری اجتماعی به‌واسطه کاربرد علم در حل مسائل مختلف جامعه به دست می‌آید. به‌طورکلی می‌توان گفت خلق و اشاعه دانش دارای ماهیتی اجتماعی است (عرفان‌منش و روحانی، ۱۳۹۲، ۱۴۶). اثرگذاری اجتماعی علم اصطلاحی است برای توصیف اثرات علم صرف‌نظر از آنچه که در نظام سنتی سنجش اثرگذاری علم روی می‌دهد. در نظام سنتی سنجش علم، اثرگذاری علم بر سایر آثار علمی و پر مبنای شاخص‌های مشهوری نظیر استناد اندازه‌گیری می‌شود؛ درحالی‌که اثرگذاری اجتماعی علم در قالب نام‌های مختلفی مانند منافع اجتماعی، فعالیت‌های جریان سوم، کیفیت اجتماعی (بورنمان^۱، ۲۰۱۳، ۲۱۸) برای سنجش اثرات زیست‌محیطی، سیاسی، فرهنگی، سازمانی و بهداشتی علم به‌کار می‌رود.

در سال‌های اخیر تأمین‌کنندگان مالی پژوهش‌ها و سایر ذی‌نفعان به‌دنبال شواهدی بوده‌اند که نه تنها تأثیر علمی بلکه تأثیرات اجتماعی پژوهش را نیز نشان دهند. اثرگذاری علم، مطالبه ساختار اجتماعی اقتصادی از نهاد علم است. اگر چه ممکن است تأکید بیش از حد بر اثرگذاری اجتماعی علم با محور قرار دادن کاربردگرایی، آسیب‌هایی را متوجه نهاد علم کند، اما نهاد علم ناگزیر باید این خواسته جامعه را تا حد ممکن برآورده سازد (عطاپور، ۱۳۹۵). اهمیت توجه به اثرگذاری اجتماعی پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بروز و نهادینه‌شدن معضل کم‌اثری یا بی‌اثری پژوهش‌ها به‌معنای از میان رفتن امکان هرگونه توسعه هماهنگ، یکپارچه و پایدار در کشور است. از سوی دیگر، تأکید فراوانی که در سیاست‌های کلی و سایر اسناد بالادستی نظام به مسئله افزایش کاربرد و اثرگذاری پژوهش‌های کشور دیده می‌شود حاکی از توافق صاحب‌نظران عالی‌رتبه ایران درخصوص اهمیت و ضرورت این مسئله است (احسانی، اعظمی، نجفی، و سهیلی، ۱۳۹۶، ب، ۲۷). بر این اساس لازم است دانشگاه‌ها علاقمندی اعضای هیئت علمی و دانشجویان خود را به اختصاص بخشی از وقت‌شان برای انتقال یافته‌ها به جامعه و تجاری‌سازی دانش جلب نمایند (مظفری، پاداشی اصل، شمسی، و بوداقتی، ۱۳۹۰، ۳۰).



به‌واسطه رشد چشمگیری که در سال‌های اخیر در میزان مقالات علمی ایرانیان در سطح جهان حاصل شده است، بسیاری از مسئولان و سیاست‌گذاران علمی بر لزوم توجه همزمان به مسائل جامعه در پژوهش‌های دانشگاهی تأکید می‌کنند. این دیدگاه وجود دارد که رشد فزاینده تولیدات علمی در جهان به حل مشکلات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی که در کشور وجود دارد کمک چندانی نکرده است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۶ب، ۶۳۱). این امر با گذری کوتاه در اظهار نظرهای مسئولان و صاحب‌نظران در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز به وضوح قابل مشاهده هست. حال با توجه به گمانه‌زنی‌ها نسبت به اثرگذاری اجتماعی علم و اینکه پیشرفت‌های علوم محدود به مقالات و طرح‌های پژوهشی بوده، این سؤال مطرح است که خود پژوهشگران نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خود چه دیدگاهی دارند. پاسخ به این سؤال می‌تواند به روشن شدن بیشتر دیدگاه‌های موجود در اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های کشور کمک کند. در راستای دستیابی به این هدف، اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز برای مطالعه انتخاب شدند. دانشگاه تبریز یکی از دانشگاه‌های جامع کشور است و در رتبه‌بندی‌های مختلف ملی و جهانی دانشگاه‌های جهان همواره اغلب در میان دانشگاه‌های برتر کشور قرار می‌گیرد؛ به‌طوری‌که این دانشگاه در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ در میان دانشگاه‌های جامع کشور رتبه ۵، در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۹ لایدن^۱ در میان دانشگاه‌های کشور در رتبه ۱۰ قرار گرفته است. بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی این دانشگاه نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خود، می‌تواند نمود خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها در دانشگاه‌هایی باشد که از نظر وضعیت علمی و پژوهشی پیشرو هستند. نگارندگان مقاله حاضر قصد دارند در راستای مطالعه خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان به پرسش‌های زیر پاسخ گویند:

۱. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان چگونه است؟



۲. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب گروه‌های عمده آموزشی چگونه است؟
۳. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب مرتبه علمی چگونه است؟
۴. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب سنوات خدمت چگونه است؟
۵. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی چگونه است؟
۶. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب تعداد مقالات منتشرشده در نشریات داخلی و بین‌المللی چگونه است؟
۷. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه چگونه است؟
۸. دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به منابعی که می‌توانند از پژوهش‌های‌ آنها بهره‌مند شوند به چه صورت است؟

۲. چارچوب نظری

اثرگذاری اجتماعی علم در قالب نام‌های مختلفی مانند منافع اجتماعی، فعالیت‌های جریان سوم، کیفیت اجتماعی، ارزش‌های عمومی، انتقال دانش، و ربط اجتماعی (بورنمان، ۲۰۱۳، ۲۱۸) برای نشان دادن و سنجش اثرات اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، سیاسی، فرهنگی، سازمانی، و بهداشتی علم به‌کار می‌رود (جولی و همکاران^۱، ۲۰۱۵، ۴۴۱). سنجش اثرگذاری اجتماعی پژوهش، حوزه‌های است که مورد توجه اکثر پژوهشگران و رشته‌های علمی بوده، و از ماهیت میان‌رشته‌ای قوی برخوردار است. مرور پژوهش‌هایی که به بررسی اثرگذاری اجتماعی علم پرداخته‌اند، نشان می‌دهد روش‌های استفاده‌شده بسیار متنوع بوده، و به نوعی اجماع روش‌شناختی در این حوزه

وجود ندارد. در ادامه به تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه و پشتوانه‌های فکری آنها پرداخته می‌شود.

در برخی از پژوهش‌ها، با تکیه بر پارادایم سنتی سنجش علم، استنادهایی که توسط اسنادی خاص به آثار علمی و پژوهشی صورت می‌گیرد به‌عنوان شاخصی برای اثرگذاری اجتماعی آثار در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، از مستند شدن اثر در پروانه‌های ثبت اختراع، تأثیر آن اثر بر صنعت و از مستند شدن اثر در رهنمودهای بالینی پزشکی، تأثیر آن اثر بر پزشکی استنباط می‌شود. مطالعات صورت گرفته توسط نارین، همیلتون، و اولیواسترو^۱ (۱۹۹۷)، و کوشا و ثلوال^۲ (۲۰۱۵) نمونه‌های از مطالعات هستند که برای سنجش تأثیر پژوهش بر صنعت و به عبارتی بررسی چگونگی انتقال دانش از پژوهش به صنعت، به تحلیل استنادی ثبت اختراعات پرداخته‌اند. در سویی دیگر، گرانت^۳ (۱۹۹۹)، لویسون و سالیوان^۴ (۲۰۰۸)، ثلوال و (۲۰۱۵)، و جونز و هانی^۶ (۲۰۱۶) برای سنجش اثرگذاری آثار علمی و پژوهشی بر پزشکی و یا به عبارتی چگونگی انتقال دانش از پژوهش بالینی به عمل بالینی، به تحلیل استنادی رهنمودهای بالینی پرداخته‌اند. ارزیابی استنادها در ثبت اختراعات و رهنمودهای بالینی چند مزیت دارد: الف) اثرگذاری اجتماعی به شیوه‌های مشابه با اثرگذاری علمی قابل سنجش می‌شود (و بنابراین روش درست ارزیابی داده مهیاست)؛ ب) این حقیقت که آنها با استناد سروکار دارند، به این معناست که داده‌های غیرکنشی، نسبتاً عینی، و گسترده مهیا هستند؛ و ج) ثبت اختراعات و رهنمودها برای ارزیابی به شکلی نسبتاً آزادانه قابل دسترس هستند و در مقایسه با سایر انواع داده‌ها، با یک تلاش منطقی قابل ارزیابی هستند. مشکل استفاده از روش تحلیل استنادی ثبت اختراعات و رهنمودهای بالینی برای سنجش اثرگذاری اجتماعی علم این هست که طیف موضوعات قابل بررسی با این روش به حوزه‌های پژوهشی خاصی محدود می‌شود و بررسی بسیاری از حوزه‌ها با این روش میسر نیست (بورنمان، ۲۰۱۳، ۲۱۹).



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

1. Narin, Hamilton, & Olivastro
2. Kousha and Thelwall
3. Grant
4. Lewison & Sullivan
5. Thelwall and Maflahi
6. Jones & Honey



دست‌های از مطالعات به‌منظور ارزیابی اثرگذاری پژوهش شامل اثرات علمی و اجتماعی، در جهت توسعه شاخص‌ها و روش‌های جدید گام برداشته‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین رویکردهای توسعه‌یافته در این زمینه به چارچوب بازپرداخت^۱ معروف است. این چارچوب در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در دانشگاه برونل انگلستان برای حوزه پژوهش و توسعه به‌داشت ارائه شد، اما در سال‌های اخیر در طیف وسیعی از سایر حوزه‌های موضوعی مورد استفاده قرار گرفته است که پژوهش کلوترز و همکاران^۲ (۲۰۱۱) یک نمونه از آنهاست. چارچوب بازپرداخت در مورد تأثیر پژوهشی یک واحد به گردآوری داده‌ها پرداخته و تحلیل‌های موردی مقایسه‌ای را تسهیل می‌کند. در این چارچوب، منافع پژوهش در پنج مقوله کلی قرار داده شده، و سپس برای هر یک از مقوله‌های کلی شاخص‌هایی عملیاتی تعیین شده است. پنج مقوله کلی عبارت‌اند از: الف) تولید دانش؛ ب) منافع پژوهش برای پژوهش‌های آتی و ایجاد ظرفیت؛ ج) اطلاع‌بخشی در خط‌مشی و توسعه محصول؛ د) منافع پژوهش برای بخش به‌داشت؛ و هـ) منافع گسترده اقتصادی و اجتماعی (باکستون و هانی^۳، ۱۹۹۴). از دیگر رویکردهای مهم ارائه‌شده برای سنجش اثرگذاری اجتماعی، رویکرد «تعاملات سودمند»^۴ است که توسط اسپاین و وان‌دروگ^۵ (۲۰۱۱) ارائه شده است. اثرات حاصل شده از کارهای علمی و پژوهشی، معمولاً از ترکیب چندین پروژه پژوهشی، یافته‌های قبلی، و تجارب حرفه‌مندان نشئت می‌گیرند. بنابراین در ارزیابی‌های گذشته نگر لازم هست که عمل انتساب اثرات به پژوهش‌ها صورت گیرد که کاری دشوار بوده و از چالش‌های اساسی سنجش اثرگذاری اجتماعی علم می‌باشد. رویکرد «تعاملات سودمند»، مسئله «انتساب اثر به پژوهش» را به «مشارکت پژوهش در ایجاد اثر» تبدیل نموده، و به‌نوعی مشکل انتساب را تسکین داده است. در این رویکرد فرض می‌شود پژوهشی که با تعامل سودمند ذی‌نفعان و فاعلان پژوهش

1. Payback framework
2. Klautzer et al.
3. Buxton & Hanney
4. Productive interactions
5. Spaapen & van Drooge



صورت گیرد، احتمالاً اثرگذاری اجتماعی بیشتری خواهد داشت. بنابراین، ارزیابان به جای تمرکز بر آخر پژوهش، بر روی فرایند پژوهش متمرکز می‌شوند تا درک بهتری از اثرات پژوهش حاصل کنند.

در سال‌های اخیر، شاخص‌های جدیدی ظاهر شده‌اند که از آنها با عنوان آلت‌متریکس^۱ (شاخص‌های جایگزین) یاد می‌شود (پرایم، تارابورلی، گراث، و نیلون^۲، ۲۰۱۰). آلت‌متریکس بر میزان انعکاس اثر پژوهشی در بستر شبکه‌های اجتماعی تمرکز نموده و از آن برای توصیف میزان اثرگذاری پژوهش استفاده می‌کند. بدین ترتیب که تعداد بازدیدها، دانلودها، کلیک‌ها، یادداشت‌ها، ذخیره‌ها، توییت‌ها، اشتراک‌گذاری‌ها، پسندها، توصیه‌ها، برچسب‌ها، پست‌ها، بحث‌ها، نشانه‌گذاری‌ها، و نظرات مرتبط با آثار پژوهشی شمرده شده، و آثار بر مبنای آن رتبه‌بندی می‌شوند. استفاده از آلت‌متریکس برای سنجش اثرگذاری اجتماعی علم، از آن جهت به تحلیل استنادی رهنمودهای بالینی و ثبت اختراعات شباهت دارد که هر دو بر داده‌های عینی اتکاء دارند. اما اینکه انعکاس گسترده در شبکه‌های اجتماعی نشان‌گر اثرگذاری اجتماعی بالای اثر باشد، امری هست که به بحث و بررسی بیشتر نیاز دارد. در این راستا، بورنمان (۲۰۱۵، ۷۷۸) بیان می‌کند که داده‌های آلت‌متریکس صرفاً به بستر رسانه‌های اجتماعی محدود نمانده و میزان انعکاس آثار علمی در سایر اسناد مانند خط‌مشی‌های دولتی و منابع دیگر را نیز نشان می‌دهد. بنابراین آلت‌متریکس می‌تواند منبع مفیدی برای سنجش تأثیر پژوهش بر روی سیاست‌گذاری، یکی از جنبه‌های اثرگذاری اجتماعی علم، باشد. افزودن شدن چنین جنبه‌هایی به آلت‌متریکس، قابلیت آن را در امر سنجش اثرگذاری اجتماعی علم بالاتر خواهد برد.

برای سنجش شاخص‌های اثرگذاری علمی و اجتماعی، که برای نمونه در چارچوب بازپرداخت و مدل تعاملات سودمند ارائه شده‌اند، روش‌های مختلفی وجود دارد. روش پیمایشی یکی از متداول‌ترین این روش‌هاست. اینکه پژوهش تا چه میزان در میان ذی‌نفعان مربوط مورد استفاده قرار گرفته و برای آنها مفید است؟ ذی‌نفعان به چه میزانی از پژوهش

1. Altmetrics

2. Prm, Taraborelli, Groth, & Neylon



سود برده‌اند یا به چه میزانی انتظار سود دارند؟ چنین پیمایش‌هایی برای ارزیابی اثرات فرادانشگاهی پژوهش‌های کاربردی از دیدگاه کاربران مستقیم قابل اجراست، اما پیاده‌سازی آن برای ارزیابی اثرات فرادانشگاهی پژوهش‌های بنیادی که کاربران تعریف شده‌ای ندارند، دشوارتر است. بنابراین چالش اصلی، شناسایی کاربران بالقوه و همچنین توانایی کاربران نهایی در امر شناسایی پژوهشی است که به‌طور بالقوه از آن سود می‌برند. نگرانی دیگر این است که کاربران مستقیم ممکن است به حوزه پژوهشی خاصی علاقه داشته و برای ایجاب مسئولان به تأمین بودجه بیشتر برای آن حوزه، در بیان اثرات آن مبالغه کنند (لانگفلد و اسکورداتو^۱، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، اگر چه روش پیمایشی به‌ندرت مزایای پیش‌گفته در مورد ثبت اختراعات و رهنمودها را دارد، لیکن طیف موضوعاتی که پیمایش‌ها ما را قادر می‌سازد به آنها پردازیم، از طیف موضوعاتی که ثبت اختراعات و رهنمودها ما را قادر به بررسی آنها می‌کند، بیشتر بوده، و پیمایش‌ها بسیار انعطاف‌پذیر هستند (بورنمان، ۲۰۱۳، ۲۲۵). مطالعات مانزفیلد^۲ (۱۹۹۱)، و بیس و استال^۳ (۱۹۹۹) از جمله مشهورترین پژوهش‌هایی هستند که به ارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش از دیدگاه ذی‌نفعان پرداخته‌اند. البته شایان ذکر است که در امر سنجش اثرگذاری اجتماعی علم، روش پیمایشی صرفاً به نظرسنجی از ذی‌نفعان نمی‌پردازد، بلکه در مواردی نظرات خود پژوهشگران در ارتباط با اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌شان مورد پیمایش قرار گرفته‌اند. از جمله می‌توان به مطالعات صورت‌گرفته توسط نانسون و همکاران^۴ (۲۰۱۱) و کلوتزر و همکاران (۲۰۱۱) اشاره کرد.

۳. پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد اثرگذاری اجتماعی علم یکی از موضوعات مورد توجه میان پژوهشگران خارجی و داخلی در حوزه علم‌سنجی و جامعه‌شناسی علم بوده است. ابتدا

1. Langfeldt & Scordato
2. Mansfield
3. Beise & Stah
4. Nason et al.

تعدادی از پژوهش‌های انجام‌یافته در خارج کشور و سپس آثاری از پژوهشگران داخلی مرور می‌شود.

نایدرکروتنتالر، دورنر، و مایر^۱ (۲۰۱۱) یک ابزار عملی را برای اندازه‌گیری تأثیر انتشارات بر روی جامعه معرفی کردند که بر مبنای مطالعه گروه کانونی متشکل از ۲۴ دانشمند زیست‌پزشکی دانشگاه پزشکی وین از ماه می ۲۰۰۸ تا ماه می ۲۰۰۹ استوار است. ارزیابی ابزار از لحاظ پذیرش، ارتباط و عملی بودن به نتایج قابل قبولی منجر شد. آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که عامل تأثیر اجتماعی نه تنها باید اثر انتشار در مجموعه وسیعی از زمینه‌های غیر علمی را مورد توجه قرار دهد، بلکه انگیزه انتشار و تلاش‌های نویسندگان برای ترجمه یافته‌های خود به نیازهای عموم جامعه را نیز در نظر بگیرد.

بورنمان (۲۰۱۳) در مقال‌های تحت عنوان «اثرگذاری اجتماعی پژوهش چیست و چگونه می‌توان آن را ارزیابی کرد؟» به بررسی مروری موضوع اثرگذاری اجتماعی پژوهش با توجه به انتشارات موجود تا پایان ۲۰۱۱ پرداخته است. وی با اجرای یک جست‌وجوی سیستماتیک تمامی انواع مدارک شامل مقالات مجلات، تک‌نگاشت‌ها، گزارش‌ها و سایر انواع مدارک از پایگاه اطلاعاتی وب آو ساینس، اسکوپوس و موتورهای جست‌وجوی اینترنتی آن ارزیابی کرده و حدود ۱۰۰ مدرک را مورد بررسی قرار داده است. مطالعه مروری وی نشان می‌دهد در امر ارزیابی پژوهش، ارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش می‌تواند مکملی برای روش‌های سنجش اثرگذاری علمی جهت ارزیابی پژوهش باشد.

بورنمان و مارکس^۲ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان «اثرگذاری پژوهش در جامعه چگونه باید ایجاد و اندازه‌گیری شود؟ پیشنهاد یک رویکرد ساده و عملی که امکان مقایسه بین‌رشته‌ای را فراهم می‌آورد» بیان می‌کنند مطالعاتی که وضعیت پژوهش‌ها در یک موضوع معین را خلاصه می‌کنند بازنمون دانشی هستند که توسط جامعه قابل درک است. این گزارش‌ها زمانی به عنوان آثار اثرگذار اجتماعی شناخته می‌شوند که در اسنادی مانند گزارش‌های دولتی منعکس شوند.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

1. Niederkrotenthaler, Dorner, & Maier

2. Marx



بورنمان، هانشیلد^۱، و مارکس (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اسناد خط‌مشی به عنوان منبع سنجش اثرگذاری اجتماعی: پژوهش‌های حوزه تغییرات آب‌وهوا در اسناد خط‌مشی به چه میزان ذکر شده است؟» انتشارات حوزه موضوعی تغییرات آب‌وهوایی را از نظر حضور خط‌مشی‌گذاری، یکی از زیرمؤلفه‌های شاخص دگرسنجی هر مدرک است. آنها پی بردند که ۱/۲ درصد از انتشارات حوزه مذکور در اسناد خط‌مشی ذکر شده‌اند. همچنین، مدارک منتشر شده در مجلات نیچر و ساینس، و حوزه‌های موضوعی زمین و علوم محیطی، و جغرافیای اجتماعی و اقتصادی در اسناد خط‌مشی بیشتر ظاهر شده‌اند. پژوهشگران بیان می‌کنند داده‌های دگرسنجی صرفاً به بستر رسانه‌های اجتماعی محدود نمانده و میزان انعکاس آثار علمی در سایر اسناد مانند خط‌مشی‌های دولتی و منابع دیگر را نیز نشان می‌دهد. افزوده‌شدن چنین جنبه‌هایی به دگرسنجی، قابلیت آن را در امر سنجش اثرگذاری اجتماعی علم بالاتر خواهد برد.

مولاس گالرت، دست، لویس، و رافلز^۲ (۲۰۱۶) در مقال‌های با عنوان «به سوی چارچوبی جایگزین برای ارزیابی پژوهش‌های انتقالی» به این تصور عمومی که بسیاری از نتایج پژوهش‌های زیست‌پزشکی در درمان‌های پزشکی و بهبود مراقبت‌های بهداشتی نقشی ندارند، اشاره می‌کنند. آنها بیان می‌کنند طیف گسترده‌ای از اقدامات شکل گرفته است که هدف آن تسهیل تبدیل «اکتشافات علمی» به برنامه‌ها و رویه‌های سودمند است؛ اقداماتی که با عنوان «پژوهش‌های انتقالی»^۳ شناخته شده‌اند. با رواج چنین اقداماتی، در مورد استراتژی‌ها و رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های انتقالی، و نوع فعالیت‌هایی که باید پژوهش انتقالی در نظر گرفته شوند مباحثات گوناگونی صورت گرفته است. بنابراین، این پژوهشگران ضمن ارائه تصویر کلی از رویکردهای ارزیابی پژوهش‌های انتقالی، رویکرد جایگزینی را برای ارزیابی این اقدامات پیشنهاد می‌کنند که هم می‌تواند در ارزیابی آنها و هم در شکل‌گیری آینده برنامه‌های انتقالی پیامدهایی را به دنبال داشته باشد.

1. Haunschild

2. Molas-Gallart, D'Este, Llopis, & Rafols

3. Translational Research



وایس هون، هلمینگ، و فرتی^۱ (۲۰۱۷) با هدف شناسایی چگونگی ارزیابی اثرگذاری پژوهش‌های حوزه کشاورزی و همچنین انواع اثرگذاری‌های مورد توجه در این حوزه، ۱۷۱ مقاله منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۶ را که به ارزیابی اثرگذاری پژوهش‌های کشاورزی پرداخته بودند، مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آنها نشان داد ۵۶ درصد از این پژوهش‌ها، اثرگذاری اقتصادی و ۴۲ درصد آنها اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های حوزه کشاورزی را مورد توجه قرار داده‌اند و تنها ۲ درصد آنها به اثرات زیست محیطی پژوهش‌ها پرداخته بودند. همچنین آنها پی بردند که در پژوهش‌های مورد بررسی، برای سنجش اثرگذاری اقتصادی غالباً از روش‌های کمی و برای سنجش اثرگذاری اجتماعی غالباً از روش‌های کیفی استفاده شده است.

فیلیپس، موتینهو، و گودینهو^۲ (۲۰۱۷) با هدف درک اثرگذاری اجتماعی و تجاری تحقیقات دانشگاهی، پژوهشی را تحت عنوان «توسعه و آزمایش یک روش برای اندازه‌گیری اثرگذاری اجتماعی تحقیقات دانشگاهی» انجام داده‌اند. آنها «شاخص قدرت دانشگاهی و ارتباط با نیازهای جامعه»^۳ را برای اندازه‌گیری اثرگذاری اجتماعی مقالات پیشنهاد داده و آن را با استفاده از مدل شبیه‌سازی مونت کارلو^۴ مورد ارزیابی قرار دادند. از آنجایی که شاخص مذکور توانست مقالاتی را که از نظر قدرت دانشگاهی و ارتباط با نیازهای جامعه در سطوح مختلفی قرار داشتند تمیز کند، پژوهشگران نتیجه گرفتند که این شاخص ابزار اثربخشی برای اندازه‌گیری اثرگذاری اجتماعی مقالات است،

سولانس-دومنک، ام وی پانز، آدام، گراو، و آیمریک^۵ (۲۰۱۹) عنوان می‌کنند روش پیمایشی یکی از روش‌های رایج برای سنجش اثرگذاری پژوهش است. بنابراین برای اندازه‌گیری میزان اثرگذاری پژوهش شامل اثرات دانشگاهی و اثرات گسترده به ساخت و اعتباریابی ابزار پرسشنامه‌های پرداختند. پرسشنامه ساخته شده توسط آنها که ابعاد مختلف اثرگذاری

1. Weißhuhn, Helming, & Ferretti

2. Phillips, Moutinho, & Godinho

3. Academic Rigour and Relevance Index (AR2I)

4. Monte Carlo method

5. Solans-Dome`nech, MV Pons, Adam, Grau, & Aymerich

شامل تولید دانش، ظرفیت‌سازی، استفاده در خط‌مشی، مزایای اقتصادی، و مزایای اجتماعی را در بردارد، از نظر ثبات درونی و روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفته است.

آثار مختلفی در زمینه ارزیابی اثرگذاری اجتماعی علم در ایران منتشر شده است که هر کدام از زاویه خاصی به این موضوع پرداخته‌اند. احمدی، رسول‌زاده اقدم، و محمدی فر (۱۳۹۱) به مطالعه موانع و راهکارهای کاربرست یافته‌های تحقیقاتی علوم انسانی پرداختند. نتایج پژوهش آنها، که به صورت پیمایشی در میان اعضای هیئت علمی گروه های علوم انسانی صورت گرفت، نشان داد چهار شاخص ویژگی‌های پذیرنده بالقوه، ویژگی‌های سازمان، ویژگی‌های پژوهش، و ویژگی‌های ارتباطی اثرات معناداری بر عدم کاربرست یافته‌های پژوهشی حوزه علوم انسانی داشته‌اند.

باب‌الحوائجی و همکاران (۱۳۹۲) ابزار خودارزیابی ترجمان دانش را برای پژوهشگران علوم انسانی تدوین کرده‌اند. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسی بوده و ابزار مورد استفاده در آن، مصاحبه نیمه طراحی شده بود. اصول مورد نیاز و همچنین حلقه‌های واسط از «تولید دانش» تا «استفاده از دانش» در این تحقیق تبیین شده‌است که از طریق آنها می‌توان با فواصل موجود بین «استفاده از دانش منتج از پژوهش» و «تولید دانش» آشنا شد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۴) وضعیت ترجمان دانش در دانشگاه علوم پزشکی قزوین را از دیدگاه اعضای هیئت علمی مورد بررسی قرار داده‌اند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه ترجمان دانش بوده که روایی صوری و محتوایی سؤالات بعد از تکمیل توسط ۲۰ تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین تأیید و پایایی آن نیز از طریق بررسی همبستگی درونی سؤالات هر بخش پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ محاسبه گردیده است. نتایج این پژوهش نشان داد، وضعیت ترجمان دانش در دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه اعضای هیئت علمی تا وضعیت مطلوب فاصله داشته و یافته‌های پژوهش‌ها، کمتر به زبان مخاطبان ترجمه شده است.

بررسی روش‌ها، شاخص‌ها و چالش‌های سنجش اثرگذاری اجتماعی علم در سال ۱۳۹۵ توسط عطاپور انجام یافته است. ایشان ابتدا جایگاه اثرگذاری اجتماعی در نظام سایبرنتیک علم و فناوری را بیان می‌کند و سپس روش‌های سنجش اثرگذاری اجتماعی به





همراه نقاط ضعف و قوت هرکدام را تشریح کرده‌است. وی در این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که حوزه سنجش اثرگذاری اجتماعی علم دچار پراکندگی روش‌شناختی است و شاخص‌هایی که معادل شاخص‌های سنتی ارزیابی علم باشد در این حوزه هنوز شکل نگرفته‌اند.

تاج‌الدینی، اعظمی و موسوی (۱۳۹۵) مراحل تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران را بررسی، و الگوی تجربی برای آن ارائه نموده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده و برای مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعیین رابطه علی بین متغیرها و ارائه الگوی مناسب از نرم‌افزارهای لیزرل و اسپاس اس استفاده شده است. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد از دیدگاه اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی کشور، وضعیت تبدیل ایده به پدیده در رشته‌های علوم انسانی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

عظیمی، صنعت‌جو، دیانی، و فتاحی (۱۳۹۶) اثربخشی ترجمه دانش در حوزه علوم پزشکی با استفاده از روش سنتز موضوعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها برای معرفی ابعاد ترجمه دانش، از منابع مستند موجود و نظرات تنی چند از پژوهشگران بین‌المللی این حوزه بهره گرفته و برای بررسی اثربخشی، علاوه بر نظر متخصصان، از یکی از روش‌های سنتز دانش با عنوان مرور دامن‌های استفاده کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که ترجمه دانش در برخی کشورهای غربی نظیر کانادا و آمریکا و اخیراً در ایران با استقبال مواجه شده است. اگرچه ادعا می‌شود که در زمینه ترجمه دانش سرمایه‌گذاری لازم انجام نشده (به‌جز حوزه سیاست‌گذاری)، اثربخشی آن بر متخصصان و عامه مردم مثبت ارزیابی می‌شود.

احسانی، اعظمی، نجفی، و سهیلی (۱۳۹۶ الف) با استفاده از آمار و داده‌های ثانویه و در قالب روش تحلیلی توصیفی، تحلیل استنادی برون‌دادهای پژوهشی ایران، قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های علمی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس داده‌های موجود در پایگاه‌های استنادی معتبر (تامسون روتیز، اسکوپوس، سایمگو و علوم جهان اسلام)، عدد و رتبه کشور بر اساس شاخص‌های متنوع استنادی استخراج و محاسبه گردید. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده کیفیت ضعیف و نزولی مجموعه پژوهش‌های کشور است. به‌طوری‌که، به‌رغم رشد چشمگیر کمیت پژوهش‌های کشور در سه دهه اخیر، این پژوهش‌ها از قابلیت اثرگذاری اندک و کاهنده‌ای برخوردار بوده‌اند.



قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های فزاینده ایران بر توسعه کشور توسط احسانی و همکاران (۱۳۹۶ب) مطالعه شده است. یافته‌های پژوهش آنها حکایت از آن دارد که پژوهش‌های فزاینده ایران طی چند دهه اخیر قابلیت اثرگذاری بسیار پایینی بر توسعه جامعه داشته‌اند و بنابراین، علت اصلی عدم اثربخشی یا اثربخشی ضعیف آنها را نمی‌توان برخی عوامل بیرونی دانست. همچنین، تمایل بسیار اندک بخش خصوصی کشور به عنوان مجموع‌های سودمدار برای مشارکت در امر پژوهش (چه از لحاظ سرمایه‌گذاری و چه از لحاظ جذب پژوهشگر) نشان می‌دهد که پژوهش‌های کشور قابلیت اثرگذاری چندانی در کسب‌وکار ایشان نداشته و ندارند.

صدیقی (۱۳۹۷) با روش دگرسنجی به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در ارزیابی میزان تأثیر پژوهش‌های حوزه موضوعی علم‌سنجی پرداخته است. ایشان اطلاعات مقالات و مستندات منتشر شده در دو نشریه ساینتومتریکس و اینفورمتریکس در بازه زمانی پنج‌ساله ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ میلادی را از پایگاه‌های اطلاعاتی منتشرکننده این مجلات استخراج و همچنین، برای گردآوری داده‌های پژوهش از پایگاه اطلاعاتی آلتومتریکس و ابزار بوکمارکلت آلتومتریکس استفاده کرده است. علاوه بر تعیین مقالات برتر حوزه علم‌سنجی بر مبنای نمرات دگرسنجی آنها، حضور مقالات ایرانی این حوزه در رسانه‌های اجتماعی مختلف و میزان تأثیر آنها نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. او به منظور بررسی رابطه میان حضور مقاله‌های بین‌المللی حوزه علم‌سنجی در رسانه‌های اجتماعی و عملکرد استنادی این مقاله‌ها، از آزمون‌های همبستگی استفاده کرده است. یافته‌ها بیانگر وجود رابطه آماری معنادار، مثبت و در عین حال ضعیف میان تعداد استنادات مقالات حوزه علم‌سنجی در دو نشریه مورد مطالعه و نمره دگرسنجی این مقالات است. اما در این پژوهش رابطه آماری معناداری میان تعداد استنادهای دریافتی مقالات و تعداد خوانندگان آنها در شبکه اجتماعی نوپتر مشاهده نشد. در مجموع، یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که برخی رسانه‌های اجتماعی و شاخص‌های آنها می‌توانند همانند استنادها بازنمودی از اثرگذاری مقالات علمی باشند. با این حال، با توجه به قوی نبودن ضرایب همبستگی، جایگزینی این دو دسته شاخص توصیه نمی‌شود، بلکه می‌توان از شاخص‌های دگرسنجی به عنوان مکمل شاخص‌های استنادی در ارزیابی پژوهش و محاسبه میزان تأثیر علمی بهره برد.



مرور روش‌ها و شاخص‌های پیشنهاد شده برای سنجش اثرگذاری اجتماعی علم، نشان می‌دهد شاخص‌هایی که معادل شاخص‌های سنتی ارزیابی علم و فناوری باشند در این حوزه توسعه نیافته‌اند. امری که نشان می‌دهد سنجش اثرگذاری اجتماعی علم بسیار دشوارتر از سنجش اثرگذاری علمی می‌باشد. از این رو، برخلاف مطالعات علم‌سنجی که با استفاده از شاخص‌های عینی، حجم زیادی از پژوهش‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، پژوهش‌های سنجش اثرگذاری اجتماعی علمی عمدتاً بر روی تعداد بسیار محدودی از پژوهش‌ها و در مقیاس کوچک صورت می‌گیرد. روش‌های مختلفی برای بررسی اثرات اجتماعی علم مطرح شده‌اند. از آن جمله می‌توان سه رویکرد روش‌شناسی غالب را در حوزه مذکور شناسایی کرد. این سه رویکرد شامل روش‌های استنادی، مطالعات پیمایشی و مطالعات موردی است. اغلب مطالعات سنجش اثرات اجتماعی علم در ذیل یک یا ترکیبی از رویکردهای پیش‌گفته جای می‌گیرند. این پژوهش قصد دارد با استفاده از روش پیمایشی، دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز را نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های دانشگاهی‌شان مورد بررسی قرار دهد، امری که این مطالعه را از سایر مطالعات داخلی انجام‌شده در این حوزه متمایز می‌کند.

۴. روش پژوهش

در این تحقیق خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان با رویکرد کمی و به روش پیمایشی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه پژوهش در این تحقیق اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز بودند که در زمان انجام پژوهش تعداد آنها برابر با ۷۶۵ بود. بر اساس مطالعات حافظ‌نیا (۱۳۹۶)، پژوهشگر می‌تواند با در نظر گرفتن عوامل مختلف مانند امکانات، مقدمات و زمان، و با استفاده از تخمین شخصی، درصد معینی از جامعه را به‌عنوان نمونه انتخاب کند. در چنین شرایطی هر چه اندازه جامعه بزرگتر باشد درصد انتخابی برای نمونه کوچکتر، و هر چه اندازه جامعه کوچکتر باشد درصد انتخابی برای نمونه بزرگتر خواهد بود. بدین ترتیب، ۲۰ درصد از کل اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. در کل،

تعداد ۱۵۳ نفر از کل اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز در تکمیل پرسشنامه این پژوهش مشارکت داشتند. حداقل حجم نمونه برای پژوهش‌های توصیفی ۱۰۰ است (همان) که حجم نمونه مطالعه حاضر آن را احراز می‌کند. نمونه آماری با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبق‌های نسبتی انتخاب شد. در این روش، نمونه آماری طوری انتخاب می‌شود که زیرگروه‌ها با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند به‌عنوان نماینده جامعه در نمونه آماری نیز حضور داشته باشند. بنابراین، حجم نمونه گروه‌های عمده آموزشی شامل فنی و مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه و کشاورزی با توجه به نسبت اعضای هیئت علمی شان در کل جامعه تعیین گردید.

برای گردآوری داده‌های این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است. در ارتباط با روایی ابزار که بر میزان جامعیت و مرتبط بودن متغیرهای سنجش اثرگذاری اجتماعی دلالت دارد، گفتنی است که پرسشنامه این پژوهش بر مبنای ابزار معرفی شده در مقاله نایدروکروتننالر و همکاران (۲۰۱۱) استوار شده و همچنین روایی صوری و محتوایی آن توسط ۴ نفر از متخصصین حوزه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آزمون-بازآزمون استفاده گردید. بر این اساس یک هفته بعد از گردآوری داده‌ها، پرسشنامه پژوهش مجدداً بین ۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده در پژوهش توزیع شد. نتیجه آزمون همبستگی بین نتایج گردآوری اولیه با گردآوری ثانویه داده‌ها نشان داد که میزان همبستگی نتایج برابر با ۰/۹۳ است. در نتیجه می‌توان گفت داده‌های گردآوری‌شده از پایایی برخوردارند.

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، به‌طور مشخص از سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، کمیت برون‌دادهای پژوهشی، و سؤالات مربوط به نمره اثرگذاری اجتماعی تشکیل شده است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، بخش مربوط به پیمایش نمره اثرگذاری اجتماعی برگرفته از ابزار ایجاد شده توسط نایدروکروتننالر، دورنر و مایر (۲۰۱۱) است. ابزار آنها در صدد سنجش ۳ معیار است: ۱) هدف از انتشار که شامل کسب دانش، کاربرد دانش، و افزایش آگاهی است؛ ۲) تلاش‌های صورت‌گرفته از سوی پژوهشگر برای





انتقال نتایج پژوهش به جامعه؛ ۳) سطح انتقال نتایج شامل سطح جغرافیایی انتقال نتایج پژوهش (منطقه‌ای، ملی، و بین‌المللی)، وضعیت انتقال نتایج پژوهش (مقدماتی و دائمی)، و گروه هدف انتقال نتایج پژوهش (افراد، بخشی از جامعه، همه جامعه). این معیارها و شاخص‌ها به صورت سؤالاتی که در جدول ۱ آمده، صورت‌بندی شدند. مطابق جدول شماره (۱) به گزینه‌های سؤالات مربوط به سنجش اثرگذاری اجتماعی نمرهای اختصاص یافت که با جمع کردن این نمرات حداقل و حداکثر نمره خودارزیابی هر فرد به ترتیب برابر با سه و چهارده می‌شود. در قسمت یافته‌های پژوهش، نمرات خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش برای آن دسته از اعضای نمونه وارد پژوهش گردید که به تمامی سؤالات این بخش پاسخ داده بودند. تعداد این اعضا ۹۰ نفر بود.

جدول ۱. نمره اثرگذاری اجتماعی پژوهش با توجه به سؤالات مربوط به سنجش اثرگذاری اجتماعی

سؤال	گزینه‌ها	نمره اثرگذاری اجتماعی
کاربردی کردن نتایج پژوهش شما برای جامعه در چه سطحی روی داده است؟	روستایی، شهری یا استانی	۱
	منطقه‌ای	۲
	ملی	۳
	بین‌المللی	۴
نتایج پژوهش شما در چه سطحی مورد استفاده قرار گرفته است؟	مرحله مقدماتی (بخشی از یک فرایند، جزئی از محصول...)	۱
	مرحله دائمی (یک فرایند کامل، یک محصول نهایی...)	۲
کاربردی کردن نتایج پژوهش شما برای خدمت به کدام دسته از افراد صورت گرفته است؟	افراد خاص	۱
	گروه خاص	۲
	کل جامعه	۳
ضمن پیشبرد مرزهای دانش آیا کاربرد دانش و یا افزایش آگاهی جامعه جزء اهداف پژوهشی شما است؟	بلی	۱
	خیر	۰
در ارتباط با یافته‌های پژوهش خود مصاحبه مطبوعاتی انجام داده اید؟	بلی	۱
	خیر	۰
در ارتباط با یافته‌های پژوهش خود با رادیو و تلویزیون مصاحبه کرده اید؟	بلی	۱
	خیر	۰
یافته‌های پژوهش خود را در رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و توییتر به اشتراک گذاشته اید؟	بلی	۱
	خیر	۰
یافته‌های پژوهشی خود را در مجامعی که مخاطب آن عموم مردم باشند، ارائه کرده اید؟	بلی	۱
	خیر	۰

۵. یافته‌های پژوهش

براساس مطالعات انجام‌شده به پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای مقاله پاسخ داده می‌شود. پرسش اول: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان چگونه است؟

جدول ۲. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان

کمترین نمره اثرگذاری	بیشترین نمره اثرگذاری	تعداد پاسخ دهندگان	جمع نمرات اثرگذاری	میانگین نمره برای هر عضو	حد پایین	حد بالا
۳	۱۴	۹۰	۸۷۵	۸/۷۲	۸/۲۹	۹/۱۵

همان‌طورکه از داده‌های جدول فوق پیداست کمترین و بیشترین نمره گزارش‌شده از سوی اعضای هیئت علمی برای اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان به ترتیب برابر با ۳ و ۱۴ است. میانگین نمرات خودارزیابی اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده در پژوهش برابر با ۸/۷۲ و در حد متوسط قرار دارد. با حدود اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان در حدفاصل ۸/۲۹ و ۹/۱۵ قرار دارد.

پرسش دوم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب گروه‌های عمده آموزشی چگونه است؟

جدول ۳. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب گروه‌های عمده آموزشی

گروه عمده آموزشی	کمترین نمره اثرگذاری	بیشترین نمره اثرگذاری	تعداد پاسخ دهندگان	جمع نمرات اثرگذاری	میانگین نمره برای هر عضو
علوم پایه	۵	۱۱	۱۳	۱۰۸	۸/۳۰
علوم انسانی	۶	۱۴	۲۷	۲۵۵	۹/۴۴
فنی و مهندسی	۵	۱۲	۲۴	۲۱۸	۹/۰۸
کشاورزی	۴	۱۲	۲۶	۲۰۴	۷/۸۵
کل	---	---	۹۰	۸۷۵	۸/۷۲

میزان خودارزیابی اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی شرکت‌کننده نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بیشتر از سه گروه دیگر آموزشی است. اعضای هیئت علمی گروه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی شرکت‌کننده در پژوهش رتبه‌های بعدی در میزان





اثرگذاری اجتماعی پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. برای بررسی معناداری تفاوت‌های موجود در میان گروه‌های آموزشی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. جدول شماره (۴) نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون آنالیز واریانس برای مقایسه خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی گروه‌های آموزشی

منبع واریانس	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig.
بین گروه‌ها	۳	۱۳/۱۳۴	۳/۳۱۶	۰/۰۲۴

با توجه داده‌های جدول ۴، سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۲۴ بوده و کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه تفاوت‌های موجود بین گروه‌های آموزشی از نظر آماری معنادار است. در نتیجه می‌توان گفت اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی مختلف درک یکسانی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خود ندارند.

پرسش سوم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب مرتبه علمی چگونه است؟

جدول ۵. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر اساس مرتبه علمی

مرتبه علمی	کمترین نمره اثرگذاری	بیشترین نمره اثرگذاری	تعداد پاسخ‌دهندگان	جمع نمرات اثرگذاری	میانگین نمره برای هر عضو
استاد	۵	۱۲	۱۶	۱۵۰	۹/۳۷
دانشیار	۴	۱۴	۳۶	۳۰۸	۸/۵۵
استادیار	۴	۱۳	۳۷	۳۲	۸/۶۷
مربی	۶	۶	۱	۶	۶
کل	-	-	۹۰	۸۷۵	۸/۷۲

همان‌گونه که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد میانگین خودارزیابی اعضای هیئت علمی با درجهٔ استادی، دانشیاری، استادیاری، و مربی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان به ترتیب برابر با ۹/۳۷، ۸/۶۷، ۸/۵۵ و ۶ به دست آمده است. بنابراین، اعضای هیئت علمی با مراتب بالاتر علمی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خودشان را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. برای بررسی معنادار بودن این تفاوت از آزمون آنالیز واریانس استفاده گردید. جدول ۶ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون واریانس برای مقایسه خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها برحسب مرتبه علمی

منبع واریانس	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig.
بین گروه‌ها	۳	۵/۱۰۳	۱/۲۰۳	۰/۳۱۴

با توجه به داده‌های جدول شماره (۶) سطح معناداری آزمون ۰/۳۱۴ بوده و بیشتر از ۰/۰۵ است بنابراین، خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر حسب مرتبه علمی تفاوت معناداری ندارد.

پرسش چهارم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب سنوات خدمت چگونه است؟

بر مبنای پرسشنامه، اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده در پژوهش حاضر از نظر سنوات خدمتی در بازه‌های ۵ ساله گروه‌بندی شده‌اند. با استفاده از داده‌های تحقیق میزان خودارزیابی گروه‌های سنوات خدمتی از اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برآورد شد. نتایج خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر حسب سنوات خدمت در جدول شماره (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب سنوات خدمت اعضای هیئت علمی

سنوات خدمت	نمره کل اثرگذاری	میانگین نمره اثرگذاری
کمتر از ۵ سال	۱۱۰	۸/۴۶۱
۶ تا ۱۰ سال	۲۲۵	۸/۶۵۴
۱۱ تا ۱۵ سال	۱۳۳	۸/۳۱۲
۱۶ تا ۲۰ سال	۱۰۴	۸/۶۶۷
۲۱ تا ۲۵ سال	۱۲۱	۹/۳۰۸
بیشتر از ۲۵ سال	۹۲	۹/۲۰۰

نتایج جدول شماره (۷) نشان می‌دهند که با افزایش سنوات خدمت اعضای هیئت علمی میزان خودارزیابی آنها از اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان نیز افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که اعضای هیئت علمی با سنوات بیشتر از ۲۰ سال خدمت در مقایسه با اعضای هیئت علمی کمتر از ۲۰ سال خدمت، اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان را بیشتر





ارزیابی کرده‌اند. برای بررسی معناداری تفاوت میزان خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان و سنوات خدمت آنها از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول شماره (۸) نشان داده شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون آنالیز واریانس برای مقایسه خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها برحسب سنوات خدمت

منبع واریانس	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig.
بین گروه‌ها	۵	۲/۰۹۳	۰/۴۷۶	۰/۷۹۳

با توجه به داده‌های جدول شماره (۸)، سطح معناداری آزمون آنالیز واریانس ۰/۷۹۳ به دست آمده که بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، از نظر آماری خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر حسب سنوات خدمت آنها تفاوت معناداری ندارد.

پرسش پنجم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر حسب تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی چگونه است؟

برای بررسی خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان بر حسب طرح‌های درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی آنها از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

جدول ۹. نتایج آزمون اسپیرمن برای بررسی رابطه خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان با تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی آنها

تعداد اعضا	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی	۰/۱۱۶	۰/۳۰۳
تعداد طرح‌های برون‌دانشگاهی	۰/۳۱	۰/۰۴

مطابق جدول شماره (۹) مقدار سطح معناداری آزمون اسپیرمن برای طرح‌های درون دانشگاهی بیشتر از ۰/۰۵ و برای طرح‌های برون‌دانشگاهی کمتر از این مقدار است. با وجود اینکه تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی هر عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز با میزان



خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان همبستگی ندارد اما بین تعداد طرح‌های برون‌دانشگاهی و میزان خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه تعداد طرح‌های برون‌دانشگاهی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز بیشتر باشد، میزان خودارزیابی آنها نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان نیز بیشتر است.

پرسش ششم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب تعداد مقالات منتشرشده در نشریات داخلی و بین‌المللی چگونه است؟

برای بررسی رابطه بین خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان با تعداد مقالات منتشر شده در نشریات داخلی و بین‌المللی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون اسپیرمن برای بررسی رابطه خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان با تعداد مقالات منتشر شده در نشریات داخلی و بین‌المللی

تعداد مقالات منتشر شده	تعداد اعضا	ضریب همبستگی	Sig. (2-tailed)
نشریات داخلی	۸۸	۰/۱۴۷	۰/۱۷۲
نشریات بین‌المللی	۸۴	۰/۰۱۶	۰/۸۸۴

داده‌های جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهند، برای هر دو مورد ضریب همبستگی نزدیک به صفر بوده و سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است. لذا می‌توان گفت هیچگونه رابطه معناداری بین تعداد مقالات منتشر شده در نشریات داخلی و بین‌المللی توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز و میزان خودارزیابی آنها نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان وجود ندارد.

پرسش هفتم: خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه چگونه است؟

نتایج خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه در جدول شماره (۱۱) نشان داده شده است.

جدول ۱۱. خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب مسئولیت اجرایی خارج از دانشگاه

مسئولیت اجرایی خارج از دانشگاه	تعداد اعضا	نمره اثرگذاری اجتماعی	میانگین نمره اثرگذاری
بلی	۲۶	۲۴۹	۹/۵۷۷
خیر	۶۰	۴۹۶	۸/۲۶۷

مطابق یافته‌های جدول شماره (۱۱)، تعداد ۲۶ نفر (۳۰/۲۳ درصد) از اعضای هیئت علمی پاسخ‌دهنده به پرسشنامه، مسئولیت اجرایی خارج از دانشگاه داشته‌اند و میانگین میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان را ۹/۵۷۷ ارزیابی کرده‌اند. درحالی‌که تعداد ۶۰ نفر (۶۹/۷۷ درصد) از اعضای هیئت علمی پاسخ‌دهنده که ارتباط کاری با خارج از دانشگاه نداشته‌اند، میانگین میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خودشان را ۸/۲۶۷ ارزیابی کرده‌اند. برای بررسی اینکه آیا خودارزیابی پژوهشگران دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان تحت تأثیر فعالیت اجرایی آنها در خارج از دانشگاه قرار داشته یا نه، از آزمون t استفاده گردید. جدول شماره (۱۲) نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. نتیجه آزمون t برای مقایسه خودارزیابی اعضای هیئت علمی نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان برحسب مسئولیت اجرایی در خارج از دانشگاه

Sig. (2-tailed)	df	t	
۰/۰۰۷	۸۴	-۲/۷۹	با فرض برابر بودن واریانس
۰/۰۰۷	۴۸/۷۵۱	-۲/۸۲	با فرض برابر نبودن واریانس

با توجه به داده‌های به‌دست آمده در جدول شماره (۱۲)، سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۷ بوده که کمتر از ۰/۰۵ است. این امر نشانگر وجود تفاوت معنادار بین خودارزیابی دو گروه نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان است. یعنی اعضای هیئت علمی



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲۴

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

دانشگاه تبریز که ارتباط کاری با خارج از دانشگاه داشته‌اند میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خودشان را نسبت به اعضای که مسئولیت اجرایی خارج از دانشگاه نداشته‌اند، بیشتر ارزیابی کرده‌اند.

پرسش هشتم: دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به منابعی که می‌توانند از پژوهش‌های آنها بهره‌مند شوند به چه صورت است؟

جدول شماره (۱۳) حوزه‌هایی را نشان می‌دهد که از دیدگاه اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده در پژوهش به‌طور بالقوه می‌توانند از نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط آنها بهره‌برداری کنند.

جدول ۱۳. اطلاعات مربوط به حوزه‌هایی که به‌طور بالقوه می‌توانند از نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط پاسخ‌دهندگان بهره‌مند شوند

حوزه‌های بهره‌مند	علوم پایه	علوم انسانی	فنی و مهندسی	کشاورزی	کل
خط‌مشی و سیاست‌گذاری	۶	۳۱	۵	۱۰	۵۲
صنعت	۲۵	۷	۳۴	۹	۷۵
محیط زیست	۱۷	۱۰	۸	۲۶	۶۱
آموزش	۱۴	۲۷	۱۰	۸	۵۹
کشاورزی	۶	۵	۳	۳۰	۴۴
سایر	۱۲	۲۰	۵	۷	۴۴

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز حوزه‌های بالقوه‌ای که می‌توانند از پژوهش‌های آنها بهره‌مند شوند را به ترتیب «صنعت»، «محیط زیست»، «آموزش»، «خط‌مشی و سیاست‌گذاری» و «کشاورزی» بیان کرده‌اند.

اکثر اعضای هیئت علمی گروه فنی و مهندسی به ترتیب حوزه‌های «صنعت» و «آموزش» را به‌عنوان منابع بهره‌مند از پژوهش‌هایشان انتخاب کرده‌اند. منابع بالقوه بهره‌مند از پژوهش‌های اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی حوزه‌های «خط‌مشی و سیاست‌گذاری» و «آموزش» بوده است. در گروه علوم پایه انتخاب بیشتر اعضای هیئت علمی حوزه‌های «صنعت» و «محیط زیست» بوده و در گروه کشاورزی حوزه‌های «کشاورزی» و «محیط زیست» انتخاب اعضای هیئت علمی بوده است. که این انتخاب‌ها



باتوجه به ماهیت رشته‌های تخصصی موجود در گروه‌های عمده آموزشی امری بدیهی و مورد انتظار می‌باشد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نقدهایی که نسبت به افزایش تولیدات علمی دانشگاهیان و عدم توجه به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها وجود دارد، پژوهش حاضر برای بررسی دیدگاه خود پژوهشگران دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهند خود اعضای هیئت علمی نیز اثرگذاری اجتماعی متوسطی برای پژوهش‌های خود قائل هستند. در این راستا، نتایج پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد، وضعیت ترجمان دانش در دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه اعضای هیئت علمی تا وضعیت مطلوب فاصله داشته و یافته‌های پژوهش‌ها، کمتر به زبان مخاطبان ترجمه شده است. همچنین نتایج پژوهش تاج‌الدینی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که از دیدگاه اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم انسانی کشور، کاربردی‌سازی یافته‌های پژوهشی در حوزه علوم انسانی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

براساس نتایج به‌دست آمده، بین خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان و مرتبه علمی آنها ارتباط معناداری وجود ندارد. در کل ارزیابی پژوهشی اعضای هیئت علمی و فرایند ارتقای آنها به‌گون‌های است که کمتر بر اثرات اجتماعی پژوهش‌های آنها تأکید می‌شود. این امر موجب می‌شود اعضای هیئت علمی بیشتر بر روی انتشارات دانشگاهی و پیشبرد مرزهای دانش تمرکز نموده و از توجه به اثرات گسترده پژوهش غافل شوند. امری که در خودارزیابی آنها نیز مشهود است. هرچند اعضای هیئت علمی پس از طی مراحل ارتقا، سعی می‌کنند نسبت به اثرات اجتماعی پژوهش‌ها توجه بیشتری نمایند و خودارزیابی بیشتر اساتید مرتبه بالاتر نیز این چنین نشان می‌دهد، اما این تفاوت‌ها چندان محسوس و معنادار نیست.

در مورد تأثیر تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی هر عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز بر میزان خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان نتایج متفاوتی



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۲۶

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱



به‌دست آمد. به‌طوری‌که تعداد طرح‌های درون‌دانشگاهی روی میزان خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها بی‌تأثیر بوده اما بین تعداد طرح‌های برون‌دانشگاهی و میزان خودارزیابی اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. به نظر می‌رسد طرح‌های درون‌دانشگاهی نیز مانند سایر پژوهش‌های دانشگاهی بر مبنای پیشبرد مرزهای دانش و برون‌دادهای علمی ارزیابی می‌شود، بنابراین اعضای هیئت علمی مجری این‌گونه طرح‌ها بیشتر از اثرات اجتماعی پژوهش‌ها به شانس انتشار نتایج مستخرج از طرح‌ها توجه می‌کنند. بدین ترتیب، تعداد طرح‌های پژوهشی درون‌دانشگاهی در خودارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های شان تأثیری نگذاشته است. در مورد حصول نتیجه متفاوت برای طرح‌های برون‌دانشگاهی می‌توان چنین بیان کرد که این‌گونه طرح‌های پژوهشی به مسائل و موضوعاتی می‌پردازند که سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با صنعت و جامعه با آنها مواجه هستند. بنابراین اعضای هیئت علمی مجری این‌گونه طرح‌ها، هنگام اجرای پژوهش‌ها با مسائل واقعی جامعه بیشتر درگیر شده، و هنگام ارزیابی، اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان را بیشتر از سایر اعضای هیئت علمی ارزیابی می‌کنند. پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۱) یکی از موانع کاربرست یافته‌های پژوهشی را ویژگی‌های سازمان عنوان می‌کنند که در بردارندهٔ مقوله‌هایی مانند عدم تناسب پژوهش‌ها با مشکلات سازمان‌ها و اولویت‌های پژوهشی آنهاست. می‌توان گفت طرح‌های برون‌دانشگاهی که معمولاً در قالب قراردادهای پژوهشی با سازمان‌ها انجام می‌شود تا حدود زیادی این مشکل را ندارند. بنابراین، مجریان چنین طرح‌هایی برآورد بهتری نسبت به کاربرست و اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خود دارند.

نتایج نشان داد رابطه معناداری بین تعداد مقالات منتشر شده در نشریات داخلی و بین‌المللی توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز و میزان خودارزیابی آنها نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های‌شان وجود ندارد. در این راستا، نتایج پژوهش احسانی و همکاران (۱۳۹۶ الف و ب) نشان می‌دهد به‌رغم رشد چشمگیر کمیت پژوهش‌های کشور در سه دهه‌ی اخیر، این پژوهش‌ها از قابلیت اثرگذاری اندک و کاهنده‌ای برخوردار بوده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که خود اعضای هیئت علمی نیز انتشار مقالات در



مجلات داخلی و بین‌المللی را در مسیری متفاوت از اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها می‌نگرند و انتشار مقالات بیشتر بر ارزیابی آنها نسبت به اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های شان تأثیری نگذاشته است. البته بی‌توجهی نهادها و سازمان‌هایی که می‌توانند از نتایج پژوهش‌های منتشرشده به صورت مقاله در مجلات علمی بهره‌مند شوند، یکی دیگر از دلایلی است که اعضای هیئت علمی تعداد بیشتر مقالات منتشرشده در مجلات را با اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها مرتبط نمی‌دانند.

اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز که ارتباط کاری با خارج از دانشگاه داشته‌اند میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خودشان را نسبت به اعضایی که مسئولیت اجرایی خارج از دانشگاه نداشته‌اند، بیشتر ارزیابی کرده‌اند. می‌توان گفت ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه، باعث می‌شود اعضای هیئت علمی پژوهش‌های خود را به سمت موضوعات و مسائل واقعی جامعه سوق داده، و اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های خود را بیشتر ارزیابی کنند. بر طبق نتایج پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، ویژگی‌های ارتباطی شامل ارتباط کم یا عدم ارتباط پژوهشگران با مدیران سازمان‌ها، عدم اعتماد مدیران به پژوهش‌ها، و فهم دشوار نتایج پژوهش‌ها را به‌عنوان یکی عوامل مؤثر در عدم کاربست یافته‌های پژوهشی معرفی می‌کنند. ارتباط کاری اعضای هیئت علمی و پژوهشگران با سازمان‌ها در تقلیل این مشکلات مؤثر بوده، و بر دیدگاه آنها نسبت به کاربرد یافته‌های پژوهشی و اثرگذاری اجتماعی شان تأثیر مثبتی دارد.

براساس نتایج مطالعه حاضر، از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز متغیرهای تأثیرگذار روی میزان اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌های شان «تعداد طرح‌های برون دانشگاهی» و «داشتن ارتباط کاری با سازمان‌های خارج از دانشگاه» است. بنابراین، به‌منظور افزایش اثرگذاری اجتماعی پژوهش‌ها بایستی برنامه‌ریزی‌های لازم برای درگیر ساختن اعضای هیئت علمی با مسائل و موضوعات واقعی جامعه صورت گیرد.

منابع

احسانی، وحید؛ اعظمی، موسی؛ نجفی، سیدمحمدباقر؛ سهیلی، فرامرز (۱۳۹۶ الف). قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های علمی ایران بر اساس کیفیت برون‌دادهای آن‌ها. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۲ (۳)، ۶۶۰-۶۳۱.

احسانی، وحید؛ اعظمی، موسی؛ نجفی، سیدمحمدباقر؛ و سهیلی، فرامرز (۱۳۹۶ ب). قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های فزاینده ایران بر توسعه کشور. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۳ (۱)، ۵۲-۲۵. doi: 10.7508/ISIH.2012.14.002

احمدی، محمد؛ رسول‌زاده اقدم، صمد؛ و محمدی‌فر، یوسف. (۱۳۹۱). موانع و راهکارهای کاربری یافته‌های تحقیقاتی علوم انسانی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴ (۲)، ۳۴-۱۷. doi: 10.7508/ISIH.2012.14.002

باب‌الحوایجی، فهیمه؛ تاج‌الدینی، اورانوس؛ نوشین‌فرد، فاطمه؛ و حریری، نجلا (۱۳۹۲). تدوین ابزار خودارزیابی ترجمان دانش مربوط به پژوهشگران علوم انسانی. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۴۷ (۱)، ۴۹-۶۴. doi: 10.22059/JLIB.2013.36211

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (۶ آذر ۱۳۹۸). رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶. برگرفته از <https://ur.isc.gov.ir/>

تاج‌الدینی، اورانوس؛ اعظمی، محمد؛ و موسوی، علی‌سادات (۱۳۹۵). تبیین سیر تبدیل ایده به پدیده در علوم انسانی ایران. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۷ (۴)، ۸۳-۱۰۱.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). مقدم‌های بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.

حسینی، محمدعلی؛ کرمانشاهانی، فهیمه؛ احمدی، سلیمان؛ صادقی، طاهره؛ می‌ریها، سمانه؛ و صفاری‌زاده، مریم (۱۳۹۴). وضعیت ترجمان دانش در دانشگاه علوم پزشکی قزوین از دیدگاه اعضای هیئت علمی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۷ (۲)، ۶۰-۵۲.

صدیقی، مهری (۱۳۹۷). نقش رسانه‌های اجتماعی در ارزیابی میزان تأثیر پژوهش‌ها؛ مطالعه موردی حوزه علم‌سنجی. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۴ (۲)، ۷۹۲-۷۶۵.

عرفان‌منش، محمد امین؛ و روحانی، والاعلی (۱۳۹۲). بررسی همبستگی میان شاخصه‌های اثرگذاری علمی و اجتماعی پژوهشگران مطالعه موردی: حوزه علم‌سنجی. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۴ (۱۶)، ۱۷۱-۱۴۵.

عطاپور، هاشم (۱۳۹۵). سنجش اثرگذاری اجتماعی علم: روش‌ها، شاخص‌ها و چالش‌ها. مجموعه مقالات دومین کنفرانس ملی سنجش علم (ص ۱۳-۱؛ جلد ۲)، ۶-۷ بهمن ۱۳۹۵، دانشگاه اصفهان.

عظیمی، علی؛ صنعت‌جو، اعظم؛ دینانی، محمدحسین؛ و فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۹۶). ترجمه دانش و بررسی اثربخشی آن در علوم پزشکی. تعامل انسان و اطلاعات، ۴ (۲)، ۱۶-۱.



مظفری، فاروق امین؛ پاداشی اصل، خورشید؛ شمسی، لقمان؛ و بوداقی، علی (۱۳۹۰). بررسی نقش و جایگاه میان رشته ای در رابطه دانشگاه و صنعت. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۴(۱)، ۴۰-۲۵.

doi: 10.7508/ISIH.2012.13.002

مقیمی، طلیعه؛ آراسته، حمیدرضا؛ و محمدخانی، کامران (۱۳۹۵). مدل پیشبرد دیپلماسی علم و فناوری در کشور از زاویه مطالعات میان رشته ای نظام های آموزش عالی و سیاست خارجی؛ مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۸(۴)، ۲۲۴-۱۹۵.

doi: 10.22035/ISIH.2016.232

Beise, M., & Stahl, H. (1999). Public research and industrial innovations in Germany. *Research policy*, 28(4), 397-422.

Bornmann, L. (2013). What is societal impact of research and how can it be assessed? A literature survey. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 64(2), 217-233. doi: 10.1002/asi.22803

Bornmann, L. (2015). Measuring impact in research evaluations: a thorough discussion of methods for, effects of and problems with impact measurements. *Higher Education*, 1-13. doi: 10.1007/s10734-016-9995-x

Bornmann, L., & Marx, W. (2014). How should the societal impact of research be generated and measured? A proposal for a simple and practicable approach to allow interdisciplinary comparisons. *Scientometrics*, 98, 211-219. doi: 10.1007/s11192-013-1020-x

Bornmann, L., Haunschild, R., & Marx, W. (2016). Policy documents as sources for measuring societal impact: how often is climate change research mentioned in policy-related documents?. *Scientometrics*, 109(3), 1477-1495. doi: 10.1007/s11192-016-2115-y

Buxton, M., & Hanney, S. (1994). Assessing payback from Department of Health Research and Development: preliminary report. *HERG research report*.

CWTS Leiden Ranking 2019. Retrieved from <https://www.leidenranking.com/ranking/2019/list>

Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., Schwartzman, S., Scott, P., & Trow, M. (1994). *The new production of knowledge: The dynamics of science and research in contemporary societies*. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.

Grant, J. (1999). Evaluating the outcomes of biomedical research on healthcare. *Research Evaluation*, 8(1), 33-38. doi: 10.3152/147154499781777658

Joly, P. B., Gaunand, A., Colinet, L., Larédo, P., Lemarié, S., & Matt, M. (2015). ASIRPA: A comprehensive theory-based approach to assessing the societal impacts of a research organization. *Research Evaluation*, 24(4), 440-453. doi: 10.1093/reseval/rvv015

Jones, T. H., & Hanney, S. (2016). Tracing the indirect societal impacts of biomedical research: development and piloting of a technique based on citations. *Scientometrics*, 107(3), 975-1003. doi: 10.1007/s11192-016-1895-4



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۳۰

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



- Klautzer, L., Hanney, S., Nason, E., Rubin, J., Grant, J., & Wooding, S. (2011). Assessing policy and practice impacts of social science research: the application of the payback framework to assess the future of work programme. *Research Evaluation*, 20(3), 201-209. doi: 10.3152/095820211X13118583635675
- Kousha, K., & Thelwall, M. (2015). Patent citation analysis with Google. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 68(1), 48-61. doi: 10.1002/asi.23608
- Langfeldt, L., & Scordato, L. (2015). Assessing the broader impacts of research: A review of methods and practices (working paper). Retrieved from <https://nifu.brage.unit.no/nifu-xmlui/bitstream/handle/11250/282742/NIFUworkingpaper2015-8.pdf?sequence=1>
- Lewison, G., & Sullivan, R. (2008). The impact of cancer research: how publications influence UK cancer clinical guidelines. *British journal of cancer*, 98(12), 1944-1950. doi: 10.1038/sj.bjc.6604405
- Mansfield, E. (1991). Academic research and industrial innovation. *Research Policy*, 20(1), 1-12. doi: 10.1016/0048-7333(91)90080-A
- Molas-Gallart, J., D'Este, P., Llopis, O., & Rafols, I. (2016). Towards an alternative framework for the evaluation of translational research initiatives. *Research Evaluation*, 25(3), 235-243. doi: 10.1093/reseval/rvv027
- Molas-Gallart, J., Salter, A., Patel, P., Scott, A., & Duran, X. (2002). *Measuring third stream activities. Final report to the Russell Group of Universities*. Brighton: SPRU, University of Sussex.
- Narin, F., Hamilton, K. S., & Olivastro, D. (1997). The increasing linkage between US technology and public science. *Research policy*, 26(3), 317-330. doi: 10.1016/S0048-7333(97)00013-9
- Nason, E., Curran, B., Hanney, S., Janta, B., Hastings, G., O'Driscoll, M., & Wooding, S. (2011). Evaluating health research funding in Ireland: assessing the impacts of the Health Research Board of Ireland's funding activities. *Research Evaluation*, 20(3), 193-200. doi: 10.3152/095820211X12941371876823
- Niederkrötenhaler, T., Dorner, T.E., & Maier, M. (2011). Development of a practical tool to measure the impact of publications on the society based on focus group discussions with scientists. *BMC public Health*, 11, 588. doi: 10.1186/1471-2458-11-588
- Phillips, P., Moutinho, L., & Godinho, P. (2017). Developing and testing a method to measure academic societal impact. *Higher Education Quarterly*, 00, 1-20. doi: 10.1111/hequ.12154
- Priem, J., Taraborelli, D., Groth, P., & Neylon, C. (2010). Altmetrics: A manifesto. Retrieved from <http://altmetrics.org/manifesto>
- Solans-Domènech, M., MV Pons, J., Adam, P., Grau, J., & Aymerich, M. (2019). Development and validation of a questionnaire to measure research impact. *Research Evaluation*, 28(3), 253-262. doi: 10.1093/reseval/rvz007

- Spaapen, J., & Van Drooge, L. (2011). Introducing 'productive interactions' in social impact assessment. *Research Evaluation*, 20(3), 211-218. doi: 10.3152/095820211X12941371876742
- Thelwall, M., & Maflahi, N. (2015). Guideline references and academic citations as evidence of the clinical value of health research. *Journal of the Association for Information Science and Technology*. doi: 10.1002/asi.23432
- Weißhuhn, P., Helming, K., & Ferretti, J. (2017). Research impact assessment in agriculture—A review of approaches and impact areas. *Research Evaluation*, 27(1), 36-42. doi: 10.1093/reseval/rvx034



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۲

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱



مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی؛ رویکرد آینده‌پژوهانه

فاطمه رجبیا غریب^۱، سعید محمدزاده^{۲*}، محمد شریف شریف‌زاده^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده

در آینده، عرصه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه، به حوزه‌های متنوعی از اجتماعات محلی، ملی و بین‌المللی گسترش خواهد یافت. حضور توأم با مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی در روند تحولات آینده، نیازمند رویکردی آینده‌نگارانه است تا امکان کنشگری در رخدادهای آینده را فراهم سازد. بنابراین، هدف این مقاله، آینده‌نگاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی است. مطالعه حاضر در سه گام اصلی انجام شد. ابتدا بر مبنای روش گروه کانونی، به شناسایی پیشران‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی پرداخته شد. سپس با استفاده از روش تحلیل اثرات متقابل و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MicMac، از میان ۱۴ پیشران شناسایی شده مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه، ۵ پیشران کلیدی انتخاب شد. برای این عوامل کلیدی بر اساس ایده سناریونویسی ۲۱ وضعیت ممکن و محتمل در آینده مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه با نظر خبرگان تعریف گردید و با تشکیل ماتریس ۲۱*۲۱ و بهره‌گیری از دانش خبرگان در ارزیابی میزان تأثیرات وقوع هر یک از وضعیت‌ها بر وقوع یا عدم وقوع وضعیت‌های دیگر در آینده مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه با استفاده از قابلیت‌های نرم‌افزار Scenario Wizard 4.31، دو سناریو متضاد (ققنوس و طاووس) به‌عنوان سناریوهای قوی و ۱۰۴ سناریو با احتمال وقوع پایین و ضعیف استخراج شد. سناریو ققنوس نمایان‌گر تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در راستای توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای بوده و سناریو طاووس مبین آن است که دانشگاه به‌عنوان تافته‌ای جدابافته، فاقد مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. این سناریوها چشم‌انداز آینده مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه را نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه، آموزش عالی کشاورزی، آینده‌پژوهی، سناریونگاری

۱. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، خوزستان، ایران

۲. گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، اهواز، خوزستان، ایران (نویسنده مسئول)

✉ s.muhammad@asnruk.ac.ir

۳. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گلستان، ایران

۱. مقدمه

دانشگاه‌ها طی دهه‌های اخیر دوره‌های مختلفی را پشت سر گذرانده‌اند. در دوره نخست (تا نیمه سده ۲۰ میلادی)، در دانشگاه‌های نخبه‌پرور مسئله محوری برای دانشگاه داشتن استقلال اکادمیک بود. در دوره بعد (از دهه ۵۰ میلادی)، دوره رویارویی دانشگاه‌ها با تقاضای انبوه اجتماعی، پس از جنگ جهانی دوم آموزش عالی به عنوان یک حقوق عمومی شهروندی، با تقاضای اجتماعی روبه رشد مواجه شد. دوره سوم (دهه ۶۰ میلادی)، دوره رویارویی دانشگاه‌ها با جنبش‌های اجتماعی، رشد جنبش اجتماعی معطوف به حقوق مدنی، حقوق زنان، اقلیت‌ها و قومیت‌ها بود. دوره چهارم (از دهه ۷۰ میلادی)، دوره رویارویی دانشگاه‌ها با مقتضیات بازار، صنعت و دنیای کسب و کار، بحران‌های اقتصادی و مقتضیات بازار، باعث شد که مقوله‌های کارایی و بهره‌وری، مورد تأکید قرار گیرد و بازار کسب و کار از دانشگاه انتظار داشته باشد که دانش‌آموختگان آن بتوانند تقاضاهای شغلی و حرفه‌ای مورد انتظار را برآورده سازند (دئون و کین^۱، ۱۹۹۹ به نقل از فراستخواه، ۱۳۹۷، ۴۲-۵۰). سرانجام از دهه ۱۹۹۰ و در آستانه قرن ۲۱، در دوره رویارویی دانشگاه‌ها با تحولات فراصنعتی و جامعه اطلاعاتی، تحولات ناشی از انقلاب الکترونیک و عصر اطلاعات، دانشگاه‌ها را وارد تجربه تازه‌ای کرد؛ به گونه‌ای که در حال حاضر دانشگاه‌ها با چالش‌های جهانی نحوه مواجهه با محیط به شدت متحول، متنوع، رقابتی و پیچیده روبه‌رو هستند. در این دوره دانشگاه‌ها به بازتعریف نقش و تغییر اساسی در ساختارها نیاز دارند (فراستخواه، ۱۳۹۷، ۴۲-۵۰).

بنابراین تحولات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دنیای معاصر و ظهور اقتصاد دانش‌بنیان، موجب افزایش انتظارات از دانشگاه‌ها جهت نقش‌آفرینی در حل مشکلات جامعه شده است (واسکوئز و همکاران^۲، ۱۳۸، ۲۰۱۴) این انتظارات و الزامات موجب ظهور مفهوم جدیدی به نام مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه شده (گراو و همکاران^۳، ۲۰۱۷، ۳۷) و آن را به گفتمان اصلی دانشگاه‌های دنیا تبدیل نموده است (شبکه دانشگاه جهانی برای نوآوری^۴،



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۴

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

1. Dionne & Kean
2. Vazquez et al.
3. Grau et al.
4. GUNI



۲۰۱۷، ۳۳). در نتیجه، دانشگاه‌ها ملزم به انجام اصلاحات گسترده‌ای در فعالیت‌های اصلی خود برای مقابله با چالش‌های جدید اجتماعی خواهند بود (واسیلسکو و همکاران^۱، ۲۰۱۰، ۴۱۷۸). به‌عنوان مثال، در آموزش، باید مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی در برنامه‌دستی برای پاسخگویی به خواسته‌های جامعه در نظر گرفته شود. در تحقیق، دانش تولید شده به جامعه هدف انتقال یابد. در مدیریت به توسعه کدهای حکمرانی خوب، گزارش مربوط به فعالیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و نقش بیشتر ذی‌نفعان خارجی در اداره دانشگاه مرتبط است و در فعالیت‌های پیوند با اجتماع، از طریق ارتقاء شهروندی شرکتی و ارتقای ارزش‌های جامعه مدنی مانند عدالت اجتماعی محقق خواهد شد (لارن جرج و آندرادز پنا^۲، ۲۰۱۷، ۳۱۵-۳۱۶).

از این‌رو، مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی^۳ برای غلبه بر مشکلات مطرح جهانی سازوکار مهمی است و نویدبخش تحولی ژرف در اثربخشی علم، تحقیقات بنیادین و تحولات چشمگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. حتی در مواردی که کل نظام آموزش عالی قادر به تمرکز بر خیر عمومی نیست، محققان، مدرسان و مدیران مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی می‌توانند خود عاملی برای پیشبرد توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشند (یونسکو^۴، ۲۰۱۵، ۳). بدین‌منظور، صاحب‌نظران آموزش عالی الگوی جدید دانشگاه گلوکال (جهان‌محلی) را مطرح کرده‌اند (ولز^۵، ۲۰۱۷، ۳۱) و الگوی توسعه دانشگاه‌ها را یک الگوی تعاملی دانسته و معتقدند دانشگاه‌ها باید نسبت به نیازهای جامعه و حکومت پاسخگو باشند (لارن جرج و آندرادز پنا، ۲۰۱۷، ۳۰۴). بنابراین، اهمیت فزاینده مسئولیت اجتماعی دانشگاه نیازمند تلاش هماهنگ برای ایجاد استراتژی و اجرای اقداماتی است که از این طریق دانشگاه‌ها به‌عنوان هدایت‌کنندگان رفاه اجتماعی شناخته خواهند شد (دستورالعمل مشارکت دانشگاه‌ها در مسئولیت اجتماعی^۶، ۲۰۱۷).

1. Vasilescu et al.

2. Arran Jorge & Andrades Pena

3. University Social Responsibility (USR)

4. UNESCO

5. Wells

6. Guidelines for Universities Engaging in Social Responsibility



۱۰) و به سمت پاسخ از طریق عملکردی کشیده می‌شوند که انعکاس‌دهنده ارزش‌ها، منافع و انتظارات اجتماعی هستند.

مسئولیت اجتماعی انتظاری نهادین از دانشگاه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی برای پرداختن به نیازهای حال و آتی ذی‌نفعان درونی و بیرونی، رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی، برابری بخت‌های زندگی، رفع آسیب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، صلح و همزیستی و پایداری توسعه است. بر این اساس، دانشگاه کارکردهای آموزشی، پژوهشی، خدمات تخصصی و سایر کارویژه‌های خود را به پاسخگویی اجتماعی به انتظارات اجتماعی یادشده معطوف می‌دارد (برادران حقیر و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۱). مسئولیت دانشگاه آزادسازی دانش و عمومی‌سازی آن، اثربخشی اجتماعی دانش و مردمی‌کردن علم به‌عنوان یک دارایی عمومی انسانی است؛ اینکه دانش از انحصار گروه‌های خاص خارج شود، دموکراتیزم دانش به‌عنوان تمرکززدایی از دانش اتفاق بیفتد، اینکه همه ذی‌نفعان اجتماعی به دانش دسترسی داشته باشند و بتوانند دانش را برای تقلیل مرارت‌ها و بهبود زیست اجتماعی خود به کار بگیرند (فراستخواه، ۱۳۹۶، ۱۸۴).

از نظر دلاکوستا گنزالس و همکاران^۱ (۲۰۱۰، ۲۴۰) مسئولیت اجتماعی دانشگاه به‌عنوان ارائه خدمات آموزشی و انتقال دانش به‌دنبال اصول اخلاق، حکومت‌داری خوب، احترام به محیط زیست، تعهد اجتماعی و ارتقای ارزش‌های شهروندی تحت شرایط پاسخگویی به جامعه در رابطه با تعهدات به ذی‌نفعانش مطرح می‌شود. لارن و آندریدس^۲ (۲۰۱۳، ۲۵۵) بیان کردند که مسئولیت اجتماعی دانشگاه را می‌توان به‌عنوان تعهد داوطلبانه دانشگاه‌ها برای ادغام نگرانی‌های اجتماعی، اخلاقی، نیروی کار و در کارکردهای اصلی آنها (آموزش، تحقیق، مدیریت و عوامل محیطی) دانست که از اثرات خارجی فعالیت‌های آنها برای تأمین خواسته‌های اجتماعی ذی‌نفعان آنها مشتق شده است. از دیدگاه واسیلسکو و همکاران (۲۰۱۰، ۴۱۷۸) مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه بازتاب تحقق تعهد مدنی و شهروندی فعال، کنش داوطلبانه، رویکرد اخلاقی، احساس شهروندی مدنی در بین

1. De la Cuesta Gonzalez et al

2. Larran and Andrades



دانشجویان، اعضای هیئت علمی و اداری دانشگاه برای ارائه خدمات اجتماعی به جامعه محلی با چشم‌انداز توسعه پایدار در سطوح محلی و جهانی به‌صورت پیوسته است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنار سایر چالش‌های آموزش عالی، نظیر آزادی و استقلال دانشگاه در خور توجه بوده و از همین‌رو، نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در این زمینه ایجاد شده‌اند (واسیلسکو و همکاران، ۲۰۱۰، ۴۱۷۹). دانشگاه‌های برتر دنیا مانند هاروارد، پنسیلوانیا و ماساچوست مراکزی را به نام سنجش تحولات اجتماعی در اثر ورود به دانشگاه تأسیس کرده‌اند که اهمیت رصد و رهگیری پیامدها و تغییرات اجتماعی را نشان می‌دهد (فریدونی، ۱۳۹۶، ۷۰). مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه مستلزم آن است که نه تنها مسائل جاری، بلکه چالش‌های آتی جامعه نیز شناسایی شود. از این‌رو، آینده‌نگاری با رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی می‌تواند زمینه‌ساز درک مسائل و چالش‌های کلیدی در این حوزه و در نتیجه، برنامه‌ریزی برای ظرفیت‌سازی و اقدام مناسب باشد. تاکنون اسناد زیادی در حوزه آموزش عالی ایران تدوین شده که هریک به جنبه‌های مهمی از دانشگاه و مسئولیت علمی و اجتماعی آن پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، در مبانی و ارزش‌های بنیادین نقشه جامع علمی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹)، در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲) و به همین منوال در سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲) نیز بر مسئله اصول اخلاقی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، مسئولیت‌پذیری و داشتن روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی تأکید شده است.

۲. پیشینه تحقیق

شماری از محققان تلاش کرده‌اند تا دیدگاه‌های مختلفی برای ارائه تصویری از آینده دانشگاه‌ها با استفاده از روش‌های مختلف آینده‌پژوهی مانند تحلیل روند، تحلیل لایه‌های علی، مطالعه دلفی و توسعه سناریو ارائه دهند (بینتی و همکاران^۱، ۲۰۱۶، ۲۲).



در بین پژوهش‌های صورت‌گرفته، ذاکر صالحی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «آموزش عالی در گذار از توسعه پایدار به پساپایداری» به این نتیجه رسیده که در بستر زمان و با تکامل اندیشه‌ها و الگوهای توسعه، همچنان‌که میزان توجه به محیط زیست و بوم‌شناسی افزایش یافته، نقش رهبری‌کننده و تلفیق‌کننده آموزش عالی برای آینده نیز بهبود یافته است. فراستخواه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌اندیشی در دانشگاه» چارچوبی مفهومی شامل سه رکن و هشت حلقه فرایندی، به‌علاوه دوازده اصل راهنما برای آینده‌اندیشی در دانشگاه‌ها ارائه کرد.

منتظر و فلاحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «سناریونگاری آینده آموزش عالی ایران و کارکرد فناوری اطلاعات در آن» جهت تدوین سناریوهای آموزش عالی ایران متأثر از فناوری اطلاعات در افق زمانی ۱۴۰۴، چهار سناریو اصلی تحت عناوین شمشاد خانه‌پرور، سرو چمان، رز رنگین‌کمان، یاس ارغوانی، برای آینده آموزش عالی ایران تدوین و اعتبارسنجی کردند.

رضاپور و فتاحیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی» در تحلیلی از آینده کارکرد آموزش عالی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی براساس اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با استفاده از روش روندشناسی و ظرفیت‌شناسی، تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی در چهار بخش تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی در منطقه و جهان ارائه دادند.

مطلبی کربکندی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «روندهای تأثیرگذار بر آینده دانشگاه امام صادق (ع)» با استفاده از روش آمیخته اکتشافی به مطالعه روندهای تأثیرگذار بر آینده دانشگاه امام صادق (ع) پرداختند که روندهای تأیید شده متشکل از ۲۰ روند جهانی، ۵ روند خاص ملی و ۸ روند خاص دانشگاه امام صادق (ع) بودند. این روندها در شش دسته تقسیم‌بندی شدند: ۱. روندهای علمی و پژوهشی؛ ۲. روندهای آموزش و یادگیری؛ ۳. روندهای مدیریتی؛ ۴. روندهای مالی؛ ۵. روندهای عرضه و تقاضا و جمعیت‌شناختی؛ و ۶. روندهای فرهنگی و تربیتی.



عبدی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴» با استفاده از روش ترکیبی به تبیین اهداف و محتوای برنامه درسی بر اساس چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ پرداختند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که توجه به جامعه باید به‌عنوان مهمترین موضوع در تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی آموزش عالی در نظر گرفته شود.

تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «نقشه راه بالنده‌سازی در فرایندهای آموزشی سیستم‌های آموزشی عالی» به شناسایی مؤلفه‌های بالندگی با رویکرد ترکیبی از نتایج مطالعات پیشین، روش دلفی و الگوسازی تحلیل مسیر پرداختند. نتیجه اصلی تحقیق آنان در قالب نقشه راه بالنده‌سازی برای جامعه تحت مطالعه در هشت دسته از عناصر اصلی مطرح شده است: ۱. اهداف و فلسفه؛ ۲. مبانی نظری بالندگی؛ ۳. مؤلفه های بالندگی؛ ۴. فراگردهای اجرایی؛ ۵. تسهیل‌گرها؛ ۶. برون‌داد؛ ۷. بازخورد؛ و ۸. چگونگی ارتباطات بین اجزای الگو.

اصغری و اکبرپور شیرازی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه سناریوهای آینده آموزش عالی کشور با استفاده از روش نقشه‌شناختی فازی» چهار سناریو با استفاده از روش نقشه‌شناختی فازی برای آینده آموزش عالی ایران تدوین کردند. عوامل «جهانی‌شدن» و «آموزش عالی مبتنی بر تقاضای بازار» محورهای این سناریونگاری و عوامل مختلف اثرگذار بر آینده آموزش عالی دربرگیرنده مأموریت آموزش عالی، تأمین مالی، کاربرد فناوری، تغییرات جمعیتی، نیاز جامعه به آموزش عالی، جهانی‌شدن و تقاضای بازار بود. در بین تحقیقات خارجی، وینسنت-لنکرین^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «ایجاد سناریوهای آینده برای دانشگاه‌ها و آموزش عالی: یک رویکرد بین‌المللی» شش سناریو برای دانشگاه‌های کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ بیان کرد: ۱. دانشگاه سنتی؛ ۲. دانشگاه‌های کارآفرینی؛ ۳. بازار آزاد؛ ۴. یادگیری مادام‌العمر و آموزش

1. Vincent-Lancrin

2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)



باز؛ ۵. شبکه جهانی از مؤسسات آموزش عالی؛ ۶. تنوع سبک‌های شناخته‌شده یادگیری-ناپدیدشدن (ناپیداشدن/ ناپیدایی) دانشگاه‌ها.

فین و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «آینده دانشگاه: جهت، شکل و نحوه ارائه آموزش عالی در دانشگاه آینده» احتمالات آینده دانشگاه را برای دانشگاه فنی دUBLIN بررسی کردند و شش سناریو دانشگاهی را بیان کردند: ۱. دانشگاه سنتی؛ ۲. دانشگاه باز برای یادگیری در تمام عمر؛ ۳. دانشگاه کارآفرین؛ ۴. دانشگاه همچون بنگاه؛ ۵. دانشگاه شبکه‌ای؛ و ۶. دانشگاه به غایت واگرا (ناپیدی دانشگاه)^۲.

مرکز تحقیقات آموزشی و نوآوری (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان «چهار سناریوی آینده برای آموزش عالی» انجام داد که در آن نیروهای پیشران کلیدی شامل: تحولات جمعیت‌شناختی، میل به مشارکت، تحولات در حوزه حکمرانی، تحول منابع مالی، اقتصاد دانشی و بازیگران جدید در آموزش عالی بررسی و توصیف شد و چهار سناریو بیان شد: ۱. شبکه‌سازی باز؛ ۲. خدمت‌دهی/خدمت‌رسانی به جوامع محلی؛ ۳. مسئولیت عمومی جدید؛ و ۴. شرکت آموزش عالی بیان شد (مرکز تحقیقات آموزشی و نوآوری، ۲۰۰۸).

عنایت‌اله و همکاران^۴ (۲۰۱۳) در مقاله «سناریوهای جایگزین برای دانشگاه براک»^۵، در دانشگاه براک راجندراپور^۶ بنگلادش، سه چشم‌انداز را توسعه دادند: ۱. پیشرفت دانش با مواجهه انسان؛ ۲. براک به سوی آینده - یک اکوسیستم رهبری سازگار با محیط زیست؛ و ۳. جهان دانشگاه براک - آینده‌ای جهانی که مأموریت دانشگاه براک نجات و خدمت به جهان است.

بینقی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «سناریوهای پایداری آینده برای دانشگاه‌ها فراتر از دهه آموزش سازمان ملل برای توسعه پایدار» به‌طور سیستماتیک به پیامدهای روند توسعه و مسیرهای آینده دانشگاه‌ها طی دهه (۲۰۲۴-۲۰۱۵) پرداختند و

1. Finn et al
2. Disappearance
3. Centre for Educational Research and Innovation (CERI)
4. Inayatullah et al
5. BRAC
6. Rajendrapur



یک مدل برای تولید «سناریوهای مبتنی بر روند» ارائه دادند که بر اساس ترکیبی از روش‌های مختلف مطالعات آینده انجام شد. با پیش‌بینی این روند، جهت‌گیری‌های احتمالی آینده از طریق سه سناریو منحصربه‌فرد شامل: ۱. دانشگاه اجتماعی؛ ۲. دانشگاه زیست‌محیطی؛ و ۳. دانشگاه اقتصادمحور تبیین شد.

همرشوج^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «سناریوی طوفان کامل برای دانشگاه: تشخیص گرایش‌های همگرا در آموزش عالی» به بررسی آینده آموزش عالی از نظر ظرفیت آن برای آماده‌سازی دانشجویان برای اشتغال مبتنی بر همگرایی سه گرایش پرداخته است: اول، دانشگاه در حال از دست دادن هدف خود است، که ناشی از تعصب علمی و تمرکز مدیریتی بر اهداف اداری است، دوم، اخلاق دانشگاهی به‌جای بازنمایی مهارت‌های آکادمیک، بر اشتغال‌زایی آینده آموزش عالی متمرکز است، سوم، موانع ورود به بازار آموزش عالی به‌دلیل دیجیتالی‌شدن و آزادسازی آموزش عالی کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که همگرایی این سه گرایش به احتمال زیاد منجر به وضعیتی مختل‌کننده برای دانشگاه خواهد شد.

از مرور این پژوهش‌ها می‌توان به اهمیت و ضرورت آینده‌پژوهی در حوزه‌های مختلف آموزش عالی و نیز مؤسسات دانشگاهی پی برد. تحقیقات پیشین در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه با رویکرد توصیفی به مفهوم‌سازی (برادران حقیر و همکاران، ۱۳۹۹) و وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه پرداخته‌اند. در مجموع پژوهش‌هایی (شفاعی یامچلو، ۱۳۹۵؛ شافعی و عزیزی، ۱۳۹۲) که به اندازه‌گیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که وضعیت این رویکرد در دانشگاه‌های بررسی‌شده مطلوب نیست.

همانگونه که داگلین و میکولاتین^۲ (۲۰۱۵) بیان کرده‌اند، در دانشگاه‌های کشورهای درحال توسعه، مسئولیت اجتماعی دانشگاه و بحث‌های مرتبط به آن در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی انعکاس مناسبی نداشته است. در چنین شرایطی، دانشگاه‌های ایران بایستی به

1. Hammershoj

2. Dagilene and Mykolaitiene

آینده‌اندیشی، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری پرداخته و با قابلیت انعطاف و سازگاری فعال در اندیشه تعریف مجدد جایگاه و سهم خود در آینده این جهان متحول باشند (فراستخواه، ۱۳۹۲، ۱۶).

هدایت روند تحول دانشگاه در مسیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیازمند در پیش گرفتن رویکردهای آینده‌نگر است. بنابراین، این تحقیق در تکمیل رویکرد و تلاش‌های پیشین، به تدوین سناریوهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه می‌پردازد. با توجه به کمبود پژوهش منتشرشده داخلی در حوزه آموزش عالی کشاورزی در کشور با وجود مسائل متعدد این حوزه از جمله، بالابودن نرخ بیکاری دانش‌آموختگان (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۵؛ کریمی و زمانی، ۱۳۹۴، ۴۹؛ غیاثی، ۱۳۹۴، ۱۴۰؛ زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹)، غلبه آموزش‌های نظری و غیرکاربردی (خسروی‌پور و سلیمانپور، ۱۳۹۰، ۱۰۱)، نبود تناسب آموزش‌های ارائه‌شده در آموزش کشاورزی با نیازهای بازار کار (خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۱۴)، مؤثرنبودن ارتباطات دانشگاه‌ها با جامعه و فقدان حمایت کافی از فعالیت‌های دانشگاه از جانب نهادهای مرتبط (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۴۶)، رشد کند فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش‌ها (سوختانلو، ۱۳۹۵، ۳۴)، محدودیت دولت در تقویت اشتغال بخش کشاورزی به دلیل کمبود امکانات (بادسار و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۰۸)، تعامل اندک نظام آموزش عالی کشاورزی ایران با محیط و توجه محدود به نیازهای جامعه (قلی‌فر و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹۳)، این تحقیق با هدف شناسایی عوامل کلیدی سوق‌دهنده دانشگاه‌ها به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تبیین آینده‌های محتمل، ممکن و مطلوب مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه و تدوین سناریوهای ممکن و انتخاب سناریو مطلوب برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه به انجام رسیده است.

۳. روش

مقاله حاضر مطالعه‌ای است توصیفی-تحلیلی که در سه گام متوالی به انجام رسیده است. در گام نخست، بر مبنای روش گروه کانونی (از نوع اکتشافی) پیشران‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی شناسایی شدند. جهت بررسی و تدوین چارچوب



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۴۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



خبرگان (افراد دارای دانش ژرف در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی)، فهرستی از دست‌اندرکاران صاحب‌نظر مرتبط با موضوع تهیه شد. سوابق علمی (پژوهش، آموزش، مشاوره و) در رابطه با موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تجربه کار کارشناسی یا مدیریتی در این رابطه، ملاک تدوین این چارچوب بود. با توجه به اینکه مسئولیت‌پذیری اجتماعی مستلزم همکاری و تعامل دانشگاهیان و جامعه خارج دانشگاه است، بنابراین، تلفیقی از دست‌اندرکاران درون دانشگاه و برون دانشگاه برای طرح دیدگاه‌ها بهره گرفته شد. این موضوع برای رسیدن به اشباع نظری^۱ و مثلث‌سازی^۲ که به لحاظ روش‌شناسی در تحقیقات کیفی حائز اهمیت است (ری و همکاران،^۳ ۲۰۰۷، ۱۳۹۳؛ تورموند،^۴ ۲۰۰۱، ۲۵۳)، انجام شده است. پس از تدوین چارچوب، تماس با خبرگان، طرح موضوع و دعوت از آنها برای مشارکت در تحقیق در قالب گروه کانونی انجام شد و در نتیجه، ۱۵ نفر برای مشارکت اعلام آمادگی کردند. مقدمات برگزاری اجرای بحث گروه کانونی فراهم شد. مصاحبه با گروه کانونی با حضور ۱۵ نفر از صاحب‌نظران و افراد مطلع کلیدی انجام شد. سه نفر به‌صورت حضوری و ۱۲ نفر که امکان حضور فیزیکی در جلسه را نداشتند با استفاده از پلتفرم اسکایپ به‌صورت مجازی در جلسه شرکت کردند. این جلسه به مدت ۱۳۰ دقیقه طول کشید. خروجی این مرحله استخراج پیشران‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی بود (۱۴ عامل).

در گام دوم با تشکیل ماتریس تحلیل اثرات متقابل با ابعاد 14×14 از کارشناسان خواسته شد به ترتیب میزان تأثیرگذاری هر عامل در سطر را بر هر عامل در ستون، براساس طیف صفر تا سه (صفر = بی‌تأثیر؛ ۱ = تأثیرگذاری کم؛ ۲ = تأثیرگذاری متوسط و ۳ = تأثیرگذاری زیاد) ارزش‌گذاری کنند. تأثیر هر عامل بر عامل دیگر، با توجه به میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم در نرم‌افزار MicMac بررسی و پیشران‌های کلیدی مشخص شدند.

در گام سوم بر اساس روش سناریونگاری ۲۱ وضعیت ممکن و محتمل در آینده

1. theoretical saturation
2. triangulation
3. Wray et al
4. Thurmond

مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی تعریف شد. برای به‌دست آوردن سناریوها از نرم‌افزار Senario Wizard استفاده شد. استخراج پیش‌فرض‌ها در این نرم‌افزار از هم‌کنشی بین وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی انجام می‌شود. این که رخ‌دادن یک وضعیت بر احتمال رخ‌دادن، تقویت و محدود ساختن دیگر وضعیت‌ها چه تأثیری می‌تواند داشته باشد، پایه اصلی شکل‌گیری پیش‌فرض‌هاست که نیازمند تحلیل هم‌زمان وضعیت‌های پیچیده است و توان تحلیل آن از ذهن و توانمندی فرد فراتر بوده و تنها پردازنده‌ای هوشمند قادر به انجام آن است. در نهایت، این نرم‌افزار با توجه به سویگان ماتریس، امکان استخراج سناریوهای با احتمال قوی، سناریوهای با احتمال ضعیف و سناریوهایی با سازگاری بالا را فراهم می‌آورد. در جدول شماره (۱) نیم‌رخ توصیفی مشارکت‌کنندگان در تحقیق ارائه شده است.



جدول ۱. توصیف مشارکت‌کنندگان در تحقیق

شغل	جنس		تحصیلات		سن		
	مرد	زن	دکتر	کارشناسی ارشد	۳۵-۲۰	۵۰-۳۶	۶۵-۵۱
بخش دانشگاهی (مدیران و اعضای هیئت علمی کشاورزی و منابع طبیعی)	۱۰	-	۱۰	-	۱	۷	۲
بخش اجرایی (کارشناسان صاحب‌نظر و مدیران مرتبط)	۵	-	۳	۲	۱	۳	۱
تعداد	۱۵	۱۳	۲	۲	۲	۱۰	۳
تعداد کل	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

۴. یافته‌ها

مرحله اول: شناسایی پیشران‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی

پس از مرور مباحث مشارکت‌کنندگان در نشست گروه کانونی، به شیوه تحلیل محتوا و در دو مرحله اقدام شد. در مرحله نخست پس از بازخوانی برداشت‌های تیم مشارکت‌کننده، ۴۲ مضمون یا کد اولیه استخراج شد. در گام دوم، جهت تلخیص فهرست اولیه و دستیابی به کدهای مفهومی غنی‌تر، گویه‌ها بر اساس اشتراک مضمونی و قرابت مفهومی در قالب کدهای محوری یا طبقات مفهومی بازتدوین شدند. بدین ترتیب، ۱۴ گویه به عنوان پیشران‌های محوری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی به دست آمد (جدول شماره ۲). لازم به ذکر است در بخش یافته‌ها و نتیجه‌گیری، منظور از دانشگاه، مؤسسات آموزش عالی کشاورزی (به شکل دانشگاه تخصصی، دانشکده‌ها و واحدهای دانشگاهی زیرمجموعه دانشگاه‌های جامع) و البته، کلیت نظام آموزش عالی کشاورزی است. برای رعایت اختصار، از تکرار آموزش عالی کشاورزی پرهیز شده است؛ اما همه مفاهیم، گویه‌ها و تفاسیر، معطوف به حوزه خاصی از دانشگاه و آموزش عالی، یعنی آموزش عالی کشاورزی است که در کلیت ساختاری با سایر حوزه‌های آموزش عالی همانندی دارد اما به لحاظ زمینه، محتوا و دستاوردهای متجلی شده ناهمانندی دارد.

جدول ۲. پیشران‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی

ردیف	مضامین و کدهای اولیه	کدهای محوری (طبقات مفهومی)
۱	تغییر فرایند و شیوه‌نامه‌های فعالیت و ارتقای اعضای هیئت علمی	تغییر رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت‌وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور
۲	اهمیت یافتن بهره‌گیری از فرصت‌های یادگیری اجتماعی و تجربی برای توسعه شغلی دانشگاهیان	
۳	اهمیت فزاینده پیامدگرایی در آموزش عالی (فراتر از درونداد یا برون‌دادگرایی صرف)	تغییر نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و شمول شاخص‌های اجتماعی
۴	ارائه مشوق‌هایی برای جامعه‌گرایی دانشگاه‌ها	
۵	افزوده‌شدن نشانگرهای مسئله‌گشایی اجتماعی به شاخص توسعه دانشگاهی	
۶	تغییر سنت‌های آکادمیک مبتنی بر برج‌عاج‌نشینی و اشرافیت دانشگاه	تمایل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت های دانشگاهی
۷	طرح و پیاده‌شدن مفاهیم نو، همانند علم خوب، اخلاق علمی و مسئولیت شهروندی دانشگاهیان	





ردیف	مضامین و کدهای اولیه	کدهای محوری (طبقات مفهومی)
۸	محول‌شدن مسئولیت‌های دولت به سایر بازیگران اجتماعی از جمله دانشگاه‌ها	تغییر سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی
۹	تشدید رویکردهای مبتنی بر عقلانیت و شایسته‌سالاری در حاکمیت خواهان علم و دانش	
۱۰	انتظارات فزاینده حاکمیت از دانشگاه برای مشارکت فعال مدنی	
۱۱	تحولات فرهنگی و سبک زندگی در جامعه با تغییر نسل‌ها (از جمله نگرش به تحصیلات دانشگاهی)	کاهش و نوسان استقبال از تحصیلات دانشگاهی
۱۲	تغییر مفهوم سواد فراتر از تحصیلات دانشگاهی	
۱۳	بیکاری فزاینده دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی	
۱۴	تغییرات جمعیتی در کشور	
۱۵	مسائل و چالش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی مستلزم افزایش ابتکارات محلی مبتنی بر نقش‌آفرینی دانشگاه	بروز مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی نیازمند همکاری دانشگاه‌ها
۱۶	انتقاد فزاینده از دانشگاه به دلیل کم‌اثری یا بی‌اثری در حل نابرابری‌های اجتماعی و توسعه پایدار جوامع محلی و پیرامون	
۱۷	مخاطرات و چالش‌های زیست‌محیطی، اقلیمی، زیست‌بومی و امنیت غذایی نیازمند راه‌حل‌های دانش‌محور	
۱۸	غالب‌بودن نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی سنتی و خرد (منبع‌بر بودن و نرخ پایین نوآوری) و نیاز به رسانش دانش کاربردی عامه‌فهم	
۱۹	تغییر رویکردهای بازار و کسب‌وکار به سمت‌وسوی استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان	اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی
۲۰	رقابت اکوسیستم توسعه استان‌های مختلف مبتنی بر دانش و فناوری	
۲۱	اهمیت یافتن رویکرد نوآوری باز و اجتماعی	اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک
۲۲	اهمیت یادگیری تجربی در آموزش کشاورزی	
۲۳	تغییر ماهیت دانش به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و تعاملی	
۲۴	افزایش وزن و اهمیت فناوری و رویکردهای تکنوکراتیک در امور جامعه	افزایش خواست و تمایل سازمان‌های اداری و دولت برای مشارکت دانشگاه در تصمیم‌سازی‌ها
۲۵	ضرورت یافتن پاسخگویی نهادهای عمومی در پرتو انگاره حکمروایی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی	
۲۶	اهمیت فزاینده مشتری‌گرایی و مخاطب‌محوری	گذار نسلی به دانشگاه‌های ارزش‌افزین مبتنی بر کارآفرینی و جامعه‌محوری
۲۷	اهمیت یافتن سرمایه اجتماعی برای دانشگاه‌ها	
۲۸	اهمیت یافتن مناسبات گلوکال دانشگاه‌ها	
۲۹	اهمیت فزاینده کیفیت‌گرایی در آموزش عالی	
۳۰	افزایش رویکرد تجاری‌سازی دانش و فناوری دانشگاهی	



ردیف	مضامین و کدهای اولیه	کدهای محوری (طبقات مفهومی)
۳۱	تشدید رقابت در حوزه آموزش عالی	کاهش بودجه‌های دولتی اختصاص یافته به دانشگاه‌ها
۳۲	وابستگی مفرط دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی	
۳۳	ناپایداری و ناکارآمدی مدیریت مالی دانشگاه‌ها	
۳۴	تغییر رویکردهای اقتصادی کشور (اقتصاد مردمی و مقاومتی تاب‌آور)	فشارهای سیاسی اقتصادی بر کشور (نظیر تحریم‌ها) و ضرورت حرکت به سمت خودکفایی (تبدیل تهدید به فرصت)
۳۵	بر پایه ظرفیت‌های داخلی	
۳۶	بروز مسائل و مشکلات اقتصادی در جامعه	
۳۷	آشکارشدن پیامد منفی رویکردهای غیرعلمی در اداره امور کشور	رشد جامعه مدنی خواهان تعامل و همکاری دانشگاه
۳۸	رشد جامعه مدنی خواهان تعامل و همکاری دانشگاه	
۳۹	گسترش فضای مجازی در مناسبات دانشگاهی	
۴۰	توسعه تشکلهای (دانشجویی و غیردانشجویی) دانشگاهی	توسعه شبکه‌های اجتماعی به عنوان مجمعی برای پاسخ‌گویی از دانشگاه
۴۱	تغییر و تحولات نهادی در کشور (تقویت بخش خصوصی...)	
۴۲	استقبال و تمایل بخش خصوصی و صنعت به همکاری با دانشگاه	
	اهمیت یافتن فزاینده جایگاه دانش و دستاوردهای دانشگاهی در اقتصاد دانش‌بنیان (مدیریت تأمین و عرضه دانش‌بنیان)	رشد بخش خصوصی به عنوان یکی از طرف‌های تعامل اجتماعی دانشگاه

مرحله دوم. شناسایی پیشران‌های کلیدی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی

کشاوری به روش تحلیل اثرات متقاطع

به منظور استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر وضعیت آینده مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه روش تحلیل اثرات متقابل/ ساختاری با نرم‌افزار MICMAC مورد استفاده قرار گرفت. بر اساس تعداد متغیرها ابعاد ماتریس 14×14 بود. تعداد تکرارها دو بار در نظر گرفته شد. از مجموع ۱۸۲ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۱۴ رابطه بدون تأثیر (عدد صفر)، ۸۹ رابطه تأثیرگذار (عدد یک)، ۴۵ رابطه تقویت‌کننده (عدد دو) و ۴۸ رابطه توانمندساز (عدد سه) بوده است. از طرف دیگر ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن است. درجه پرشدگی ماتریس $92/86$ درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب‌شده تأثیر زیاد و پراکنده‌ای بر همدیگر داشته‌اند (جدول شماره ۳).

جدول ۳. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقاطع

درجه پزشکی	جمع	رابطه				تکرار	ابعاد ماتریس
		توانمندساز (سه)	تقویت‌کننده (دو)	تأثیرگذار (یک)	بدون تأثیر (صفر)		
۹۲/۸۶ %	۱۸۲	۴۸	۴۵	۸۹	۱۴	۲	۱۴×۱۴

در جدول شماره (۴) میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر به تفکیک میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آمده است. تأثیرات مستقیم روابط مستقیم بین متغیرهای سیستم را توصیف می‌کند که توسط متخصصان تکمیل شده است (روحانی و آجرلو، ۱۳۹۴، ۳۲). در اثرات غیرمستقیم، هرکدام از روابط متغیرها توسط نرم‌افزار MICMAC به توان ۵، ۴، ۳، ۲ و ... رسانده شده است. به عبارت دیگر، ماتریس تأثیرات غیرمستقیم، ماتریسی متناظر با ماتریس تأثیرات مستقیم است که توسط تکرار پی‌درپی تقویت شده است. در کل، خروجی‌های تحلیل ساختاری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست، بر اساس ماتریس اثرات مستقیم، مهمترین متغیرهای اثرگذار و وابسته شناسایی می‌شود. دوم، بر اساس فواصل درجه اول متغیرها با یکدیگر، مهمترین متغیرهایی که اثرگذاری و وابستگی غیرمستقیم دارند، شناسایی می‌شود؛ در مرحله آخر، با اضافه کردن داده‌های مربوط به تأثیر احتمالی، اثرگذاری و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم شناسایی می‌شود (موسوی و کهنکی، ۱۳۹۶، ۱۷۱).

جدول ۴. میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر

ردیف	نام اختصاری عامل	متغیر	تأثیرات مستقیم		تأثیرات غیرمستقیم	
			تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری	تأثیرگذاری
۱	Var01	تمایل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی	۲۹	۲۹	۱۵۷۵۲	۱۵۴۷۵
۲	Var02	کاهش بودجه‌های دولت اختصاص‌یافته به دانشگاه‌ها	۲۳	۱۸	۱۲۶۷۹	۱۰۰۴۶

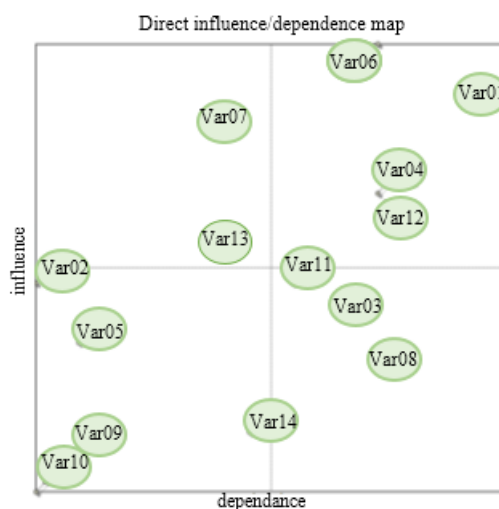




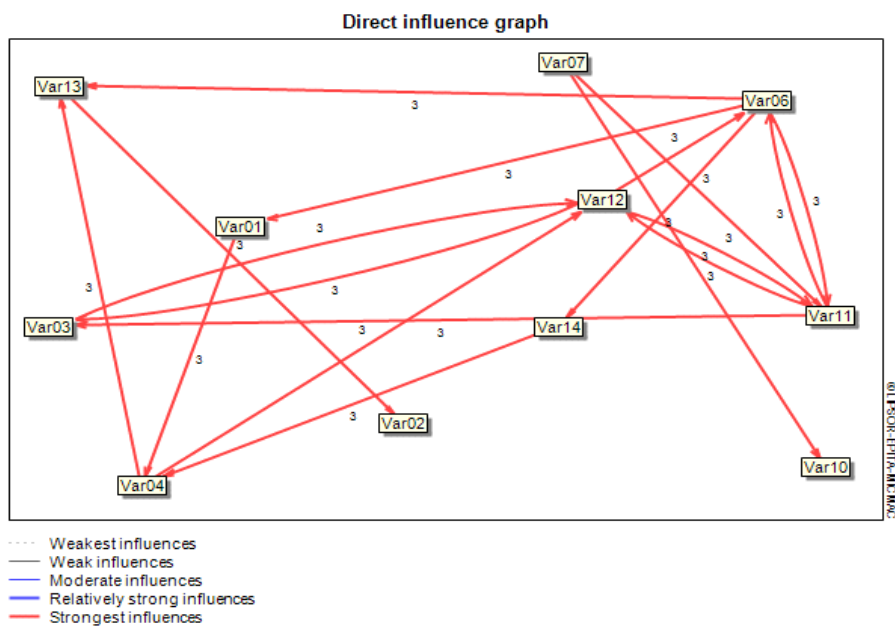
ردیف	نام اختصاری عامل	متغیر	تأثیرات مستقیم		تأثیرات غیر مستقیم	
			تأثیرگذاری	تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
۳	Var03	گذار نسلی دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های ارزش‌آفرین مبتنی بر کارآفرینی و جامعه‌محوری	۲۲	۲۵	۱۲۵۲۴	۱۴۱۲۳
۴	Var04	اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی	۲۶	۲۶	۱۴۶۲۹	۱۴۲۶۵
۵	Var05	کاهش و نوسان استقبال از تحصیلات دانشگاهی	۲۱	۱۹	۱۱۳۴۵	۱۰۷۱۷
۶	Var06	تغییر سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی	۳۱	۲۶	۱۶۳۰۲	۱۴۱۷۵
۷	Var07	تغییر رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور	۲۸	۲۲	۱۵۱۰۹	۱۲۲۷۷
۸	Var08	بروز مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی نیازمند همکاری دانشگاه‌ها	۲۰	۲۶	۱۰۸۴۰	۱۴۰۵۶
۹	Var09	رشد بخش خصوصی به عنوان یکی از طرف‌های تعامل اجتماعی دانشگاه	۱۷	۱۹	۹۴۸۱	۱۰۳۳۰
۱۰	Var10	توسعه شبکه‌های اجتماعی به عنوان مجمعی برای پاسخ‌طلبی	۱۶	۱۸	۸۸۶۵	۱۰۱۲۱
۱۱	Var11	تغییر نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و شمول شاخص‌های اجتماعی	۲۳	۲۴	۱۳۰۳۷	۱۳۲۸۸
۱۲	Var12	اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک	۲۵	۲۶	۱۳۸۰۴	۱۴۴۳۸
۱۳	Var13	افزایش خواست و تمایل سازمان‌های اداری و دولت برای مشارکت دانشگاه در تصمیم‌سازی‌ها	۲۴	۲۲	۱۳۲۸۵	۱۲۱۴۰
۱۴	Var14	فشارهای سیاسی اقتصادی بر کشور (نظیر تحریم‌ها) و ضرورت حرکت به سمت خودکفایی	۱۸	۲۳	۹۹۹۷	۱۲۱۹۸
جمع			۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳	۳۲۳



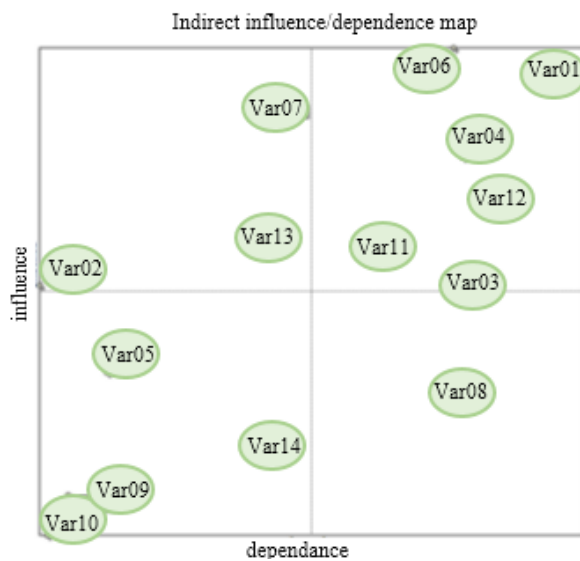
در ادامه، جهت تحلیل کلی محیط سیستم و شناسایی عوامل کلیدی مؤثر به بررسی پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها پرداخته شد. در تحلیل صفحه پراکندگی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه می‌توان پنج دسته متغیرها (تأثیرگذار، دو وجهی، تنظیمی، تأثیرپذیر و مستقل) را در سیستم شناسایی کرد (شکل‌های ۱ و ۲). نحوه پراکندگی متغیرها و وجود پنج دسته متغیر نشان‌دهنده ناپایداری سیستم است (موسوی و کهکی، ۱۳۹۵، ۱۷۸). متغیرهای تأثیرگذار در ناحیه شمال غربی، متغیرهای دو وجهی در ناحیه شمال شرقی، متغیرهای تنظیمی در اطراف مرکز ثقل، متغیرهای تأثیرپذیر در ناحیه جنوب شرقی و متغیرهای مستقل در ناحیه جنوب غربی پلان تأثیرگذاری-تأثیرپذیری قرار دارند (آرکاد و همکاران، ۲۰۰۳، ۱۸). نمودارهای اثرات مستقیم و اثرات غیرمستقیم (نمودارهای ۱ و ۲) نشانگر شدت روابط بین متغیرها در پنج سطح بسیار ضعیف، ضعیف، متوسط، نسبتاً قوی و بسیار قوی است.



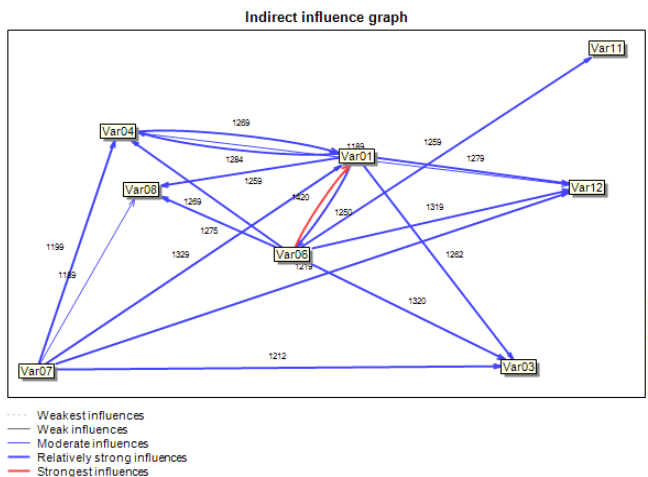
شکل ۱. پراکندگی متغیرها بر اساس تأثیرات مستقیم متغیرها
مأخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار ۱. اثرات مستقیم بین متغیرها (بسیار ضعیف تا نسبتاً قوی)



شکل ۲. پراکندگی متغیرها بر اساس تأثیرات غیرمستقیم



نمودار ۲. روابط غیرمستقیم بین متغیرها (بسیار قوی تا بسیار ضعیف)



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

انتخاب نهایی عوامل مؤثر

میزان و چگونگی تأثیرگذاری پیشران‌ها بر یکدیگر و بر وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی با توجه به روش مستقیم و غیرمستقیم بررسی شده و در نهایت از میان ۱۴ عامل بررسی شده پنج عامل اصلی به عنوان عوامل کلیدی مؤثر انتخاب گردید (جدول شماره ۵).

جدول ۵. پیشران‌های کلیدی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی

ردیف	علامت	متغیر	تأثیرگذاری مستقیم	تأثیرگذاری غیرمستقیم
۱	Var06	تغییر سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی	۹۵۹	۹۱۷
۲	Var01	تمایل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی	۸۹۷	۸۸۶
۳	Var07	تغییر رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت وسوسه‌ی یادگیری تجربی جامعه‌محور	۸۶۶	۸۵۰
۴	Var04	اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی	۸۰۴	۸۲۳
۵	Var12	اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک	۷۷۳	۷۷۷

۵۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

مرحله سوم. سناریونگاری مسئولیت پذیری اجتماعی دانشگاه در آموزش عالی کشاورزی

تدوین وضعیت های احتمالی پیشران های کلیدی. بر اساس یافته های مراحل قبل، پنج عامل به عنوان پیشران های کلیدی مؤثر در وضعیت آینده مسئولیت پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی شناسایی شد. در این راستا، جهت تدوین وضعیت های احتمالی پیشران های کلیدی از کارشناسان متخصص نظرخواهی شد که در نهایت با جمع بندی آنها ۲۱ وضعیت ممکن و محتمل برای ۵ عامل مذکور تعریف شد. وضعیت محتمل به آن وضعیت هایی اشاره دارد که هنوز اتفاق نیفتاده است و نمی توان برای آن میزان احتمال وقوع خاصی را پیش بینی کرد (مینو و همکاران، ۱۳۹۶، ۵). وضعیت های محتمل برای هر عامل متفاوت از سایر عوامل بوده و تنها ویژگی مشترک آنها وجود طیفی از وضعیت های نامطلوب تا مطلوب است که بعضاً این طیف به سه، چهار و یا پنج وضعیت متناسب با شرایط پیشران های کلیدی تفکیک شده است (جدول شماره ۶).



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۵۳

مسئولیت پذیری اجتماعی
در آموزش عالی ...

جدول ۶. عوامل کلیدی و وضعیت های احتمالی آن در آینده

نام اختصاری عامل	پیشران کلیدی	وضعیت های احتمالی	درجه ی مطلوبیت وضعیت های احتمالی	طیف رنگی وضعیت ها
A	تغییر سیاست های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی	A1: تغییر سازنده	مطلوبیت	سبز
		A2: عدم تغییر	حفظ وضع موجود و حالتی بینابین	زرد
		A3: تغییر بازدارنده	بحرانی	قرمز
B	تمایل دانشگاهیان به جهت گیری اجتماعی در حوزه های اصلی فعالیت های دانشگاهی	B1: تمایل کامل	مطلوبیت	سبز
		B2: تمایل نسبی	روندی مطلوب نسبتاً سبز	
		B3: روند کنونی	حفظ وضع موجود و حالتی بینابین	زرد
		B4: مخالفت نسبی	روندی نامطلوب و در آستانه بحران	نسبتاً قرمز
		B5: مخالفت کامل	بحرانی	قرمز
C	تغییر رویکردهای توسعه حرفه ای به سمت وسوسه یادگیری تجربی جامعه محور	C1: تغییر سازنده	مطلوبیت	سبز
		C2: عدم تغییر	حفظ وضع موجود و حالتی بینابین	زرد
		C3: تغییر بازدارنده	بحرانی	قرمز



نام اختصاری عامل	پیش‌ران کلیدی	وضعیت‌های احتمالی	درجه‌ی مطلوبیت وضعیت‌های احتمالی	طیف رنگی وضعیت‌ها
D	اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی	D1: تحقق همکاری شبکه‌ای	مطلوبیت	سبز
		D2: افزایش همکاری های دو یا چندجانبه	روندی مطلوب	نسبتاً سبز
		D3: تداوم همکاری‌های کنونی	حفظ وضع موجود و حالتی بینابین	زرد
		D4: کاهش سطح همکاری‌ها	روندی نامطلوب و در آستانه بحران	نسبتاً قرمز
		D5: جزیره‌ای شدن و گسست کامل	بحرانی	قرمز
E	اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک	E1: تلفیق کامل دانش بومی	مطلوبیت	سبز
		E2: افزایش بهره‌برداری از دانش بومی	روندی مطلوب	نسبتاً سبز
		E3: ادامه روند موجود	حفظ وضع موجود و حالتی بینابین	زرد
		E4: کاهش توجه به دانش بومی	روندی نامطلوب و در آستانه بحران	نسبتاً قرمز
		E5: فراموشی و زوال دانش بومی	بحرانی	قرمز

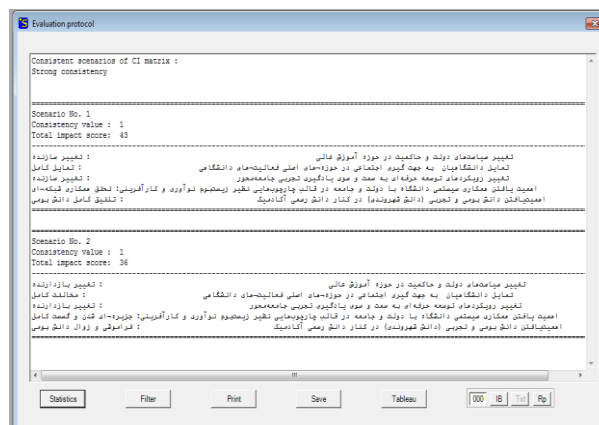
تهیه و تحلیل سناریوهای احتمالی در آینده

با طراحی وضعیت‌ها و تهیه ماتریس 21×21 مجدداً مانند مرحله قبل در تعیین عوامل کلیدی پرسشنامه‌ای با راهنمای کار تهیه و از طریق ایمیل در اختیار گروه خبره مشارکت‌کننده قرار گرفت. سؤال مطرح شده این بود که اگر هر یک از وضعیت‌های ۲۱ گانه اتفاق بیفتد چه تأثیری بر وقوع و یا عدم وقوع سایر وضعیت‌ها خواهد داشت؟ متخصصان با پاسخگویی بر اساس سه ویژگی توانمندساز، بی‌تأثیر و محدودیت‌ساز به تکمیل پرسشنامه اقدام نموده و با درج ارقامی بین ۳+ تا ۳- میزان تأثیرگذاری هر کدام از وضعیت‌ها را بر سیستم مشخص کردند. داده‌های به‌دست‌آمده با نرم‌افزار Senario Wizard

مورد پردازش قرار گرفت. این نرم افزار به گونه ای است که ابعاد سازگاری و احتمالی وقوع سناریوها را از میان میلیون ها و هزاران سناریو به چند سناریو محدود با احتمال قوی و سازگاری بالا تقلیل می دهد. در این پژوهش، ۱۱۲۵ سناریو احتمالی پیش روی مسئولیت پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی قرار دارد. بر اساس نتایج پردازش داده ها در این نرم افزار تعداد ۲ سناریو قوی و ۱۰۴ سناریو ضعیف به دست آمد. با توجه به اینکه در یک طرح آینده پژوهی، تعداد سناریوهای بامعنی، قابل تفسیر و متمایز، در نهایت چهار یا پنج سناریو است (کاسوو و گابنر^۱، ۲۰۰۸، ۱۱۰) و حتی بر اساس نظر برخی، سناریوها باید به طور معمول دو یا سه سناریو باشد (گلن و گوردون^۲، ۲۰۰۹؛ برادفیلد و همکاران^۳، ۲۰۰۵، ۸۰۹)، در ادامه به تحلیل سناریوهای قوی می پردازیم.

۵. تحلیل سناریوهای قوی

نتایج حاکی از آن است ۲ سناریو با امتیاز بالا در شرایط پیش رو متصور است که ۱ سناریو شرایط امیدوارکننده و مطلوب دارد و سناریو دیگر شرایط بحرانی را نشان می دهد (شکل شماره ۳).



شکل ۳. نمایش پروتکل ارزیابی سناریوهای قوی

1. Kosow & GaBner
2. Glenn & Gordon
3. Bradfield et al



به طور کلی فرضیات یک سناریو از لحاظ استحکام و پابرجایی متفاوت است. مقدار پابرجایی به عنوان ارزش سازگاری هم می تواند بیان شود. مقدار پابرجایی عامل های کلیدی مربوط به سناریوهای قوی در جدول شماره (۷) منعکس است.

جدول ۷. مقدار پابرجایی عامل های کلیدی

عامل کلیدی		سناریو قوی ۱		سناریو قوی ۲	
		فرض	سازگاری	فرض	سازگاری
تغییر رویکردهای توسعه حرفه ای به سمت وسوسه یادگیری تجربی جامعه محور		تغییر سازنده	۱۱	تغییر بازدارنده	۱۲
تغییر سیاست های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی		تغییر سازنده	۷	تغییر بازدارنده	۱۰
تمایل دانشگاهیان به جهت گیری اجتماعی در حوزه های اصلی فعالیت های دانشگاهی		تمایل کامل	۴	مخالفت کامل	۴
اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک		تلفیق کامل دانش بومی	۴	فراموشی و زوال دانش بومی	۲
اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب هایی نظیر زیست بوم نوآوری و کارآفرینی		تحقق همکاری شبکه ای	۱	جزیره ای شدن و گسست کامل	۱



مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی

۵۶

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

دو سناریو قوی با توجه به وضعیت های احتمالی عوامل کلیدی تحت عناوین ققنوس و طاووس نام گذاری شد. نکته مهم اینکه نرم افزار هیچ اصرار و تأکیدی بر وجود انواع سناریوها از طیف های مختلف ندارد و تنها بر اساس روابط منفی و مثبت تأثیرگذار، به طراحی سناریوها اقدام می کند. این سناریوها چشم انداز آینده مسئولیت پذیری اجتماعی دانشگاه را نشان می دهد. نتیجه واقعی تا حدودی به گزینه هایی که در آینده انتخاب خواهد شد بستگی دارد. در سناریو ققنوس (به عنوان نماد سعادت و خوشبختی)، وضعیت احتمالی عوامل کلیدی در شرایط مطلوب قرار دارد و این سناریو تحقق مسئولیت پذیری اجتماعی را در نظر می گیرد. در سناریو طاووس (به عنوان نماد زیبایی و

غرور) وضعیت احتمالی عوامل کلیدی در شرایط بحرانی قرار دارد و دانشگاه فاقد مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. فراوانی وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی مربوط به سناریوهای سازگار با استفاده از وزن معادل آنها در جدول شماره (۸) امتیازبندی شده است.

جدول ۸. فراوانی وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی مربوط به سناریوهای سازگار

A1	A2	A3	-	-	تغییر سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی
%۵۰	%۰	%۵۰	-	-	
B1	B2	B3	B4	B5	تمایل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی
%۵۰	%۰	%۰	%۰	%۵۰	
C1	C2	C3	-	-	تغییر رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت وسوسه یادگیری تجربی جامعه‌محور
%۵۰	%۰	%۵۰	-	-	
D1	D2	D3	D4	D5	اهمیت یافتن همکاری سیستمی دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی
%۵۰	%۰	%۰	%۰	%۵۰	
E1	E2	E3	E4	E5	اهمیت یافتن دانش بومی و تجربی (دانش شهروندی) در کنار دانش رسمی آکادمیک
%۵۰	%۰	%۰	%۰	%۵۰	

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مدیران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان از سناریو به منظور تسهیل تدبیرگری برای رویارویی مؤثر با عدم قطعیت‌ها در افق بلندمدت استفاده می‌کنند (سارپونگ و مک‌لین، ۲۰۱۱، ۱۱۶۲؛ رافورد، ۲۰۱۵، ۶۷). سناریوها آینده‌هایی که احتمال وقوع آنها محتمل است را در قالب داستان‌هایی بیان نموده و روایت‌های بدیلی درباره موقعیت‌های آینده ارائه می‌دهند (رهبر و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۴؛ یاورزاده و آذری یکتا، ۱۳۹۳، ۸). آینده آموزش عالی کشاورزی در گرو جهت‌گیری مؤثر و کارآمد برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی با رویکردی مسئولانه است. بنابراین، همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشاورزی نیازمند درک ضرورت و ملزومات مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حوزه کاری خویش هستند. این مهم نیازمند ترسیم و تحلیل وضعیت‌های محتمل پیش‌رو در قالب سناریوهای بدیل است. در همین راستا، مقاله حاضر دو سناریو متضاد به‌عنوان سناریوهای قوی را شناسایی

نمود. یکی از این سناریوها شرایط امیدوارکننده و مطلوب (سناریو ققنوس) و سناریو دیگر شرایط بحرانی (سناریو طاووس) برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی را نشان می‌دهد. علت نامگذاری ققنوس این است که ققنوس پرنده‌ای با جثه بزرگ است که در زمان‌های قدیم می‌پنداشتند سایه‌اش بر سر هر کسی بیفتد به سعادت و خوشبختی می‌رسد. در وضعیت آموزش عالی، اوج‌گیری دانشگاه می‌تواند مایه خیر و همای سعادت برای پیشبرد و توسعه جامعه باشد. علت نامگذاری طاووس این است که این پرنده نماد زیبایی و غرور است و به‌نوعی بازتاب انگاره برج عاج‌نشینی پرطمطراق دانشگاهی است. در این بین، سناریو ققنوس بهترین و مطلوب‌ترین وضعیت ممکن برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی کشاورزی، با امتیاز بالا و احتمال تحقق بسیار بالا است.

بنا بر نتایج تحقیق، تغییر سازنده سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی، تمایل کامل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی، تغییر سازنده رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت‌وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور، تحقق همکاری شبکه‌ای دانشگاهی با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی و تلفیق کامل دانش بومی در کنار دانش رسمی آکادمیک از جمله شروط محقق‌کننده این سناریو است. در این سناریو سیستم به‌صورت کامل موفق خواهد شد و وضعیتی کاملاً ایدئال را برای گروه‌های هدف، شامل اجتماع دانشگاهی و نیز جامعه پیرامون فراهم آورد. در سوی مقابل، در صورت وقوع سناریو طاووس با پنج وضعیت بحران کامل، آینده بسیار نامطلوبی برای سیستم رخ خواهد داد و وضعیت گروه‌های هدف در صورت وقوع این سناریو، به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود. در این سناریو شاهد تغییر بازدارنده سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی آموزش عالی خواهیم بود. گریزان بودن یا مخالفت کامل دانشگاهیان با جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی بروز خواهد کرد و از این‌رو رسالت آموزش عالی همانند گذشته بیشتر معطوف به آموزش و ارائه تولیدات علمی و پژوهشی بدون توجه به نیازهای توسعه محلی و منطقه‌ای و پیامدهای آموزش عالی خواهد بود. در نتیجه تغییر بازدارنده رویکردهای توسعه حرفه‌ای به



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۵۸

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱



سمت‌وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور، شاهد رشد مناسبی در کمیت تولید علمی کشور خواهیم بود، اما از نظر کیفی همچنان مشکلاتی وجود خواهد داشت. دانشگاه، صنعت و جامعه به مثابه جزایر جدا از هم فعالیت خواهند کرد. بازخورد این وضعیت کاهش وجهه و اعتبار اجتماعی و نهادی آموزش عالی در جامعه خواهد بود.

بنابراین، منطقی و مطلوب آن است که سیاست‌گذاران و مدیران آموزش عالی کشاورزی به‌طور جدی به تحقق سناریو مطلوب (ققنوس) همت گمارند. برای تحقق این سناریو، که مستلزم گذار به سمت یک دانشگاه مسئولیت‌پذیر اجتماعی است، تدبیر نظری و عملی حول پنج عنصر اصلی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تغییر سازنده سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی. در این راستا، سیاست‌گذاران آموزش عالی کشاورزی باید به طراحی و استقرار آن‌گونه حکمرانی دانشگاه مبادرت ورزند که علاوه بر رسالت آموزشی-پژوهشی، کارکردهای اجتماعی-اقتصادی آموزش عالی را نیز محقق نماید (کافمن و ماستروزی^۱، ۲۰۰۶، ۱۹۹۸). در یک الگوی حکمرانی مطلوب و برتابنده تحولات سیاست‌گذاری در طول زمان، لازم است میان سه سطح دولت، استادان دانشگاه و مدیران دانشگاه گفت‌وگو، هم‌اندیشی و هماهنگی لازم باشد (فتح‌الهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۲).

در الگوی دولت‌گرا، دانشگاه‌ها به‌عنوان نهادهایی زیر نظر دولت اداره می‌شوند. دولت به‌صورت مستقیم همه یا قسمت عمده‌ای از آموزش عالی، از قبیل شرایط لازم برای پذیرش، برنامه درسی، امتحانات و انتصاب افراد برای مسئولیت‌های سازمانی دانشگاه را هماهنگ می‌کند (اولسن^۲، ۲۰۰۷، ۳۸). از سوی دیگر، الگوهای بازار محور ادعا می‌کنند که دانشگاه‌ها زمانی که به‌عنوان سازمان‌های اقتصادی در داخل و برای بازارهای منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کنند، از اثربخشی بیشتری برخوردار خواهند بود و سازوکارهای کارآفرینی دانشگاهی به‌عنوان تدابیر اصولی سازمانی و قانونی در مدیریت دانشگاهی در نظر گرفته می‌شوند (فلت^۳، ۲۰۰۳).

1. Kaufmann & Mastruzzi

2. Olsen

3. Felt



۲. تمایل کامل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی. این مهم مستلزم تلفیق مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی در برنامه‌د رسی برای پاسخگویی به خواسته‌های جامعه در حوزه آموزش، رسانش دانش به جامعه و انتقال فناوری به صنعت در حوزه تحقیق، اجرای شیوه‌های مدیریت خوب و پاسخگویی، پایش و گزارش‌دهی منظم مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی و تسهیل ایفای نقش بیشتر ذی‌نفعان بیرونی در اداره دانشگاه در حوزه مدیریتی است. در چارچوب پیوند دانشگاه با جامعه، ارتقای شهروندی دانشگاهی، ارتقای ارزش‌های جامعه مدنی، مانند عدالت اجتماعی یا برابری و تنوع و همکاری در محیط اجتماعی - اقتصادی درخور توجه است (لارن جرج و آندرادس پنا^۱، ۲۰۱۷، ۳۱۶-۳۱۵).

۳. تغییر سازنده رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت‌وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور. در این سطح نوآوری‌ها (به‌ویژه از نوع اجتماعی و باز) آغاز می‌شود. تغییر رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت‌وسوی یادگیری تجربی جامعه‌محور نقش تاثیرگذاری در تحقق اهداف آموزشی دارد (شریک^۲، ۲۰۱۴). توسعه حرفه‌ای در چارچوبی وسیع‌تر یعنی توسعه منابع انسانی دانشگاهی بازتاب میزان نوآوری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری در یک جامعه دانش‌بنیان است (ایبلی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۰۰؛ جوانک لیاولی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۱۲). دانشگاه‌ها به سرمایه‌های انسانی خود، با توجه به دانش، شایستگی و قابلیت‌های آنها، به‌عنوان یک مزیت رقابتی نظر دارند. توسعه این سرمایه، نیازمند تطبیق با جریان تغییرات در جامعه و بهره‌گیری از فرصت‌های یادگیری در محیط پیرامون است.

۴. تحقق همکاری شبکه‌ای دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی. دانشگاه‌ها مهمترین بازیگر اکوسیستم کارآفرینی مبتنی بر دانش هستند؛ آنها می‌توانند ذی‌نفعان دانشگاهی را به کارآفرینان شایسته تبدیل کنند، می‌توانند با تشکیل صندوق‌های کارآفرینی دانشگاهی، سرمایه اولیه شرکت‌های نوپا را تأمین کنند و با توجه به سرمایه انسانی خود، از طریق رویدادهای کارآفرینی پیوند بین ذی‌نفعان را

1.Larran Jorge & Andrades Pena

2.Sherick

توسعه دهند. همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند دانش مورد نیاز بخش صنعت، که فراهم‌کننده سرمایه اکوسیستم، چه از طریق مشارکت در توسعه فناوری با همکاری دانشگاه‌های محلی و چه از طریق سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نوپا یا خرید شرکت‌های نوپای موفق هستند، فراهم آورند (انتظاری، ۱۳۹۸، ۱۶).

۵. تلفیق کامل دانش بومی با دانش رسمی آکادمیک. تلاش برای گردآوری دانش بومی، به‌طور مشخص برای حل مسائل و مشکلات بشری آغاز شده است. وابستگی و سازگار بودن دانش بومی به خواستگاه جغرافیایی آن اشاره دارد. با توجه به گستردگی نیازهای کنونی جمعیت جهان و نیز آسیب‌پذیری منابع طبیعی باقی‌مانده، هیچ یک از دو دانش بومی و آکادمیک به‌تنهایی پاسخگوی نیازها نیستند و الگوی مورد نیاز مدیریت پایدار آمیزه‌ای از دانش بومی و دانش آکادمیک است. از آنجایی که دانش بومی برخاسته از شرایط محیطی هر ناحیه است و روش‌های مناسبی را برای مدیریت محیط ارائه می‌دهد، تلفیق آن با دانش آکادمیک، شیوه‌های نوینی در راستای دستیابی به مدیریت پایدار فراهم می‌کند (مرادی، ۱۳۹۳، ۶۰). بنابراین، ضرورت دارد دانشگاهیان با مفاهیم و ملزومات دانش شهروندی و اجتماعی، ترویج علم و دانش، یادگیری و نوآوری باز و اجتماعی آشنا شوند. بدین‌منظور، مشارکت دانشگاهیان در فعالیت‌های ترویج کشاورزی و منابع طبیعی بر پایه همکاری نهادمند دانشگاه‌ها با سازمان‌ها و ادارات جهاد کشاورزی، منابع طبیعی و آبخیزداری در سطوح مختلف ستادی و صفی نیازمند تشویق و تقویت است.

برای تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه، تحول در ابعاد مختلف فعالیت دانشگاه (آموزشی، ترویجی، پژوهشی و فناوری، کارآفرینی و توسعه‌ای) با درپیش گرفتن سازوکارهای مقتضی ضروری است (رجبیان غریب، محمدزاده و شریف‌زاده، ۱۳۹۹، ۱۰۳). در بعد آموزش، توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر شناخت بازار کار و انتظارات واقعی جامعه، بهره‌گیری از ظرفیت بهره‌برداران و فعالان بخش کشاورزی در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، رصد منظم اشتغال دانش‌آموختگان و بازنگری در برنامه‌های آموزشی و درسی بر اساس نتایج حاصل و گذراندن کارآموزی و کارورزی دانشگاهیان در محیط‌های کاری و زندگی واقعی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. یکی دیگر





از ابعاد کارکردی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه، ترویج دانشگاهی است که از طریق سازوکارهایی همانند ارائه آموزش‌های ترویجی به گروه‌های هدف، ساماندهی جنبش‌های رسانه‌ای و اجتماعی با هدف آگاه‌سازی عمومی، شناسایی، اعتبارسنجی، مستندسازی و بهره‌گیری از دانش بومی و محلی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی، روشنگری مداوم در مورد مسائل و موضوعات روز جامعه با بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی با نفوذ و اجرای تحقیقات مشارکتی میدانی با حضور نمایندگان بهره‌برداران محقق خواهد شد. در حوزه پژوهشی و فناوری، سازوکارهایی همانند طراحی پژوهش‌های تحقیقاتی مبتنی بر نیازها و اولویت‌های گروه‌های بهره‌بردار نهایی، پردازش، انتقال و حمایت از کاربرد یافته‌های تحقیقاتی و فناوری به بهره‌برداران، ارائه خدمات فنی و آزمایشگاهی علمی به گروه‌های هدف منتخب، مشارکت در طرح‌های تحقیقاتی راهبردی در سطوح استانی، ملی و منطقه‌ای و مشارکت در تجاری‌سازی مقتضی یافته‌های تحقیقاتی دانشگاهی می‌تواند به تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک کند. در زمینه کارآفرینی، حمایت آموزشی و مشوره‌ای از کارآفرینان و فعالان کسب‌وکار، حمایت از ابتکارات کارآفرینی اجتماعی در سطح جامعه، شناسایی و سرمایه‌گذاری مشترک در فرصت‌های کسب‌وکار در قالب کسب‌وکارهای دانشگاهی و برگزاری رویدادهای کارآفرینی و استارت‌آپی به منظور زایش و برآیش کسب‌وکارهای نوپا و جامعه‌محور برای گروه‌های هدف می‌تواند کارساز واقع شود. سرانجام، برای تحقق مشارکت دانشگاه در توسعه محلی، سازوکارهایی همانند مشارکت طراحی و توسعه و پایش پروژه‌های توسعه، مشارکت مؤثر در مدیریت بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه، مشارکت در مجامع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سطوح مختلف، و ساماندهی مجامع و فرایندهای گفت‌وگو و تعامل بین‌بخشی برای تقویت جامعه مدنی درخور توجه است.

در راستای تحقق مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاه پیشنهاد می‌شود با درک پیشران‌های کلیدی درونی و بیرونی (شامل: تغییر سازنده سیاست‌های دولت و حاکمیت در حوزه آموزش عالی، تمایل کامل دانشگاهیان به جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های اصلی فعالیت‌های دانشگاهی، تغییر سازنده رویکردهای توسعه حرفه‌ای به سمت وسوسه

یادگیری تجربی جامعه‌محور، تحقق همکاری شبکه‌ای دانشگاه با دولت و جامعه در قالب چارچوب‌هایی نظیر زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی و تلفیق کامل دانش بومی در کنار دانش رسمی آکادمیک) نسبت به تعریف ارزش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشگاهی و مفهوم‌سازی آنها از یک سو و تعریف راهبردها و استقرار سازوکارهای ارتباط مؤثر دانشگاه و جامعه از سوی دیگر اقدام شود.

۷. سپاسگزاری

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان انجام شده است که بدین وسیله از حمایت و پشتیبانی آن دانشگاه تشکر و قدردانی می‌شود.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

ابیلی، خدایار؛ نادری، ابوالقاسم؛ و اثرزاده، رضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه آموزش ضمن خدمت با مدیریت دانش و ارائه راهکار جهت بهبود آن؛ مطالعه موردی، شرکت نفت فلات قاره ایران). فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۶(۲۲)، ۱۷۹-۲۰۸.

اصغری، سعید؛ اکبرپور شیرازی، محسن (۱۳۹۷). ارائه سناریوهای آینده آموزش عالی کشور با استفاده از روش نقشه شناختی فازی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۴(۱)، ۱-۲۶.

انتظاری، یعقوب (۱۳۹۸). الزامات توسعه کارآفرینی دانشگاه بنیان در ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۵(۱)، ۱-۲۵.

بادسار، محمد؛ رضایی، روح‌اله؛ و صلاحی‌مقدم، نفیسه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر هوش عاطفی بر شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان رشته‌های کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه زنجان)، توسعه کارآفرینی، ۷(۷)، ۴۰۷-۴۲۵. doi: 10.22059/JED.2014.52492

برادران حقیر، مریم؛ نورشاهی، نسرین؛ و روشن، احمدرضا (۱۳۹۸). مفهوم سازی مسئولیت اجتماعی دانشگاه در ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۵(۳)، ۱-۲۶.

تقی‌زاده، هوشنگ؛ ضیائی حاجی‌پیرلو، مصطفی (۱۳۹۷). نقش راه بالنده‌سازی در فرایندهای آموزشی سیستم های آموزشی عالی؛ مطالعه موردی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۹(۱)، ۱-۲۴.

جوانک لیاولی، ماندانا؛ ابیلی، خدایار؛ پورکریمی، جواد؛ و سلطانی عربشاهی، سیدکامران (۱۳۹۶). ارائه الگوی توسعه حرفه‌ای مدیران گروه‌های آموزش بالینی: مورد دانشگاه‌های علوم پزشکی دولتی شهر تهران، دوماهنامه علمی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۰(۳)، ۲۱۸-۲۰۲.

خسروی‌پور، بهمن؛ ایروانی، هوشنگ؛ حسینی، سید محمود؛ موحّد محمدی، حمید (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های آموزشی مؤثر بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۸، ۲۱۸-۲۰۷.

خسروی‌پور، بهمن؛ سلیمانپور، محمدرضا (۱۳۹۰). شناسایی عوامل آموزشی در مجتمع آموزش جهادکشاورزی شهید کریمی گرگان با تأکید بر توانمندی کارآفرینانه دانشجویان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۷(۱)، ۸۹-۱۰۰.

دانشگاه تهران (۱۳۹۶). سومین برنامه راهبردی دانشگاه تهران. معاونت برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات دانشگاه تهران، اداره کل برنامه‌بودجه و تحول سازمانی. برگرفته از

<https://ut.ac.ir/file/download/page/1517041706-3rd-strategic-plan-ut.pdf>





ذاکرسالاحی، غلامرضا (۱۳۹۳). آموزش عالی در گذار از توسعه پایدار به پساپایداری، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

رجبیان غریب، فاطمه؛ محمدزاده، سعید؛ و شریف‌زاده، محمدشریف (۱۳۹۹). تدوین الگوی پیوند دانشگاه و جامعه مبتنی بر رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی در آموزش عالی کشاورزی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۶(۴)، ۸۵-۱۱۱.

رضاپور، حسین؛ و فتحاحیان، محمدحسین (۱۳۹۶). آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۱(۴۹)، ۵۵-۷۴.

رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین اصل، امیرعلی؛ شاه‌حسینی، محمدعلی؛ نیازی، عیسی (۱۳۹۷). طراحی مدلی برای سناریونگاری بر اساس شناسایی عوامل کلیدی و تجزیه و تحلیل فعل و انفعالات بازیگران کلیدی. پژوهش های مدیریت عمومی، ۱۱(۳۹)، ۶۱-۹۰. doi: 10.22111/JMR.2018.4011

روحانی آرش؛ و آجرلو، سعید (۱۳۹۴). آموزش نرم‌افزار *MicMac*، قابل استفاده در پروژه‌های سناریونویسی - آینده‌پژوهی. تهران: آرنا.

زرافشانی، کیومرث؛ صی‌محمدی، سمیره؛ و بارانی، شهرزاد (۱۳۸۹). ارائه راهبردهای تدریس اثربخش در دوره‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه‌ها. در: اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و نوآوری، شیراز، ایران.

سوختانلو، مجتبی (۱۳۹۵). تحلیل اثر بخشی نظام آموزش عالی کشاورزی بر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی (مورد مطالعه: دانشگاه محقق اردبیلی). راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۳(۶)، ۳۴-۴۳.

شافعی، رضا؛ و عزیزی، نعمت‌اله (۱۳۹۲). مطالعه وضعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غرب کشور (طراحی یک الگوی ارزیابی). رفتار سازمانی در آموزش و پرورش، ۱(۲)، ۵-۲۲.

شفایی یامچلو، طاهره (۱۳۹۵). شناسایی وضعیت موجود مسئولیت اجتماعی دانشگاه مبتنی بر مدل والایس (مورد: دانشگاه تهران) بر اساس دیدگاه اعضای هیئت علمی و ارائه راهکار جهت بهبود آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه تهران.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). سند نقشه جامع علمی کشور. برگرفته از <https://dlp.msrt.ir>

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها مصوبه در جلسه ۷۳۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس مصوبه شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی. برگرفته از

<http://dastour.ir/Brows/?lid=358012>



عبدی، حمید؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ نیلی، محمدرضا؛ رجایی پور، سعید (۱۳۹۶). تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۸(۱۶)، ۵۹-۸۸.

علیزاده، ندا؛ صدیقی، حسن؛ پزشکی‌راد، غلامرضا؛ فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳). تحلیل سازوکارهای تحول‌آفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه، ۴۸(۱)، ۴۳-۵۳.
doi: 10.22059/ijaedr.2017.62008

غیاثی، عبدالرحیم (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل). نشریه توسعه کارآفرینی، ۸(۱)، ۱۵۸-۱۳۹.
doi: 10.22059/JED.2015.55472

فتح‌اللهی، احمد؛ یمنی، محمد؛ صباغیان، زهرا؛ فراستخواه، مقصود؛ وقاضی طباطبایی، محمد (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز بر تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی. سیاست علم و فناوری، ۷(۱)، ۲۷-۴۵.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). چارچوبی مفهومی برای برنامه ریزی مبتنی بر آینده اندیشی در دانشگاه، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۹(۳)، ۱-۲۱.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶). گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران: مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی. تهران، انتشارات آگاه.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷). دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشر نی.
فریدونی، سمیه (۱۳۹۶). گسترش کمی آموزش عالی با تأکید بر پیامدهای اجتماعی؛ نظریه‌ای داده بنیاد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۳(۴)، ۶۹-۹۶.

قاسمی، جواد؛ حسینی، سید محمود؛ و حجازی، یوسف (۱۳۸۸). تحلیل چالش‌های پیش‌روی خدمات برون‌رسانی دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشکده‌های کشاورزی ایران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۰(۴)، ۱۳۹-۱۵۱.

قلی‌فر، احسان؛ مرادی کفرآج، مصطفی؛ و رضوانفر، احمد (۱۳۹۴). متغیرهای سازمانی مؤثر بر بهبود وضعیت تعاملی دانشکده‌های کشاورزی ایران در چارچوب مفهوم سلامت سازمانی (مورد مطالعه: دانشگاه‌های تهران، زنجان و اردبیل). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۶(۱)، ۱۸۵-۱۹۵.
doi: 10.22059/ijaedr.2015.54491

کریمی، وحید؛ و زمانی، غلامحسین (۱۳۹۴). انگیزه دانش‌آموختگان کشاورزی دانشگاه شیراز برای خدمت در مناطق روستایی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۳، ۴۷-۵۵.
doi: 10.22092/jaeer.2015.105816

مرادی، محمود (۱۳۹۳). کارکرد تلفیق دانش بومی و نوین و نقش آن در توسعه روستایی. پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۷، ۶۲-۵۱.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۲). چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغی مقام معظم رهبری. برگرفته از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>

مطلبی کربکندی، مصطفی؛ گودرزی، غلامرضا؛ و عبدالرحیم، پدram (۱۳۹۶). روندهای تأثیرگذار بر آینده دانشگاه امام صادق. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۱(۲)، ۱۴۸-۱۱۷. doi: 10.30497/smt.2017.2156

منتظر، غلامی؛ و فلاحی، نگار (۱۳۹۴). سناریونگاری آینده آموزش عالی ایران و کارکرد فناوری اطلاعات در آن. سیاست علم و فناوری، ۸(۱)، ۶۷-۴۷.

موسوی، میرنجف؛ و کهکی، فاطمه سادات (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی در آمایش سرزمین (نگاهی به کاربرد نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریویوزارد. ارومیه: دانشگاه ارومیه.

مینو، فرزین؛ شاوردی، طهمینه؛ چاووشی، سیدکاظم (۱۳۹۶). ارائه چارچوب فرایندی شناسایی عدم قطعیت‌ها و پیشران‌ها (مورد مطالعه: نفت و گاز). فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، ۲۸(۳)، ۶۹-۵۵.

یاورزاده، محمدرضا؛ و آذری یکتا، فرزانه (۱۳۹۳). سناریونگاری روشی برای پشتیبانی از برنامه ریزی استراتژیک در شرایط عدم قطعیت، سومین همایش ملی آینده پژوهی، ۹ بهمن ۱۳۹۳، تهران.

Beynaghi, A., Trencher, G., Moztarzadeh, F., Mozafari, M., Maknoon, R., & Leal Filho, W. (2016). Future sustainability scenarios for universities: Moving beyond the United Nations Decade of Education for Sustainable Development. *Journal of Cleaner Production*, 112, 3464-3478. doi: 10.1016/j.jclepro.2015.10.117

Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning. *Futures*, 37(4), 795-812. doi:10.1016/j.futures.2005.01.003

Centre for Educational Research and Innovation (CERI) (2008). Four Future Scenarios for Higher Education, *OECD/France International Conference Higher Education to 2030: What Futures for Quality Access in the Era of Globalisation?* Reterieved from <https://www.oecd.org/education/ceri/centreforeducationalresearchandinnovationceri-universityfutures.htm>

Dagilienne, L., & Mykolaitienė, V. (2015). Disclosure of social responsibility in annual performance reports of universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 213, 586-592. doi:10.1016/j.sbspro.2015.11.454

De la Cuesta Gonzalez, M., Porras, A., Saavedra, I. & Sanchez, D.S. (2010). El Compromiso Social de la UNED. In M. De la Cuesta, C. De la Cruz and J. M. Rodriguez Fernandez (eds.), *Responsabilidad Social Universitaria. La Coruna: Netbiblo*, 232-272.



- Felt, U. (2003). University autonomy in Europe: Changing paradigms in higher education policy. Paper presented at the EAU convention of European Higher Education Institutions, Graz 30-31 May, 2003.
- Finn, A., Ratcliffe, J., & Sirt, L. (2007). University futures: The direction, shape and provision of higher education in the University of the Future (Rep.). Dublin: *Dublin Institute of Technology*.
- Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (Eds.). (2009). *Futures research methodology-version 3-0*. Editorial desconocida. Retrieved from <http://www.millennium-project.org/publications-2/futures-research-methodology-version-3-0/>
- Grau, F.X., Escrigas, C., Goddard, J., Hall, B., Hazelkorn, E., & Tandon, R. (2017). Towards a socially responsible higher education institution: balancing the global with the local, higher education in the World 6. Towards a socially responsible university: Balancing the Global with the Local, Global University Network for Innovation (GUNI).
- Guidelines for Universities Engaging in Social Responsibility, University Meets Social Responsibility (UNIBILITY). 2015-2017. Published by the UNIBILITY project, www.postgraduatecenter.at/unibility
- GUNI (2017). Higher Education in the World 6. Towards a Socially Responsible University: Balancing the Global with the Local, *Global University Network for Innovation* (GUNI).
- Hammershoj, L. G. (2019). The perfect storm scenario for the university: Diagnosing converging tendencies in higher education. *Futures*, 111, 159-167. doi: 10.1016/j.futures.2018.06.001
- Inayatullah, S., Ahmed, Sh., Alam, P., Davis, S., & Hashemi, S. (2013) Alternative scenarios for BRAC University. *On the Horizon*, 21(4), 275-285. doi: 10.1108/oth-01-2013-0006
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2006). *Governance matters V: aggregate and individual governance indicators for 1996-2005* (Vol. 4012). World Bank Publications.
- Kosow, H. & GaBner, R. (2008). *Methods of Future and Scenario Analysis*. German Development Institute (DIE).
- Larran Jorge, M., & Andrades Pena, F. J. (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, 71(4), 302-319. doi:10.1111/hequ.12122
- Larran Jorge, M., Herrera Madueno, J., Calzado Cejas, M. Y., & Andrades Pena, F. J. (2013). una aproximacion al nivel de desarrollo de la responsabilidad social universitaria en el sistema universitario en español, <http://www.aeca1.org>
- Olsen, J. (2007). The institutional dynamics of the European University. In M. Peter & O. Johan (Eds.), *University Dynamics and European Integration* (Pp 25-52). Dordrecht, Springer.
- Raford, N. (2015). Online foresight platforms: Evidence for their impact on scenario planning and strategic foresight. *Technological Foresight and Social Change*, 97(1), 65-76. doi:10.1016/j.techfore.2014.03.008



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۶۸

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



- Sarpong, D., & Maclean, M. (2011). Scenario thinking: A practice-based approach for the identification of opportunities for innovation. *Futures*, 43(10), 1154-1163. doi:10.1016/j.futures.2011.07.013
- Sherick, H. M. (2014). *The thoughtful development of others: A qualitative study of the impact of developmental relationships on chief academic officers in higher education* (Unpublished Doctoral Dissertation), University of Nebraska-Lincoln.
- Thurmond, V. A. (2001). The point of triangulation. *Journal of Nursing Scholarship*, 33(3), 253-258. doi: 10.1111/j.1547-5069.2001.00253.x
- UNESCO (2015). Chair in Community Based Research & Social Responsibility in Higher Education Institutionalizing Community University Research Partnerships: A User's Manual. Retrieved from http://unescochair.cbrsr.org/unesco/pdf/CURP_Guidelines.pdf
- Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M., & Baicu, C. (2010). Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4177-4182. doi:10.1016/j.sbspro.2010.03.660
- Vazquez, J. L., Aza, C. L., & Lanero, A. (2016). University social responsibility as antecedent of students' satisfaction. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 13(2), 137-149. doi:10.1007/s12208-016-0157-8
- Vincent-Lancrin, S. (2007). Building future scenarios for universities and higher education: an international approach. In *Prospects of Higher Education*, 3-27. Brill Sense. doi:10.1163/9789087903213_003
- Wells, P.J. (2017). The role of Higher Education Institutions today, Higher education in the World 6. Towards a Socially Responsible University: Balancing the Global with the Local, Global University Network for Innovation (GUNI).
- Wray N., Markovic M., & Manderson L. (2007). Researcher Saturation: The Impact of Data Triangulation and Intensive-Research Practices on the Researcher and Qualitative Research Process. *Qualitative Health Research*, 17(10), 1392-1402. doi:10.1177/1049732307308308



نقش و جایگاه دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح

زینب صدوقی^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

چکیده

وابستگی متقابل ناشی از جهانی شدن و بحران‌های مشترک، همکاری اندیشمندان در رشته‌های علمی مختلف را به منظور مواجهه با مسائل پیش رو، اجتناب‌ناپذیر کرده است. آنچه بدیهی است، سنگ بنای اولیه تعاملات افراد و مدیریت شرایط پیچیده کنونی، نیازمند ایجاد فضایی مبتنی بر دوستی و آرامش است. از این‌روست که در دهه‌های اخیر، شکل‌دهی و ترویج فرهنگ صلح، به دغدغه پژوهشگران تبدیل شده است. اعتقاد بر این است صلح ضمن به ارمغان آوردن آرامش، ثبات و امنیت، به تحقق توسعه پایدار یاری می‌رساند. صلح به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای، در شاخه‌های مختلف علم معنا می‌یابد و بنابراین هریک از دریچه خاصی، اهمیت و نحوه ترویج آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مقاله، دانش و آگاهی به‌عنوان مفهوم محوری در شکل‌گیری بینش، نگرش و رفتار صلح‌آمیز تلقی شده و در این راستا نقش دانشگاه - به‌عنوان عالی‌ترین نهاد آموزشی بعد از دوران متوسطه - در ترویج فرهنگ صلح مورد بررسی قرار گرفته است. در قالب روش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران حوزه صلح و آموزش، و در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال که چگونه دانشگاه‌ها می‌توانند در ترویج فرهنگ صلح نقش‌آفرین باشند؟ این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت: «دانشگاه در چارچوب کارکردهای آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی و همچنین نقش‌آفرینی در نهاد دیپلماسی می‌تواند به ترویج فرهنگ صلح یاری رساند». با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعات نظری و بررسی‌های میدانی، الگوی دانشگاه پایدار به عنوان الگوی مطلوب دانشگاه فعال در مسیر صلح معرفی شده است؛ دانشگاهی که پایداری در ساختار آموزشی، پژوهشی و خدماتی‌اش نهادینه شده باشد.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه پایدار، دیپلماسی آکادمیک، صلح، کارکردهای دانشگاه

۱. پژوهشگر، تهران، ایران

z.sadoghi@iscs.ac.ir ✉

۱. مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ همواره برای برقراری صلح تلاش کرده‌اند. چه آن زمان که با یکدیگر می‌جنگیدند تا صلح را برقرار سازند و چه امروز که صلح در ورای جنگ، و در چارچوب برقراری عدالت جستجو می‌شود. روندهای کنونی و جهانی شدن، چالش‌ها و نیازهایی همگانی را پیش روی انسان‌ها گذاشته است که تأمین آن مستلزم همکاری بین افراد، ملت‌ها و دولت‌ها در محیطی امن و صلح‌آمیز و به دور از تقابل و خشونت است. این در حالی است که با توجه به اراده جهانی مبنی بر تحقق توسعه همه‌جانبه، ترویج فرهنگ صلح و مدارا به عنوان پیش شرط، واقعیتی انکارناپذیر است؛ چراکه فرهنگ صلح از اهدافی حمایت می‌کند که طرفدار توسعه پایدارند و بیشترین رفاه و مزیت را برای بیشترین افراد، تضمین می‌کنند (رودریگز^۱، ۲۰۱۴، ۱۰۸).

بدیهی است، تحقق صلح به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای، نیاز به همفکری و تلاش جمعی دارد. از این رو در سال‌های اخیر، فراتر از تلاش‌های فردی، اقداماتی جمعی و سازمان‌یافته در قالب سازمان‌های دولتی یا مردم‌نهاد صورت گرفته است. این در حالی است که پژوهشگران در حوزه‌های مطالعاتی مختلف نیز امکان‌سنجی و نحوه تحقق و ترویج صلح را مورد مطالعه قرار داده‌اند. ولی علیرغم این تلاش‌ها، همچنان چالش جنگ و خشونت باقی است و میلیون‌ها تن در شرایط خشونت‌بار و ترس‌آور زندگی می‌کنند. در بسیاری از جوامع افراد نسبت به یکدیگر بی‌اعتمادند، خودمحور بوده و هیچ تعلق خاطری به منافع جمعی ندارند، برای بقاء و پیشرفت خود به دیگران آسیب می‌زنند و رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهند. بنابراین در پاسخ به مسئله چگونگی برقراری صلح، صاحب‌نظران فراتر از اقداماتی که تاکنون صورت گرفته، تغییرات ذهنی، بینشی و نگرشی افراد در نتیجه آگاهی‌بخشی را گام اصلی در برقراری صلح تلقی می‌کنند و امروزه تلاش‌های نظری و عملی نیز بدین جهت سوق داده شده است. نمودار شماره (۱) بیان‌گر مسیر شکل‌گیری رفتار صلح‌آمیز است. محور فعالیت‌های سازمان علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نیز بر این اصل استوار است که هر رفتاری، بازتابی از تمایلات ذهن و نگرش



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۷۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

انسان است. جنگ و خشونت ناشی از ذهن انسان‌هاست و در مقابل، صلح نیز بر ساخته ذهن بشر است. بنابراین می‌توان انتظار داشت با پرورش ذهن از طریق فرآیند یاددهی - یادگیری و تغییرات بینشی و نگرشی، تغییرات رفتاری به سوی صلح را شاهد باشیم.



نمودار ۱. فرآیند شکل‌گیری رفتار صلح‌آمیز

از میان سایر کنشگران، نهاد آموزش - به‌عنوان نهادی که دغدغه پرورش ذهن و فکر افراد را دارد - از مهم‌ترین بازیگران در ایجاد تغییرات ذهنی تلقی می‌شود. در این مقاله با توجه به اهمیت این نهاد در برقراری و ترویج ارزش‌های مثبت، به‌طور ویژه به بررسی نقش دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح خواهیم پرداخت. نباید از نظر دور داشت که تجربه جنگ‌ها و خشونت‌های اتفاق افتاده، مؤید این مطلب است که به لحاظ تاریخی در بسیاری از موارد، دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای آموزشی - به‌دلیل وابستگی‌های دولتی - مسئولیت کمک به توسعه صلح در عرصه جهانی را برای خود متصور نبودند و در مقابل در کنار دولت‌ها و در مشارکتی فعالانه، نقش شایان توجهی در ترویج فرهنگ خشونت ایفا می‌کردند. اما طی چند دهه گذشته، به واسطه تحولات بزرگی که در حوزه‌های مختلف زندگی و دانش بشری رخ داده است، دانشگاه‌ها نیز متحول شده‌اند و بنابراین به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد ایدئولوژی، فرهنگ و گفتمان غالب می‌توانند کنشگری پویا در شکل‌دهی به گفتمان صلح و ترویج آن تلقی شوند. با توجه به این کارکرد، در این پژوهش به این موضوع می‌پردازیم که چگونه دانشگاه‌ها امروزه و در عصر وابستگی متقابل می‌توانند در ترویج فرهنگ صلح نقش‌آفرین باشند، همان‌گونه که در دوره‌ای در پیشبرد اهداف جنگ طلبانه و نظامی‌گری دولت‌ها نقش داشتند. آنچه بدیهی است نمی‌توان از هر نهاد یا مؤسسه‌ای که



نام دانشگاه را با خود یدک می‌کشد، چنین انتظاری داشت و اهداف، ساختارها و کارکردهای دانشگاهی باید در راستای هدف مذکور مجدداً سازماندهی شود. به‌طور کلی، اثربخشی دانشگاه در روند ترویج فرهنگ صلح، در دو بخش مورد مطالعه قرار گرفته است: (۱) بررسی کارکردهای دانشگاهی در مسیر ترویج فرهنگ صلح؛ (۲) بررسی نقش آفرینی دانشگاه در نهاد دیپلماسی و کمک به پیشبرد اهداف صلح طلبانه این نهاد.

۲. مبانی نظری پژوهش

صلح مفهومی است که در حوزه‌های مختلف اعم از فرهنگ، دین، تاریخ، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد و با توجه به هریک از این عرصه‌ها، تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. بسیاری بر این باورند که می‌دانند صلح چیست، اما در حقیقت افراد درک متفاوتی از معنای این واژه به ظاهر ساده و راه‌های تحقق آن دارند. زیرا صلح مانند بسیاری از واژه‌های نظری دیگر، به سختی تعریف شده و مانند شادی، هماهنگی، عدالت و آزادی با مفاهیم مقابل و متضادش تعریف می‌شود (باراش و وبل^۱، ۲۰۰۹، ۴). با این استدلال، صلح منفی به معنای نبود جنگ و خشونت، همواره در تعریف صلح غالب بوده است. از این‌روست که تاکنون مطالعات متعددی در مورد تعارض، جنگ و خشونت انجام شده است، ولی سهم کارهای پژوهشی در زمینه صلح بسیار کمتر است. به‌گونه‌ای که مطالعه صلح بیشتر در قالب تئوری یکسانی با خشونت و در تضاد و تقابل با آن توضیح داده شده است. اما امروزه فزاینده‌تر از صلح منفی، بر صلح مثبت تأکید می‌شود. زیرا اعتقاد بر این است، پیگیری منافع و نیازهای جمعی تنها در شرایط نبود جنگ و خشونت محقق نمی‌شود و به بیان گالتونگ^۲ - از پژوهشگران مطالعات صلح، با توجه به روندهای کنونی جهانی بایسته است شرایطی ایجاد شود که «هرچیز قابل اجتنابی که مانع خودشکوفایی انسان می‌شود نیز از میان برداشته شود» (گالتونگ، ۱۹۹۰، به نقل از هو^۳، ۲۰۰۷، ۴). در صلح مثبت بر ترویج و اعتلای عدالت و عشق در میان همه انسان‌ها و ایجاد دنیایی بهتر که در آن هماهنگی،



1. Barash & Webel
2. Galtung
3. Ho



همسازی و توافق حاکم باشد، تأکید می‌شود (فتحی‌واجارگاه و اسلامی، ۱۳۸۷، ۶۳). صلح مثبت به‌عنوان نگرشی فعال به مفهوم صلح، بر مفاهیمی چون احترام به تفاوت‌ها، کثرت‌گرایی، تساهل، همکاری و همدلی، مسئولیت‌پذیری و عدالت مبتنی است. در این راستا، فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرزتلقی‌ها و رفتارهایی است که بیانگر و الهام‌بخش اعمال افراد در مشارکت متقابل اجتماعی مبتنی بر اصول آزادی، عدالت و دموکراسی، رعایت حقوق همه، دگرپذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفت‌وگو و مذاکره، و مشارکت کامل انسان‌ها در فرآیند توسعه جوامع است (قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۹۹۹).

در اینجا مفهوم صلح به پایداری^۱ نزدیک می‌شود. به رغم منافع زیادی که توسعه در قرن بیستم به‌همراه داشت، اما نابرابری‌های برخاسته از آن، بنیان‌های توسعه را هدف قرار داد. فقر، تبعیض، آلودگی صنعتی، بیماری، نابرابری، تنش و خشونت از جمله مسائلی است که حیات بشری و صلح را تهدید می‌کند و نگرانی‌هایی را برای جامعه جهانی به وجود آورده است. بنابراین هرچند ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه در بسیاری از متون مربوط به پایداری مغفول مانده است، ولی امروزه تحقق توسعه پایدار در گرو اتخاذ نگاهی جامع به موضوع توسعه است. دیدگاهی که فراتر از ابعاد زیست محیطی و اقتصادی، بر فقرزدایی، صلح، اخلاقیات، مسئولیت‌پذیری، مردم‌سالاری، حکمرانی خوب، عدالت، حقوق بشر، تنوع فرهنگی، الگوهای تولید و مصرف و حفاظت از محیط زیست مرتبط است و زمانی حاصل می‌شود که افراد اصول احترام به اجتماع، زندگی همراه با درک، مهربانی و عشق، بناسازی جوامعی مردم‌سالار، عادلانه، مشارکت‌پذیر، پایدار و صلح‌جو، نگهداری از ثروت‌ها و زیبایی‌های زمین برای نسل‌های آینده و کنونی را بپذیرند (جاودانی و میلی منفرد، ۱۳۹۲، ۷۱۸). با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان صلح و پایداری را لازم و ملزوم یکدیگر دانست؛ به‌گونه‌ای که تحقق هریک بدون دیگری امکان‌پذیر نیست.

با توجه به این موضوع و نقش تعیین‌کننده یادگیری و آموزش در تغییرات ذهنی و بینشی، نهادهای آموزشی به طور عام و نهاد آموزش عالی به طور خاص، کنشگرانی فعال و



مؤثر در ترویج فرهنگ صلح شناخته می‌شوند. البته در بررسی نقش نهادهای آموزشی در ترویج صلح، برخی بر این عقیده‌اند که این نهادها نه تنها کمکی به توسعه صلح نمی‌کنند، بلکه در مقابل ابزاری برای بازتولید نابرابری و خشونت در جامعه‌اند. منتقدین بر این عقیده‌اند، دانشگاه‌های امروزی، از آنجا که دغدغه کسب پول و درآمد دارند و تجاری شده‌اند، نمی‌توانند در خلال تولید دانش انتقادی، خصلت‌های بخشی داشته باشند و بنابراین کارایی خود را از دست داده یا در حال از دست دادن هستند. در این زمینه، «ریدینگز»^۱ در کتابی با عنوان دانشگاه در معرض ویرانی، به نارسایی کارکردی دانشگاه‌ها با توجه به شرایط کنونی جهانی و خدشه‌دار شدن وحدت تحقیق و تدریس اشاره می‌کند و می‌گوید، تدریس دانشگاهی مطابق با پژوهش‌ها نیست و همچنین پژوهش‌ها نیز ارتباط بسیار اندکی با نیازهای جهان واقعی دارند. وی معتقد است، چنین دانشگاهی رو به زوال و ویرانی است؛ زیرا کارکردهای اصلی خود را از دست داده است و نمی‌تواند دانش‌آفرین، ایدئولوژی‌ساز و رهایی‌بخش باشد. در نهایت ریدینگز پایان عمر دانشگاه‌ها را نه به دلیل ساختاری و ماهیتی، بلکه به لحاظ تاریخی اعلام می‌دارد (ریدینگز، ۱۹۹۶، ۶).

«بورديو»^۲ نیز نهاد آموزشی را مکان بازتولید خشونت می‌داند. وی معتقد است، آموزش و دانشگاه باید نابرابری‌های اجتماعی را کاهش بدهند و به توسعه شهروندی منجر شوند، اما گاه آموزش، نابرابری‌ها را به طور غیرمستقیم تشدید کرده و به وسیله‌ای برای مشروعیت‌بخشی به توزیع نابرابر منابع اجتماعی، بر پایه دسترسی متفاوت به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود. در واقع گروه‌های حاکم قدرت را به نهادی آکادمیک می‌دهند که در جهت منافع آن‌ها حرکت کند. این چیزی است که «خشونت نمادین»^۳ را شکل می‌دهد، چراکه تحمیل سلطه یک گروه یا طبقه بر جامعه، از طریق فرهنگ صورت می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت، دانشگاه بخشی از دولت است و نمی‌تواند

1. Bill Readings

2. Pierre Bourdieu

۳. از نظر بورديو، «خشونت نمادین نوعی از خشونت است که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آن‌ها اعمال می‌شود و نیز کسانی که آن را اعمال می‌کنند انجام می‌شود، زیرا هر دو گروه نسبت به اعمال آن آگاهی ندارند». در واقع نظریه خشونت نمادین، نظریه‌ای است که بر بازتولید باورها استوار است، نظریه‌ای که نشان می‌دهد کنشگران برخوردار از قالب‌های دریافتی و ادراکی خاص، چگونه دستورات درون یک موقعیت یا یک گفتار را درک کرده و از آن‌ها اطاعت می‌کنند.

رهایی بخش باشد. بورديو معتقد است كه خشونت نمادين در برخى موقعيت‌ها و از طريق نهادهای اجتماعى، بسيار بهتر از خشونت سياسى - پليسى عمل مى‌كند (به نقل از دلانتى، ۱۳۸۶، ۱۴۸).

اما در مقابل برخى از انديشمندان كه عمدتاً در دسته نظريه‌پردازان كاركردگرا قرار مى‌گيرند، بر اين عقیده‌اند كه دانشگاه‌ها نقش شايدان توجهى در پيشبرد تحولات مثبت در عرصه ملي و بين‌المللى ايفا مى‌كنند. از جمله اين متفكران مى‌توان به «دلانتى»^۱ اشاره كرد. وي به‌عنوان صاحب مهم‌ترين تحليل نظرى درباره دانشگاه در عصر جديد، از هويت دانشگاه در برابر انتقادات دفاع كرده است و نگاهی خوشبينانه به دانشگاه‌ها دارد. دلانتى بر اين عقیده است كه دانشگاه‌ها با توسعه ارتباطات و استفاده از ظرفيت كنش ارتباطى، داراى پتانسيل زيادى در مديريت و حل تعارضات و مشكلات جهانى شدن هستند. به‌ويژه ارتباطاتى كه دلانتى از آن ياد مى‌كند؛ در دوران كنونى، معنا و مفهوم خاصى پيدا مى‌كند. در اين دوره صرفاً استاد و دانشجو مخاطبان دانش نيستند و به واسطه گسترش رسانه‌هاى ارتباطى، دانش در ميان اقشار مختلف مردم نفوذ مى‌كند؛ به‌گونه‌اى كه سپهر پژوهشگر به فضاي كلاس درس و كتابخانه منحصر نيست، بلكه به سوى سپهر مجازى و اجتماعى كشيده شده است و مى‌تواند موجد تحولات مثبتى باشد (برتون و لامبرت، ۱۳۸۸). البته وي بحران‌هاى پيش روى دانشگاه - به‌ويژه بحران هويت - را مى‌پذيرد، ولى معتقد است دانشگاه‌ها مى‌توانند بر اساس الگوى جديدى فعاليت كرده و بحران‌ها را پشت سر نهند (دلانتى، ۱۳۸۶، ۱۸۸).

با الهام از نظر كاركردگرايان و موافقان نقش‌آفرينى دانشگاه در تحولات امروزي، اعتقاد بر اين است دانشگاه در عصر حاضر مى‌تواند ضمن ارائه راه‌حل‌هاىيى براى بحران‌هاى كنونى، موجد تحولاتى مثبت بوده و تغييرات بينشى، نگرشى و رفتارى به سوى صلح و پايدارى را به همراه داشته باشد. دانشگاه امروزي صرفاً در خدمت منافع اجتماعى و ملي نيست، به‌گونه‌اى كه فراتر از مرزهاى كنونى حركت كرده و حتى الگوهائى براى آموزش عالى در سطح بين‌المللى شكل گرفته است. بنابراين از دانشگاه امروزي انتظار مى‌رود





مروج ارزش‌های پذیرفته شده در سطح جهانی باشد؛ ارزش‌هایی چون نوع دوستی، دگرپذیری، مدارا و صلح. «کورتس»^۱ در این باره معتقد است که مؤسسات آموزش عالی حامل مسئولیتی اخلاقی و عمیق برای افزایش آگاهی، انتقال دانش و توسعه توانمندی‌های مورد نیاز برای ایجاد و حفظ آینده‌ای پایدار هستند. آموزش عالی نقشی بسیار حیاتی در این راستا ایفا می‌کند، اما اغلب این نقش نادیده گرفته می‌شود. این مؤسسات وظیفه پرورش و آماده‌سازی متخصصینی را بر عهده دارند که در توسعه اصول کیفیت و آگاهی از ارزش‌های پایداری نقش شایانی ایفا می‌کنند و در واقع مسئولیتی اخلاقی برای افزایش سطح آگاهی، دانش، توانایی‌ها و ارزش‌های مورد نیاز برای خلق آینده‌ای پایدار و مبتنی بر عدالت و صلح را بر عهده دارند (کورتس، ۲۰۰۳، ۱۷). آنچه بدیهی است، زمانی که از نقش دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح صحبت به میان می‌آید، دانشگاه در مفهوم سنتی و محافظه‌کار و به‌عنوان ابزار سیاست‌های دولتی و کلان نمی‌تواند کمک‌کننده باشد و بدین منظور لازم است مأموریت و ساختار دانشگاهی به‌گونه‌ای متحول شود که به‌عنوان نهادی فرهنگی - فرهنگ‌ساز، مسئولیت شکل‌دهی و ترویج فرهنگ صلح را بر عهده گیرد.

بنابراین طی دهه‌های اخیر و به‌ویژه از جنگ دوم جهانی به این سو، در پاسخ به مسئله چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای آموزشی در شکل‌دهی به دنیایی صلح‌آمیز، طرح‌ها و برنامه‌هایی در دانشگاه‌ها برای تحقق هدف مذکور ارائه گردید؛ برنامه‌هایی که هدفشان تجهیز دانشجویان به دانشی بود که به آن‌ها قدرت ارزیابی ایده‌آل‌ها و استانداردها را بدهد، نه تنها برای ارزیابی این که دنیا چگونه است، بلکه بفهمند دنیا چگونه باید باشد (بریجز و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۷۷). این هدف از طریق سه کارکرد آموزش، پژوهش و مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها قابل پیگیری است. به لحاظ روندهای آموزشی، دانشگاه‌ها در قالب برنامه درسی رسمی (آشکار) و غیررسمی (پنهان)^۲ اهداف آموزشی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند. در برخی از دانشگاه‌ها، مواد درسی مشخصی (به‌ویژه در قالب دوره مطالعات صلح) در خصوص آشنایی با صلح و پیامدهای خشونت ارائه می‌شود. این سرفصل‌ها که

1. Anthony D. Cortese

2. Hidden curriculum



در زمره برنامه درسی آشکار جای می‌گیرد، در برنامه‌ریزی‌های آموزشی بسیاری از دانشگاه‌ها جایی ندارد. به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، توجهی به آموزش‌های مرتبط با صلح نشده است و مواردی به صورت بسیار پراکنده و در قالب دروسی چون جامعه‌شناسی یا تاریخ ارائه می‌شود. حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز این آموزش‌ها آن‌گونه که بایسته است نتوانسته جایگاه خود را بیابد و تأثیرگذار باشد. آنچه نباید از نظر دور داشت این است که آموزش صلح نیاز به برنامه درسی انتقادی دارد تا از این منظر بتواند زمینه را برای فهم دیدگاه‌های متفاوت فراهم نماید و به شکل انتقادی به ارزیابی آن‌ها بپردازد (مک‌دونالد، ۲۰۱۲، ۲). اما در مقابل برنامه درسی پنهان که اشاره به روندهای غیررسمی آموزشی دارد، القاکنده انواع دانش سیاسی، اجتماعی، تاریخی، علمی، اقتصادی و مهارت‌ها و نگرش‌هایی چون احترام، صداقت، سعه صدر، همدردی، وطن‌پرستی، تعهد و مسئولیت‌پذیری، توجه به نفع عموم، برابری، رعایت قانون و مقررات است (فتحی‌وآجارگاه و واحده‌چوکده، ۱۳۸۵، ۹۵). تجربه‌های برگرفته از محیط آموزشی می‌تواند دربردارنده آموزه‌های متعددی برای دانشجویان باشد. ساختار اجتماعی کلاس، قوانین حاکم، نوع رابطه استاد و دانشجو، معماری، چینش کلاس، استفاده از ابزارهای آموزشی، رابطه دانشجوین با یکدیگر می‌تواند هنجارهای صلح‌آمیز و یا در مقابل، خشونت را در دانشجویان و سایر دانشگاهیان نهادینه سازد.

به‌طور کلی آموزش تخصصی به افراد کمک کند تا:

(۱) درك جامعی از ریشه‌ها و دلایل تعارضات داشته باشند؛

(۲) توانایی تفکر انتقادی را در خود افزایش دهند، زیرا طی آموزش‌های دانشگاهی، افراد با طیف وسیعی از نظرات مختلف آشنا می‌شوند. (اساتید باید دانشجویان را در روند بحث و گفت‌وگوی مستمر درگیر کنند تا بتوانند مفروضاتی را که به‌عنوان حقیقت پذیرفته شده است، به چالش کشیده و مورد تحلیل انتقادی قرار دهند)؛

(۳) پیامدهای بی‌عدالتی، نابرابری، نظامی‌گری، و دیگر مسائل مغایر با صلح را بهتر بشناسند؛

(۴) تمایل برای اقدام بر اساس صلح و عدالت در وجود افراد ارتقاء پیدا کند؛



۵) و توانایی برای ایجاد صلح، آرامش و در پیش گرفتن استراتژی‌های غیرخشونت‌آمیز و راه‌های تغییر و تحول، افزایش یابد (تتو و کواگاس^۱، ۱۹۸۹، ۱۴-۱۵).

در گام بعدی دانشگاه در خلال کارکرد پژوهشی می‌تواند ضمن پیشبرد مرزهای دانش و توسعه نوآوری و خلاقیت در افراد، تغییر در ذهنیت و در نهایت تحول در دنیای بیرونی را به دنبال داشته باشند. در دوران کنونی، نیاز به پارادایم و شیوه جدیدی برای اندیشیدن داریم و دانشگاه در شکل‌دهی به این پارادایم و انتقال ارزش‌های آن نقش بسزایی برعهده دارد. درواقع بشر برای حرکت به سمت پایداری و صلح و برای رهایی از مشکلات پیش‌رو نیازمند تولید دانشی است که با منظومه فکری جدیدی به این مسائل بنگرد. تولید دانش عدالت اجتماعی، باب اصلی صلح و پایداری در جهان است؛ دانشی که در بخش آموزش نشر می‌یابد و اگر این وظیفه به درستی انجام شود، منجر به تربیت شهروندانی با آرمان مشترک جهانی می‌شود و پایداری، صلح و کاهش خشونت را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا اعتقاد بر این است که فقر قابلیت‌ی ناشی از فقر شناختی است. بر این اساس نقش پژوهش بسیار مهم تلقی می‌شود. دانایی مهم‌ترین سلاح برای پیشبرد تمدن بشری و پیشرفت است. با توجه به گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای توانمندسازی هرچه بیشتر انسان‌ها، نهاد آموزش عالی یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین نهادهایی است که تحقق این مهم را بر عهده دارد. حقیقت، مفهومی محوری در نقش‌آفرینی دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح است و از دانشگاه و علم تولید شده در این فضا انتظار می‌رود، هم به ارزش‌ها و گفتمان فرهنگی شکل دهد و هم ارزش‌ها و هنجارهای موجود را بر اساس بنیان‌های علمی در معرض داوری قرار دهد و حقیقت‌محور بودن و یا نبودن آن‌ها را مشخص نماید (پارسانیا، ۱۳۸۷). به‌طورکلی، گاه تصور می‌کنیم حقیقت آشکار است، درحالی‌که یا آن حقایق پیش‌داوری‌هایی است که آموزش و سنت در ذهن‌ها حک کرده‌اند - به گفته لاک، آدمیان همواره تسلیم نخستین پیش‌فرض ذهنی خود می‌شوند - و یا نیروهایی برای نادان نگاه داشتن ما و آلوده ساختن ذهن ما به اشتباه دسیسه کرده‌اند (پوپر، ۱۳۹۶، ۲۴). بر این اساس، باید ریشه علمی تمامی کنش‌هایی که بشر امروزی با آن روبروست (نظیر فقر و



نابرابری) و سؤالاتی نظیر اینکه فقر از کجا آمده است؟ نابرابری چیست و چرا ایجاد می‌شود؟ و غیره مورد مطالعه قرار گیرد. در همین راستا، نهادهای تولید دانش نظیر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های مستقر در آن‌ها باید تقویت شده تا بر مبنای دانشِ اندوخته کنونی و دانش جدیدی که به تدریج در خلال مطالعات تولید می‌شوند، راه برون‌رفت از بحران‌های پیش‌رو را کشف کنند و طرحی نو از حقیقت، فراتر از مفهوم‌سازی‌های پیشین و بعضاً برساخته‌های ذهنی شکل گیرد. در اینجا است که می‌توان از دانشگاه به‌عنوان نهادی فرهنگی و همچنین فرهنگ دانشگاهی سخن به میان آورد. این فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، ارزش‌ها و فضای نمادین و نظام معنایی است که امکان تولید، توزیع و به کار بستن داده‌ها و یافته‌های علمی را فراهم می‌کند (فاضلی و شمس، ۱۳۸۳، ۱۰۹).

همچنین زمانی که از ضرورت ترویج فرهنگ صلح سخن می‌گوییم، نیاز به چرخش از آموزش علمی به آموزش مدنی احساس می‌شود. آموزشی که فراتر از اصول تئوریک در رشته‌های مختلف، بتواند رفتار انسانی مبتنی بر احترام، تساهل و گفت‌وگو را به افراد بیاموزد و نیروی انسانی را به سرمایه انسانی در مسیر توسعه و صلح تبدیل کند. دانشگاه‌ها از این منظر بستر مناسبی برای آموزش جامعه دانشگاهی و فرادانشگاهی فراهم می‌کنند. دستاوردهای دانشگاه در زمینه تولید دانش، تنها به دانشجویان محدود نمی‌شود و حائز اهمیت است که دیگر افراد جامعه که در کلاس‌های درس حضور ندارند نیز بتوانند از این دستاوردها بهره‌گیرند. نهاد آموزش عالی می‌تواند با تولید فکر، تأمین نیروی انسانی کافی، جامعه‌پذیری شهروندان، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بالابردن سرمایه فرهنگی، شرایط توسعه و تکامل همه‌جانبه جامعه را فراهم کند (کلدی و فلاح‌مین‌باشی، ۱۳۸۸، ۷۳). بدیهی است صلح پایدار و فراگیر مستلزم این است که کنشگرانی نظیر دانشگاه به پشتوانه فعالیت‌های علمی، شکل‌دهنده و مروج فرهنگی خاص، مبتنی بر بینشی علمی در جامعه باشند؛ بینشی که عینیت را مقدم بر ذهنیت می‌داند و به دور از تمایلات شخصی است.

اما فراتر از تأثیر کارکردهای دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح، همکاری دانشگاه با سایر نهادها نیز می‌تواند در توسعه و گسترش صلح مؤثر واقع شود. یکی از مهم‌ترین نهادها در این زمینه نهاد دیپلماسی است. دیپلماسی را می‌توان ابزاری سیاسی تلقی کرد



که بازیگران بین‌المللی از آن برای اجرای سیاست خارجی استفاده می‌کنند تا بتوانند به اهداف سیاسی خود دست یابند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳، ۱۶-۷۱۳). در قالب دیپلماسی سنتی^۱ دولت‌ها به‌عنوان تنها بازیگران عرصه دیپلماسی شناخته می‌شدند، اما در چارچوب دیپلماسی نوین^۲، بازیگران دیگری غیر از دولت‌ها نیز در دیپلماسی نقش آفرین شده‌اند که از آن میان می‌توان به دانشگاه‌ها اشاره کرد. بر اساس نظریه «کنش ارتباطی»^۳ «هابرماس»^۴، انسان‌ها در سایه ارتباط، گفت‌وگو، درک مشترک و تفاهم می‌توانند به وحدت، یکپارچگی و رهایی دست یابند (گریفیتس، ۱۳۸۸، ۷۴-۹۷۲). در این چارچوب فرض بر این است که دیگران درک می‌کنند، می‌فهمند، و قصد دارند از طریق گفت‌وگو و گوش دادن به یکدیگر، اهدافشان را پیش ببرند. در این شکل از کنش، گفت‌وگو در فضایی برابر، باز و بدون تهدید و اجبار و به دور از روابط قدرت صورت می‌گیرد و عقلانیت و استدلال، محور کنش است (جانستون، ۲۰۰۳، ۴۴۸). هابرماس معتقد است تنها کسانی که دارای توان ارتباطی هستند می‌توانند کنش ارتباطی برقرار کنند (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲، ۳۹). با توجه به این نظریه، دانشگاه‌ها کنشگرانی فعال در حوزه دیپلماسی و برقراری صلح تلقی شوند.

نقش دانشگاه به‌عنوان کنشگر دیپلماتیک، از دو جهت شایان توجه است:

- (۱) تعامل و آمد و رفت دانشگاهیان در قالب دیپلماسی مردم - مردم که نقش زیادی در رفع سوءتفاهم‌ها و ارائه تصویری مثبت دارد.
- (۲) همکاری‌های علمی و پژوهشی میان دانشگاه‌ها. در این چارچوب زبان بی‌طرف و جهانی علم، به دور از ملاحظات سیاسی دولت‌ها، امکان تعامل و گفت‌وگو را فراهم می‌کند. این شکل از ارتباط در چارچوب دیپلماسی علم و فناوری قابل مطالعه است.

1. Track I

2. Track II

3. Communicative Action

4. Jürgen Habermas

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب روش پژوهش کیفی جای می‌گیرد. بر این اساس در قالب روش نمونه‌گیری هدفمند با بیست تن از اساتید دانشگاهی و صاحب‌نظران که دارای سابقه مطالعاتی و اجرایی در حوزه صلح و آموزش بودند، مصاحبه شد. جدول شماره (۱) به شرح اطلاعات علمی مصاحبه‌شوندگان می‌پردازد. مصاحبه‌ها و تبادل نظرها پس از انجام، پیاده‌سازی و سپس کدگذاری شدند. در طی کدگذاری چندمرحله‌ای، نکات و مقولاتی مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت که در ادامه و در بررسی نقش و جایگاه دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح، به آن‌ها اشاره خواهد شد. این پژوهش را می‌توان پژوهشی توسعه‌ای تلقی کرد؛ زیرا سعی بر این است با الهام از مبانی نظری موجود و یافته‌های حاصل از مصاحبه، به مدل مطلوب در تشریح چگونگی نقش‌آفرینی دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح دست یابیم.

جدول ۱. ویژگی افراد شرکت‌کننده در مصاحبه

رشته	مرتبه علمی	نهاده
علوم تربیتی و روان‌شناسی	دانشیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
	دانشیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
	دانشیار	دانشگاه شهید بهشتی
	دانشیار	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
	استاد	دانشگاه بوستون - آمریکا
	استاد	مؤسسه بین‌المللی آموزش برای صلح - کانادا
	استادیار	دانشگاه سنول - کره جنوبی
	دانشیار	دانشگاه شهید بهشتی
	دانشیار	دانشگاه شهید بهشتی
	استاد	دانشگاه تهران
علوم سیاسی و روابط بین‌الملل	دانشیار	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز
	استادیار	دانشگاه علامه طباطبائی
	استادیار	عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود
	استاد	دانشگاه تربیت مدرس، وزیر سابق علوم، تحقیقات و فناوری
شیمی	استاد	دانشگاه تربیت مدرس، وزیر سابق علوم، تحقیقات و فناوری
فیزیک	استاد	دبیرکل سابق کمیسیون ملی یونسکو در ایران
انسان‌شناسی	-	دبیر سابق بخش آموزش کمیسیون ملی یونسکو در ایران
جامعه‌شناسی	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبائی
	-	پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
علوم ارتباطات	استاد	دانشگاه علامه طباطبائی
حقوق	دانشیار	رئیس مرکز تحقیقات و کرسی حقوق بشر، صلح و



با توجه به ابعاد مختلف صلح و نقش آفرینی دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح، سؤالاتی مشخص طراحی شد که البته با توجه به روند مصاحبه و نظر کارشناسان، گاه سؤالاتی تکمیلی نیز مورد پرسش قرار گرفت. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که دیگر یافته‌های جدیدی اضافه نشده و به عبارتی اشباع نظری حاصل گردید. پس از پیاده‌سازی پاسخ مصاحبه‌شوندگان، عبارات کلیدی استخراج و دسته‌بندی گردید، عبارات مشابه و نزدیک به هم در یک دسته جای گرفت و در نهایت مقوله مورد نظر استخراج و از مطالعات نظری نیز در بسط و شرح مقوله‌ها بهره گرفته شد.

سؤالاتی که به منظور فهم نقش و جایگاه آموزش عالی در ترویج فرهنگ صلح مورد پرسش قرار گرفت، به شرح جدول شماره (۲) است.



جدول ۲. سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته

موضوع	سؤالات اصلی	سؤالات فرعی
شما در مورد ارتباط میان تلاش‌ها و اقدامات دانشگاهی و ترویج فرهنگ صلح، چه تلقی دارید؟	۱. آیا به نظر شما دانشگاه کنشگری مؤثر در ترویج فرهنگ صلح است؟ اگر خیر، به چه دلیل؟	-
	۲. دانشگاه با چه مشخصه‌هایی کنشگری مؤثر در ترویج فرهنگ صلح شناخته می‌شود؟	-
	۳. ترویج فرهنگ صلح از دریچه کارکردهای دانشگاهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	آموزش دانشگاهی چه تأثیری بر ترویج فرهنگ صلح دارد؟
		آموزش صلح چه ویژگی‌هایی دارد؟
		پژوهش دانشگاهی چه تأثیری بر ترویج فرهنگ صلح دارد؟
		پژوهش صلح چه ویژگی‌هایی دارد؟
	۴. تأثیرگذاری نهاد دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح از طریق دستگاه دیپلماسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	خدمات اجتماعی دانشگاه چه تأثیری بر ترویج فرهنگ صلح دارد؟
		نقش دیپلماسی علم و فناوری در ترویج فرهنگ صلح چیست؟
		تبادلات آکادمیک چه تأثیری بر ترویج فرهنگ صلح دارد؟
	۵. برای ارتقاء کنشگری دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح چه پیشنهاداتی دارید؟	-

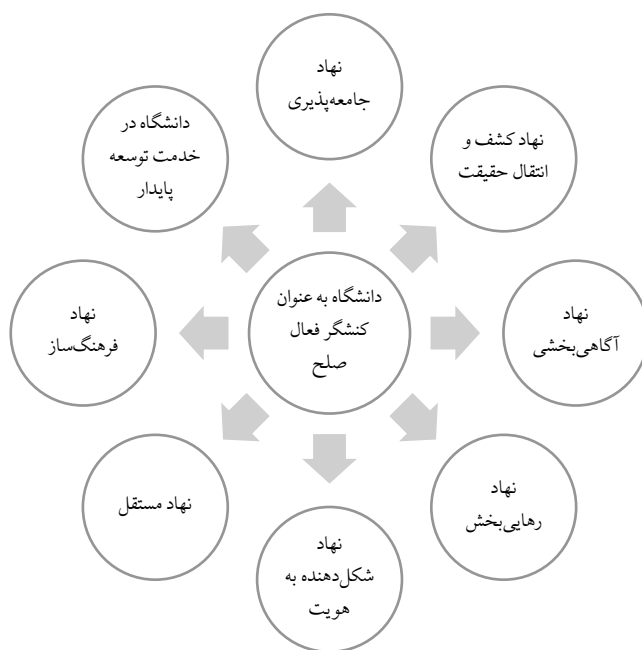
۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آیا دانشگاه کنشگری فعال در ترویج فرهنگ صلح تلقی می‌شود؟

تمام مصاحبه‌شوندگان بر نقش فعال دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح اشاره کردند و چه با بیان قطعی (به عنوان مثال: بله قطعاً تأثیر دارد، مگر شک دارید ...) و یا بیان مشروط (به عنوان مثال: دانشگاه می‌تواند در ترویج فرهنگ صلح تأثیرگذار باشد، در صورتی که ...). گفته‌های خود را تأیید نمودند.

۴-۲. دانشگاه با چه مشخصه‌هایی کنشگری مؤثر در ترویج فرهنگ صلح شناخته می‌شود؟

آنچه از نظر مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفت این بود که هر مؤسسه‌ای که نام دانشگاه بر آن اطلاق می‌شود را نمی‌توان نهادی تأثیرگذار در ترویج فرهنگ صلح و کاهش خشونت دانست. در مورد ویژگی‌های دانشگاه در مسیر ترویج فرهنگ صلح، مقوله‌هایی از سوی مصاحبه‌شوندگان به شرح شکل شماره (۱) مورد اشاره قرار گرفت.



شکل ۱. مقوله‌های مرتبط با دانشگاه به عنوان کنشگر فعال در ترویج فرهنگ صلح



۱) دانشگاه به عنوان نهاد جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری فرآیند یادگیری است که به واسطه آن افراد دانش و مهارت، ارزش‌ها، نگرش‌ها، عادات و شیوه‌های فکری اجتماعی که به آن متعلق‌اند را کسب می‌کنند (گاردنر^۱، ۲۰۰۷، ۷۲۶). دانشگاه زمانی کنشگری پویا در مسیر ترویج فرهنگ صلح تلقی می‌شود که بتواند ارزش‌های مثبت نظیر دوستی، همکاری و مسئولیت‌پذیری، احترام به تنوع و تساهل را در وجود افراد (اعم از دانشجویان و سایر افراد جامعه) نهادینه کند؛ به گونه‌ای که این افراد نسبت به هنجارهای علمی اجتماعی و جهانی جامعه‌پذیر گردند. در اینجا فرهنگ صلح به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری مطرح می‌شود و دانشگاه‌ها نیز می‌توانند طی اقدامات مؤثر و هدفمند، زمینه را برای جامعه‌پذیری افراد فراهم نمایند.

۲) دانشگاه به عنوان نهاد تولید فرهنگ

دانشگاه فعال در ترویج فرهنگ صلح، نهادی فرهنگ‌ساز است. فرهنگ دانشگاهی، به مثابه یکی از خرده‌فرهنگ‌های جامعه، یکی از زیرساخت‌های توسعه علمی و دانش‌آفرینی در هر جامعه‌ای است و تحقق جامعه دانش‌محور نیز مستلزم دانش‌آفرینی مستمر است. از نظر «یاسپرز»^۲، فرهنگی که از دانشگاه نشئت می‌گیرد، بینش علمی پیدا می‌کند و شکل رشته‌ای علمی-پژوهشی را به خود می‌گیرد. بر اساس این شکل از فرهنگ علمی، فرد می‌تواند عینیت را جانشین ذهنیت سازد و عقاید و نظرات شخصی، تمایلات ذهنی، اغراض و تعصبات خود را کنار بگذارد و نگرش علمی را به جای نگرش شخصی به رسمیت شناسد (یاسپرز، ۱۳۹۴، ۸۲). در اینجا است که می‌توان از تغییر در بینش و عادات افراد و در نهایت تغییر فرهنگ یا شکل‌گیری فرهنگی نوین سخن به میان آورد.

۳) دانشگاه به عنوان نهاد کشف حقیقت

کشف و انتقال حقیقت از جمله مهم‌ترین مشخصه‌های دانشگاه مؤثر در مسیر صلح است. از جمله حقایق دنیای معاصر، نیاز به صلح و آرامش است؛ اینکه صلح چیست، وجود آن چه ضرورتی داشته، فقدان آن چه تبعاتی به دنبال دارد و چگونه می‌توان صلح را در روابط



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۸۶

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱

1. Gardner

2. Karl Jaspers



انسانی حاکم ساخت، باید در دانشگاه‌ها مورد پژوهش قرار گرفته و آموخته‌ها و دانش مبتنی بر علم بی‌طرف به افراد منتقل شود و به‌عنوان حقیقتی بدیهی توسط همگان به رسمیت شناخته شود. طبیعی است پژوهش‌های مغایر با این اصل، با طبیعی دانستن نابرابری و بی‌عدالتی و همچنین بی‌تفاوتی نسبت به تنوع، توسعه فرهنگ خشونت را به‌دنبال خواهند داشت. این نکته در «الگوی هومبولتی»^۱ آموزش عالی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این مدل، ضمن تأکید بر وحدت تدریس و تحقیق، دانشگاه به‌عنوان مکان تولید دانش حقیقت‌محور و انتقال آن تلقی می‌شود^۲ (فیوور و همکاران^۳، ۲۰۰۵، ۸).

۴) دانشگاه به‌عنوان نهادی در خدمت تحقق توسعه مبتنی بر پایداری

دانشگاه به‌عنوان کانون پایداری و نهادی که در راستای اهداف توسعه پایدار حرکت می‌کند، می‌تواند به‌عنوان کنشگر صلح شناخته شود. همان‌طور که پیشتر گفته شد، توسعه پایدار و صلح لازم و ملزوم یکدیگرند و همچنین توسعه فراتر از بعد اقتصادی، سایر ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس دانشگاه متعهد به اهداف توسعه پایدار، با مفهوم و هدف صلح بیگانه نیست و خود را متعهد به تربیت انسان‌هایی با بینش صلح‌محور می‌داند.

۵) دانشگاه به‌عنوان نهاد شکل‌دهنده به هویت صلح‌محور

دانشگاه در صورتی کنشگر صلح تلقی می‌شود که بتواند شکل‌دهنده به هویت صلح‌محور باشد. فعالیت‌های دانشگاهی باید به‌صورتی باشد که به پرورش هویت صلح‌محور در فرد، و در سطح وسیع‌تر جامعه منجر شود. به‌گونه‌ای که پابندی به اصول و ارزش‌های مرتبط با صلح، جزئی از وجود افراد شده و فرد بقاء خود را در نفی دیگری نبیند. به‌ویژه هویت اجتماعی بسیار مهم تلقی می‌شود. از نظر «جنکینز»^۴ هویت اجتماعی عبارت است از

1. Humboldtian Model

۲. گفتنی است به لحاظ تاریخی ریشه آموزش عالی در چهار الگوی ناپلئونی، آکسبریج، هومبولتی و فونیکس قابل بررسی است. در الگوی ناپلئونی کارویژه آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی متخصص خلاصه می‌شد و اصل بر این بود که دانشگاه باید پاسخ‌گوی نیازهای صنعت و جامعه باشد. در الگوی آکسبریج بر مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها تأکید شده و اعتقاد بر این است دانشگاه باید به به نیازهای اجتماعی رسیدگی کند. در الگوی هومبولتی دانش و توسعه دانایی در قالب تحقیق و پژوهش و انتشار آن در خلال تدریس و آموزش، مهمترین سازوکار آگاه‌سازی افراد نسبت به مسئولیت‌های انسانی‌شان است. نهایتاً در الگوی فونیکس دانشگاه در راستای نیازهای صنعت حرکت می‌کند.

3. Le Feuvre

4. Richard Jenkins



«شیوه‌هایی که به واسطه آن افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود، از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند» (جنکینز، ۱۳۸۱، ۷). آنچه که صلح و امنیت در جهان اجتماعی را محقق یا مختل می‌کند، تعریف کنشگران از هویت خود و دیگری و نوع تعامل انسان‌ها با یکدیگر است. هویت‌های تک‌بعدی بقاء خود را در نفی هویت دیگری تعریف می‌کنند که این نگاه به خشونت می‌انجامد. بنابراین، دانشگاه می‌تواند به‌عنوان محلی برای گفت‌وگو پیرامون مفاهیم خود و دیگران، منفعت فردی و جمعی و اهمیت همکاری در دنیای به‌هم‌وابسته کنونی، زمینه را برای شکل‌دهی به هویت جمعی فراهم کند.

۶) دانشگاه به عنوان نهاد آگاهی‌بخش

دانشگاهی در ترویج فرهنگ صلح و پایداری مؤثر است که در ارتقاء آگاهی فردی و جمعی درباره صلح و مصادیق آن، نتایج برقراری صلح و پیامدها و تبعات خشونت‌ورزی تلاش کند. آنچه مهم است این‌که، این نظام آگاهی باید بی‌طرف و به دور از نگاه ابزاری باشد. اگر در دنیای امروزی خشونت به چشم می‌خورد و بسیاری از افراد و ملل حتی از حقوق اولیه خود محروم‌اند، ریشه این موضوع به فقدان آگاهی و به عبارتی سلب دانایی از افراد برمی‌گردد. بنابراین آگاه‌سازی افراد از مهم‌ترین مشخصه‌های دانشگاه به‌عنوان کنشگر فعال در ترویج فرهنگ صلح شناخته می‌شود.

۷) دانشگاه به عنوان نهاد رهایی‌بخش

تنها دانشگاه به‌عنوان نهادی رهایی‌بخش می‌تواند در برقراری صلح مورد تأکید قرار گیرد. «شر»^۱ و «فریره»^۲ در کتاب پداگوژی برای رهایی: گفت‌وگوهایی برای دگرگونی آموزش، معتقدند آموزش رهایی‌بخش، آموزشی خلاقانه و در پی بازکشف خویشتن است؛ آموزشی که در آن معلم از دانش‌آموز و دانش‌آموز از معلم می‌آموزد، آموزشی که مبتنی بر نقد ساختارهای اجتماعی و نظام حاکم است، آموزشی که مبتنی بر گفت‌وگو و مباحثه بوده و بر فهم به جای صرف حفظ کردن تأکید دارد. آموزش دانشگاهی نیز باید مبتنی بر این اصول و رویه‌ها باشد تا بتواند دانشجویانی خلاق، نقاد و متساهل را پرورش دهد (شر و فریره،

1. Ira Shor

2. Paulo Freire

۱۳۹۴، ۵۷-۵۸). علم تولید شده در دانشگاه نیز باید ساختارشکن باشد، دانش کنونی را به چالش بکشد تا رهایی بشر و عقلانیت او را موجب شود.

۸) دانشگاه به عنوان نهادی مستقل

دانشگاهی در ترویج فرهنگ صلح مؤثر است که به عنوان نهادی مستقل به رسمیت شناخته شود. این دانشگاه به دور از سیاست‌های دولت فعالیت کرده و جریانات سیاسی - اقتصادی و تغییر مدیران آن را با چالش مواجه نمی‌سازد.

۴-۳. کارکردهای دانشگاهی چه تأثیری بر ترویج فرهنگ صلح دارد؟

در مورد کارکردهای دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح، مقوله‌هایی به شرح جدول شماره (۳) استخراج گردید.

جدول ۳. مقوله‌های مؤثر در ارزیابی کارکرد دانشگاه به عنوان کنشگر فعال در ترویج فرهنگ صلح

آموزش صلح	پژوهش صلح	خدمات اجتماعی دانشگاه و صلح
۱. آموزش مهارت تفکر انتقادی ۲. آموزش گفت‌وگو ۳. روش‌های مؤثر تدریس و اقلی ۴. تدوین برنامه درسی رسمی صلح در قالب دروس عمومی و تخصصی ۵. طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی ۶. آموزش اساتید و کارکنان ۷. استفاده از فناوری‌های آموزشی ۸. تأسیس رشته مطالعات صلح ۹. اولویت بخشی به برنامه درسی پنهان ۱۰. فراهم کردن زمینه بحث و گفت‌وگو میان دانشجویان رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف ۱۱. هم‌اندیشی اساتید در مورد کلاس‌ها، دانشجویان و روندهای دانشگاهی	۱. تلقی دانشگاه به عنوان نهاد شکل‌دهنده دانش صلح ۲. تأسیس پژوهشکده مطالعات صلح ۳. راه‌اندازی مجلات در حوزه صلح ۴. تخصیص بودجه برای تحقیقات صلح ۵. شکل‌دهی به گفت‌وگویی با دال مرکزی صلح ۶. محوریت اصل آزادی علمی ۷. انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ۸. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های ملی و بین‌المللی به منظور تبدیل موضوع صلح به دغدغه ۹. همکاری‌های پژوهشی و انجام تحقیقات مشترک ۱۰. تحقیق در مورد مسائل روز جهانی ۱۱. پژوهش انتقادی و به چالش کشیدن بدیهیات ۱۲. سیاست‌گذاری توسط سایر سازمان‌ها مبنی بر پژوهش‌های دانشگاهی	۱. تدوین برنامه مشخص برای آموزش افراد جامعه ۲. چاپ تحقیقات صلح به زبان عامه‌پسند ۳. برگزاری سمینارها، کارگاه‌ها و سخنرانی‌های عمومی پیرامون صلح ۴. در نظر گرفتن دوره‌های کارورزی برای دانشجویان به منظور انتقال آموزه‌های صلح در جامعه ۵. آموزش کارکنان و مدیران سایر سازمان‌ها ۶. ایفای نقش به عنوان اتاق فکر در کنار سایر سازمان‌ها





آنچه در بخش کارکردهای دانشگاه مورد تأکید قرار گرفت، اولویت‌بخشی به پژوهش و تولید دانش حقیقت‌محور و صلح‌محور به‌عنوان کارویژه اصلی دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح بود. از این‌رو برخی از مصاحبه‌شوندگان، توسعه دانشگاه‌های پژوهش‌محور را گامی مؤثر در پرداختن به مسائل و نیازهای اجتماعی از جمله صلح دانستند.

۴-۴. دانشگاه چه تأثیری در ترویج فرهنگ صلح از طریق دستگاه دیپلماسی دارد؟

در مورد نقش آفرینی دانشگاه در ترویج صلح از طریق نهاد دیپلماسی، نکاتی به شرح زیر استخراج گردید:

(۱) ارتباط مؤثر دانشگاه و نهاد دیپلماسی: نهاد دیپلماسی باید از دانشگاه به‌عنوان اتاق فکر استفاده کرده و در عین حال به ظرفیت دانشگاه در پیشبرد اهداف دیپلماسی و سیاست خارجی واقف باشد.

(۲) دانشگاه به‌عنوان نهاد مؤثر دیپلماتیک تلقی شده و این تفکر، در اهداف و برنامه‌های دانشگاه نمود داشته باشد.

(۳) بین‌المللی‌شدن در راستای ارتقاء ظرفیت دانشگاه‌ها در پیشبرد اهداف دیپلماسی و صلح‌پیگیری شود. در این راستا لازم است ساختار، اهداف، مدیریت و آموزش و پژوهش دانشگاهی با توجه به استانداردهای بین‌المللی بازسازی شوند.

(۴) امکانات و شرایط مورد نیاز برای پذیرش دانشجویان و اساتید از دیگر کشورها فراهم گردد.

(۵) علمی قابل رقابت با علم روز دنیا در راستای بسترسازی همکاری‌های علمی و تحقیقاتی و ارتقاء توان چانه‌زنی، تولید گردد.

(۶) ارتباط گفت‌وگو‌محور، در راستای استفاده از ظرفیت جامعه دانشگاهی در پیشبرد اهداف دیپلماسی مورد توجه قرار گیرد.

(۷) دیپلمات‌ها به‌طور مستمر آموزش ببینند.

(۸) از ظرفیت دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور استفاده شود.

(۹) زمینه تعامل اساتید و دانشجویان با جامعه آکادمیک غیرایرانی به‌منظور رفع سوءتفاهم‌ها و ارائه تصویری مثبت فراهم شود.

۱۰) با دانشگاه‌های سایر کشورها به منظور یادگیری از تجارب دیگران و ارزیابی نقاط قوت و ضعف خود، ارتباط مؤثر وجود داشته باشد.

۴-۵. پیشنهاداتی در راستای ارتقاء کنشگری دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح

تبدیل صلح به دغدغه و مسئله از طریق پژوهش و همایش‌های دانشگاهی، بازیابی در اهداف و مأموریت دانشگاه‌ها و بازتاب هدف صلح در بیانیه مأموریت، اولویت‌بخشی به پژوهش و تلقی دانشگاه به عنوان نهاد تولید دانش، ساختاربندی مجدد کارکردهای دانشگاهی در راستای توسعه ارزش‌های انسانی، بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس، ارتباط قوی با جامعه و محصور نشدن علم در حصارهای دانشگاهی و تلاش برای استقلال دانشگاه‌ها از دولت و سیاست‌های دولتی، از جمله سازوکارهایی بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفت. از نظر برخی مصاحبه‌شوندگان هرچند دانشگاه کنونی را نمی‌توان کنشگری کاملاً موفق در ترویج فرهنگ صلح دانست، ولی چه‌بسا در غیاب تلاش‌های آموزشی و آگاهی‌بخش دانشگاهی، شاهد آمار بالاتری از وقوع خشونت در روابط انسانی بودیم. همچنین دانشگاه صرفاً یک نهاد در میان سایر نهادهای اجتماعی است و صلح به عنوان هدفی اجتماعی، تلاش جمعی همه کنشگران را می‌طلبد. بنابراین نمی‌توان اثربخشی دانشگاه را جدا از مجموعه اجتماع در نظر گرفت؛ هرچند نهادهای آگاهی‌بخش همچون دانشگاه نقش اصلی را در ترویج ارزش‌های مثبتی نظیر صلح، ایفا می‌کنند.

۵. الگوی مطلوب دانشگاه در مسیر صلح

با توجه به یافته‌های حاصل از مصاحبه و مطالعات نظری و همچنین با عنایت به رابطه متقابل توسعه پایدار و صلح، به نظر می‌رسد الگوی «دانشگاه پایدار»^۱ می‌تواند به بهترین شکل تبیین‌کننده نقش دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح باشد.

۵-۱. الگوی دانشگاه پایدار

به عقیده «کالدر و اسمیت»^۲ در دانشگاه پایدار، در بخش آموزش، برنامه‌ریزی دقیقی برای آموزش دانشجویان و اساتید وجود دارد و به لحاظ پژوهشی نیز از تحقیقات و به‌ویژه



1. Sustainable University

2. Calder & Smith



پژوهش‌های میان‌رشته‌ای حمایت به عمل می‌آید. همچنین پایداری در خدمات اجتماعی دانشگاه، زندگی دانشجویان و سیاست‌گذاری آن نمود دارد (کالدرو اسمیت، ۲۰۰۹، ۹۴). دانشگاه پایدار آینده‌نگر است، به دغدغه‌های جهانی بی‌توجه نیست، هدفمند و در عین حال دارای برنامه‌ریزی منسجم در پیگیری اهداف پایداری است. بر این اساس، ضمن تغییرات ساختاری، مدیریتی، آموزشی و پژوهشی می‌تواند به کنشگری فعال و پویا در پیگیری اهداف مرتبط با پایداری تبدیل شود. بر اساس تحقیق ملکی‌نیا و همکاران، دانشگاه پایدار بر مؤلفه‌های زیر متمرکز است:

۱) تأکید و تمرکز بر «آموزش تحولی»^۱ به جای «آموزش انتقالی»^۲ صرف، به منظور آماده‌سازی دانشجویان برای شناسایی چالش‌های توسعه پایدار به جای یک‌طرفه بودن فرآیند یادگیری؛ این آموزش تحولی باید تعاملی‌تر و یادگیرنده‌محور باشد و تفکر انتقادی را تقویت کند؛

۲) تأکید بر انجام دادن تحقیقات علمی میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای؛

۳) جهت‌گیری آموزش و پژوهش به سمت حل مسائل اجتماعی و بنابراین، توانمندسازی دانشجویان برای ایجاد تعامل با پیچیدگی‌های مسائل واقعی و تردیدهای مرتبط با آینده؛

۴) ایجاد و استقرار شبکه‌ای از تخصص‌های متنوع در سطح دانشگاه، به منظور تسهیم کارآمد و معنادار منابع مدیریت و چشم‌اندازی که تغییر مورد نیاز را از طریق تعیین مناسب مسئولیت‌ها و پاداش‌ها اعمال کند، مدیریت و چشم‌اندازی که به تحول دانشگاه در بلندمدت متعهد بوده و به واکنش مناسب به نیازهای در حال تغییر جامعه مشتاق باشد (ملکی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳، ۹).

با توجه به آنچه گفته شد، دانشگاه در چارچوب الگوی پایداری، نهادی مؤثر در ترویج فرهنگ صلح شناخته می‌شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، دانشگاه پایدار متعهد به پیگیری هدف صلح را می‌توان واجد مشخصه‌های زیر دانست:

1. Transformational Education
2. Transitional Education



- (۱) مشخصاً در اساسنامه و سند چشم‌انداز دانشگاه، موضوع تولید و انتقال دانش صلح به‌عنوان مأموریت دانشگاه معرفی شده است.
- (۲) به‌منظور بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف و اتکا به خرد جمعی، نظام تصمیم‌گیری و مدیریت به شکل مشارکتی طراحی شده است.
- (۳) واحدی به منظور پیگیری و ارزیابی هدف صلح و توسعه پایدار راه‌اندازی شده است.
- (۴) همکاری با دیگر دانشگاه‌ها در داخل و خارج به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است. زیرا مدیران به این باور رسیده‌اند که صلح به‌عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای، در پرتو فعالیت و همفکری جمعی حاصل می‌شود.
- (۵) چنین دانشگاهی نقش مشورتی خود را برای سایر دستگاه‌ها و نهادها مشخص کرده است و دیگران را تشویق به کسب مشورت‌های علمی و تخصصی از دانشگاه‌ها و متخصصان می‌کند. در واقع به‌عنوان اتاق فکر در کنار سایر نهادها فعالیت می‌نماید.
- (۶) نظام ارزشیابی منظم و انتقادی در این دانشگاه پیش‌بینی شده است تا به کمک آن اهداف، اقدامات و تلاش‌های دانشگاهی در مسیر صلح و پایداری، به طور مستمر بازبینی و اصلاح شود.
- (۷) این دانشگاه، دانشگاهی مستقل و به دور از سیاست‌های دولتی است و اگر از طرف دولت هم تأمین بودجه می‌شود سعی دارد استقلال خود را به‌صورت حداکثری حفظ نماید.
- (۸) چنین دانشگاهی منابع مالی متنوعی را برای خود در نظر می‌گیرد.
- (۹) بین‌المللی شدن (هم در معنای لحاظ کردن استانداردهای علمی در برنامه درسی و هم تعامل با دیگر دانشگاه‌ها) از اولویت‌های چنین دانشگاهی است.
- (۱۰) در این دانشگاه مواد درسی مشخصی برای آموزش صلح و پایداری به دانشجویان در قالب دروس عمومی و تخصصی ارائه می‌شود.
- (۱۱) بر آموزش میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای تأکید می‌شود.
- (۱۲) آموزش گفت‌وگو و مهارت تفکر انتقادی در رأس اولویت‌های آموزشی قرار دارد.
- (۱۳) زمینه برای گفت‌وگو و مباحثه بین دانشجویان سایر رشته‌ها و همچنین دانشگاه‌های مختلف فراهم می‌شود.



(۱۴) کلاس‌ها به شکل مشارکتی برگزار می‌شود و اساتید و دانشجویان ضمن گفت‌وگو، در فرآیند یاددهی - یادگیری متقابل قرار می‌گیرند.

(۱۵) روش‌های تدریس نوین و مشارکتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۱۶) به مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در آموزش صلح و پایداری توجه می‌شود. به عنوان مثال ساختمان دانشکده‌ها، خوابگاه‌ها و محوطه دانشگاه مبتنی بر اصول مشخصی که متضمن دستیابی به اهداف مذکور است، طراحی می‌گردد.

(۱۷) برنامه‌های فرهنگی در راستای اهداف مذکور طراحی می‌شود.

(۱۸) علاوه بر آموزش صلح و پایداری به دانشجویان، آموزش به اساتید و کارکنان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۱۹) به منظور تمرین آموزه‌ها، دوره‌های کارورزی برای دانشجویان پیش‌بینی می‌شود.

(۲۰) در بخش تحصیلات تکمیلی، دانشجویانی در رشته مطالعات صلح پذیرش می‌شوند.

(۲۱) تولید دانش صلح و پایداری و شکل‌دهی به گفتمانی با دال مرکزی صلح، در رأس اولویت‌های دانشگاهی قرار دارد.

(۲۲) پژوهشکده مشخصی به منظور تحقیق و پژوهش صلح و پایداری در این دانشگاه در نظر گرفته شده است.

(۲۳) بودجه تحقیقاتی کافی برای پژوهش صلح اختصاص داده شده است و از نگاه تجاری به پژوهش اجتناب می‌شود.

(۲۴) پژوهش به صورت میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای انجام می‌شود و حمایت کافی از این پژوهش‌ها صورت می‌گیرد.

(۲۵) موضوعات جدید، بحران‌های پیش روی جهانی و نحوه مدیریت و مواجهه با آن‌ها، هدف تحقیق و پژوهش قرار می‌گیرد.

(۲۶) با دیگر دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، پروژه‌های مشترک پژوهشی تعریف می‌گردد تا از رهگذر خرد جمعی، یافته‌های نوینی به دست آید.

(۲۷) جهت‌گیری این پژوهش‌ها به گونه‌ای است که ابعاد مختلف پایداری و صلح را

مشخص کرده و آن‌ها را تبدیل به مسئله و دغدغه می‌کند، مسئله‌ای که هیچ‌گاه حل نشده و نیازمند پژوهش دائمی است.

(۲۸) به اصل آزادی علمی احترام گذاشته می‌شود، به‌گونه‌ای که محققان آزادانه و بی‌واهمه می‌توانند نظرات و نتایج پژوهش‌های خود را بیان کنند.

(۲۹) در چنین دانشگاهی نظام ارزش‌گذاری مقالات به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که محققان انگیزه پیدا می‌کنند که نتایج تحقیقات خود را در فضاهاى غیر تخصصی (نظیر روزنامه‌ها)، منتشر نمایند تا به زبانی ساده در اختیار همگان قرار گیرد.

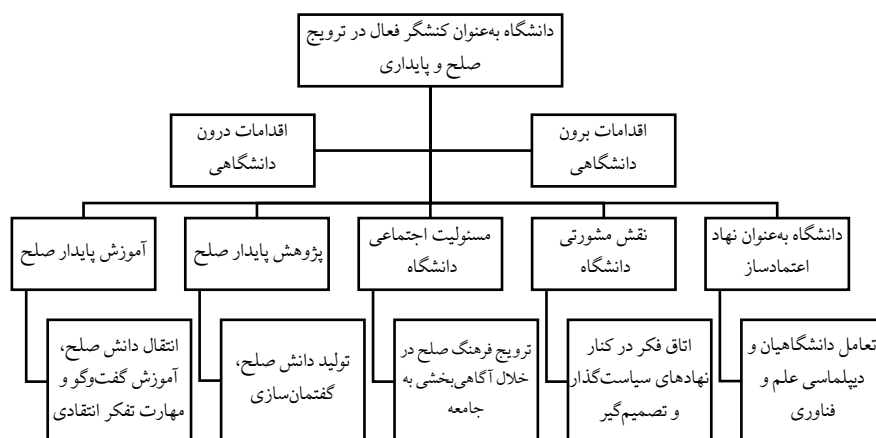
(۳۰) همایش‌ها و کنفرانس‌های سالانه به منظور گفت‌وگوی محققان پیرامون تحقیقات و پژوهش‌های صلح و پایداری، برگزار می‌شود و همچنین در خلال این برنامه‌ها به‌طور متناوب اهمیت موضوع صلح گوسزد شده و آن را به دغدغه‌ای تبدیل می‌کند که نهادهای سیاست‌گذار دائماً باید به آن بپردازند.

(۳۱) چنین دانشگاهی آموزش سایر افراد جامعه را مورد توجه قرار داده و به منظور آگاه‌سازی افراد، برنامه‌های آموزشی، سخنرانی، سمینار و سایر برنامه‌های مشابه را تدارک می‌بیند.

(۳۲) چنین دانشگاهی خود را ملزم به شکل‌دهی و ترویج فرهنگ صلح و آموزش مفاهیمی چون همکاری، مسئولیت‌پذیری، تساهل و مدارا و احترام به تفاوت‌ها در سطح اجتماعی می‌کند و بنابراین نهادی فرهنگ‌ساز است.

به‌طور کلی دانشگاه پایدار و فعال در ترویج فرهنگ صلح، دانشگاهی مطلوب به لحاظ استانداردهای علمی، آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و ساختاری است. نمودار شماره (۲) به ساختار دانشگاه پایدار به‌عنوان کنشگر فعال در حوزه صلح اشاره دارد.





نمودار ۲. نقش آفرینی دانشگاه در ترویج فرهنگ صلح

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

صلح زمانی به‌دست می‌آید که فراتر از «من»، بتوان به تعریفی مشترک از «ما» در قالب هویتی جمعی دست یافت. در این صورت است که مفاهیمی چون منفعت جمعی، احترام به تفاوت‌ها و تساهل، وحدت در عین کثرت و مسئولیت فردی و جمعی معنا می‌یابد. این تفکر جز با تغییرات بینشی و نگرشی حاصل نمی‌شود. ریشه جنگ در ذهن بشر است و صلح نیز بر ساخته ذهن و تفکر انسانی است. با نظر به اهمیت تغییرات بنیادین ذهنی به‌سوی صلح، در این مقاله نقش دانشگاه در ترویج صلح، مورد بررسی قرار گرفت. امروزه با توجه به بحران‌های پیچیده و ضرورت همکاری همه ملت‌ها و دولت‌ها، بیش از پیش ضرورت برقراری صلح پایدار و گفت‌وگو و تعامل بین افراد احساس می‌شود. از اینرو در دهه‌های اخیر و به‌ویژه از جنگ جهانی دوم به این سو، نهادهای آموزشی موضوع صلح را به‌عنوان یک مسئله مورد توجه قرار داده و از اینرو بازاندیشی در ساختارها و برنامه‌های نهادهای مزبور و از جمله دانشگاه‌ها، به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر پیش روی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان آموزشی و سایر صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. زیرا همان‌طور که پیشتر اشاره شد، صلح موضوعی میان‌رشته‌ای است و تلاش اندیشمندان از سایر رشته‌ها را می‌طلبد. بنابراین بایسته است ترویج و توسعه صلح به‌عنوان یکی از



مهم‌ترین برنامه‌ها و رسالت‌های دانشگاه‌ها در نظر گرفته شده و سهم هریک از حوزه‌های مطالعاتی در این میان مشخص گردد. این در حالی است که دانشگاه‌ها در صورتی کنشگر فعال در ترویج فرهنگ صلح تلقی می‌شوند که رهایی‌بخش باشند. به این معنا که آموزش، پژوهش و سایر کارویژه‌های دانشگاهی بتوانند با ساختارشکنی بدیهیات و دانش فعلی، رهایی بشر در سایه کشف حقایق، کشف لایه‌های درون خود و بازاندیشی در رسالت و وظایف خود در این کره خاکی را به ارمغان آورند. با توجه به آنچه گفته شد، الگوی دانشگاه پایدار به عنوان الگوی مطلوب سازماندهی دانشگاه‌ها در ترویج فرهنگ صلح، تلقی می‌شود. زیرا اعتقاد بر این است که پایداری و صلح جدایی‌ناپذیرند و تحقق یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. بنابراین در چارچوب الگوی دانشگاه پایدار، می‌توان انتظار برقراری و ترویج صلح در خلال تولید دانش صلح و پایداری و انتقال آن به دیگر افراد را داشت.



- برتون، گیل؛ و لامبرت، می شل (۱۳۸۸). جهانی شدن و دانشگاه‌ها، سپهر نو و کنشگران نوین (مترجم: حمید جاودانی)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۳)
- بریجز، دیوید؛ جوسویسین، پالمیرا؛ جوسویسیوس، روبرتا؛ مک لافلین، ترانس؛ و استانکوویسیوس، جولانت (۱۳۹۰). آموزش عالی و توسعه ملی: دانشگاه‌ها و جوامع در حال گذار (مترجم: رضا سیمبر). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۱۲)
- بیلیس، جان؛ و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها) (مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران). تهران: مؤسسه ابرار معاصر. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۹)
- پارسانیا، حمیدرضا (۱۳۸۷). نسبت علم و فرهنگ. راهبرد فرهنگ. ۱(۱)، ۵۱-۶۴.
- پوپر، کارل (۱۳۷۹). سرچشمه‌های دانایی و نادانی (مترجم: عباس باقری)، تهران: نشر نی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۶۰)
- جاودانی، حمید؛ و میلی‌منفرد، جعفر (۱۳۹۲). دانشگاه پایدار؛ گذرگاهی برای برزیستی با کیفیت. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش عالی و توسعه پایدار (۷ اسفند ۱۳۹۲)
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی (مترجم: تورج یاراحمدی). تهران: نشر شیرازه. (تاریخ اصل اثر ۱۹۹۶)
- دلانتی، جرارد (۱۳۸۶). دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی. (مترجم: علی بختیاری‌زاده). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۱)
- شرایر، فریره، پائولو (۱۳۹۴). پداگوژی برای رهایی: گفت‌وگوهایی برای دگرگونی آموزش. تهران: انتشارات اینترنتی رهایی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۷)
- فاضلی، نعمت‌الله؛ و شمس، ناصر (۱۳۸۳). بررسی نظام مدیریت ارتباطات و مبادلات بین‌المللی علمی و دانشگاهی ایران و غرب. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. ۱۰(۳)، ۱۶۲-۱۲۱.
- فتحی‌واجارگاه، کورش، و واحده‌چوکده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ویژه‌نامه نوآوری در تربیت شهروندی. ۵(۱۷)، ۹۳-۱۳۲.
- فتحی‌واجارگاه، کورش؛ و اسلامی، معصومه‌السادات (۱۳۸۷). بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصین تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه درسی و معلمان دوره ابتدایی شهر تهران. نوآوری‌های آموزشی. ۷(۲۵)، ۴۹-۷۶.



کلدی، علیرضا؛ و فلاح‌مین‌باشی، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. ۱۳(۱)، ۷۱-۸۸.

گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان (مترجم: علیرضا طیب). تهران: نشر نی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۶)

ملکی‌نیا، عماد؛ بازرگان، عباس؛ واعظی، مظفرالدین؛ و احمدیان، مجید (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۲۰(۳)، ۲۶-۱.

هادیان، ناصر؛ و سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲). از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی. راهبرد، ۲۲(۶۸)، ۳۳-۶۱.

یاسپرس، کارل (۱۳۹۴). ایده دانشگاه (مترجمان: مهدی پارسا، مهرداد پارسا). تهران: نشر ققنوس. (تاریخ اصل اثر ۱۹۶۰)

Barash, P., & Webel, CH. (2009). *Peace and Conflict Studies*. US: SAGE Publications.

Calder, W., & Smith, j. (2009). Higher education: More and more laboratories for inventing a sustainable future. *Agenda for a sustainable America*, Washington, DC: Environmental Law Institute. 93-107. Retrieved from www.uslf.org/pdf/ESDHigherEdamericaCalder2009.pdf

Cortese, A.D. (2003). The critical role of higher education in creating a sustainable future. *Planning for higher education*. 31(3), 15-22. Retrieved from <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.739.3611&rep=rep1&type=pdf>

Gardner, S. K. (2007). I heard it through the grapevine: Doctoral student socialization in chemistry and history. *Higher Education*, 54(5), 723-740. doi: 10.1007/s10734-006-9020-x

Ho, K. (2007). Structural violence as a human rights violation. *Essex Human Rights Review*, 4 (2). 1-17. Retrieved from <http://projects.essex.ac.uk/ehrr/V4N2/ho.pdf>

Jonstone, I. (2003). Security council deliberations: The power of the better argument. *Egil*. 14(3), 437-480. Doi: 10.1093/ejil/14.3.437

Le Feuvre, N., & Metso, M. (2005). *Disciplinary barriers between the social sciences and humanities*. France: Maison de la Recherche, Université de Toulouse.

Macdonald, E. (2012, Jul). A directory of peace education resources for NZ educators. *National Centre for Peace and Conflict Studies, University of Otago*, V1.0. Retrieved from https://podcasts.otago.ac.nz/nzpeace-ed/files/2012/08/PeaceEdDir_V1b_July2012_HighRes.pdf

Readings, B. (1996). *The university in ruins*. USA: Harvard University Press.

Rodríguez- Martínez, C., Calvo, G. (2014). Gender and positive social interaction at school: Proposal based, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 132, 107-113. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.04.285



Toh, S., & Floresca-Cowagas, F. (1989). *Peace education: Framework for the Philippines*. Philippines: Phoenix Publishing House.

United Nations. (1999). *Declaration on a culture of peace*. UN Retrieved from <https://digitallibrary.un.org>



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰۰

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱



خوانش آموزه‌های اندیشه‌ساز و تجربه‌های زیست‌شده حافظ در راه خودیافتگی انسان معمار

هیوا رحمانی^۱، محمدرضا پورزرگر^۲، بهروز منصوری^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

آموخته‌های معماری امروز تحت تأثیر استیلای هژمونی‌های مرکزگرا، هجوم اطلاعات و تکنولوژی موجب تسخیر روح انسان شده است که منجر به تبلور اشکال جدید خلیات فردی به جای خلاقیت شده است. تغییر یادگیری فرایند انسان معمار به معنای رهایی ذهن از انباشتگی‌های اطلاعات و خوانش آموزه‌های مؤثر به واسطه تجربه‌های زیست‌شده انسانی حاوی روح و احساس هدف پژوهش است. مطالعه حاضر به روش اسنادی، و به منظور شناخت روابط انسان با محیط به خوانش آثار پدیدارشناسان حوزه انسان، ذهن و خیال، و ریشه‌های درون‌مرزی مؤثر بر برقراری پیوند انسان با پدیده‌های محلی، همچون ادبیات، پرداخته است. با خوانش نظریه‌های شناخت جهان هستی و دیدگاه‌های محورگرایی، به وجوه گم‌گشته «چگونه انسان شدن» پی برده شد. در ابتدای قرن بیستم جریان فکری فلسفی پدیدارشناسی شکل گرفت که اساس هستی‌شناسی را تجربیات زیست‌شده انسانی دانست. سپس از فلسفه محض به جریان حوزه «اندیشه» و «یادگیری خودیافته» تغییر مسیر داد و با برقراری پیوندی چندوجهی میان رشته‌ها و تجربه‌های زیست‌شده انسانی، در مدارس معماری مطرح شد. شناخت فرایند خودیافته «انسان معمار» جهت کسب تجربه‌های فردی با کیفیت و خلق پدیده‌های معماری انسانی از یافته‌های این مقاله است که در دو وجه مورد مطالعه قرار گرفت: ۱) خواندن منابع و ریشه‌های غنی درون‌مرزی؛ و ۲) آموختن چگونه اندیشیدن به منزله نگاه جهان‌شمول. خوانش شعر حافظ و تجربه زیسته‌اش در فرایند یادگیری معماری موجب خودیافتگی و پالایش ذهن می‌شود. در این راه انسان فراگیرنده به بیداری دست می‌یابد که در قالب مدلی ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: خودیافتگی، بیداری، انسان معمار، پالایشگری ذهن، پدیده شعر حافظ

۱. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

۳. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۱. مقدمه

ظهور مدرنیسم و تهاجم آرمان‌های غرب در ساختار آموزش آکادمیک معماری معاصر ایران نوعی از معماری کلیشه‌ای را به وجود آورده است که با وجود پیشینه و غنای فرهنگی جایی برای بروز و رشد «احساسات انسانی» و «فضاهای خیال‌انگیز» دیده نمی‌شود. بسیاری از آموخته‌های معماری امروز استیلای هژمونی^۱‌های نوظهور و تسخیر روح انسان توسط تکنولوژی‌های نوین و بمباران اطلاعاتی را نشان می‌دهد (پالاسما^۲، ۱۳۹۵، ۲۳). محصول این عملکرد، تبلور اشکال جدید خلیقات فردی به جای خلاقیت فردی است که موجب شده رفتارهای فاشیستی فردی بیش از هر زمانی در میان جامعه معماران دیده شود. محصولات معماری حاضر نشان‌دهنده بی‌ثمر بودن آموزش و یادگیری در انتقال مفاهیم از فردی به فرد دیگر است. تغییر یادگیری از طریق تجربه‌های فردی و اکتشاف در دنیای معناها مورد بحث مقاله حاضر است. در این فرایند، هدف تنها افزایش دانش نیست بلکه چگونگی بیداری، اندیشیدن و فکر کردن مبنای آموختن است که منجر به خودشکوفایی و متعالی ساختن خویش می‌گردد. رشد و پرورش نگاه نو معمار به پدیده‌ها و گسترش پیوند ذهنی میان پدیده‌ها (انسان و طبیعت - انسان و انسان) حلقه گم‌شده آموزش معماری ایران است که برای حل این مهم، نیاز به برقراری ارتباط با جهان دگر رشته‌ها دارد. در این پیوند میان‌رشته‌ای خوانش گستره‌های انتزاعی ادبیات کهن قابل ملاحظه است؛ چراکه ادیبان پارسی بیش از دیگر هنرمندان با مقوله خیال و تصرف ذهنی در برقراری پیوندی نو میان روابط و مفاهیم ساده طبیعت و انسان سروکار داشته‌اند.

امروزه شهرهای ما فارغ از احساسات نافذ انسانی پر از ساختمان‌هایی هستند که نبودشان بهتر از بودنشان است. بررسی ماهوی معماری کنونی نمایانگر آن است که پدیده‌های معماری امروز به دور از معنا و محتوا از شرق تا غرب، جنوب تا شمال به صورتک‌های مشابهی تبدیل شده که حاصل آموزه‌های نادرستی است که معماران ایرانی در این سال‌ها تجربه کرده‌اند. این در حالی است که در مواجهه با فضاهای معماری ایران



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰۲

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱

۱. hégémonie

۲. Pallasmaa

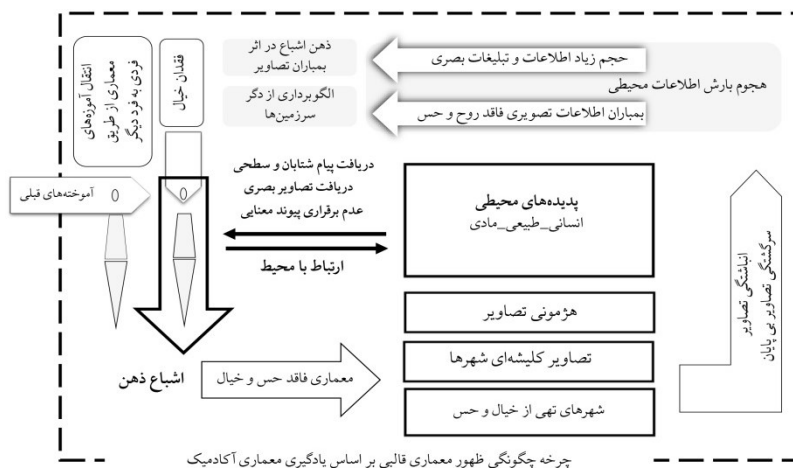


گذشته، پیوسته جلوه‌هایی از اندیشه‌های ادبی و خیالی نمایان است. نبود مهارت لازم جهت ارتباط صحیح انسان با خویشتن، برقراری تماس با محیط و پیوند میان پدیده‌های مختلف انسان‌ساز منجر به گم‌گشتگی و درماندگی ذهنی در این فرایند یادگیری شده است که حاصل تداوم آن ساختن ماده صرف، و نه ساختن خیال و احساس، شده است.

با این توصیف انسان به عنوان بخش حیاتی ارتباطات محیطی زمانی که به دور از هرگونه تجربه «ذهنی—خیالی» به طراحی کالبد فیزیکی محیط پردازد، ساختمان‌ها به مثابه موجودیت کمی و بدنمند در قالب فرآورده‌های دست دوم دیگر فرهنگ‌ها ظاهر می‌شود. خلاء این فضای اندیشه خود دلیلی است بر تأمل در محتوای آموزه‌های معماری و تدوین سبک و سیاق نگریستن به مفاهیم و ژرفای معماری ایران.

دنیای ارتباطات شتابان امروز، محورگرایی غرب، هژمونی تکنولوژی و بارش بی‌پایان تصاویر موجب فقدان تجربه تخیل و پیدایش فضا‌های خیال‌انگیز شده است (همان، ۲۳). نبود یادگیری آموزه‌های میان‌رشته‌ای به روز در معماری معاصر ایران منجر به کاهش «صور خیال» در پدیده‌های انسان‌ساز شده است؛ چراکه دانش‌آموختگان آکادمیک معاصر ایران به دور از مهارت‌های خیالی در خلق معنا‌های ذهنی با الگوبرداری تصویری از معماران دگر سرزمین‌ها دست به ساخت می‌زنند. در سال‌های اخیر نبود احساسات نافذ انسانی در تجربه‌کنندگان فضا‌های معماری دغدغه همه ژرف‌اندیشان و علاقمندان این حوزه شده است (فلامکی، ۱۳۹۱، ۲۰).

این مقاله براساس نگاه و بینشی انتزاعی در معماری می‌کوشد از طریق فهمی نو و ایجاد ارتباط میان معماری و دیگر پدیده‌های تجربی—ذهنی، بازساخت اندیشه‌های معمارانه را میسر سازد. نمودار شماره (۱) چرخه چگونگی ظهور معماری قالبی بر اساس یادگیری صرف از طریق نظام آکادمیک را نشان می‌دهد. براساس این چرخه، بارش اطلاعات محیطی و بمباران اطلاعات تصویری فاقد روح و احساس در کنار انتقال یادگیری از طریق فردبه‌فرد منجر به اشباع ذهن انسان می‌شود. معمار در این فرایند یادگیری با ذهن اشباع‌شده در ارتباط با پدیده‌ها با نگاهی مادی به دریافت پیام‌ها می‌پردازد. بنابراین، معماری حاصل این نگاه، تصاویر کلیشه‌ای فاقد خیال و احساسی می‌شود که امروزه در شهرهای معاصر ایران به وفور نمایان شده است.



نمودار ۱. چرخه ظهور معماری قالبی بر اساس یادگیری توسط ذهن اشباع شده



با این توصیف، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه از طریق شناخت روابط انسان با محیط و پیوند پدیده‌ها می‌توان به اصلاح فرایند اندیشه‌سازی انسان معمار پرداخت؟ همچنین، اهدافی که این مقاله دنبال می‌کند عبارت است از: (۱) بازشناخت آموزه‌های شکل‌دهنده اندیشه و خیال معمار از طریق خوانش دیدگاه‌های نظری مختلف؛ و (۲) خوانش راهکارهایی جهت یادگیری از تجربه‌های زیست‌شده انسانی دارای روح و احساس.

۲. پیشینه تاریخی ارتباط انسان با جهان هستی

ساختار آموزشی مرکزگرای امروز نخست تحت تأثیر مبانی فلسفی غرب و ارتباط با جهان هستی با نگاه محوریت انسان شکل گرفته است. از این رو، شناخت مبانی فکری و فلسفه مدرن غرب (اروپا) در این بخش مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱. پیشگامان فلسفه مدرن غرب و عصر روشنگری

تاریخ نگاران آغاز تحولات فکری انسانی را از دوران نوزایی اروپا در قرن چهاردهم، و شکل‌گیری تحولات فلسفی مدرن را در قرن هفدهم بر مبنای تفکرات اومانیسم^۱ (حقیر و

1. Humanism



کامل‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۹) می‌دانند که آغازی بر فصل جدید و تحولات نو در آموزه‌های فکری قرن بیستم است. در این خصوص، دیدگاه سه نظریه‌پرداز فلسفه غرب رنه دکارت^۱، دیوید هیوم^۲ و ایمانوئل کانت^۳ به‌عنوان نظریه‌پردازانی که بر جایگاه انسان «من» در فرایند شناخت و ادراک (سوژه و ابژه) و نقش محورگرایی انسان در ارتباط با جهان هستی تأکید داشته‌اند مورد مطالعه قرار گرفته است.

دکارت راه شناخت و معرفت‌شناسی جهان هستی را بر پایه «خود» یا «عقل» می‌داند (نیومن^۴، ۲۰۱۹). اوج محوریت دادن من خودآگاه به‌عنوان انسان مستقل و ناظر در جهان هستی در جمله معروف دکارت نمود پیدا می‌کند: «من می‌اندیشم پس هستم»^۵ دکارت برای اینکه بنای همه چیز را شک بگذارد از نقطه آغازین یقین «خود» یا «فاعل شناسنده» شروع می‌کند (واتسون^۶، ۲۰۰۷). دکارت میان خود و جوهره وجودی آن «نفس» یا بدن یا جسم تمایز قائل است. بنابراین، «عقل» و «نفس» دکارتی به معنای «خود» مقدم بر جسم و جهان مادی است (اسفندیاری، ۱۳۸۹، ۳۸). از این رو، شاید بتوان دوره دکارت را دوره عقل‌گرایی روشنگری به جای عصر روشنگری و او را سردمدار راسیونالیسم^۷ (اصالت عقل) دانست (حقیر و کامل‌نیا، ۱۳۹۴، ۵۵).

هیوم راه شناخت و ارتباط انسان با جهان هستی را بر پایه احساس می‌داند. او بر اساس دو مفهوم انطباق و تصور، که منشاء تجربی دارند، هر امر غیرتجربی را بی اعتبار می‌داند. از این رو، مفهوم اساسی علیت را، به دلیل اینکه منشأ تجربی ندارد، رد می‌کند. هیوم با نفی علیت به بالاترین درجات شکاکیت و نظریه اسکپسیسم^۸ می‌رسد (همان). او با صراحت تمام در رساله خود «درباره طبیعت آدمی» بیان می‌کند که من چیزی جز یک انسان شکاک نیستم و بدین سان هویت شخصی انسان خردمند را به چالش می‌کشاند. هیوم ادراک ذهنی

1. René Descartes
2. David Hume
3. Immanuel Kant
4. Newman
5. cogito
6. Watson
7. rationalism
8. scepticism



انسان را به دو قسم متمایز انطباع و تصور تقسیم می‌کند. هر انطباعی که توسط ذهن انسان نمایان می‌شود خود را در قالب تصور ظاهر می‌کند و در این فرایند حافظه و قوه تخیل از ابزارهای اساسی محسوب می‌شود (هیوم، ۱۳۹۵).

کانت برجسته‌ترین متفکر ضدروشنگری است که بر تمام اندیشه‌های سده نوزدهم مسلط بود. او نه با راسیونالیست‌ها (عقل‌گرایان) توافق داشت و نه با امپرسیست‌ها^۱ (تجربه‌گرایان). او معتقد است نه از طریق «پراگماتیسم»^۲ و نه از طریق «شکاکیت»، نمی‌توان به «حقیقت» رسید؛ بلکه برای تحصیل «حقیقت» راه سومی به عنوان «اندیشه انتقادی»^۳ را مطرح می‌کند. به عقیده کانت، آدمی برحسب ذهن خود، یا به عبارتی دقیق‌تر، با مفاهیم ذهنی خود به کشف قانون‌های طبیعت می‌پردازد و این آگاهی و شناخت از جهان هستی محصول مواجهه ذهن با عین است (حقیر و کامل‌نیا، ۱۳۹۴، ۶۹-۵۳). کانت با نگاهی نو «انسان» را تعریف می‌نماید که این جهان‌بینی حاصل اندیشه انتقادی اوست. در توصیف «انسان» خود فرد دیگر تنها مد نظر قرار نمی‌گیرد (روحانی راوری و طالب‌زاده، ۱۳۹۰، ۸۷)، بلکه به توصیفی از طبیعت انسان در وجوه اجتماعی او، تمدن، جامعه‌پذیری و تأثیرات آن می‌پردازد و سعی می‌کند وجوه فردی و جمعی انسان را همزمان ارائه دهد (وود^۴، ۲۰۰۳). بر این اساس، «من» عصر روشنگری در تعبیر انسان از دید کانت تغییر می‌کند و سوژه‌ها خودش را در ابژه‌ها نهاده است. این نوآوری در تعبیر انسان را می‌توان آغاز مسیر شناخت‌شناسانه «پست‌مدرنیسم» دانست چرا که پس از کانت نظم جهان به «ذهن» وابسته می‌شود (هیکس^۵، ۱۳۹۱). بسیاری معتقدند نظریه «انتقادی» کانت بعدها مبنای اساسی اندیشه «ایدئالیسم‌های»^۶ آلمانی قرار گرفته است (حقیر و کامل‌نیا، ۱۳۹۴، ۶۹-۵۳). جدول شماره (۱) دیدگاه‌ها و افکار کلیدی این سه نظریه‌پرداز را حول مفاهیم به‌کار رفته «انسان» یا «خود» در رابطه با جهان هستی از منظر مرکزگرایی نشان داده است.

1. Empericism
2. Pragmatism
3. critical thinking
4. Wood
5. Hicks
6. Idealism

جدول ۱. مروری بر دیدگاه نظریه‌پردازان تأثیرگذار ادراک هستی با رویکرد مرکزگرایی

نظریه‌پرداز	نظریه	دیدگاه	شرح نظریه
راسیونالیسم اصالت خرد	رنه دکارت (عقلگرا) عصر روشنگری قرن ۱۶ و ۱۷	• «من» دکارتی نفسی است. • عقل و نفس مقدم بر شیء است. • محوریت عقل در جست‌وجوی حقیقت. • رابطه یک طرفه عقل‌گرایی را به‌منظور حصول معرفت بیان می‌کند. • انسان قادر به شناخت نفس خویش به‌نحو شهودی است نه استنتاجی. • اصالت سوژه (عقل).	• آغازگر فلسفه تعقلی؛ • معرفت‌شناسی از دیدگاه تأملات بر اصالت فاعل (من-خودآگاه)؛ • سوژکتیویست؛ • دوگانه‌انگاری روح و جسم • دو جوهر مستقل برای سوژه (عقل) و ابژه (جهان پیرامون یا شیء) می‌بیند.
		افکار کلیدی: می‌اندیشم پس هستم «کوگیتو» من (فاعل شناسا) جهان را می‌شناسد.	تأثیرپذیری: آگوستین ^۱ (از اندیشمندان قرون وسطی) اولین کسی که فکر انسان را دلیل بر وجود می‌داند.
دیوید هیوم (تجربه‌گرایی) قرن ۱۸	اسکپسیزم (شکاکیت)	• انسان برای آموختن به سیستم آموزشی نیاز دارد که جای منطق احساس را در مرکز خود قرار می‌دهد. • چیزی به نام «خویشستن مرکزی» دکارت وجود ندارد و همیشه شکاکانه به دنیا نگاه می‌کند. • اصالت ابژه‌ها • حافظه، خیال، عقل اساس شناخت ما از جهان	• (احساس محور نقد بر استدلال) • به چالش کشیدن هویت شخصی • ابژکتیویسم • نفی علیت • ادراک نفسانی تجربی • مفهوم انطباق و تصور در نظام فلسفی آمیخته با روان‌شناسی
		افکار کلیدی: «من» چیزی جز انسان شکاک نیست. محور احساس و تجربه	تأثیر پذیری: تحت‌تأثیر تجربه‌گرایی جان لاک و جرج بارکلی ^۲
ایمانوئل کانت (اندیشه انتقادی) قرن ۱۹ فلسفه جدید	کریتیسیسم ^۳ (انتقادی)	• «من» کانت پوست می‌اندازد و تغییر می‌کند به «خود استعلانی» • گشودن طریقی بینابین تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی • آگاهی و شناخت محصول مواجهه ذهن با عین است. • سوژه‌ها خودش را در ابژه‌ها نهاده است. • آدمی با مفاهیم ذهنی خود به کشف قانون‌های طبیعت می‌پردازد و شناخت جهان دست می‌یابد.	• فیلسوف خردگرای آلمانی • نقد عقل محض، نقد عقل عملی، نقد قوه حکم • معرفت‌شناسی (وحدت کثرت شهودی) • عین و عینیت • سوژه استعلانی
		افکار کلیدی: حقیقت در ساحت ذهن آدمی است. قدرت فاهمه انسان	تأثیرپذیری: علیت هیوم بیداری از خواب دگماتیسم و جزمیت را منجر شده است.



1. Augustine
2. John Locke & George Berkeley
3. criticism



با مرور نظریه‌های بنیادی شناخت و ادراک (ارتباط انسان و جهان هستی) از منظر دکارت، هیوم و کانت مشخص شد که در انقلاب فکری فلسفه غرب، که همچنان ردپای آن در ساختار آکادمیک معماری ایران نیز نقش دارد، ساختار فکری بر پایه محورگرایی محض است. بعد از کانت در قرن بیستم جنبش‌های فکری متعددی پدیدار شد که جریان فکری پدیدارشناسی بیشترین تأثیر را در حوزه انسان و تجربه زیست‌شده‌اش داشته است.

۲-۲. درآمدی بر پدیدارشناسی پس از عصر روشنگری

شاید بتوان پدیدار^۱ را از با سابقه‌ترین واژه‌های به کار رفته در تاریخ فلسفه غرب دانست که در آثار افلاطون، هیوم، کانت، هگل، هوسرل، هایدگر و مرلوپونتی^۲ مفهومی کلیدی داشته است (صافیان، ۱۳۹۸). بحث‌های مفصل شناخت و ارتباط ابژه با سوژه در عصر روشنگری مقدمات ظهور دوباره واژه «فنومن» را، در تاریخ فلسفه فراهم کرده است^۳ (کشاورزی عیش‌آبادی، ۱۳۸۸، ۹۷).

در ابتدای قرن بیستم یک جریان فکری به عنوان «پدیدارشناسی» شکل گرفت. این جریان فکری، مبنا و اساس هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را اندیشه انسان و تجارب زیسته‌اش دانسته است. پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است که به وسیله فردی زیسته می‌شود. بسیاری ادموند هوسرل را بانی و مبنای جنبش پدیدارشناسی می‌دانند که اندیشه او بر کل فلسفه اروپایی نفوذ قابل ملاحظه‌ای گذاشت (اسمیت^۴، ۲۰۱۸) و حتی بعدها این جنبش وارد دیگر حوزه‌هایی همچون زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و نیز حوزه پزشکی شد (امامی‌سیگارودی، دهقان‌نیری، و رهنورد، و نوری‌سعید، ۱۳۹۱، ۵۶).

بر این مبنا پدیدارشناسی فلسفه غرب را می‌توان به عنوان یک طرز فکر به لحاظ مفهومی به دو دوره تاریخی «پیش از هوسرل» و «پس از هوسرل» تقسیم کرد. در مقطع زمانی قبل از هوسرل، عمدتاً فهم و ادراک هستی مورد توجه قرار گرفت. هگل از چهره‌های مطرح این بازه از

1. Phenomenon

2. Hegel, Husserl, Heidegger, & Merleau-Ponty

۳. واژه یونانی $\varphiαινόμενον$ که لفظ «فنومن» از آن اخذ شده است به معنای «خود را نشان دادن» است. که برای اولین بار در میان یونانیان مطرح شده است. آنها آن‌چه در عالم خارج از ذهن وجود دارد را «نومن» و آن‌چه که بر ذهن آشکار می‌شود را «فنومن» می‌نامند.

4. Smith



«پدیدارشناسی روح» به عنوان راه توصیفی علمی و به منظور شناخت «روح فی نفسه» سخن گفته است. هوسرل به عنوان نقطه آغازین، از اصطلاح پدیدارشناسی به منظور «روش بیداری» و هم برای «اصول و مبادی فکری» نام برده است. بسیاری از متفکران این حوزه پدیدارشناسی هوسرل را «پدیدارشناسی استعلائی» عنوان می‌کنند. هوسرل ظاهر شدن یا پدیدار شدن عالم را ناشی از تلاش مصمم و تخلیه ذهن از پیش فرض‌ها و التفات ذهن انسان می‌داند. او بازگشت به سوی خود اشیاء^۱ را شعار اصلی پدیدارشناسی اعلام کرده؛ چراکه شهود و بصیرت را ضرورت نیل به شناخت می‌داند (ویلیز^۲، ۲۰۰۱).

هوسرل آگاهی را به منزله دریچه‌ای گشوده به جهان هستی توصیف می‌کند و دنیا را زمانی واجد معنا می‌داند که به شهود دست یابد. ذهن و آگاهی را شرط اصلی ظهور عالم می‌داند که این ظهور یا ظاهر شدن همان چیزی است که هوسرل آن را «پدیدار» و شناخت آن را «پدیدارشناسی» می‌خواند (پرتوی، ۱۳۹۴، ۳۵-۲۷). دوره زمانی بعد از هوسرل پدیدارشناسی به چند شاخه تقسیم شد. در آلمان هایدگر روش پدیدارشناختی هوسرل را پذیرفت ولی جنبه استعلایی آن را با کتاب هستی و زمان مورد نقد قرارداد، سپس در دوره دوم زندگی خود با کتاب «پرسش از تکنولوژی» با نگاهی فلسفی تکنولوژی را ابزاری انسانی در ارتباط و انکشاف حقیقت مطرح کرد (اوبرین^۳، ۲۰۰۴). در فرانسه مرلوپونتی روایتی اگزیستانسیالیستی^۴ از پدیدارشناسی هوسرل ارائه کرد و جنبه استعلایی و سوژکتیو آن را با الهام از اگزیستانسیالیسم هایدگر و پل سارتر^۵ مورد انتقاد قرار داد (امامی‌سیگارودی، دهقان‌نیری، رهنورد، و نوری‌سعید، ۱۳۹۱، ۵۶). سپس در فضای تفکر پست‌مدرن فرانسه، ژاک دریدا^۶ با طرح راهبر ساخت‌شکنی در مقابل پدیدارشناسی جریانی نو را در زمینه حوزه علوم انسانی مطرح کرد. او پدیدارشناسی را مبتنی بر سه مرحله کاستن، ساختن و ساخت‌شکنی دانست. دریدا ساخت‌شکنی را به عنوان نوعی استخراج تفسیرهای آشکار و پنهان از یک بطن، که این تفسیرها نیز می‌تواند متناقض یا متفاوت باشد، با نگاهی نقدانه

1. return to the things
2. Willis
3. O'Brien
4. Existentialist
5. Paul - Sartre
6. Jacques Derrida

مقابل باورهای یقینی و فلسفی مطرح کرد (آهی و طاهری، ۱۳۹۸، ۱۳۲-۱۳۱). اینجا بود که جریانات فلسفی قرن بیستم با رشته‌های دیگر همچون زبان‌شناسی، ادبیات و رشته‌های انسانی مرتبط گردید تا از این طریق مسیر جدیدی برای دستیابی به شناخت یا آگاهی از طریق تجربیات انسان یا به عبارتی آموزه‌های مختلف از تجربیات زیست‌شده مطرح شود. جدول شماره (۲) به مرور و معرفی جریانات فکری «پدیدارشناسی» و تفکرات کلیدی هر صاحب‌نظر به تفکیک در قالب نظریه‌پردازان تأثیرگذار بر دوره معاصر پرداخته است.

جدول ۲. مروری بر نظریه‌پردازان پدیدارشناس و فلاسفه

نظریه‌پرداز	نظریه	شرح دیدگاه	تأثیر بر آموزش و یادگیری
فریدریش هگل ایده آلیسم آلمانی قرن ۱۸ و ۱۹	پدیدارشناسی روح ^۱ «ذهن»	• «روح» جنبه الهی دارد؛ • همه‌چیز در حال تغییر است؛ • تناقض و ناسازگاری شرط اساسی فکر است؛ • ضعف را در رواج فردیت می‌داند؛	۱. سازش و وحدت تضادها ۲. تطابق ذهن و واقعیت ۳. شکل‌گیری اندیشه دیالکتیک^۲ افکار کلیدی: • سیالیت رابطه سوژه و ایزه مطرح می‌شود؛ • سازش تناقضات در وجود اشیا و همچنین در ذهن دیالکتیک است.
ادموند هوسرل مؤسس پدیدارشناسی قرن ۲۰ آلمان	پدیدارشناسی استعلانی ^۳ به سوی خود اشیا شهودی و بی‌واسطه (من و دیگری)	• تأکید بر آگوی^۴ استعلانی، • ایگو را همان دنیایی می‌دانند که افراد برای خود می‌سازند؛ • از طریق شهود اولیه به وجود و هستی خود پی می‌بریم؛ • این جهان پیوسته برای «من» حاضر است.	۱. اپوخه^۵ ۲. خودشناسی یا شناسایی «من» ایگو افکار کلیدی: • من فکری را فکر می‌کنم؛ • تأویل یا تعلیق تنها طریق دستیابی به «من استعلانی» است؛ • جهانمندی را تقلیل‌پذیر می‌داند؛
مارتین هایدگر سرآغاز تفکر متافیزیک (هستی‌شناسی) آلمان (۱۸۸۹-۱۹۷۶)	پدیدارشناسی هرمنوتیک انسان زیستنده (دازاین) ^۲	• تأملات او پرسش بودن است؛ • هایدگر تفکر را در قالب رابطه انسان و دنیای پیرامونش نمی‌بیند (هایدگر، ۱۳۸۱)؛	۱. حقیقت در رهایی از دآوری ۲. بودن را در عالم زبان می‌داند ۳. تفکر شاعرانه افکار کلیدی: • شناخت جهان از مقام پرسش اتفاق می‌افتد؛ • (پرسش از تکنولوژی) • اساساً هستی انسان در عالم است و هرگز از انسان منفصل نمی‌گردد.



۱۱۰

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

1. The Phenomenology of Spirit

2. Dialectic

3. ranscendental phenomenology

4. ego

۵. Epoché واژه‌ای از زبان یونانی باستان که لحظه‌ای نظری را وصف می‌کند که تمامی قضاوت‌ها درباره وجود یا هستی جهان خارجی و در نتیجه تمام کنش‌ها در جهان به حالت تعلیق در می‌آید.

2. dasein



نظریه‌پرداز	نظریه	شرح دیدگاه	تأثیر بر آموزش و یادگیری
ژان-پل سارتر اگزیستانسیالیسم فرانسه (۱۹۰۵-۱۹۸۰)	اصلت وجودی انسان	• انسان با هستی آغاز می‌شود؛ • انسان چیزی نیست جز مجموعه‌ای از اعمالش، (هستی و نیستی)؛ • ابژه از سوژه جدا هست.	۱. نگاه انتقادی ۲. مذموم شمردن عادت‌ها ۳. پارادوکس ^۱ افکار کلیدی: • انسان باید هر روز خود را بیافریند؛ • هستی آدم از دید دیگران است.
موریس مرلوپونتی (پست اومانیسم) فرانسه (۱۹۰۸-۱۹۶۱)	پدیدارشناسی ادراک ^۲ (بدن زیسته) ^۳	• ادراک حسی به معنای فعالیت کل بدن؛ • تأثیر متقابل بدن، مغز، جهان • سوژه و محیط طبیعی و فرهنگی جداناپذیرند؛ • شاکله‌های بدن^۴ به معنای وجوه مختلف جسم و خیال (هیل، ۱۳۹۶).	۱. فلسفه تحلیلی (موشکافانه) ۲. درس‌هایی از مفهوم طبیعت و فرهنگ ۳. وحدت «روان و تن» افکار کلیدی: • تأمل به معنای نااندیشیده و بازگشت به مبادی و ریشه‌ها؛ • تفکر میان‌رشته‌ای روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست و...
گاستون باشلار ^۵ (فیلسوف خیال) فرانسه (۱۸۸۴-۱۹۶۲)	پدیدارشناسی خیال ^۶ تصاویر خیالی	• بوطیقای فضا^۷ و وابستگی انسان به خانه: (فضای شاعرانه، تخیل در خصوص فضا)؛ • انسان پیش از آنکه موجود ابزار ساز باشد خیال پرداز و همواره در حال شناخت و واکاوی صور خیال است (باشلار، ۱۳۹۲).	ملاحظه دو مرحله فلسفی: • مرحله اول: تفکراتش با مضامین بنیادی علوم شکل گرفت (قانون و علیت)؛ • مرحله دوم: انقلاب در تفکر و فراموش کردن تمام عادت‌های فکری و روی آوردن به تخیل شعری، جهان در چهار عنصر اصلی: زمین، آب، باد، آتش، به تخیل در می‌آید.
ژاک دریدا فرانسه (۱۹۳۰-۲۰۰۴)	ساخت شکنی ^۸ واسازی ساختار شکنی	• تفکر مبتنی بر «کاستن، ساختن، ساخت شکنی»؛ • هر خواننده‌ای می‌تواند برداشت خود را داشته باشد؛ • واژگونی نظام سلسله مراتبی.	۱. ارتباط میان‌رشته‌ای؛ ۲. ارزش افتراقی نشانه‌ها؛ افکار کلیدی: • متن به جای انتقال معنا، خالق معنا «مرکززدای» است؛ • از بین بردن زنجیره «دال و مدلول»؛

1. paradox

2. phenomenology of perception

۳. lived body در این تعریف مقصود از بدن یک ابژه ایستا یا شکل مشخص فیزیکی یا ساختار آناتومی نیست. بلکه مجموعه‌ای از امکانات برای کنش و ارتباط است که شامل اندام‌های خیالی نیز می‌شود.

4. body schema

5. Goston Bachelard

6. phenomenology of imagination

7. poetic space

8. déconstruction

۳. مروری بر پدیدارشناسی در ساختار آموزش

پدیدارشناسی ابتدا در فلسفه با نگاه توصیفی هوسرل، تفسیری و ارتباطی هایدگر، و انتقادی مرلوپنتی مطرح شد؛ اما خیلی زود به عنوان یک رویداد قدرتمند و یک نگرش فکری، در وجوه مختلف انسانی وابسته به «یادگیری خودیافته» و «درمانی» جایگاه خود را پیدا کرد. با وجود تمام انتقادات بر «خودمحوری» و «مرکزگرایی» همچنان در آموزش فعلی ایران ردپای این ساختار و اثرات پنهانش کاملاً مشهود است. در سال‌های اخیر چگونه اندیشیدن، یا به عبارتی «درست اندیشیدن» در ساختار یادگیری مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد سلطه جویی‌های رسانه، آموزش‌های قالبی به صورت تدریس‌های چارچوب‌مدار در دانشگاه‌ها و مدارس، انسان را دچار نوعی اضطراب و آشفتگی فکری و ذهنی کرده است. کارل رانسوم راجرز^۱ (۱۳۹۷) روان‌شناس نامدار آمریکایی قرن ۲۰ یکی از بنیان‌گذاران نظریه حوزه فرایند «انسان‌شدن»، یادگیری‌های معنادار را مطرح می‌نماید و معتقد است چیزی که توسط کسی به دیگری آموخته می‌شود (به صورت تدریس) بی‌ثمر و بی‌نتیجه است. او تنها یادگیری «خودیافته» یعنی به گونه‌ای که فرد آن را براساس تجربیات خود کشف کند و با خویشتن خود تطبیق دهد مؤثر می‌داند. همچنین معتقد است مواردی که براساس تجربیات فردی به دست می‌آید قابل سرمشق شدن برای دیگران نیست و فقط ممکن است برای خود فرد، نه برای دیگران، معنا داشته باشد. از طرفی این نتایج و آموخته‌ها در شرایط متفاوت و در روابط با دیگران نیز پایدار یا ثابت نیست و هدام فرد در حال تغییر آموخته‌هایش است (راجرز، ۱۳۹۷، ۲۵، ۲۷ و ۳۳۲).

راجرز تدریس را مانعی بر سر یادگیری معنادار و کارآ می‌داند؛ او یادگیری خودیافته را فرایندی مسرت‌بخش می‌داند که فرد در رابطه با دیگران یا به تنهایی، براساس تجربیات فردی به نتایج و تغییرات درونی دست می‌یابد که در این فرایند، اندیشیدن مبنای یادگیری است (همان، ۳۳۸). البته گفتنی است که هر فکر کردنی اندیشیدن محسوب نمی‌شود و اگر انسان بخواهد تجربیات ذهنی خودش را به درستی بفهمد نیازمند تمرین‌هایی جهت «شفاف اندیشیدن» به معنای کسب مهارت «اندیشیدن همراه با نیندیشیدن» است که با



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۱۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

چیره‌دستی و تمرینات آگاهی و «ذهن پرسشگر» به حل این معما می‌توان دست یافت (بلک‌مور^۱، ۱۳۹۹).

یکی از آموزه‌های شرقی تحت عنوان «ذن» شاخه‌ای از بودیسم، در مقابل آموزه‌های مرکزگرای فلسفه غرب، که پیش از این به آن اشاره شد و بسیاری از بن‌بست‌ها را نیز برای انسان به وجود آورد، تأکید بر سخت‌کوشی انسان و آرام‌سازی ذهن قبل از پرسشگری و سوق به خودفهمی را دارد. ذهن انسان به واسطه سلطه جویی‌های رسانه‌ها، تدریس‌های قالبی دانشگاه‌ها، همواره درگیر و شلوغ است که دچار نوعی اضطراب، آشفتگی فکری و افکار ناخواسته شده است. از این رو، لزوم داشتن ذهنی آرام و رها برای شفاف اندیشیدن آشکار می‌شود، پالایشگری ذهن نقطه آغازین «شفاف اندیشیدن» است و نیاز به تمرینات مداوم برای رهایی از تمامی محتویات انباشته شده دارد تا بتوان با ذهنی آرام و رها وارد ارتباط با جهان هستی و یادگیری خودیافته (بیداری) شد. یادگیری در معماری نیز از تربیت و ساختن ذهن (انسان‌سازی) آغاز می‌شود و هدفش ساختن پدیده‌هاست. علاوه بر اینکه منحصر به فرد است، ریشه‌هایی در تجربه‌های زیست‌شده و مفاهیم درونی نیز دارد. شناخت این فرایند خودیافته «انسان معمار» در جهت ارتقای پدیده‌های معماری بسیار مؤثر خواهد بود. از دهه ۱۹۶۰ «پدیدارشناسی» به عنوان رویکرد مؤثر بر آموزش و یادگیری انسان در بسیاری از دانشگاه‌ها و مدارس معماری مطرح شده است (اوتر و پیلوس^۲، ۲۰۰۵) که در جدول شماره (۳) به مرور بعضی از این موارد پرداخته شده است.

جدول ۳. پدیدارشناسی در مدارس و دانشگاه‌ها

پرفسور ژان لاباتوت^۴ (۱۹۸۶-۱۸۹۹)، معمار فرانسوی و منتقد بر رهبری استاد، در ساختار آموزش • تمرین و تجربه دانشجویان • ترکیب، طراحی، ساخت، تغییر به وسیله قدرت ادراک • تجربه‌های خلاقانه به واسطه خواندن خلاقانه پدیده‌ها آنچه که به ظاهر پنداشته می‌شوند، نیستند. واقعیت‌ها پر از پیچیدگی و چیزهای نهفته‌اند. خواندن منابع و ریشه‌ها ضرورت دارد (کلارک^۵، ۲۰۱۳).	دانشگاه پرینستون^۳ آمریکا
--	--

1. Blackmore
2. Otero_Pailos
3. Princeton University
4. Jean Labatuts
5. Clarke





یوهان پالاسما، نظریه‌پرداز معماری، روان‌شناسی، فلسفه و هنرهای تجسمی، تجربه ادراک حسی، حافظه، خاطره، تخیل و ناخودآگاه را مطرح می‌کند.	دانشگاه تکنولوژی هلسینکی^۱ و...
• معماری چندحسی • توجه به حس لامسه در تجربه (حس لامسه در تصویرسازی‌های افراطی سرکوب شده است. • معماری سکوت (مقابل سلطه‌جویی‌های تصویری)	
دیدگاه‌های غالب مدارس معماری، براساس ایده‌پردازی‌های شخصی است ولی تفکر و اندیشه‌سازی منحصر به فرد در گفتمان و آموزش توسط پالاسما مطرح شده است (گرین‌لی و هیندرز^۲، ۲۰۱۱).	
استیون هال^۳ وام‌داری تفکرات پدیدارشناسی مرلوپوتنی (تن به‌عنوان ابزاری جهت اتصال به جهان)	
• ادراک بدنمند (تن ابزار زنده فضا) • تغییر زاویه دید • پارالاکس^۴	دانشگاه کلمبیا^۵
ارتباط فضا و تن (ادراک بدنمند) آرایش فضایی از طریق حرکت به‌معنای تغییر زاویهٔ پرسپکتیو و دید حاصل می‌شود، با شکستن سطوح یکنواخت افقی و حرکت در محور عمودی و مایل، بدن پرسپکتیوهای متنوعی دریافت می‌کند. بنابراین، تجربه انسان از فضا چند برابر می‌شود (یورگانشیلکو^۶، ۲۰۰۴). هال از آن به‌عنوان پارالاکس یا همان سیالیت فضا یاد می‌کند (ابراهیمی‌اصل، پناهی، و فروتن، ۱۳۹۶).	
پیتر زومتور^۸ (نگریستن به پدیده‌ها در جست‌وجوی معماری از دست‌رفته). استاد آکادمی معماری و معمار متفکر در حوزهٔ پدیدارشناسی (رهیافت پدیدارشناسی در معماری اندیشی).	دانشگاه ایتالیا، سوئیس^۷ و هاروارد
• فکر کردن و ساختن بر اساس احساسات انسانی ساکنین فضا (احساسات مشترک). • زندگی و تجربهٔ زیسته، تجربه‌های آغازین معمار ریشه در کودکی و خاطراتش دارد. • تأکید بر جنبه‌های احساسی و اندیشه‌های شاعرانه و معماری حواس (سبک اتمسفر). • اتمسفر حسی - احساسی و معماری سکوت به معنای تسخیر وجود تام انسان.	
بن‌مایه معماری برپایه احساس و شهود است. دانشجویان باید بیاموزند تجربهٔ زیستهٔ خود را مبنای طراحی قرار دهند (زومتور، ۱۳۹۴).	دانشگاه لووان^۹ بلژیک
پدیدارشناسی به‌عنوان یک نگرش فکری نه یک حرکت فلسفی آموزش داده می‌شود. شناخت پارامترهای پدیدارشناسی در چارچوب‌های تمرین، گفتمان معلمان معماری و دانشجویان در دوره‌های استودیو روش پنتاکون (۵ ضلعی) (پمبو، برویس و دی اسمت^{۱۰}، ۲۰۱۵). مرحله اول: «بیداری»، ارائه دانشجویان در ارتقاء تکنیک و مهارت ذهنیت زبانی مطرح می‌شود. مرحله دوم: تدوین سؤالات شخصی، سؤالات براساس تجربیات فردی شکل می‌گیرد. مرحله سوم: آگاهی نسبت به پدیدارها و شناخت پارامترها. مرحله چهارم: تفسیر رابطه‌ها و مضامین به بحث گذاشته می‌شود؛ تکنیک برقراری روابط. مرحله پنجم: جمع‌بندی و ارائهٔ نهایی.	

1. University of Helsinki
2. Greenlee, Hinders
3. Steven Holl
4. Columbia University
5. parallax
6. Yorgancioglu
7. The Università della Svizzera italiana (USI, literally University of Italian Switzerland)
8. Peter zumthor
9. University of Leuven
10. Pombo, Bervoets & De Smet

۴. روش پژوهش

این مقاله با توجه به اهداف تحقیق و تکیه بر خلاقیت، تجارب ذهنی و دانش پیشین به بازشناخت آموزه‌های اندیشه و خیال می‌پردازد. نگارندگان با رویکرد کیفی و مطالعات اسنادی برای کسب چگونگی انسان‌شدن و شناخت راه‌های ارتباطی مؤثر میان پدیده‌ها به‌منظور شکل‌گیری اندیشه‌های مؤثر در راه معمارشدن به خوانش آثار هستی‌شناسان و پدیدارشناسان پرداخته‌اند.

پژوهش در چند مرحله، که اغلب نیز هم‌پوشانی دارند، صورت گرفته است: ۱) خوانش اسناد و مدارک مکتوب نظریه‌های مختلف ادراک جهان هستی و جنبش‌های فکری پدیدارشناسی به‌منظور شناخت روابط انسان با دیگر پدیده‌ها؛ ۲) شناسایی جایگاه پدیدارشناسی در آموزش و یادگیری معماری و ارزیابی روابط چندوجهی میان‌رشته‌ای در مدارس و دانشگاه‌های معماری جهان جهت کسب تجربه‌های زیست شده انسانی و گریز از محورگرایی در آموزش؛ ۳) برقراری روابط چندوجهی از طریق شناخت منابع و ریشه‌های غنی درون‌مرزی در حوزه انسان (ادبیات و شعر به‌منظور شکل‌گیری اندیشه‌های انسانی؛ ۴) شناخت ابزار محلی (اندیشه شعر حافظ) جهت ارتقای جهان‌بینی و نگاه جهان‌شمول انسان معمار؛ ۵) نتیجه‌گیری.

۵. فرایند انسان معمار شدن

حل مشکلات مطرح‌شده در معماری معاصر مستلزم ایجاد تحول در ساختار آموزشی به‌معنای تغییر ساختار یادگیری فرد معمار از آموزش «آکادمیک» صرف به فراگیری «آموزه‌های خودیافته» است. به‌منظور تحقق این امر به‌نظر می‌رسد توسعه نگاه جهان‌شمول در معماری و فراگیری تکنیک برقراری پیوند میان‌رشته‌ای (رابطه) در حوزه‌های مرتبط با ادبیات و انسان در فرایند «انسان معمار شدن» ضروری است که در دو وجه مورد مطالعه قرار می‌گیرد: ۱) خواندن منابع و ریشه‌های موجود درون هر سرزمین؛ و ۲) آموختن چگونه اندیشیدن از طریق نگاه جهان‌شمول. شایان ذکر است که در فرایند این مطالعه افزایش دانش فردی هدف والای پژوهش نیست، بلکه چگونگی آگاه‌شدن «انسان معمار» مدنظر



است که این هدف با توسعه جهان بینی در فرایند آموختن به کمک دیگر رشته ها حاصل می شود. نمودار شماره (۲) فرایند انسان معمار شدن را با هدف دریافت «آموزه های خودیافته» از طریق پیوند مؤثر با دیگر رشته ها نشان می دهد.



نمودار ۲. فرایند انسان معمار شدن با هدف شناخت آموزه های خودیافته

۵-۱. خواندن منابع و ریشه های موجود درون هر سرزمین

به طور حتم شناخت تجربه های زیست شده انسان در مقوله آموزش و یادگیری نیازمند مطالعه پدیده های موجود درون هر سرزمین است که انسان محلی آن را در زندگی خویش تجربه کرده است. فلچر^۱ معمار و نویسنده انگلیسی توجه به پدیده های درون مرزی هر سرزمین را مطرح کرده و معماری را به مثابه درختی تشریح می کند که دارای ریشه های محلی شامل تاریخ، اجتماع و سیاست، دین و فرهنگ، آب و هوا، زمین و جغرافیا است (فلچر، ۱۹۰۵، ۴).

این پدیده های معماری در سرزمین های مختلف متناسب با ریشه های محلی ظهور پیدا می کند. بنابراین، در این جستار به سراغ پدیده های درون مرزی و محلی رفته تا با خوانش مناسب ریشه های درون ایران زمین مؤلفه های مؤثر بر تجربه زیسته انسان از طریق مفاهیم

1. Fletcher





درون‌مرزی استخراج شود. به‌یقین ادبیات پارسی به‌عنوان فرآوردهٔ اصیل و مکتوب ایرانی یکی از این ریشه‌های غنی این سرزمین محسوب می‌شود چرا که سرشار از احساسات و مفاهیم غنی انسانی است. پیوند دیرینه و ارتباط درونی ایرانیان با شاعرانشان سندی است بر این موضوع، چنان به اعماق سرشت‌شان رسوخ کرده است که در گوشه‌گوشهٔ زندگی هر ایرانی و زوایای روحی ایرانیان حضورشان یافت می‌شود. این ارتباط عمیق معنوی، باعث شده «شعر» و «قریحهٔ شاعرانگی» در زندگی پارسیان حضوری مداوم داشته باشد^۱ (شایگان، ۱۳۹۳، ۱).

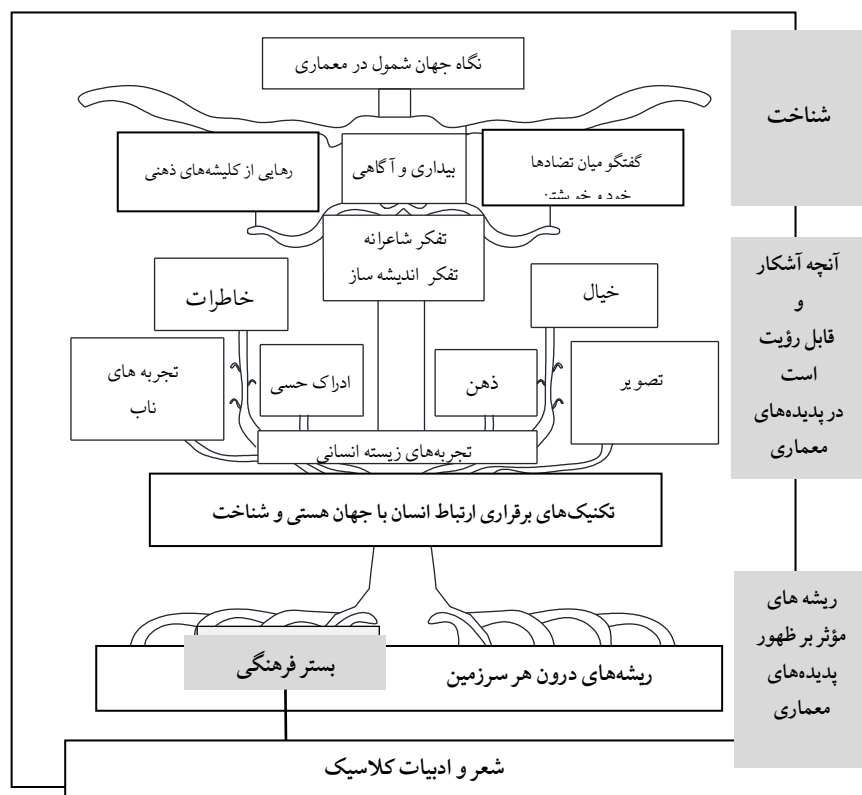
نقش ادبیات در این خوانش این نیست که مطلبی یا اطلاعاتی را به انسان روایت کند بلکه به‌گونه‌ای تخیلی به انسان اجازه می‌دهد در تجربه‌ای خیالی شرکت کند و با گسترش و بسط آن از طریق وسعت دید به تجارب زیست‌شدهٔ انسان بیفزاید (براتی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۱۴). شعر کلاسیک تجربه‌ای ناب است برای انتقال اوج این احساسات زنده و خیال‌انگیز (آشوری، ۱۳۷۷، ۴) که به درازای تاریخ حیات انسان قدمت دارد (براتی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۱۳).

در تعریفی دیگر از شفيعی کدکنی: «شعر، گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد». خیال یکی از عناصر اصلی شعر است که بارها در تعاریف و کتب ادبی بر آن تأکید شده است (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۴۱).

در این نگاه شاعرانه همهٔ تصاویر خیال شعر در دل و ذهن اتفاق می‌افتد. از این‌رو، با اندیشه به‌معنای تفکر منطقی محض سروکار نداریم. شاعر با نگاهی نو میان ارتباط «طبیعت با انسان» یا «طبیعت با طبیعت» پیوندی برقرار می‌کند و به این واسطه انسان را به جهانی دیگر، که تازگی دارد، می‌کشاند. نحوهٔ برقرار کردن این پیوند تازگی دارد و پرداختهٔ «تخیل» اوست. این تصرف ذهنی شاعر، در مفهوم طبیعت و انسان، کوششی ذهنی است که «خیال» یا «تصویر» نام دارد. خیال، تصرف ذهن شاعر در مفاهیم ساده و عادی است که در دسترس همگان قرار دارد. هر گوشه‌ای از زندگی انسان و تجربهٔ او با گوشه‌ای از طبیعت هزاران هزار پیوند و ارتباط دارد که از میان پیوندهای گوناگون، ذهن شاعر یکی را احساس و ادراک می‌کند و در برابر آن بیدار می‌شود، حاصل این بیداری اولیه، تجربه شاعر است که در شعر زاده می‌شود. آنچه در شعر زاده می‌شود

۱. همسر نیکوس کازانتزاکیس نویسنده معروف یونانی، در سفری که به شیراز داشت با تأثر پس از بازدید مقبره سعدی و حافظ به این مضمون اذعان داشته است.

نمایش ارتباط صور خیال انگیز گوناگون «انسان و طبیعت»، «طبیعت و انسان»، «انسان و انسان» و «طبیعت و طبیعت» است. شاعر می‌کوشد با شبیه‌سازی پدیده‌ها، تصویری تازه با زبان خود بازگو کند که از نسخه اصلی دنیای واقعی، خیالی و دلنشین‌تر است. در این فرایند آنچه خواننده در ارتباط با صور گوناگون خیال انگیز «صور خیال» ادراک و احساس می‌کند، حاوی کشف جدید و جهانی دیگرست که در ذهن او متولد می‌شود و حاصل آن تجربه ثانوی یا بیداری ثانویه دیگری است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ۲ و ۳). در نمودار شماره (۳) ظهور پدیده‌های انسانی معماری (نگاه جهان شمول)، به واسطه ریشه‌های درون هر سرزمین که ادبیات فارسی و شعر کلاسیک از غنی‌ترین آن‌هاست به صورت تطبیق با نظریه فلچر: «ظهور پدیده‌های معماری به مثابه درخت» نشان داده شده است.



نمودار ۳. درخت پدیده‌نگاه جهان شمول معماری و ریشه‌های درون مرزی ایران زمین

(برگرفته از درخت معماری فلچر، ۱۹۰۵)



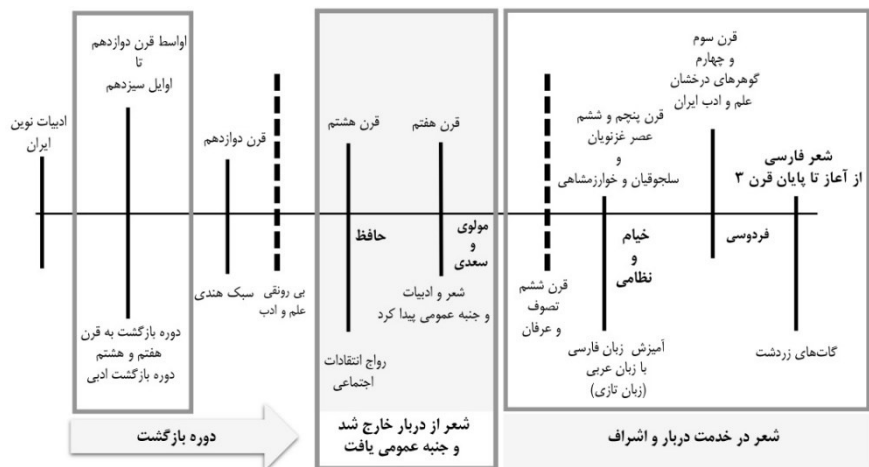
مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۱۸

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

۵-۱-۱. مروری بر درازای حیات شعر

در طول تاریخ، اشعار زیادی در قالب شعر کهن و نو سروده شده اما همه آنها در اذهان به ابدیت نرسیده است. شاید بتوان خصلت شعر کهن را در ارزش والای عنصر خیال و تصویرسازی آن دانست. به لحاظ اعتبار و غنای شعر کهن پارسی شاعران بزرگی چون حافظ، سعدی، مولانا، فردوسی، نظامی، خیام، و... توانسته اند شعرهای ماندگار و مؤثری خلق کنند که در زندگی نسل های مختلف و حیاتشان تأثیر گذاشته است. رابطه انسان با طبیعت در شعر نمود کشف تازه ای است که نه تنها به مسائل ادبی، بلکه به مسائل ابدی نیز اعتنا دارد. بنابراین، خوانش این تجربه ها که شاعران از زندگی در این بیداری انتقال می دهند در چگونگی «انسان شدن» بسیار اثرگذار است. به طور حتم، گستردگی مبحث تاریخ ادبیات ایران، چه به لحاظ محتوایی و چه شکلی، در مجال این مقاله نمی گنجد. از این رو، نمودار شماره (۴) به اختصار روند تاریخی شعر کهن پارسی در گذر زمان را نشان می دهد.



نمودار ۴. روند تاریخی شعر کهن پارسی

۵-۱-۲. منظومه شعر کهن ایران از منظر ارتباط میان پدیده در جهان هستی

در میان خوانش اشعار کلاسیک پنج شاعر فردوسی، خیام، مولانا، سعدی و حافظ در کنار یکدیگر منظومه ای را به وجود می آورند که صرفاً متعلق به روزگاران گذشته نیست بلکه





تصاویری که آنان در اشعار خود جهت برقراری روابط میان پدیده‌ها خلق کرده‌اند به‌صورت دائمی و همیشگی در روند زندگی مردمان دیروز و امروز وجود دارد. شاعران به‌واسطه پاسخ‌هایی که همواره برای پرسش‌های آدمیان درخصوص چگونگی شناخت جهان هستی و چیستی منابع آن دارند، قابل تأمل و توجه است. جدول شماره (۴) یافته‌هایی که با مرور دیدگاه‌های فلاسفه و نظریه‌پردازان درخصوص محوریت و مرکزگرایی در روابط انسان با جهان هستی به‌دست آمده است را معادل مظاهر کلیدی پنج شاعر کلاسیک قرار می‌دهد.

جدول ۴. تأملی بر مبنای شناخت جهان هستی در شعر شاعران منظومه کهن ایران

شاعر	مظاهر به‌کار رفته از دیدگاه داریوش شایگان	تحلیل از نگاه نویسندگان (تفکر مرکزگرایی و تفکر مرکزگرایی)
فردوسی	انسان کامل	مرکزگرایی در صحنه‌های نمایش (صحنه‌های ترازدی)
خیام	مظهر تعارض رستاخیز (تداوم بیداری در گسل‌های ناپیوسته)	نهی‌لیسم و مرکزگرایی «عقل» در جهان هستی ادراک جهان از طریق (اثبات)
مولانا	نماد تکامل	مرکزگرایی عرفان و خدا
سعدی	پایندیا (تعلیم و تربیت)	مرکزگرایی پند و اندرز و اخلاق
حافظ	ازل و ابد	مرکزگرایی

۵-۱-۳. حافظ و ارتباط میان پدیده در جهان هستی

براساس تحلیل صورت‌گرفته در میان شخصیت‌های ملنگار شعر کهن در جدول شماره (۴)، حافظ به‌دلیل جهان‌بینی مرکزگریش در قیاس با نگاه مرکزگرای دیگر شاعران کلاسیک توانسته پیوند میان پدیده‌های مختلف و انسان (شخصی-درونی) برقرار کند؛ از همین‌رو، او را لسان‌الغیب، به‌معنای مفسر رازها، می‌دانند. «شعر» عرصه بی‌انتهای اندیشه اوست. در اشعار حافظ تعادل خردمندانه میان صورت و معنا در جریانی تجزیه‌ناپذیر شکل می‌گیرد (شایگان، ۱۳۹۳، ۱۴). برقراری رابطه شخصی در گستره‌ای از عواطف و افکار گوناگون یکی از ویژگی‌های بارز شعر حافظ است. این بدان معناست که اهمیتی ندارد مخاطب او عارف، عامی یا رند است، چرا که هر کسی در هر مقام و سطحی بخشی از

۱. paideia کلمه‌ای یونانی است به معنی پرورش کودک یا تربیت که خلیقات انسان را آگاهانه چنان شکل می‌دهد که منطبق بر یک صورت آرمانی شود.

وجود خود یا خاطرات خویش را در آن می‌یابد (شایگان، ۱۳۸۸، ۵۵-۵۶) و هرکسی با زیستن و تجربه شخصی در فضای شعر او تجربه‌های متفاوتی را دریافت می‌کند.

برداشت‌های «خودیافته شخصی» یکی از ویژگی‌های بارز شعر حافظ است. جهان‌بینی او با بصیرت و نبوغی خاص، مخاطبین را با برداشت‌های ذهنی گوناگون مواجه می‌سازد. او در نهایت هرگز مخاطب خود را به نقطه پایان شعر یا به تمامیت و نهایت ختم نمی‌کند و در میان تضادها و لایه‌های تودرتوی شعر خود او را آزاد در درون خویشتن رها می‌سازد. از این رو، خوانش و شناخت روابط میان پدیده‌های شعر او حاوی آموزه‌های زیست شده است که در روند خود یافتگی و انسان شدن مؤثر است.

۵-۲. آموزه‌های زیست شده حافظ

حافظ در دوره‌ای سرشار از تک‌صدایی و خفقان مطلق می‌زیست؛ زمانه‌ای مکالمه‌ستیز و نآزاد که از تجربه زیسته او می‌توان پی برد. شاید بتوان چندصدایی و گفتمان دیالکتیک او انتقادی یا مقابله‌ای با این «دوران تاریک» اجتماعی دانست. او رندی (به تعبیر حافظ انسان کامل) باهوش و زیرک بود که برای مقابله با این «خفقان» و «آزاد ستیزی» به کلام نمادین و گاهی «طنز» متوسل شد تا بدین روش آزادانه به مکالمه و گفت‌وگو بپردازد. زمانه حافظ هم‌دوره با دوران کلیسا و آغاز عصر روشنگری «مرکزگرایی عقل» بود. در زمانه‌ای که فلاسفه «مغرب‌زمین» در تلاش برای حل مسائل انسانی، گاهی خدا و گاهی خود را محور قرار می‌دادند حافظ در این سوی زمین «مشرق» در تلاش برای مقابله با «مرکزگرایی» می‌زیست و با جهان‌بینی ساختارشکن خود و اندیشه «مرکزگیز» کلام خود را در «شعر» پدید آورد. نکته قابل تأمل آن است که در آموزش‌های آکادمیک معماری در کنار خوانش و آموختن از فلاسفه غرب و دیدگاه‌هایشان جایگاهی برای خوانش اندیشمندان شرقی و آموزه‌هایشان همچون «حافظ» دیده نشده است.

هدف از خوانش آموزه‌های شعر حافظ، تفسیر معانی واژگان به کار رفته در ساختار شعر نیست بلکه روابط پدیده‌ها و اندیشه میان روابط است، چرا که واژگان مستقل نیستند و شعر او به عنوان یک جهان واحد قابل تفکیک به اجزا (سوژه و ابژه) نیست.





از پدیده‌های قابل تأمل شعر او «چندصدایی»^۱ یا «چندآوایی» است (غلامحسین زاده، ۱۳۸۶، ۹۷-۹۹) که باعث می‌شود هر کسی برحسب احساس و تجربه‌های زیست‌شده‌اش با آن ارتباط برقرار کند و از آن نیز چیزی دریافت کند. این نوع برداشت‌ها بسیار منحصر به فرد و شخصی است و به «خودآگاه» یا «ناخودآگاه» هر انسانی برمی‌گردد. «خودیاftگی» انسان در این ارتباط براساس شرایط شخصی، موقعیت فردی، تجربه‌های زیست‌شده، خاطرات و دیگر عوامل درونی در خیال او ظهور می‌کند و تصاویر خیال‌انگیزی را نقش می‌زند. چند صدایی شعر حافظ به معنای تنوع «صور خیال» در دو محور خیال عمودی (صورت و فرم) و افقی (احساس) به صورت موازی به اعتدال می‌رسد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵، ۱۸۶-۱۶۹).

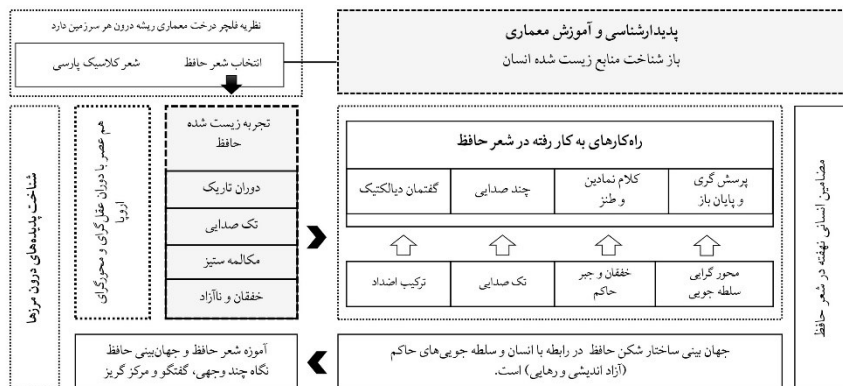
انسان با پرسشی در رابطه با شناخت «جهان هستی» در راه خوانش شعر قرار می‌گیرد و با برقراری ارتباط با پدیده‌های آن و ایجاد تماس‌های مداوم میان پدیده‌ها به کنکاش درون «خود، خویش، دیگران، شعر» می‌پردازد. انسان میان پدیده‌ها با مجموعه‌ای از تناقضات پی‌درپی مواجهه است؛ پدیده‌های ناسازگاری که با اعجاز به صورت سازگار کنار هم مکمل یکدیگرند. تضادهای به کار رفته در شعر حافظ گاهی با نگاه و زبانی طنزآلود به کار رفته است؛ به گونه‌ای که واژگان متضاد نه تنها مقابل هم بلکه به صورت متعارف و تکاملی کنار هم قرار گرفته‌اند. حافظ با این ترفند بسیاری از ارزش‌های ساختگی یا تصنعی به کار رفته در جامعه را با تغییر و دگرگونی مورد ساختارشکنی قرار داده است. به عبارتی، بت‌های ذهنی ساختگی را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. بنابراین، دیگر پدیده شعر او را می‌توان «ساختارشکنی» دانست. او با «انقلاب‌های ذهنی» در این راه اندیشه انسان را به رهایی و آزادی می‌رساند، به گونه‌ای که انسان را با پرسشی در مسیر قرار می‌دهد و با انقلاب‌های مداوم تحت تأثیر پدیده‌های (چندصدایی شعر، دیالکتیک [سازگاری تضادها]، گفتمان سمبلیک، طنز، اندیشه ساختارشکن و مسیر بی‌پایان) به بیداری ثانویه می‌رساند. این نقطه پایان راه به معنای آگاهی نیست بلکه آغازی است بر بی‌آگاهی و پرسشی دیگر برای خوانش دیگر پدیده‌ها، یافته‌های این بخش در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

۱. میخائیل باختین (Mikhail Mikhailovich Bakhtin) یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان ادبیات قرن بیستم است که نظریه چندصدایی یا چندآوایی (ارتباط گفت‌وگویی) در خصوص ادبیات روسی خصوصاً آثار داستایوفسکی مطرح کرده است (باختین، ۱۳۹۸).

جدول ۵. یافته‌های به‌دست آمده از نگاه جهان‌شمول حافظ و آموزه‌های زیست‌شده‌اش

ویژگی‌های محیطی عصر حافظ	جهان‌بینی حافظ	آموزه‌های زیست‌شده حافظ
خفقان (تک‌صدایی)	چندصدایی (چند آوایی)	گفت‌وگو میان تضادها (دیالکتیک)
	صور خیال	خیال افقی (احساس) - خیال عمودی (فرم)
آزاد ستیزی دوران تاریکی	کلام نمادین (طنز)	ساختار شکنی
		گفت‌وگو میان تضادها
عقل‌گرایی (محورگرایی)	مرکزگرایی (برداشت‌های آزاد فردی)	پرسشگری
جدایی سوژه و ابژه	تداوم میان خود، خویش، دیگران، شعر	ارتباط بی‌پایان برقراری تماس‌های مداوم با محیط

طبق یافته‌های ارائه‌شده و جهان‌بینی حافظ در برابر شرایط موجود می‌توان رابطه‌ای متضاد میان شعر او و شرایط حاکم زمانه مشاهده کرد. شعر حافظ در ایران‌زمین یکی از منابع ارزشمندی است که به مفاهیم ذهنی و احساسی انسان در شرایطی که سلطه‌جویی و تک‌صدایی محیط به اوج رسیده بود به‌خوبی پرداخته است، به‌گونه‌ای که حافظ به عنوان انسانی آزاده و ساختارشکن با به‌کارگیری گفتمان و ترکیب اضداد به‌درستی توانسته است ارتباطی ذهنی، خیالی و احساسی مؤثری میان انسان و احساسات آزادش ایجاد نماید و او را به خیال‌پردازی برساند. نمودار شماره (۵) با برقراری ارتباط میان مطالب نظری و یافته‌ها به تجزیه و تحلیل جایگاه جهان‌بینی حافظ میان مطالب مذکور پرداخته است.



نمودار ۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲۳

خوانش آموزه‌های
اندیشه‌ساز و تجربه‌های ...

۶. بحث و نتیجه گیری

ساختار یادگیری و آموختن معماری نیازمند بازاندیشی در حوزه انسان و تجربه‌های ناب و شفاف است. پدیده‌های برخاسته از آموزش فرد به فرد یا خولندن نظریه‌ها و دیدگاه‌های فلاسفه گوناگون یا دیدن و الگوبرداری تصاویر نتوانسته پاسخگوی لازم «معمارشدن» باشد. چرا که این ساختار با اشباع کردن ذهن فراگیرنده میان انبوه اطلاعات فرصت تجربه کردن و زیستن از فرد را گرفته و نتیجه آن نیز انباشتگی پدیده‌های تصویری موجود شده است.

برای آموختن «معمارشدن»، «چگونه انسان بودن» به منزله «چگونه اندیشیدن» را باید آموخت؛ چرا که معماری فراتر از صورت و تصاویر متنوع است. شهرهای ما مملو از توده‌های بی احساس و فاقد روح زندگی زیستنده شده است. در میان این انباشتگی‌ها فرصت تجربه‌های ناب و شفاف نیز از انسان گرفته شده است. شعر و ادبیات سرشار از «تجربه‌های زنده انسانی» است از این رو خواندن آنها ضروری است. «شعر حافظ» یکی از این منابع زیست شده است که در دو مرحله تجربه‌هایی را در اختیار انسان قرار می‌دهد.

مرحله اول تجربه‌های زیست شده شخص حافظ است که چگونه با بیداری در خفقان و تک‌صدایی زمانه خود «پدیده شعر» خود را برای گفت‌وگو در آن فضای «مکالمه‌ستیز» خلق می‌کند. مرحله دوم تجربه زیستن هر فردی است که در خوانش شعر میان خود و پدیده‌های شعر رابطه‌ای درونی پیدا می‌کند.

حافظ با نگاه جهان‌شمول و مرکزگرای در شعرش تمامی محورهای مطرح در نظریه‌های مختلف همچون تفکر انتقادی کلنت، احساسات مطرح شده تجربه‌گرایان، تجربه‌های زیست شده پدیدارشناسانی چون مرلوپونتی و سارتر، دیالکتیک و گفتمان میان تضادهای اگزیستانسیالیست‌ها، کلام نمادین باختین، آزادی و رهایی اندیشه، پرسشگری مرلوپونتی و هایدگر، چندصدایی و صور خیال به معنای اوج خیال و احساس باختین و باشلار، به صورت یکپارچه و یکباره در وجوه مختلف شعرش پدید آورده است.

انسان با خوانش وجوه مختلف پدیده شعر حافظ، ذهن را ابتدا از هجوم تمامی اطلاعات بصری محیطی خالی می‌کند سپس در دنیای ناب و سرشار از احساسات، خود را



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۲۴

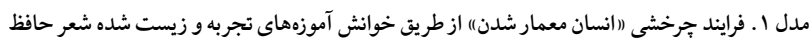
دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱

می‌یابد. شعر حافظ در دو محور خیال افقی و عمودی انسان را به چالش درونی می‌کشد یعنی اوج «صور خیال» یا همان «چندصدایی» که در متن شعر برای برانگیختن تمامی حواس درونی و بیرونی انسان اثر بخش است؛ تجربه‌ای نو و تازه میان تناقضات موجود در شعر، که گاهی با زبان طنز و گاهی به انتقاد به اغراق رسیده است. از این رو تمام ساختار ذهن فرد خواننده به یک‌باره فرو می‌ریزد و این فرو ریزی همراه با درد و رنج است؛ همچون مفهوم «عشق» حاضر در فضای شعر حافظ. انقلاب‌های مداوم و پی‌درپی میان انسان و پدیده‌های موجود در شعر به منزله توافقی درونی است میان خود (آنچه که محیط او را ساخته)، خویشتن (آنچه درون هر فردی به صورت ناب و شفاف وجود دارد) و دیگران (کلیشه‌هایی که با فروپاشی پالایش می‌شود). حاصل آن «خودیافتگی بی‌پایان» و «بیداری» است یا همان راه «انسان معمار شدن». نتیجه این جستار در قالب مدل شماره (۱) با هدف پالایشگری ذهن اشباع از هجوم بی‌پایان اطلاعات توسط محیط، دیگران و جایگاه اثربخش آموزه‌های شعر حافظ در مسیر «خودیافتگی فردی» و «تجربه‌های زیست‌شده» به منظور «انسان معمار شدن» را به صورت چرخشی مداوم و بی‌پایان نه به گونه‌ای خطی یا سلسله‌وار ترسیم شده است.





منابع

- ابراهیمی اصل، حسن؛ پناهی، سیامک؛ و فروتن، منوچهر (۱۳۹۶). شناخت مؤلفه پارالاکس و ریشه‌یابی آن در فلسفه طراحی استیون هال: نمونه موردی: موزه هلسنیکی، اکتشافات درون و تسراکت زمان. باغ نظر، ۱۴(۵۰)، ۷۴-۶۵.
- اسفندیاری، سیمین (۱۳۸۹). «کوگیتو»ی دکارت و جهات تاریخی آن در اندیشه آگوستین و «انسان معلق» ابن‌سینا. تاریخ فلسفه، ۱(۱)، ۳۵-۶۲.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷). شعر و اندیشه. تهران: نشر مرکز.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ و نوری سعید، علی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع‌نگر، ۲۲(۶۸)، ۶۳-۵۶.
- آهی محمد؛ و طاهری، محمد (۱۳۹۸). نقد و تحلیل نظریه ساخت‌شکنی دریدا در فهم متون. نقد و نظر، ۱۲۷-۱۴۹. doi: 10.22081/jpt.2019.67095
- باختین، میخائیل (۱۳۹۸). بوطیقای داستایفسکی: زیباشناسی آثار داستایفسکی (مترجم: عیسی سلیمانی). تهران: نوای مکتوب. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۴)
- باشلار، گاستون (۱۳۹۲). بوطیقای فضا (مترجمان: مریم کمالی، محمد شیربچه). تهران: روشنگران و مطالعات زنان. (تاریخ اصل اثر ۱۹۹۴)
- براتی، مرتضی؛ و امامی، نصرالله (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی شعر و مصداق‌های آن. پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، ۳(۱)، ۱۰۳-۱۲۲. doi: 10.22059/JLCR.2014.52692
- بلک‌مور، سوزان (۱۳۹۹). زن و هنر آگاهی (مترجم: میثم کنعانی). تهران: نشر مثلث. (تاریخ اصل اثر ۲۰۱۱)
- پالاسما، یوهانی (۱۳۹۵). خیال مجسم: تخیل و خیال‌پردازی در معماری (مترجم: علی اکبری). تهران: پرهام نقش. (تاریخ اصل اثر ۲۰۱۱)
- پرتوی، پروین (۱۳۹۴). پدیدارشناسی مکان. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- حقیر، سعید؛ و کامل‌نیا، حامد (۱۳۹۴). نظریه مدرنیته در معماری (ویراستار: فرشاد رضوان). تهران: دانشگاه تهران.
- راجرز، کارل رانسوم (۱۳۹۷). هنر انسان شدن: روان‌درمانی از دیدگاه یک درمانگر (مترجم: مهین میلانی). تهران: نشر نو. (تاریخ اصل اثر ۱۹۹۵)
- روحانی‌راوری، مرتضی؛ و طالب‌زاده، حمید (۱۳۹۰). انسان‌شناسی در اندیشه کانت. متافیزیک، ۳(۱۱)، ۷۳-۸۸.





زومتور، پیتز (۱۳۹۴). رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه‌ی پیتز زومتور (مترجم: مرتضی نیک‌فطرت، صدیقه میرگذار لنگرودی). تهران: علم معمار.

شایگان، داریوش (۱۳۸۸). ساحت بینش حافظ: نقد ادبی (مترجم: محمدمنصور هاشمی). بخارا، ۷۲ و ۷۳، ۵۵-۷۲. شایگان، داریوش (۱۳۹۳). پنج اقلیم حضور (فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ): بحثی درباره شاعرانگی ایرانیان. تهران: فرهنگ معاصر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی: تحقیق انتقادی در تطور ایمازهای شعر فارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران. تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن. صافیان اصفهانی، محمدجواد (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای مفهوم پدیدار نزد کانت و هایدگر، دلالت‌ها و نتایج هر یک. پژوهش‌های فلسفی، ۱۳(۲۶). ۲۴۶-۲۳۳. doi: 10.22034/JPIUT.2019.8029

غلامحسین‌زاده، غریب‌رضا (۱۳۸۶). حافظ و منطق مکالمه «باجتینی» و اشعار حافظ شیرازی. پژوهش زبان‌های خارجی، ۳۹، ۱۱۰-۹۵.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۱). اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی. تهران: نشر فضا.

کشاورزی عیش‌آبادی، سعید (۱۳۸۸). نگاهی گذرا بر تاریخچه معنای فنومن و تقویم آن در فنومنولوژی هگل و هوسرل. دوفصلنامه فلسفه تحلیلی (جستارهای فلسفی-پژوهش‌های فلسفی)، ۵(۱۵)، ۹۷-۱۲۰.

هایدگر، مارتین (۱۳۸۱). شعر زبان و اندیشه رهایی هفت مقاله از مارتین هایدگر همراه با زندگینامه تصویری هایدگر (مترجم: عباس منوچهری). تهران: مولی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۷۱)

هیکس، استیون آر. سی. (۱۳۹۱). تبیین پست مدرنیسم: شک‌گرایی و سوسیالیسم از روسو تا فوکو (مترجم: حسن پورسفیر). تهران: ققنوس. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۴)

هیل، جان‌اتان (۱۳۹۶). مرلوپونتی برای معماران (مترجم: گلناز صالح کریمی). تهران: کتاب فکر نو. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۹)

هیوم، دیوید (۱۳۹۵). رساله‌ای درباره طبیعت آدمی: کتاب اول: در باب فهم (مترجم: جلال پیکانی). تهران: ققنوس. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۳)

Clarke, M. F. (2013). *Jean Labatut and Éducation à pied d'œuvre: The Princeton Architectural Laboratory*. The Princeton University Library Chronicle, 74(2), 178-209.

Fletcher, B. (1905). *A History of Architecture on the Comparative*. London: Batsfort.

Greenlee, C., & Hinders, K. (2011). *Juhani Pallasmaa: Plym distinguished professor in architecture 2010-2011*. Champaign, IL: School of Architecture, University of Illinois at Urbana-Champaign.



- Newman, L. (2019). Descartes' Epistemology. In *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrived from <https://plato.stanford.edu/archives/spr2019/entries/descartes-epistemology>
- O'Brien, M. (2004). Commentary on Heidegger's "The Question Concerning Technology", In A. Cashin and J. Jirsa (Eds). *Thinking Together: Proceedings of the IWM Junior Fellows' Conference, Winter 2003*. Vienna: IWM Junior Visiting Fellows' Conferences, Vol. 16.
- Otero-Pailos, J. (2005). *Phenomenology and the Rise of the Architect-Historian*. New York: Colubia University.
- Pombo, F., Bervoets, W., & De Smet, H. (2015). Phenomenology for Introductory Architectural Analysis Courses: The pentagon methodological approach. *Design and Technology Education: An International Journal*, 20(2), 58-69.
- Smith, D. W. (2018). Phenomenology. In *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrived from <https://plato.stanford.edu/archives/sum2018/entries/phenomenology>
- Watson, R. (2007). *Cogito, Ergo Sum: The Life of René Descartes*. Boston: David R. Godine.
- Willis, P. (2001). The "Things Themselves" in Phenomenology. *Indo-Pacific Journal of Phenomenology*, 1(1), 1-12. doi: 10.1080/20797222.2001.11433860
- Wood, A. W. (2003). Kant and the problem of human nature. In B. Jacobs, and P. Kain (eds.), *Essays on Kant's Anthropology* (pp. 38-59). Cambridge: Cambridge University Press.
- Yorgancioglu, D. (2004). *Steven Holl: A Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture* (A Thesis Submitted to the Graduate School of Natural and Applied Sciences). Middle east Technical University. Retrived from <https://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12605414/index.pdf>



پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه سیاسی ایران باستان

فاطمه ذوالفقاریان^{۱*}

دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

دیدگاه انسان تأثیر مستقیم بر محیط‌زیست دارد. در دوره مدرن انسان خود را جای خداوند قرار داد و طبیعت را به سلطه کشیده است. نتیجه سلطه بر طبیعت، تجاوز به حریم‌های آن و برهم‌زدن چرخه طبیعت بوده است. در عهد باستان انسان همیشه خود را در داخل هستی تعریف می‌کرد و اعتقاد داشت که نمی‌توان و نباید چرخه طبیعت را برهم ریخت. نحوه تعامل انسان با طبیعت و محیط‌زیست در دوره‌های گوناگون بسیار متغیر و گاه متناقض بوده است. وجود دیدگاه زیست‌محور و پذیرش این اصل که انسان جزئی از طبیعت است و حیات او به حیات محیط پیرامونش بستگی دارد، باعث بروز رفتارهای مبتنی بر احترام به طبیعت و محیط‌زیست شده است. ایرانیان باستان نیز به‌عنوان یکی از اولین تمدن‌های شکل گرفته در جهان همواره در مسائل انسانی و زیست‌محیطی پیشرو بوده‌اند. قوانین حاکم در دوران کهن مبتنی بر الگوهای اعتقادی بوده است و سیاست‌های حکمرانی آن دوران با تأسی از پندارهای حفاظت از عناصر محیطی آب‌وخاک، گیاه و حیوان شکل گرفته است. در این مقاله علاوه بر بررسی دیدگاه زیست‌محور در اسطوره‌های به‌جا مانده از ایران باستان و همچنین کاوش در منابع آئین زرتشت و کتاب اوستا، به چگونگی ارتباط سیاست‌های شاهان و حکمرانی با اندیشه‌های زیست‌محیطی پرداخته شده است. نتیجه نشان می‌دهد که ایرانیان باستان با نگرشی زیست‌محور و با استفاده از گزاره‌های مذهبی سعی بر تقدس عناصر چهارگانه و تأکید بر حفظ آن داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: نگرش زیست‌محیطی، ایران باستان، اندیشه سیاسی، سیاست شاهی

۱. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

✉ fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir

۱. مقدمه

با آغاز مدرنیته در قرن بیستم و گسترش شهرنشینی عقلانیت خاصی در این دوران شکل گرفت که متکی به بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع طبیعی موجود بود. اصولاً نظام‌های متکی به کنش عقلانی معطوف به مجموعه اهدافی است و برای حصول این اهداف به انواع وسایل و ادوات نیازمند است. بدین ترتیب انسان در عصر مدرن با اتکا به خرد خود به دنبال منفعت بیشتر از طریق تغییر و دستکاری نظام‌های طبیعی بوده است. بازخوردهای حاصل از این دستکاری به رشد جمعیت و در نتیجه نیاز بیشتر به بهره‌برداری از منابع طبیعی منجر شده است و این نوع بهره‌برداری به نوبه خود منجر به بروز برخی بحران‌های زیست‌محیطی از جمله تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی، تهی شدن منابع آب زیرزمینی، کاهش تنوع زیستی و آلودگی‌های آب و خاک و هوا و نهایتاً آلودگی زیست‌محیطی شده است. در حقیقت علم جدید با تقدس‌زدایی از طبیعت راه را برای استثمار و بهره‌کشی از آن باز کرده است (عابدی سروستانی، ۱۳۹۷، ۹). گرچه پیشرفت‌های حاصل از تفکر مدرن در توانمندسازی و کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی انسان نقش غیرقابل‌انکاری داشته است، اما این دستاوردها به هزینه‌های زیاد ناشی از نقصان منابع زیستی منجر شده و اگر با در دسترس قرار گرفتن فناوری‌های هوشمند، روال بهره‌برداری از منابع تشدید شود، تبعات آن می‌تواند غیرقابل جبران باشد.

دوران باستان و اسطوره‌ای کشور از زمان حکومت پیشدادیان سابقه‌ای چندین‌هزارساله دارد. اعتقاد بر این است که پس از دوران زمین‌شناسی یخبندان، اولین سکونت‌های انسانی در غرب کشور شکل گرفت و با سکنی‌گزینی، اهلی شدن گیاهان و حیوانات آغاز شد و در حدود ده‌هزارسال پیش ایرانیان کشاورزی را پایه‌گذاری کردند (هول، فلنری و نیلی^۱، ۱۹۶۵، ۱۰۵-۱۰۶). پیش از مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران اقوامی با تمدن‌های متفاوت در این مرزوبوم زندگی می‌کرده‌اند. سرزمین کنونی ایران بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این واحد طبیعی با تنوع اقلیمی و زیستی خود دارای ویژگی‌های بارزی است که حاصل وحدت اقوام مختلف است. بدون تردید تنوع اقوام مختلف یکی از عوامل مهم ثبات و پایداری تمدن این کشور در طی قرون متمادی بوده است.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۳۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



با نگاهی به سیر اندیشه‌های دیرین در گستره این مرزوبوم ملاحظه می‌شود که نیاکان ما با محیط پیرامونی خود در تعامل بسیار مثبت و تنگاتنگی بوده‌اند و عناصر زیست محیطی را در قالب اعتقادات ملی و معنوی مورد نظر داشته‌اند. بدون تردید، جمعیت متعادل و متناسب با منابع موجود آن زمان، عدم زیاده‌خواهی در مصرف سرانه معقول، و از همه مهم‌تر، اتکا به اندیشه‌های اعتقادی و اسطوره‌ای و نیز جامع‌نگری در رابطه با محیط‌زیست، همه در چنین تعاملی نقش داشته است. اصولاً قوانین حاکم در دوران کهن مبتنی بر الگوهای اعتقادی بوده است و سیاست‌های حکمرانی آن دوران با تأسی از پندارهای حفاظت از عناصر محیطی آب‌وخاک و گیاه و حیوان شکل گرفته است. این قبیل الگوها به شکل بارزی در اندیشه‌های زرتشت نمایان است و اشکال ابتدایی آن را می‌توان در آثار باقیمانده از تقدسی که هنوز در برخی مناطق ایران برای بعضی درختان همیشه سبز، مثل کنار و سرو، قائل‌اند مشاهده کرد.

از جنبه‌های مکانی و زمانی آنچه در این آب‌وخاک تحت عنوان پارس و ایران و در دوره‌های مختلف به‌عنوان اسطوره‌ای یا غیر آن حادث شده است، همگان متکی به اندیشه‌های محیطی بوده است و نقش محیط‌زیست در تکامل اندیشه سیاسی ایران باستان کاملاً بارز است. آنچه مسلم است محدوده سیاسی این مرزوبوم هیچ‌گاه با فراوانی آب همراه نبوده و خشکی و خشکسالی از دیرباز یکی از بارزترین ویژگی‌های ایران بوده است. در همین راستا، ابداع قنات توسط ایرانیان که سابقه چندین هزارساله دارد خود بهترین گواه این مدعا است (کوروس و لباف خانیکی^۱، ۲۰۰۱).

دعای داریوش، پادشاه هخامنشی مبنی بر اینکه «خدایا این کشور را از دشمن، خشکسالی و دروغ محفوظ بدار» نیز دلیل دیگری بر قلت آب به‌خصوص در فلات مرکزی ایران بوده است. تلاش بی‌امان مردم برای مبارزه با کم‌آبی و خشکی مجموعه‌ای از خلق‌وخوی و رفتارها را به ارمغان آورده است که نشانه بارز آن تحمل و بردباری و قناعت و ریاضت است. این ویژگی‌ها منجر به آموزه‌های سیاسی متناسب با چنین محیطی شده است.

در درازای تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین متأسفانه تهاجم اقوام مختلف آثار و منابع مکتوب قابل استفاده در قیاس با روم و یونان باستان به‌ویژه در دوران باستان ایران نگذاشته است که بتوان



به‌طور خاص به اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در حوزه اندیشه سیاسی متکی به محیط‌زیست پرداخت. معمولاً پژوهندگان تاریخ برای بازیابی چنین اندیشه‌هایی از رهیافت‌های زیر استفاده می‌کنند.

۱. اسطوره‌ها، آئین‌ها و متون دینی؛

۲. سنگ‌نبشته‌ها و لوح‌های گلین به زبان‌های بابلی، آشوری، آرامی و پارسی؛

۳. نوشته‌های مورخان یونانی، رومی؛

۴. آثار مادی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی؛

۵. کتاب‌های باقی‌مانده به زبان پهلوی؛

۶. نوشته‌های مورخان، جغرافی‌دانان و سرایندگان دوره اسلامی» (پولادی، ۱۳۹۷، ۱۴).

درعین حال، پژوهش‌هایی که درباره اندیشه سیاسی در ایران باستان صورت گرفته، بسیار نادرند. متفکرانی چون فتح‌الله مجتبابی (مجتبابی، ۱۳۷۳) در کتاب شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، سیدجواد طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۸۶) در کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران، فرهنگ رجائی (رجائی، ۱۳۷۲) در کتاب تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، مرتضی ثاقب‌فر (ثاقب‌فر، ۱۳۷۷) در کتاب شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، محمد رضایی‌راد (رضایی‌راد، ۱۳۸۹) در کتاب مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی و تقی رستم‌وندی (رستم‌وندی، ۱۳۸۸) در کتاب اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی به‌طور خاص بر این موضوع تکیه کرده‌اند. اما آثار فراوانی درباره تاریخ، اسطوره، مذهب، آئین‌ها و ادبیات ایران باستان وجود دارد که به‌ندرت به سیاست هم توجه کرده‌اند. از آنجاکه موضوع سیاست در ایران باستان در دل روایت‌های اسطوره‌ای، تاریخی و الهیاتی نهفته است و جزئی از کلیت دانش آن زمان شمرده می‌شود، متفکران امروزی نیز سیاست را در کلیت معرفت آن روزگار می‌نگرند (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۶، ۲۳).

هدف از این مقاله بررسی جایگاه محیط‌زیست در اندیشه سیاسی ایران باستان است تا بدین ترتیب انگاره‌های زیست‌محیطی پیشینیان در چارچوب سیاست‌های حکمرانی آن عصر و با تأسی از پندارهای موجود در آن زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. آنچه مسلم است و از نوشتارهای آن دوران برمی‌آید نگرش انسان‌های باستان به پدیده‌های زیست‌محیطی به شکلی جامع‌نگر و متکی بر اخلاقیات و اندیشه‌های اعتقادی و ملی بوده است. در آن روزگاران هر فرد خود را جزئی از محیط

پیرامونی، همراه با تمام عناصر فیزیکی و زیستی آن می‌دانسته است؛ به عبارتی دیگر، نوعی دیدگاه زیست‌محور حاکم بوده است که انسان تنها بخشی از آن را تشکیل می‌داده و حاصل فرد از محیط خود، در قیاس با کارکرد او برای محیط‌زیست سنجیده می‌شده است.

۲. پیشینه پژوهش

محیط‌زیست و مشکلات این حوزه در سال‌های اخیر دغدغه بسیاری از اندیشمندان در مقیاس جهانی بوده است. چالش‌های موجود در این زمینه که عمدتاً ناشی از دخالت انسان می‌باشد به اشکال مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و علل آن از ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بررسی شده است. آنچه مسلم است فشار بی‌رویه بر محیط‌زیست اغلب ناشی از عدم توازن بین ظرفیت زیستی و جمعیت انسان است و عدم پایداری انسان به اصول و موازین اخلاقی و عدم رعایت قانونمندی طبیعی از دیگر مواردی است که آسیب‌های جبران‌ناپذیری به فضای زیستی زمین وارد کرده است. بدون تردید گرچه قانون و اخلاق می‌توانند در همه موارد مکمل هم عمل کنند، اما به نظر می‌رسد اخلاق خودجوش بوده و هزاران سال حاکمیت خود را بر بهره‌برداری مطلوب و حفظ محیط‌زیست به اثبات رسانده است. تقویت مبانی اخلاق در گذشته‌های دور و تا امروز به طرق مختلف صورت گرفته است و در این رابطه همه ادیان نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. در این رهگذر، ادیان باستانی و ازجمله دین زرتشت برای حفظ محیط‌زیست هم از ابعاد فلسفی و هم از جنبه کاربردی رهیافت‌های مبتنی بر عبادت ارائه کرده است به نحوی که برای حفظ آب و خاک و سایر عناصر زیست‌محیطی پاداش اخروی در نظر گرفته است و بخشی از کردار، پندار و رفتار نیک به این امر مهم ارتباط داده شده است.

در زمینه محیط‌زیست باستانی ایران مطالعاتی عمدتاً در همین راستا توسط پژوهشگران صورت گرفته است. رضایی‌راد (۱۳۸۷) در کتاب خود با عنوان مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی اظهار داشته است که در اغلب حکومت‌های ایران باستان پاسداری و نگهداری از طبیعت، آب، خاک و گیاهان، حتی عناصر بی‌جان مانند فلزات، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته است. او با اشاره به اینکه در ایران باستان عقیده بر این بوده است که آب، خاک، آتش، زمین، آسمان، ماه و هر یک از عناصر طبیعت به وسیله ایزدی خاص سرپرستی می‌شود و هر ایزد تجلی نوری است که سامان بخشی و پرستاری





آفریده مربوط به خود را به عهده دارد. او نتیجه می‌گیرد که یکی از نشانه‌های مهم پیشرفت فرهنگ اجتماعی هر کشور، پاسداشت محیط‌زیست است و در نتیجه، رفتارهای فرهنگی آن زمان در رابطه با محیط‌زیست را یکی از عوامل مهم در سابقه درخشان تاریخی این مرزوبوم تلقی کرده است. تقی‌زاده (۱۳۸۲) در بحث جهان‌بینی و حفاظت از محیط‌زیست، محقق داماد (۱۳۹۷) در مبحث الهیات محیط‌زیست، ابراهیم‌نیا (۱۳۸۳) در مورد آئین زرتشت و نقش محیط‌زیست بر ارتباط معنوی بین اخلاق زیست‌محیطی و آئین‌های مذهبی، به‌خصوص آئین زرتشت، تأکید کرده‌اند.

ابراهیم‌نیا (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «اهمیت محیط زیست در ایران باستان» با رجوع به منابع زرتشت چون گات‌ها و سروده‌ها، این آئین را دینی می‌داند که برای عناصر طبیعی احترام خاصی قائل است و آلوده‌کردن این عناصر را گناه می‌داند. او ارتباط ادیان ایرانی پیش از زرتشت مانند آئین مهرپرستی (میترائیسم) را نیز با محیط‌زیست که در آن برای هر یک از عناصر طبیعت ایزدی جهت نگهبانی آن قائل بوده‌اند را مرتبط با عقاید مذهبی آنان می‌داند. مهران غیبی (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان «مبانی فلسفی حفاظت از محیط زیست در ایران باستان» در بررسی منابع دینی مرتبط با نگهداری از محیط‌زیست، به گات‌ها در دو بعد مادی (گیتی) و غیرمادی (مینوی) می‌نگرد. در همین راستا در گات‌ها بیان شده است که جهان - که همه ابعاد محیط‌زیست را در بردارد - به‌وسیله اهورامزدا، که یگانه هستی‌بخش بزرگ و داناست و استوار بر هنجاری به نام اشا است، آفریده شده است (مالاندرا^۱، ۱۹۸۳).

بدون تردید محیط‌زیست همه اجزای پیرامونی انسان، از جمله محیط کشت و زرع، را نیز در بردارد. فعالیت‌های کشاورزی در دوران باستان جزء جدایی‌ناپذیری از دین بوده است و در حقیقت بخش قابل توجهی از دستورات زرتشت به کشاورزی و تولیدات غذایی اختصاص دارد. جوانشیر (۱۳۷۸) در مقاله خود با عنوان «تاریخ علوم منابع طبیعی ایران»، اهمیت مرتع و چراگاه برای دام در آن دوران را ذکر کرده است. ابریشمی کاشت برخی گیاهان به روایت هردوت در شرق ایران و نیز ساختارهای زیربنایی برای تولیدات کشاورزی از جمله سدسازی و کانال‌کشی برای آبیاری محصولات مختلف و همچنین بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی با حفر قنات در ادوار مختلف تاریخ باستانی ایران را ذکر کرده است.

اما آنچه این نوشته را متمایز می‌کند، بررسی اندیشه‌های زیست‌محیطی از سه دیدگاه متفاوت است. نخست، از منظر اسطوره‌ها که به‌عنوان اولین دستگاه دانایی و کهن الگوهای جمعی از خرد ایرانی شناخته می‌شوند و مفاهیم اجتماعی و سیاسی بسیار عمیقی دارند؛ دوم، با نگاهی به آئین زرتشت به‌عنوان نخستین دین رسمی ایرانیان باستان که زرتشت را مروج آبادانی، صلح و مدنیت می‌دانند و اغلب مورخان از او به نیکی یاد کرده‌اند؛ و سوم، از دیدگاه سیاست‌ها و کنش‌مندی شاهان ایران باستان که چگونه سیاست‌هایی اتخاذ کرده‌اند که در راستای حفظ منابع زیستی و جلوگیری از آسیب به محیط زیست گام برداشته‌اند.

۳. چارچوب نظری

یکی از کیفی‌ترین و درعین‌حال عمیق‌ترین روش‌ها برای تحلیل اندیشه سیاسی در هر دوره‌ای، پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی روشی کیفی است که به دنبال کشف تبلور پدیدارها، سازه‌ها و هویت‌های فرهنگی است که در هر دوره‌ای شکل می‌گیرد. این روش توسط مارتین هایدگر و ادموند هوسرل پایه‌گذاری شد و پژوهش‌های آنان در نقد روش پوزیتیویسم و پارادایم‌های کشف حقیقت به زبان مکانیک، ریاضیات مدرن و فرمول‌های علوم طبیعی باعث شد پدیدارشناسی مورد اجماع محققان قرار گیرد.

حیطه کار روش پدیدارشناسی بررسی و نقد اندیشمندان و مکاتب دوره مدرن و پسامدرن به همراه نقد شدید بر تکنولوژی، صنعت، اطلاعات، علم و هر مسئله‌ای است که در دوره جدید به نام عقلانیت غرب در حال مطرح شدن است. روش پدیدارشناسی از آنجاکه بر نقد عقلانیت دنیای مدرن پافشاری می‌کند، گرایش‌های محیط‌زیست و صلح‌طلب، آن را رویکردی درونی و خودی به حساب می‌آورند.

پدیدارشناسی در ابتدا به لحاظ متنی در دهه سی و چهل قرن بیستم توسط ادموند هوسرل^۱ در فضای سرخوردگی از عقل غربی شکل گرفت. ادموند هوسرل به نقد سوژه محوری مدرنیته، که توسط دکارت^۲ آغاز شده بود، پرداخت و اظهار داشت: «شکاکیت دکارت برای عبور از سنت



1. Edmund Husserl

2. Rene Descartes



متصلب قرون وسطی نقطه بسیار خوبی بود اما در ادامه خطایی توهمی را شکل داد» (هوسرل، ۱۳۸۱، ۷۸). وی نشان داد که با تسلیم شدن عقلانیت به علم به همراه قصدیت ریاضی کردن جهان طبیعی و انسانی، بلایای جنگ، مریضی، خشونت و ناآرامی افزایش پیدا کرد. او در فضایی آکادمیک به نقد عقل مدرن و علمی پرداخت و تمام تلاشش این بود که با اپوخه و تعلیق کردن علم و تکنولوژی و باز کردن جای فلسفه، بحران در عقلانیت غرب را نشان دهد (رشیدیان، ۱۳۸۸، ۱۶۹).

بر طبق نظر هایدگر^۱، یکی دیگر از پدیدارشناسان معروف، انسان، موجود پرتاپ‌شده در هستی است و هر کنشی از سوی انسان به طبیعت و خود انسان، دارای عکس‌العمل‌هایی است که نباید نادیده گرفته شود. تمام درختان، اشیا و موجودات هستی دارای شعور هستند و زمین، آسمان و تمام هستی حق زیستن دارند و انسان باید دانشی تولید کند که با همدلی و عشق نگهبان و شبان هستی باشد (جمادی، ۱۳۸۵، ۶۴۷).

در روش پدیدارشناسی شکل‌های مختلف اندیشه بروز پیدا می‌کند و کار پدیدارشناس شناخت پس‌زمینه‌های هویتی، زبانی و سازه‌ای است که نشانه‌ها و نمادهای مختلف را به پس‌زمینه‌های فرهنگی ارتباط می‌دهند و بر این اعتقادند که رفتارهای انسان دارای معانی هستند که این معانی در طول تاریخ به صورت جهان‌زیست‌های بدیهی انگاشته‌شده در سنت به ارث رسیده است (اسلامی، ۱۳۸۵، ۶۴۷). همه متون در قصدیت‌هایی فرورفته‌اند که این قصدیت‌ها با توجه به رویه‌های جبری زبان و اجبارهای عرفی و فرهنگی قابل تفسیر است.

در نتیجه، روش پدیدارشناسی در تحلیل سیاسی، همدلی زیادی با موضوعاتی دارد که صیغه زیست‌محیطی دارند و در پی نقد غرب صنعتی و پسا صنعتی هستند. البته این روش نیز ظاهر تحقیق را به عهده خود پژوهشگر می‌گذارد اما به لحاظ معرفت‌شناسی و رویکرد نقادانه فرضیه‌های جالبی را به متفکران سیاسی نقاد غرب پیشنهاد می‌کند.

زندگی ایرانی نیز از دوران باستان تاکنون با محیط‌زیست پیوند خورده است و از زمان حکومت پیشدادیان تاکنون سابقه‌ای چندین هزارساله دارد. ایرانیان مردمی یکجانشین و تولیدگر بودند که اولین سکونت‌های آنان در غرب کشور شکل گرفت و با سکنی‌گزینی، اهلی شدن گیاهان و

حیوانات آغاز شد. در حدود ده هزار سال پیش ایرانیان کشاورزی را پایه‌گذاری کردند. سرزمین کنونی ایران بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این واحد طبیعی با تنوع اقلیمی و زیستی خود دارای ویژگی‌های بارزی است که احترام به محیط‌زیست بر اساس اساطیر و دین آنان از مهم‌ترین آن‌هاست.

روش پدیداری با رویکردی همدلانه نسبت به محیط‌زیست مناسب‌ترین گزینه برای بررسی پدیدار زیست‌محیطی در اندیشه ایران باستان است. زیرا محیط‌زیست هیچ‌گاه از تأثیر منفی دنیای صنعتی و مدرن در امان نبوده است و انسان مدرن با محوریت خود و عقل خودبنیادش در راستای استفاده هر چه بیشتر از محیط‌زیست گام برداشته است. این روش با بررسی تداومی اندیشه زیست‌محیطی ایرانیان باستان، نقش اساطیر، دین زرتشت و زیست ایرانیان در راستای احترام به محیط‌زیست می‌داند و کارکرد این اندیشه در سال‌های نخستین یکجانشینی ایرانیان را مهم و کلیدی ارزیابی می‌کند.

۴. پدیدار زیست‌محیطی در اساطیر ایران

اسطوره‌ها، اولین دستگاه دانایی و کهن‌الگوهای جمعی از خرد ایرانی را متبلور می‌سازند که مفاهیم اجتماعی و سیاسی بسیار عمیقی دارند. در اساطیر ایرانی است که روایتی از شیوه زیست جمعی و سیاسی ایرانیان به همراه هنجارها و سبک زندگی ایشان را از سپیده‌دم تاریخ ترسیم کرده است. در این اساطیر غایات حکومت نیز به‌وضوح مورد اشاره قرار گرفته است (بهار، ۱۳۷۵، ۳۵۰-۳۶۳). ارائه تعریف کاملی از اسطوره‌۷ که دربرگیرنده همه مفاهیم آن باشد، کار آسانی نیست. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره یعنی آنچه خیالی و غیرواقعی است و جنبه افسانه‌ای محض داشته باشد؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به‌صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته‌شده و با آئین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستگی دارد.

وجود اسطوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس از حوادث غیر مترقبه است. ویژگی عمده اساطیر ایران ثنویت است. این موضوع در تاریخ دوازده‌هزارساله اساطیری ایران به‌خوبی نمایان است (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۳). دوگانه‌های خیر و شر، به بیان جان هینلز، غایت زندگی جمعی و حکمرانی را مشخص می‌کند. این دوگانه‌ها





چندان پراکنده نبودند بلکه در متن خود شیوه‌های زیست ایرانیان را ثبت کرده‌اند (هینلز^۱، ۱۳۸۴، ۶۹-۶۷). دوگانه‌ها در ابتدا به صورت خدایان و دیوهای بودند که حیات مستقل داشتند. هانری کربن معتقد است که در تعارض این دوگانه و با اولویت یافتن کردار، گفتار و پندار نیک و خردمندانه تنها خدایان خیر باقی ماندند و دوازده مورد از آن‌ها چنان تداوم و ثباتی یافتند که تا امروز همچنان پابرجا و استوار مانده‌اند و هم‌اکنون به عنوان ماه‌های سال شمسی مورد شناخت همگان هستند. فهم غایت حکمرانی در ایران مستلزم رجوع به این دوازده نیرویی است که وجوه مختلف زندگی ایرانیان را نظم داده است (کربن^۲، ۱۳۹۱، ۱۸۸-۱۸۱).

در اسطوره‌های ایرانی، زمین و طبیعت جایگاه ویژه‌ای دارند. پدیده‌های انسانی و طبیعی وابسته به زمین، برای ایرانیان معنای خاص خود را داشت. زندگی جمعی واحدهای سیاسی منظم و تمدن‌های آباد موجب شده بود که ایرانیان برای عوامل طبیعی قدرت متافیزیکی قائل باشند. اسطوره‌های ایرانی در ابتدا مظاهر زندگی کشاورزی را ستایش می‌کردند. مثلاً آب‌وآتش برای ایرانیان تقدس داشت و برکت و فراوانی را به زندگی‌شان ارزانی می‌داشت. ایرانیان همانند همه اقوام و جماعت‌های بشری به خدایان و اسطوره‌های متعدد باور داشتند و هر پدیده را به خدای آن ربط می‌دادند. مثلاً خدای آب‌ها مسئول بارندگی و زایش طبیعت به شمار می‌رفت. در مقابل دیو خشکسالی مسئول بدبختی و آوارگی ایرانیان بود (ویدن گرن^۳، ۱۳۷۷، ۸۶). آتش، خورشید، آب، باد و هر آنچه در طبیعت به صورت نسبی برای ایرانیان رفاه و آسایش ایجاد می‌کرد، اسطوره و خدایی قابل ستایش محسوب می‌شد. به این ترتیب، ایرانیان با جهان آباد و سرخوش در دوران باستان رابطه بسیار نزدیک داشتند. اسطوره‌ها مجموعه‌ای از گزاره‌های خرافاتی و ناکارآمد نبودند بلکه جهان‌زیست فکری ایرانیان را شکل می‌دادند و به کنش‌های اجتماعی، ماهیت حکومت و مفهوم دوست و دشمن معنا می‌دادند.

زاینده‌گی و آبادانی محور بودن اسطوره‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. اغلب قومیت‌ها و جماعت‌هایی که زیست خود را بر اساس جنگ و زور فیزیکی قرار می‌دهند، شهر، آبادانی و ایجاد تمدن در اندیشه آن‌ها جایگاه مهمی ندارد. ابن خلدون متفکر بزرگ اسلامی معتقد

1. John Hinnells
2. Henry Corbin
3. Geo widengren



است که شهرنشین شدن قبایل به کاهش عصبیت آن‌ها می‌انجامد. ساکنان اقلیم‌های متفاوت فلات ایران از دیرباز علاقه خاصی به آبادانی و شهرنشینی داشته‌اند به نحوی که ایرانیان همواره به داشتن هنرهای شهرنشینی و تمدن شهره بوده‌اند.

در ایران باستان، روستائینان صبور و آرامی بودند که تولید کشاورزی را بر عهده داشتند. اسطوره‌ها در میان جماعت دهقان نفوذ بیشتری داشت به نحوی که اعتقاد به خدای آناهیتا به معنای تقدس باروری، باران و زایش در میان آن‌ها فراوان بود و از آنجاکه جمعیت اصلی تولیدکننده در فلات ایران را تشکیل می‌دادند، دشمن فقر، خشکسالی و جنگ بوده‌اند.

اصلی‌ترین منبع شناخت غایت سیاست در دوره هخامنشی رجوع به اسطوره‌ها به‌ویژه امشاسپندان و ایزدانی است که هنوز هم در زندگی روزمره ایرانیان حضور دارند. این امشاسپندان و ایزدان چنان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که انسان را در خود منحل نمی‌کنند و کمتر امکان شرافرینی و خلق فلسفه جبرگرایانه را امکان‌پذیر می‌نمایند. ترتیب آن‌ها بر اساس ترتیب فصل‌ها و آمدوشد واقعی روزها است. به‌ویژه فلسفه وجودی امشاسپندان حاکم کردن نظم، آئین، عقاید و فرهنگی متناسب با هم‌نوایی با هستی است به نحوی که ذهن و عین کاملاً منطبق با یکدیگر در اجتماعات ایرانی ایجاد نمایند. در بسیاری از تمدن‌ها عین و ذهن و آئین‌های مکانی و زمانی با یکدیگر تطابق پیدا نمی‌کنند و به مدت کوتاهی از میان می‌روند، اما ایرانیان چنان فلسفه قدرتمندی در گذشته فکری و اسطوره‌ای‌شان دارند که هنوز هم به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه در زندگی‌شان جریان دارد و هرکجا خبری از جشن و سازندگی و اخلاق نیک باشد آن‌ها حضور دارند (بهار، ۱۳۸۸، ۱۷۳).

از بین امشاسپندانی که اورمزد نخست به آفریدن آن‌ها همت گماشته است، بسیاری در ارتباط مستقیم با محیط‌زیست قرار دارند. اسپندارمد یا اسفندارمد که به معنی اخلاص و بردباری مقدس است، نمادی زنانه و دختر اورمزد به شمار می‌آید. او ایزد بانوی زمین است و به چهارپایان چراگاه می‌بخشد. زمانی که پارسایان در روی زمین که نماد این جهانی اوست، به کشت و کار و پرورش چهارپایان می‌پردازند یا هنگامی که فرزند پارسایی زاده می‌شود، او شادمان می‌گردد و وقتی مردان و زنان بد و دزدان بر روی زمین راه می‌روند، آزرده می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۷).

دیگر امشاسپندی که شادابی گیاهان مظهر اوست، خرداد است که به معنی تمامیت، کلیت و کمال است و مظهری از مفهوم نجات برای افراد بشر است و به‌عنوان حامی آب شناخته می‌شود.



مردم در ایران باستان به احترام امشاسپند اسفند زباله روی خاک نمی‌ریختند و پابرهنه راه نمی‌رفتند و این کار را بسیار زشت می‌شمردند. چون پای برهنه که آسیب ببیند، خون جاری شده و در پی آن زمین آلوده می‌گردد (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۱۸).

امرداد نیز که به معنی بی‌مرگی است، تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی به شمار می‌آید. او گیاهان را برویاند و رمه گوسفندان را بیفزاید. او می‌کوشد که گیاهان پژمرده نشوند. همکاران او ایزدان رشن و اشتاد و زامیاد هستند (آموزگار، ۱۳۸۵، ۱۹).

از ایزدانی که در دوران اساطیر به‌عنوان نگهبان و حافظ عناصر محیط‌زیست شناخته می‌شوند، اپام نپات یا برز ایزد، ایزد آب‌هاست. نام اپام نپات در اوستا به معنای فرزند آب‌هاست. او مسئولیت پخش آب در سراسر سرزمین را به عهده دارد. تیشتر نیز خدایی است که با باران ارتباط دارد و ازاین‌رو، اصل همه آب‌ها سرچشمه باران و باروری است. در تیشتریشیت اوستا، نبرد این ایزد با دیو اپوش که دیو خشکسالی و خشکی است روایت‌شده است (آموزگار، ۱۳۸۵، ۲۴).

تمام این روایت‌ها از اسطوره‌هایی که در ایران باستان رواج داشته است و پس‌از آن در دوره‌های دیگر ادامه یافته است، نشان‌دهنده تقدس مظاهر چهارگانه آب، خاک، آتش و زمین است که هر یک از عناصر طبیعت به‌وسیله ایزد خاصی سرپرستی می‌شود. هر ایزد نوری است که سامان‌بخشی و پرستاری آفریده مربوط به خود را سرپرستی می‌کند.

اساطیر ایران باستان نشان می‌دهد ایرانیان نخستین اقوام یکجانشین بوده‌اند که از کشاورزی به‌عنوان منبع درآمد خود استفاده می‌کردند و این مهم باعث شده است به اسطوره‌ها به‌عنوان منبعی برای باور دینی و اجتماعی خود رجوع کنند. به‌خوبی مشخص است که انگاره‌های زیست‌محیطی در منابع اسطوره‌ای نمایان شده است و اسطوره‌ها از ایزدان به‌عنوان نگهبان و حافظ محیط‌زیست نام برده‌اند.



شکل ۱. ارتباط زیست یکجانشین و حفظ محیط‌زیست

۵. پدیدار زیست محیطی در اندیشه زرتشت

زرتشت تجمع اساطیر است و زمانی که ایران از ملوک الطوائفی پراکنده خارج و به لحاظ سیاسی متمرکز می‌گردد، در سطح فکری نیز دین زرتشت رسالت تجمیع و معنابخشی اساطیر را انجام می‌دهد.

اهمیت دادن به طبیعت و حفاظت از آن در اکثریت ادیان، مکاتب فکری، جوامع و تمدن‌ها از دیرباز به نحو بارز و روشنی هم در قلمرو فیزیکی و مادی و هم در وجه معنوی و کیفی مطرح بوده است (الیاده^۱، ۱۹۵۹، ۱۴۹). در آئین زرتشت که دین رسمی ایرانیان باستان بوده است، بر اندیشه‌های زیست محیطی تأکید بسیار شده است. زرتشت پیامبر باستانی ایرانیان صاحب کتاب اوستا و آوردنده دین زرتشتی در آذربایجان یا سیستان، غرب یا شرق ایران در شش تا دوازده هزار قبل از میلاد مسیح به دنیا می‌آید. در اوستا درباره زاده شدن زرتشت، شادمانی آب، گیاهان و جانوران از این مولود چنین آمده است:

«به گاه زایش و نشو و نمایش، آب‌ها و گیاهان شادمان شدند. به گاه نشو و نمایش آب‌ها و گیاهان بالیدند، به گاه زایش و نشو و نمای او همه آفریدگان سپنتامینو به خود مژده رستگاری دادند. خوشا به ما که آذربانی زاده شد» (یشت‌ها، کرده ۲۴، بند ۹۳).

مجموعه تعالیم او در اوستا، زند، دینکرد، بندهشن و در طول قرن‌های بعد جمع‌آوری شد. برخی از اصلی‌ترین گفته‌هایش در گاتاها، یسنه‌ها و یشتها، که امروز بخش‌های به‌جای مانده از اوستا است، به دست ما رسیده است. زرتشت مروج آبادانی، صلح و مدنیت است و اغلب مورخان از او به نیکی یاد کرده‌اند. تعالیم او ترکیبی از لطافت شاعرانه و عمق فلسفی است.

در آئین مزدیسنا کلیه عناصر اربعه که آتش، آب، هوا و خاک باشد، مقدس است و اغلب در اوستا از آنها سخن رفته است. برخی از آنها نیز در اوستا دارای یشت مخصوصی است. در میان این عناصر آتش مقدس‌تر است و آذر ایزد موکل آن است. هرچند که از برای این فرشته یشت مخصوصی نداریم اما در سراسر کتاب مقدس و کتب مذهبی پهلوی از علو مقام او سخن رفته است. عنصر دیگر که هوا است دارای یشت مخصوصی است.

1. Eliadeh





پانزدهمین یشت از آن فرشته هواس است هر چند که این یشت به رام یشت نامزد است اما در هیچ جای آن صحبت از ایزد رام نیست. در سراسر آن از فرشته هوا صحبت شده است. این فرشته را در اوستا وایو و در پهلوی اندروای گویند. خاک یا زمین تحت حمایت چهارمین امشاسپند اسپندارمذ است. از برای آن نیز یشت مخصوصی نداریم اما در طی مقاله امشاسپندان به طور مفصل از آن صحبت داشتیم.

آب که موضوع مقاله حاضر است بعد از آتش مقدس‌ترین عنصر است. در ایران قدیم چنانچه خواهید دید ستایش فرشته آن موسوم به ناهید در کلیه ایران زمین و ممالک همسایه رونق تمام داشته است. در اوستا و کتب پهلوی به طور مکرر و مفصل از او صحبت شده است. در اوستا از یک فرشته دیگر که نیز مستحفظ آب است یاد شده است. این فرشته موسوم است به اپم‌نپات. در وید برهمنان نیز چنین آمده است و از آن یک فرشته مذکر اراده شده است (پورداد، ۱۳۷۷، ۱۵۹-۱۵۸).

«در ایران باستان آب مقدس به شمار می‌رفته و به عقیده زرتشتیان، پس از آتش، مقدس‌ترین عنصر است. آب دومین آفریده از آفریدگان هفت‌گانه‌ای است که اورمزد خلق کرده (بندهش، فصل اول، بند ۵۴، فصل اول، الف، بن ۴ و ۷) و آفرینش آن پس از آسمان و در مدت ۵۰ روز (از روز چهل و ششم پس از اعتدال بهاری) انجام گرفته است که در پایان آن ۵ روز گاهنبار دوم قرار دارد (بندهش، فصل اول، بند ۱۷). در همه جا، در زیرزمین آب قرار دارد (بندهش، فصل اول، بند ۱۷، فصل اول الف، بند ۱۰). نگاهبانی آب‌ها بر عهده خرداد امشاسپند است (بندهش، فصل سوم، بند ۱۸). بنابر عقیده‌ای، همه خلقت در اصل به صورت قطره آبی بود و بنابر نظر دیگری، اصل همه آفریدگان از آب بود به جز تخمه مردمان و چارپایان مفید که از آتش است (بندهش، فصل اول الف، بند ۳). نظر به تقدسی که برای آب قائل بودند، آلوده کردن آن را با پلیدی‌ها گناه به‌شمار می‌آوردند (پورداد، یشتها، ۱۶۱-۱۵۹/۱) به‌ویژه آلوده‌ساختن آن با مردار از گناهان بزرگ به‌شمار آمده است (صد در نشر، فصل ۷۲، ص ۵۱؛ تاوادی، شایست و ناشایست، فصل ۲، بندهای ۷۶ تا ۹۴). در مورد مراقبت از آب دستورهای دینی دقیقی هست (صد در بندهش، فصل ۷۸، ص ۱۴۸). آب در آئین‌های دینی زرتشتیان از عناصر لازم به‌شمار می‌رود» (آموزگار، ۱۳۹۸، ۲۵۲).



زرتشت و دین مزدایی خرد یکجانشینی دارد که مخالف قربانی و کشتار بی‌رویه جانوران است و مردم را ترغیب می‌کند تا در زمین‌های بایر به کشت، کشاورزی و باغداری بپردازند. «باید برای آبادانی جهان کوشید و آن را به‌درستی نگاهبانی کرد و به سوی روشنایی برد» (یسنه، هات ۴۸، بند ۵). این دین حتی مخالفت با قربانی و کشتن حیوانات بود به‌نحوی که قربانی کردن را دور از خرد و ناروا دانسته و به آنها گفت خدا به قربانی‌های شما نیازی ندارد. به جای کشتار جانوران از آنان در کشاورزی و آباد کردن زمین‌های بایر بهره‌گیری و به جای هر قربانی درخت بکارید (رضایی‌راد، ۲۰، ۱۳۸۷).

یکجانشینی و تمدن آبادانی به‌عنوان راهنمای بهروزی در صورتی ایجاد می‌شود که اخلاقی، زمینی و عقلانی ایجاد گردد. زرتشت طرفدار آب، زمین، گیاه، آبادانی، روستا، گیاه، دامداری، برزگری و نظم است، به‌گونه‌ای که از قتل، جنگ، خشونت، غنیمت‌خواهی و راهزنی که میراث قبایل است دوری می‌گزیند. زرتشت دینی مدنی و یکجانشین را ترویج می‌کند و سروده‌های گاهان او در اوستا روح صلح، مدارا، ایران دوستی و ستایش خرد را به همراه دارد.

«من دزدی و غارت گله را منکرم و صدمه‌زدن و خراب‌کردن خانه مزدیستان را. به آن‌هایی که شایسته‌اند به خواست خود راحتی و خانه می‌بخشم، آن‌هایی که با گله‌هایشان بر روی این زمین زندگی می‌کنند. با احترام به اشته و با نثارهایی که کرده‌ام اقرار می‌کنم که از این پس برای محافظت از زندگی با اعضايم به خانه مزدیستان زیان و صدمه وارد نخواهم کرد. سوگند می‌خورم که همراهی دیوان شریر را ترک خواهم کرد و پیروان دیوها را تنها خواهم گذاشت» (یسنه، ۱۳۸۸، ۹۵)

«خواستار ستایش این آب‌ها و زمین‌ها و گیاهانم، خواستار ستایش این جاها و روستاها و چراگاه‌ها و خانمان‌ها و آبشخورهایم، خواستار ستایش اهوره‌مزدا، دارنده این روستاهایم» (یسنه، هات ۲، بند ۱۶).

اقوامی که از جنگ و وحشی‌گری به تنگ آمده‌اند، به پیام آبادانی و صلح زرتشت پاسخ مثبت دادند. خرد مزدایی، به‌خصوص در ابتدای پیدایش، که نمودهای آن در گاهان به چشم می‌خورد، بسیار عقلانی و جهان‌وطنی است. واژگان برای ایجاد نظم مدنی به



صورت شعر در گاهان سروده شده‌اند. هیچ نشانی از نخوت، تکبر، جنگ، خشونت و زورگویی در متن دیده نمی‌شود. در گاهان آمده است: «شهریاری و بزرگواری و آفرینش زیبایی او را می‌ستاییم که گیتی و اشته را بیافرید، آب‌ها و گیاهان نیک را بیافرید، روشنایی و زمین و همه چیزهای نیک را بیافرید» (یسنه، ۸-۳، هات ۵، بند ۱).

اهورامزدا خدای بزرگ و دانای زرتشتیان است که زرتشت را به پیامبری انتخاب کرد تا صلح و آبادانی را برای مردم فلات ایران به ارمغان آورد. هینلز می‌نویسد: اهورامزدا به معنی سرور دانا نامی است که زرتشتیان به خدا داده‌اند و ویژگی اصلی او خرد است (هینلز، ۱۳۸۴، ۶۹). اهورا تاباننده نور، منبع اشته، دهنده فره‌مندی است که در رأس همه امشاسبندان قرار می‌گیرد.

گات‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین گفته‌های اهورامزدا، به محیط زیست با مفهومی بسیار گسترده‌تر در دو بعد مادی (گیتی) و غیرمادی (مینوی) می‌پردازد. جهان که همه ابعاد محیط زیست را در بردارد، به وسیله اهورامزدا (یگانه هستی‌بخش بزرگ و دانا) استوار بر هنجاری به نام اشا آفریده شده است. در گات‌ها امشاسبندان نیروهایی از اهورامزدا هستند که در چهره‌های گوناگون آشکار می‌شوند.

امشا به معنی بی‌مرگ و سپند نیز به معنی تقدس، پاک و سودرسان است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۷۷). امشاسبندان توسط زرتشت نظم پیدا کردند و اهورامزدا در رأس آن‌ها قرار گرفت. زرتشت به‌گونه‌ای حرکت از اسطوره به مذهب و گونه‌ای تکامل عقلانیت محسوب می‌شود. در گاهان آمده است: «خواستار ستایش آنان هستم که پیش از این در این خانمان‌ها، روستاها، شهرها و کشورها بودند: آنان که آسمان را نگاهداری کردند، آب را نگاهداری کردند، زمین را نگاهداری کردند، جانور را نگاهداری کردند، کودک را در زهدان مادر نگاهداری کردند تا نمیرد» (یسنه، هات ۲۳، بند ۱). در اوستا پاسداری و نگهبانی از جانوران سودمند به‌ویژه آنان که در پیوند با دامداری و کشاورزی هستند نیز بسیار مهم نشان داده شده است.

جشن‌های که در دین زرتشت در طول سال برگزار می‌شده است نیز ستایش گیاهان، ارزش و اهمیت درختان را بیشتر می‌کند و سطح آگاهی جامعه را نسبت به سودمندی



درختان و گیاهان بالا می‌برد. جشن‌های ایرانی همه در راستای ستایش گیاهان، آب، آسمان، زمین و جانوران است. جشن‌های شش‌گانه گهنبار یکی از جشن‌های بزرگ بوده که در ستایش و سپاس پروردگار از آفرینش آب، آسمان، زمین، آتش، گیاه و چارپایان و انسان بوده است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۴۴). در دست داشتن گیاهی به نام برسم^۱ که زرتشتیان در هنگام ستایش گیاهان استفاده می‌کنند، به خاطر سپاسگزاری از گیاهان و چارپایانی که به آنان داده است.

بدین‌گونه زرتشت به‌عنوان دینی برای جهانیان (نه فقط انسان) شناخته می‌شود که با اهمیت‌دادن به انگاره‌های زیست‌محیطی و مقدس شمردن عناصر چهارگانه، دیدگاه زیست‌محور نسبت به طبیعت را تقویت می‌کند. در این نظام اعتقادی که مشتمل بر یک جهان‌بینی فلسفی است، انسان در رابطه‌اش با سایر موجودات و کل مجموعه اکوسیستم‌های روی زمین تعریف می‌شود و درمی‌یابد که او نیز مانند تمام موجودات زنده دیگر ساکن این کره، موجودیتش در گرو سلامت و تمامیت سیستم زیست‌شناختی طبیعی است (بنسون، ۲۶۰، ۱۳۸۲).

این دین با دانش کامل هنجار هستی، جهان را به‌سوی خداوند پیش می‌برد و ارزشی که در گاتها برای جهان زنده دیده می‌شود را آنچنان در اندیشه پیروانش نهادینه می‌کند که پاسداشت طبیعت به نیایش‌های مردم نیز راه پیدا می‌کند. به نوعی که بعدها داریوش در کتیبه‌های هخامنشی به‌عنوان بزرگترین نیایش از اهورامزدا درخواست می‌کند که این کشور را از دشمن، دروغ و خشکسالی حفظ کند که این نشان‌دهنده اهمیت زیست‌بوم کشاورزی در عهد ایران باستان بوده است.

۶. پدیدار زیست محیطی در سیاست‌های شاهی

در اغلب حکومت‌های ایران باستان، پاسداری و نگهداری از طبیعت، آب، گیاهان، فلزات، خاک و آسمان اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته است. حتی سیاست و دینداری به‌طور بارزی با آداب نگهداری از طبیعت آمیخته شده و پاسداری از طبیعت، از سیاست‌های کلان



دولت‌های ایرانی بوده است. در بسیاری از آنها، پاسداری از طبیعت در کالبد دین انجام می‌شده است. از آن نمونه، انجمن مغان در حکومت ماد بود که به شدت بر اجرای قوانین زیست همگانی در کشور نظارت می‌کرد و همچنین در اوستا افرادی که نگاهبان طبیعت بودند مانند چوپان‌ها بسیار ستوده شده‌اند (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۱۹).

بر پایه اظهارات بیشتر باستان‌شناسان اروپایی، دولت هخامنشی از نظر آداب اجتماعی و شهرنشینی به یک کشور متمدن امروزی مانند بوده است. ساختار ذهنی دولت هخامنشی در زمانه‌ای که هنوز دین مزدائی به ایدئولوژی رسمی کشور تبدیل نشده است و در کنار دو مذهب مهرپرستی و آناهیتاگرایی به عنوان اندیشه مسلط دینی مردم و حاکمان مطرح بوده است، در سه طبقه ظهور پیدا کرده است. شهریاران، رزمیاران و کشاورزان که به واقع مخاطب خدایان سه‌گانه هستند، در ساختار دولت هخامنشی شکل داده شده‌اند.

جدول ۱. ساختار ذهنی حکمرانی هخامنشی

طبقات سه‌گانه	اقتدارات مینوی	نمادهای مفید	نمادهای زیانبخش
شهریاران (دینیاران)	اهورامزدا	راستی	دروغ
رزمیاران (نظامیان)	میثرا	دوست	دشمن
کشاورزان (پیشه‌وران)	آناهیتا	آبادانی	خشکسالی

در آن دوران کشاورزی و باغداری بسیار پررونق بود. کاریز و قنات ایران زبانزد جهان بود. در ایران مانند همه دوران دیگر، آب مقدس و ارزشمند بود؛ ازاین‌رو، دومین خدای هخامنشیان، که آناهیتا آورنده آب و نماد زندگی و آبادانی است، بسیار مقدس دانسته می‌شد. در اندیشه سیاسی هخامنشیان آباد کردن، ساختن، اهل فن بودن و هنرمند بودن جایگاه والایی داشت و بر این اساس هخامنشیان محیط انسانی و طبیعی اطراف خود را به بهترین وجه ممکن آباد کردند. معماری، هنر، قصرسازی، ساخت قنات، راه و کاروان‌سرا از روش‌های اداره امور عمومی است که توسط آن‌ها به اجرا درآمده است.

گرامی داشتن درختان نیز در دولت هخامنشی بسیار نیک دانسته می‌شد. درخت چنار از نظر آئینی از درخت‌های دیگر بسیار ارزشمند بود و در کاخ خشایارشا درخت چناری



زرین و نمادین وجود داشت. درخت سرو و گاهی کاج نیز در پیوند با آئین میترا و خورشید است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ۲۶). در زمان هخامنشیان علاقه به کشت درختان جنگلی به وجود آمد که از نظر تولید چوب اهمیت داشت و این سرآغاز جنگل‌کاری در ایران محسوب می‌شود. کوروش بزرگ نیز شخصاً به کشت درختان همت می‌گماشت.

همچنین نقل است که علاقه خشایارشا به درختان میوه چنان بوده است که هنگام عبور از آسیای صغیر، زمانی که از مقابل یک درخت سرو برومند عبور می‌کرده است، فرمان می‌داده است که یکی از سربازان جاویدان به پاسبانی آن گمارده شود و زنجیری از زر به آن درخت می‌آویختند. شاید آئین زیور بستن به درختان کهنسال که امروزه در بعضی نقاط ایران متداول است از این اقدام ستوده خشایارشا به منظور حمایت از درختان جنگل سرچشمه گرفته باشد.

البته باید یادآور شد که در مورد منابع طبیعی به خصوص مراتع و جنگل‌ها، هیچ‌گونه ضوابط و قوانین مدونی در آن زمان وجود نداشت و اصولاً جنگل جز یک منبع سوخت و مصارف متعارف چوب و محل شکار اهمیتی نداشته است. اما مرتع به عنوان چراگاه دام‌ها مورد استفاده زیادی بوده و هر قوم و طایفه‌ای مراتع خاص خود را داشته‌اند. شاید اولین قوانینی که در مورد استفاده از اراضی وضع شد، مربوط به قوانین حمورابی باشد که حدود ۲۱۲۰ تا ۲۰۸۰ سال پیش از میلاد مسیح حکومت می‌کرده است (جوانشیر، ۱۳۷۸، ۱۹). از آنجایی که اکثریت مردم ایران در آن زمان کشاورز بودند و چون آب را مقدس می‌دانستند، سعی داشتند که این آب مقدس به هدر نرود و حداکثر استفاده از آن شود و بهترین روش برای استفاده از آب همین کشاورزی بود که سعی می‌کردند با حفر قنوات و کانال‌های آب، کهریز و استخر و سدبندی آب را از جایی به جایی برای کشت و زراعت برسانند. به همین دلیل در زمان ساسانیان قوانین مالیاتی جدیدی برای کشاورزی به وجود آمد که چنانکه نوشته‌اند در زمان انوشیروان مالیات اراضی تغییر کرد (جوانشیر، ۱۳۷۸، ۳۱).

همچنین آبادانی مملکت به عنوان وظیفه پادشاه نام برده شده است. پادشاه، ظالم، یاغی و رهن مردم و سرزمین نیست بلکه آبادگر سرزمین‌های وسیع ایران است (جنیدی، ۱۳۸۹، ۱۶۱). داریوش ثبت کرده است:

«آنچه بدی به کار رفته بود، من به نیکوئی برگرداندم. کشورها آشوب می‌کردند و یکی، دیگر را می‌کشت. من به خواست اهورامزدا آنها را نیکو کردم تا دیگر همدیگر را نکشند. هر کس بر جای خویش است چون از قانون من می‌هراسند. در قانون من زورمند ناتوان را نمی‌زند و لگدمال نمی‌کند. بخواست اهورامزدا، بسی کارها که نابسامان شده بود، در جای خود قرار دادم. باروی شهری بر اثر فرسودگی فرو ریخت، چون مرمت نشده بود. من باروی دیگر بنا کردم که از آن زمان به کار رود» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۲۱۲).

این آبادانی در همه سرزمین‌ها باید دیده شود طوری که در کتیبه مصر ثبت شده است. در مورد ایجاد کانال سوئز از زبان داریوش آمده است:

«من فرمان دادم این آبگذر را بکنند، از آب روانی به نام نیل که در مصر جاری است به سوی دریائی که از پارس می‌آید. این آبگذر کنده شد چنانچه من فرمان داده بودم و کشتی‌ها از میان آن از مصر به سوی پارس روان شدند، چنانچه من اراده کرده بودم» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۲۱۵).

در کتاب سوم دینکرد نیز هنگام برشمردن خویشکاری (وظیفه) شهریاران یکی دیگر از بایسته‌های شهریار را پاییدن (حفاظت) آب، خاک، هوا و آتش (به سخن امروزی محیط زیست) می‌داند تا بدبختی و بن‌مایه‌های بیماری و ناخوشی مردم ریشه‌کن شود (غیبی، ۱۳۸۲، ۲۰۹). شهریاران ایرانی نیز آبادکردن زمین، تقویت خاک، غرس درختان و استخراج آب‌های زیرزمینی و مهارکردن آب‌های سطح الارضی با احداث بند و سد و شبکه آبیاری را مورد تشویق قرار می‌دادند و مبالغه‌هنگفتی برای انجام این امور هزینه می‌کردند. یکی از شگفت‌انگیزترین کارهای دسته جمعی بشر، قنات است که برای رفع نیازهای مهم و حیاتی جوامع انسانی یعنی آبرسانی به مناطق کم‌آب و تأمین آب شرب انسان، حیوان و زمین‌های زراعی آنها بوده است. تاریخ قنات در ایران به دوره باستان و ماقبل کتابت و عصر آهن برمی‌گردد. تمدن پنج‌هزارساله شهر سوخته و تمدن هگمتانه گواه وجود قنات‌های متعدد در دوره ماقبل هخامنشی است. بنابر اوستا و مطابق شاهنامه فردوسی، هوشنگ مخترع قنات بوده است. در دوره ساسانی اقتصاد متکی بر دامداری و کشاورزی بوده است و پادشاهان نیز از طرفداران کشاورزی و اسکان شیوه‌های جدید نظام‌های آبیاری بوده‌اند و در توزیع آب در میان مردم می‌کوشیدند. بنابراین، هر جا احساس می‌شد شروع به احداث قنات و کاریز برای انتقال آب از یک مکان به مکان دیگر بودند.



ایرانیان در ادوار کهن پیش از تاریخ، به مدد اندیشه، از آب‌های زیرزمینی با ابداع کاریز یا قنات بهره‌برداری کرده‌اند. براساس برخی مستندات برجای مانده از عصر ساسانیان، ایرانیان در عصر سلسله اساطیری پیشدادیان موفق به کشف شیوه استخراج آب‌های زیرزمینی با حفر کاریز یا قنات شده‌اند (ابریشمی، ۱۳۹۴). قنات مظهر کنش جمعی بوده و یکی از ویژگی‌های تمدن کاریزی صلح‌جویی و رسیدن به اهداف از راه گفت‌وگو و مذاکره است. دلیل صلح‌جویی تمدن کاریزی این است که اقتصاد و عوامل تولید آن مبتنی بر خرده‌مالکی، تجارت و صنایع دستی است و در جامعه‌ای که اقتصاد و عوامل تولید آن بر این اصول شکل گرفته باشد، روحیه مسالمت‌جویی، گفت‌وگو و مسامحه و فرار از جنگ شکل می‌گیرد. در یک نگاه کلی قنات فناوری خاصی بوده که در روزگاران کهن شهرنشینی و مدنیت را در بخش وسیعی از کره زمین به ارمغان آورده است و اگر ابداع قنات نبود در محدوده وسیعی از مناطق خشک و نیمه‌خشک کره زمین، به‌ویژه در آسیا و شمال آفریقا، اسکان انسان عملاً میسر نبود و در کشور ما نیز شهرهای امروزی مانند گناباد، یزد، کرمان، سبزوار، ماشان، سمنان، دامغان، نیشابور و ... توسعه پیدا نمی‌کردند (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۹). بدون تردید فن قنات‌سازی در ایران ابداع شده است و در این منطقه تکامل و توسعه یافته است که بر اثر آن تمدن ایران را برخی تمدن کاریزی یا هیدروکیلی نام نهاده‌اند (بهنیا، ۱۳۶۷).

ارگ بم از نمونه شهرهایی است، که مردم وابستگی شدیدی به کشاورزی داشته‌اند. در واقع با نگاهی اجمالی به ارگ می‌توان مشاهده کرد که در اطراف این ارگ کشاورزی رونق زیادی داشته و بیشتر زمین‌های اطراف قلعه از زمین‌های بایر به زمین‌های کشاورزی تبدیل شده‌اند. این رونق هم مرهون سیاست‌های شاهان است که به کشت و زرع اهمیت بسیار می‌داده‌اند.

همچنین ارتباطی بین جشن‌هایی که توسط پادشاهان در سرزمین‌های ایرانی برپا می‌شده است و محیط زیست برقرار بوده است. در زمان‌های گذشته که قائل به وجود گونه‌ای پیوند آسمانی و ایزدی میان آب از یک سو و خرد و عقل از سوی دیگر بوده‌اند، جشن تیرگان یکی از بزرگترین جشن‌های مذهبی ایرانیان است و جشنی برای ایزد باران بوده است. جشن نوروز که جشن سال نوی ایرانی نیز است با بهار طبیعت و زنده‌شدن درختان

برگزار می‌شده است و تقدسی که برای زمین و درخت و عناصر زیستی قائل بودند در جشن‌های باستانی ایران نیز نمود پیدا می‌کند.

جدول ۳. پدیدار محیط زیست در اندیشه و کنش سیاسی ایران باستان

منابع ایران باستان	پدیدار محیط زیست
اساطیر ایران باستان	آناهیتا، آذر، مهر، آبان، پراکندگی امشاسپندان در همدلی و همراهی با محیط زیست
دین زرتشت	توجه به یکجانشینی، ستایش آب و خاک، آلوده نکردن محیط زیست، هم‌نوا با محیط زیست
حکومت‌داری شاهان	سیاست‌گذاری‌های منطبق با محیط زیست، نوروز، مهرگان، شهرسازی، قلعه، قنات

۷. نتیجه‌گیری

دیدگاه زیست‌محور به طبیعت زمانی ایجاد می‌شود که فرد عضویت خود را در جامعه حیات زمین به‌عنوان فصل مشترکی بداند که او نیز مانند تمام موجودات زنده دیگر ساکن این کره، موجودیتش در گرو سلامت و تمامیت سیستم زیست‌شناختی طبیعی باشد. وقتی انسان این عرصه حیات را در تمامیت خود دید، آن را به‌عنوان یک شبکه درهم‌تنیده و یکپارچه از عناصر متکی به هم در نظر خواهد گرفت.

ایرانیان به‌عنوان ساکنان فلاتی بزرگ، که قسمت‌های وسیعی از شرق تا غرب زمین را در بر می‌گرفته است، چارچوب‌های مفهومی داشته‌اند که کاملاً با دیدگاه زیست‌محور همخوانی داشته است. احترام به طبیعت و عناصر چهارگانه از زمان اسطوره‌ها در بین ایرانیان رواج داشته است. به نظر می‌رسد کشاورزی و تمدن در فلات ایران شروع شده است و ایران یکی از نخستین کشورهایی است که در آن انسان اولیه برای زراعت و پرورش دام احترام قائل بوده است. حتی سیاست و دینداری در ایران باستان نیز به‌طور بارزی با آداب نگهداری از طبیعت آمیخته بوده است.

ایرانیان قدیم به آب و منابع آن چون دریا، تالاب، برکه، چاه و چشمه و نیز کیفیت و ترکیب آن توجه داشته و خواص و خصوصیات انواع آب را به تجربه دریافته بودند. بخش عظیمی از ایران، به مفهوم جغرافیایی پهناور آن در اقلیم خشک و بیابانی قرار داشته و شرایط



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



آب‌وهوایی سخت، اولاً ایرانیان را مقاوم، پرتلاش و کارآزموده بار آورده است و ثانیاً تجارب و دانستنی‌های بسیار ارزنده و مفیدی در باب شناخت عناصر اربعه یعنی آب، خاک، هوا و آتش کسب کنند و ثالثاً تجارب و آزموده‌ها و فنون خود را در اختیار اقوام و ملل تابعه قرار داده و از دانش‌ها و اطلاعات دانشمندان دیگر ملت‌ها در تکمیل علوم و فنون و تجارب خود در باب عناصر اربعه به‌ویژه آب بهره گیرند.

همزیستی با طبیعت در میان ایرانیان پس از پذیرش آئین زرتشت نیز بسیار رواج داشته است. در اوستا پاسداری و نگهداری از جانوران، به‌ویژه آنان که در پیوند با دامداری و کشاورزی هستند، بسیار مهم نشان داده شده است. امشاسپند خرداد نشان آب است و پرستار و پاسدار آب‌های زمین و آسمان است. امرداد به معنی بی‌مرگی است و این امشاسپند پرستار گیاهان و درختان است و بقیه ماه‌های سال که به نوعی بر حفاظت از عناصر چهارگانه و حفظ محیط زیست تأکید داشتند و پیوند آسمانی و ایزدی میان آب از یک سو و خرد یا عقل از سوی دیگر در ایران کهن مورد قبول بوده است. به باور ایرانیان، خیر و برکت و نیز پاداش‌های دنیا و آخرت در زراعت است و جایگاه‌نمایی در بهشت از آن برزیگران و باغبانان و آنهایی است که تخم نیکی می‌کارند و این نشان‌دهنده اهمیت محیط زیست در اندیشه ایرانیان باستان است. این متون نشانگر آن است که ایرانیان باستان تنها برای بشر حقوق در نظر نمی‌گرفتند، بلکه بنا بر اندیشه ژرف خویش برای هر یک از پدیده‌های جهان حقوق در نظر می‌گرفتند (جنیدی، ۱۳۷۸، ۲۳).

در سیاست‌های شاهان نیز احترام به طبیعت جایگاه ویژه‌ای داشته است. احترام به طبیعت و استفاده از مصالح مربوط به هر منطقه برای احداث برج، تأکید بر کشاورزی و کشت و زرع برای مردم و فراهم آوردن امکان آن، برگزاری جشن‌هایی بر پایه طبیعت و همزمان با تغییرات طبیعی در زمین از جمله مواردی است که از سوی شاهان در ایران باستان به‌کار برده می‌شد که نشان‌دهنده تقدس طبیعت و لزوم احترام به آن بوده است.

تاریخ نشان می‌دهد هر زمان که سیاستمداران جنبه حفظ محیط زیست را داشته‌اند و از هرگونه دخل و تصرف بی‌مورد در آن خودداری کرده‌اند، زمانه‌ای شکوفاتر و سلطنتی پویاتر و بادوام‌تر داشته‌اند. فرامین و سلوک شاهانه در ایران باستان، با احترام به طبیعت و تأکید بر

دیدگاه زیست‌محور، انسان را جزئی از طبیعت دانسته و همسو و همدل با طبیعت سعی در بهره‌برداری از آن داشته است.

آشناسدن مردم ایران با فرهنگ باستانی خود، که روزگاری به‌عنوان یکی از اولین تمدن‌های جهان، منشور حقوق شهروندی و دیدگاهی زیست‌محور به طبیعت داشته‌اند، در رفتارهای امروز آنها نیز بی‌تاثیر نخواهد بود و آگاهی از آن برای اقشار مختلف و به‌خصوص جوانان می‌تواند در نگرش فعلی آنها به محیط زیست و منابع طبیعی کشور بسیار موثر واقع شود. حرمت محیط زیست از ابعاد مذهبی و یا در قالب تفکر و اندیشه سیاسی پادشاهان می‌تواند نمودی از توجه خاص ایرانیان در گذشته به محیط پیرامونی خود و احیا و آبادانی فضای زیستی باشد. بدون تردید این مهم اگر در ارتباط با اسطوره‌ها، آئین‌ها و مذاهب و حکمرانی پادشاهان شکل گرفته باشد می‌تواند همیشه به شکلی پایدار مطرح باشد و مرکز ثقلی برای توجه دادن به آیندگان قرار گیرد.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۴

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

منابع

- ابراهیم‌نیا، رضا (۱۳۸۳). اهمیت محیط زیست در ایران باستان. فصلنامه تاریخ‌پژوهی، ۶(۲۰)، ۱۲۲-۱۱۳.
- احمدوند، شجاع؛ و اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۶). اندیشه سیاسی در ایران باستان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۴). سیاست به مثابه تکنیک؛ مبانی روشی علم سیاست. تهران: انتشارات خرسندی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۵). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۸). مقالات احمد تفضلی. تهران: توس.
- بنسون، جان (۱۳۸۲). اخلاق محیط زیست (مترجم: عبدالحسین وهاب زاده). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی. (تاریخ اصل اثر ۲۰۰۱)
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ و اساطیر ایران باستان. تهران: نشر علم.
- بهنیا، عبدالکریم (۱۳۶۷). قنات‌سازی و قنات‌داری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۹). قنات قصبه گناباد؛ یک اسطوره. مشهد: انتشارات پاپلی.
- پوردادود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها (جلد اول و دوم). تهران: اساطیر.
- پولادی، کمال (۱۳۹۷). در سودای نظام داد؛ جهان‌شناسی ایرانی و اندیشه سیاسی. تهران: نشر مرکز.
- تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲). جهان‌بینی و حفاظت محیط زیست. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۴(۱۶)، ۱۰۳-۱۲۷. doi:10.22047/ijee.2003.2093
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۷۷). شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران. تهران: خوارزمی.
- جمادی، سیاوش (۱۳۸۵). زمینه و زمانه پدیدارشناسی. تهران: ققنوس.
- جنیدی، فریدون (۱۳۷۸). حقوق بشر در جهان امروز و حقوق بشر در ایران باستان. تهران: نشر بلخ.
- جوانشیر، کریم (۱۳۷۸). تاریخ علوم منابع طبیعی ایران. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- رجانی، فرهنگ (۱۳۷۵). تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان. تهران: قومس.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸). اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی. تهران: امیرکبیر.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۸۸). هوسرل در متن آثارش. تهران: نی.





- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی. تهران: طرح نو.
- طباطبائی، جواد (۱۳۸۶). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.
- عابدی سروسنانی، احمد (۱۳۹۷). اخلاق محیط زیست و نقش آن در صیانت از طبیعت. نشریه طبیعت ایران، ۳(۲)، ۹-۶. doi: 10.22092/irn.2018.116429
- غیبی، مهراں (۱۳۸۲). مبانی فلسفی حفاظت از محیط زیست در ایران باستان. نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ایران.
- کربن، هانری (۱۳۹۱). اسلام ایرانی (مترجم: انشالله رحمتی). تهران: سوفیا. (تاریخ اصل اثر ۱۹۷۱)
- مجتبایی، فتح‌الله (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان. تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۷). بحران محیط‌زیست، اخلاقی است. خبرنامه فرهنگستان علوم، ۱۸(۶۷)، ۵۱-۵۲.
- مرادی غیاث آبادی، رضا (۱۳۸۷). کتیبه‌های هخامنشی. تهران: نوید.
- ویدن گرن، گنو (۱۳۷۷). دین‌های ایران باستان (مترجم: منوچهر فرهنگ). تهران: آگاهان دیده. (تاریخ اصل اثر ۱۹۶۹)
- هوسرل، ادموند (۱۳۸۱). تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیده‌شناسی (مترجم: عبدالکریم رشیدیان). تهران: نی. (تاریخ اصل اثر ۱۹۹۱)
- هینلز، جان (۱۳۸۴). شناخت اساطیر ایرانی (مترجم: ژاله آموزگار و احمد تقضلی). تهران: نشر چشمه. (تاریخ اصل اثر ۱۹۸۵)
- Eliadeh, M. (1987). *The sacred and profane: the nature of religion*. New York: Harcourt Brace Javanvieh.
- Hole, F., Flannery, k., & Neely, J. (1965). Early agriculture and animal husbandry in Deh Luran, Iran. *Current Anthropology*, 6(1), 105-106. doi: 10.1086/200561
- Kuros, G., & Labbaf Khaneiki, M. (2007). Water and Irrigation Techniques in Ancient Iran. Iran: *Iranian National Committee on Irrigation and Drainage (IRNCID)*.
- Malandra, W. (1983). *An introduction to Ancient Iranian religion*. USA: University of Minnesota Press.



واکنش بازار سرمایه به رفتار سود فصلی شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا

سیما نوروزی^۱، محمدحسین رنجبر^۲، جهانبخش اسدنیاز^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۸؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

چکیده

از دیدگاه بازار سرمایه، انتظار سودآوری شرکت می‌تواند تأثیرهای متفاوتی بر پیش‌بینی سرمایه‌گذاران موجود در بازار در مورد سود و بازده آتی شرکت، متناسب با سطح انتظارات آنان داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی واکنش بازار سهام به رفتار سودهای فصلی شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا و پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به منظور بررسی موضوع مورد مطالعه برپایه الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی، در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶، داده‌های ۲۴۰ شرکت دارای فناوری سطح بالا و پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، گردآوری و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. فرضیه نخست، بیانگر امکان الگوسازی محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی برپایه مسیر انتظاراتی سود است؛ بنابراین، سود غیرمنتظره می‌تواند بر نخستین پیش‌بینی سود تأثیر منفی داشته باشد. فرضیه دوم این است که می‌توان با بررسی مسیر انتظاراتی ایجادشده در مورد سود شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاران را در بازار، الگوسازی کرد. با توجه به تحلیل‌های اقتصادی و بحث‌های اقتصاد رفتاری، سود فصلی، بیشترین تأثیر را بر توسعه مالکیت‌های فکری در شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا می‌گذارد. نتایج کلی پژوهش، بیانگر این موضوع بوده و بیان می‌کند که مسیر انتظاراتی سود ترسیم‌شده در این پژوهش بر تعدیل سود پیش‌بینی‌شده و رفتار سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: اعلان فصلی سود، محتوای اطلاعاتی سود، انتظارات بازار سرمایه، مسیر انتظاراتی سود، شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا

۱. گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، هرمزگان، ایران

۲. گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران (نویسنده مسئول)

mhranjar54@gmail.com ✉

۳. گروه حسابداری، دانشکده پردیس بین‌الملل قشم، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی قشم، هرمزگان، ایران

۱. مقدمه

بیور^۱ (۱۹۶۸) در مورد محتوای اطلاعاتی سود بر این نظر است که اگر گزارش سود شرکت، سبب تغییر ارزیابی سرمایه‌گذاران درباره احتمال توزیع بازده آتی (یا قیمت‌ها) شود، سود دارای محتوای اطلاعاتی بوده و ارزشمند است؛ بنابراین، اگر سود، دارای محتوای اطلاعاتی باشد، این محتوای اطلاعاتی سبب تغییر در مقدار و شیوه نگهداری سهام شرکت در پرتفوی سرمایه‌گذاران خواهد شد، زیرا سرمایه‌گذاران، درباره بازده و ریسک سهام، دارای باورهایی هستند. این باورهای پیشین برپایه اطلاعاتی است که دردسترس همگان است، تا اینکه سود خالص سال جاری شرکت اعلام شود و در این زمان است که سرمایه‌گذاران در باورها و انتظارات خود بازنگری خواهند کرد. حتی اگر این انتظارات و باورها برپایه اطلاعات یکسان و دردسترس همگان شکل گرفته باشد، الزامی به یکسان بودن این باورها به سبب یکسان بودن اطلاعات وجود ندارد، زیرا سرمایه‌گذاران در سطوح گوناگونی از ادراک و تفسیر اطلاعات هستند.

مهم‌ترین رکن بازارهای سرمایه، وجود اطلاعات برای تصمیم‌گیری است. زمانی که سودمندی اطلاعات را با محتوای تغییر در قیمت اوراق بهادار برابر بدانیم، ممکن است حسابداران با تنظیم اطلاعات صورت‌های مالی برپایه واکنش بازار، وضع مالی بهتری داشته باشند، ولی نمی‌توان نتیجه گرفت که جامعه نیز الزاماً وضع مالی بهتری خواهد داشت. اطلاعات، یک کالای بسیار پیچیده است و ارزش خصوصی و اجتماعی آن مانند هم نیست. یکی از دلایل این وضعیت، میزان هزینه‌ای است که پرداخت می‌کنند. معمولاً استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، به طور مستقیم برای اطلاعات، هیچ مبلغی پرداخت نمی‌کنند؛ در نتیجه امکان دارد برای آنان اطلاعات سودمند باشد، در حالی که هزینه‌ای که جامعه باید پردازد تا سودمندی اطلاعات افزایش یابد، رقم چشمگیری است. شاید هیچ موضوعی در ادبیات مالی اخیر بحث‌برانگیزتر از این پرسش نباشد که آیا سرمایه‌گذاران در تعیین قیمت سهام، منطقی عمل می‌کنند یا خیر. نظریه کارایی بازار سرمایه به دو فرض بسیار مهم توجه دارد؛ نخست اینکه سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود در بازار، رفتار



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۵۸

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱



منطقی‌ای دارند. دوم اینکه آن‌ها برپایه آخرین اطلاعات و اخبار، برای خرید و فروش اوراق بهادار اقدام می‌کنند و برای تعیین منصفانه بودن قیمت اوراق بهادار، درایت کافی دارند. فرض منطقی بودن سرمایه‌گذاران، مورد انتقاد پژوهشگران زیادی بوده است (بیور، ۱۹۶۸، ۷۱).

بال و برون^۱ در سال ۱۹۶۸ با در نظر گرفتن اینکه فرضیه بازار کارا، یک فرضیه توصیفی است، درصدد برآمدند تا رابطه بین سود حسابداری و قیمت سهام را بررسی کنند. آنان در پژوهش خود سعی کردند با استفاده از روش‌های ساده، رابطه بین سود حسابداری و بازده سهام را واکاوی کنند و به این نتیجه رسیدند که بار اطلاعاتی کم سود خالص سالانه، به دلیل احتمالی اعلان سودهای فصلی است.

پس از پژوهش بال و برون، پژوهش‌های زیادی درصدد بررسی و آزمون رابطه بین اعداد حسابداری و قیمت و بازده سهام شرکت‌ها برآمدند و سبب تکامل این حوزه از پژوهش‌های بازار شدند. در واقع، پژوهش‌های بعدی‌ای که در این باره انجام شدند تا حدود زیادی، روش‌های اندازه‌گیری سود و بازده سهام را بهبود بخشیدند و از روش‌های آماری برای تبیین این رابطه استفاده کردند. در این پژوهش‌ها از معیارهای زیادی استفاده شد و بیشتر آن‌ها سود و بازده را توسط قیمت یا متغیر دیگری نرمالایز می‌نمودند. در این پژوهش‌ها، سود پیش‌بینی نشده و بازده پیش‌بینی نشده بدون برنامه ریزی، بیشتر استفاده شده است. نتایج این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که سود غیرمنتظره، تنها میزان کمی (کمتر از ۵ درصد) از تغییرات بازده را تبیین می‌کند؛ بنابراین، محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها کمتر از میزان مورد انتظار است که شاید به دلیل رفتار گام تصادفی و اعلان سودهای فصلی باشد. واکنش‌های بازار سهام به آگهی‌ها و اخبار متفاوت است و در برخی موارد، واکنش افراد، عقلایی نیست که سبب ناهنجاری‌هایی از جمله افزایش بیش از حد یا کمتر از حد قیمت‌ها می‌شود. واکنش بیش از حد و واکنش کمتر از حد، زمانی رخ می‌دهد که افراد با توجه به اطلاعات جدید، قیمت‌ها را بیشتر یا کمتر از میزان واقعی آن برآورد می‌کنند. یکی از دلایل اصلی این موضوع، کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس بازیگران اصلی بازار است (پیرسون، سولمن، و تیتمن^۲، ۲۰۱۸، ۲۱۲۴).

1. Ball and Brown

2. Parsons, Sulaeman, and Titman



هدف این پژوهش، بررسی این موضوع است که اعلان سودهای فصلی توسط سرمایه‌گذاران و تحلیلگران، چگونه سبب ارائه سیگنال‌های اطلاعاتی به‌منظور پیش‌بینی حذف انتظارات سودهای آتی می‌شود. همچنین، این موضوع را بررسی خواهیم کرد که آیا مسیر انتظارات سودهای فصلی جاری می‌تواند نشان‌دهنده بازده سهام شرکت در آینده باشد یا خیر. براین اساس، فرضیه‌های پژوهش به‌شرح زیر است:

فرضیه نخست: «می‌توان با بررسی مسیر انتظارات سود شرکت‌ها، محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی را الگوسازی کرد».

فرضیه دوم: «می‌توان با بررسی مسیر انتظارات سود شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاران در بازار را الگوسازی کرد».

۲. پیشینه پژوهش

با مروری بر تاریخچه و ادبیات کهن دانش حسابداری درمی‌یابیم که کمتر مفهوم یا پدیده‌ای، مانند سود، مورد بحث و منازعه فراگیر نظریه‌پردازان و متفکران حسابداری و طبقات گوناگون حرفه حسابداری و مالی بوده است. حسابداران حرفه‌ای، تحلیلگران، و مفسران مالی همواره بر محاسبه سود حسابداری یا اطلاعاتی که دراین‌راستا به‌کار می‌روند، به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها تأکید داشته‌اند. اگرچه مفهوم تعهدی سود به‌عنوان یک ابزار بنیادین با انتقادهایی روبه‌رو است، از دیدگاه اطلاعاتی، این مفهوم بیانگر نتیجه فعالیت یک شرکت به‌لحاظ حسابداری و مالی است. دستیابی به اطلاعات از مهم‌ترین مسائل بازار سرمایه به‌شمار می‌آید. سهام‌داران برای دستیابی به اخبار و اطلاعات از منابع گوناگونی بهره می‌برند. منابع اطلاعاتی، بسته به منشأ انگیزشی خود، به‌گونه‌ای اجباری یا اختیاری منتشر می‌شوند. برخلاف فرایند افشای اجباری که بیشتر تحت تأثیر قوانین و دستورالعمل‌های حسابداری است، افشای اختیاری بر اثر عوامل و شرایط گوناگونی مانند عدم تقارن اطلاعاتی، اخبار موجود در شرکت، دستمزد و پاداش مدیر، تغییر می‌کند (موسوی و علوی طبری، ۱۳۹۰، ۱۲). با کاهش انگیزه مدیر برای افشای اخبار و اطلاعات موجود در شرکت به‌گونه‌ای داوطلبانه، این فرایند گزارشگری سود است



که بار بیشتری را برای ارائه اطلاعات به بازار سرمایه به‌دوش می‌کشد (رویچودھاری و اسلتن^۱، ۲۰۱۲، ۴۵). سود، به‌عنوان شاخص اصلی موفقیت شرکت، یکی از اقلام صورت‌های مالی است که در تصمیم‌گیری سهام‌داران تأثیر بسزایی دارد. ارزشمندی این قلم حسابداری، از نظر سهام‌داران و فعالان بازار، در گرو میزان اطلاعاتی است که به‌همراه خود دارد. محتوای اطلاعاتی سود در شرایط گوناگونی مانند وجود اخبار منفی در شرکت، دستخوش تغییر می‌شود (موسوی و علوی طبری، ۱۳۹۰، ۱۳)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد، با وجود تلاش‌های گسترده نهاد‌های گوناگون برای افزایش شفافیت در بازار سرمایه و ارتقای سطح افشای اختیاری اطلاعات، اعلامیه‌های سود، هنوز هم ارزش خود را به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی برای سهام‌داران حفظ کرده‌اند و به‌دلیل وجود عوامل گوناگونی مانند عدم تقارن اطلاعاتی و اخبار منفی، اتکای سهام‌داران به آن‌ها افزایش یافته است (رویچودھاری و اسلتن، ۲۰۱۲، ۳۸).

حسابداران حرفه‌ای، تحلیلگران، و مفسران مالی همواره بر محاسبه سود حسابداری یا اطلاعاتی که برای محاسبه آن درنظر گرفته می‌شود، به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها تأکید داشته‌اند. اگرچه درنظر گرفتن مفهوم تعهدی سود به‌عنوان یک ابزار بنیادین با انتقادهایی روبه‌رو است، از دیدگاه اطلاعاتی، این مفهوم بیانگر نتیجه فعالیت یک شرکت از دیدگاه حسابداری و مالی است.

تغییر سود حسابداری یک شرکت از طریق انتخاب روش‌های متفاوت برای برآورد اقلامی مانند موجودی کالا، استهلاک، و تشخیص درآمد، کار نسبتاً ساده‌ای است، اما شاید بتوانیم دلیل اصلی نامربوط بودن سود را این واقعیت بدانیم که شرکت نمی‌تواند سود حسابداری را به حساب‌های بانکی خود واریز کند. شرکت نمی‌تواند با سود حسابداری گزارش‌شده خود، دارایی بخرد یا صورت‌حساب‌های خریدهای خود را پرداخت کند (انجی، راستیکوس، و وردی^۲، ۲۰۰۷، ۶۵۰). همچنین، سهام‌داران نمی‌توانند از سودی که شرکت گزارش کرده است، استفاده کنند. اما به‌لحاظ نظری چگونه می‌توان بین این

1. Roychowdhury and Sletten

2. Rusticus, and Verdi



واقعیت که تنها جریان‌های نقدی و ریسک همراه با آن باید قیمت سهام را محک بزنند از یک سو و این واقعیت که سرمایه‌گذاران آشکارا توجه زیادی به سودها دارند از سوی دیگر، ارتباط منطقی پیدا کرد؟ شاید ساده‌ترین پاسخ این پرسش این باشد که بگوییم، هم سودهای گزارش شده و هم سودهای پیش‌بینی شده، به سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی جریان نقدی آتی کمک می‌کنند. نگاهی گذرا به بازار اوراق بهادار، به سرعت ما را متوجه این موضوع می‌کند که سودها، معیارهای مهمی برای تعیین قیمت سهام هستند. سرمایه‌گذاران برای سود حسابداری به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی، جایگاه ویژه‌ای در نظر دارند. بهای جاری هر واحد تجاری (قیمت سهام) با جریان سود موردانتظار، پیوند خورده است و سرمایه‌گذار معمولاً برپایه انتظاراتش از سودهای آتی برای نگهداری یا فروش سهام تصمیم می‌گیرد (بال، سادکا، و سادکا^۱، ۲۰۰۹، ۱۱۱۳).

در مجموع، پژوهش‌های تجربی برپایه مفروضات بازار کارای سرمایه، بیانگر این مطلب هستند که سود حسابداری، دارای محتوای اطلاعاتی است. در بیانیه شماره یک هیئت حسابداری مالی در موضوع استانداردهای مالی مطرح شده است که: «مهم‌ترین هدف از گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که از طریق اندازه‌گیری سود و اجزای تشکیل‌دهنده آن در مورد فعالیت‌های یک مؤسسه تهیه می‌شود» (گوران، استافمن، و یانکر^۲، ۲۰۱۵، ۳۵).

نکته قابل توجه در مورد بازارهای سرمایه این است که بسیاری از افرادی که اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، مردم عادی هستند که تنها راه دسترسی آن‌ها به اطلاعات مهم شرکت‌ها، اطلاعیه‌هایی است که شرکت‌ها منتشر می‌کنند. اعلان سود برآوردی هر سهم را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از این نوع اطلاعیه‌ها در نظر گرفت که در آن شرکت، سود پیشنهادی هر سهم را پیش‌بینی کرده و به عموم مردم اطلاع می‌دهد (رویچودھاری و اسلتن، ۲۰۱۲، ۴۴). انتظارات افراد، تابع پیش‌بینی‌های آن‌ها است که گاهی ناکارآمدی‌هایی دارد. فهم منبع این ناکارآمدی‌ها، می‌تواند کاربردهای زیادی برای مطالعه

1. Ball, Sadka, and Sadka

2. Gurun, Stoffman, and Yonker



درباره عقلانیت سرمایه‌گذاران و کارایی بازار داشته باشد. معمولاً زمانی که اطلاعات تازه‌ای از وضعیت شرکت‌ها در بازار منتشر می‌شود، تحلیلگران، سرمایه‌گذاران، و استفاده‌کنندگان دیگر آن‌ها را تجزیه و تحلیل، و برپایه آن، در مورد خرید یا فروش سهام تصمیم‌گیری می‌کنند (گیسون، سون، و تانر^۱، ۲۰۱۷، ۵۶).

همان‌گونه که پوزنر، شی، و شین^۲ (۲۰۱۲، ۲۰۵) بیان کرده‌اند، ضریب واکنش سود، که عوامل دیگر را نیز کنترل می‌کند، نشان‌دهنده این است که بازار تا چه حد به اخبار یک شرکت در مورد سود، برای پیش‌بینی آینده اعتماد می‌کند. این نکته به‌ویژه در مورد ادعاهای دروغ درباره سود (یعنی تحریف واقعیت در مورد سود) اهمیت زیادی دارد که در شرکت‌ها رایج است؛ برای مثال، ۴۰۰ مدیر مالی که دیچو، گراهام، هاروی، و راجگوپال^۳ (۲۰۱۶، ۲۸) از آن‌ها نظرسنجی کرده‌اند، بر این نظر بودند که ۲۰ درصد شرکت‌ها، با وجود پیروی از اصول پذیرفته‌شده حسابداری، به‌عمد و به‌گونه‌ای چشمگیر، اطلاعات غیرواقعی در مورد سودها ارائه می‌دادند.

بسیاری از پژوهشگران از جمله چن و ژائو^۴ (۲۰۰۸، ۵۲۲۰) و بال و شیواکومار^۵ (۲۰۰۸، ۱۰۰۲) درباره واکنش بازار سرمایه به اعلان خبر مربوط به سود تحقیق کرده‌اند؛ یعنی آیا اعلان خبر سود سالانه از سوی شرکت بر قیمت سهام آن تأثیرگذار است؟ در این پژوهش‌ها، فرض بر این است که تجمیع تصمیم‌ها و گرایش رفتار سرمایه‌گذاران در قیمت سهام شرکت نهفته است، به همین دلیل، تغییر در قیمت سهام شرکت بیانگر این است که اطلاعات ارائه‌شده به بازار با تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران، بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد. اکنون پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا بازار باید به اعلان خبر سود شرکت‌ها واکنش نشان دهد؟

در نظریه‌های نوین سرمایه‌گذاری، این دیدگاه مطرح است که می‌توان قیمت سهام یک شرکت را از طریق محاسبه ارزش فعلی جریان‌های نقدی آینده محاسبه نمود بدست آورد

1. Gibson, Sohn, Tanner, and Wagner
2. Pevzner, Xie, and Xin
3. Dichev, Graham, Harvey, and Rajgopal
4. Chen and Zhao
5. Ball and Shivakumar



این ارزش از محل سودهای تقسیمی سهامداران بر مبنای نرخ بازده مناسب بررسی خواهد شد. اکنون با توجه به اینکه سودهای نقدی آینده، تابعی از سود فعلی شرکت است و آن‌ها می‌توانند سود نقدی را از محل سودهای دوره جاری و گذشته پرداخت کنند، می‌توان انتظار داشت که قیمت سهام شرکت‌ها از میزان سود تأثیر بپذیرد. در نتیجه، از دیدگاه ارزیابی جریان‌های نقدی واحد تجاری، اطلاعات مربوط به اعلان سود شرکت‌ها سودمند بوده و دربردارنده محتوای اطلاعاتی برای بازار سهام است (چارلز، اسکمید، و وون میرنیک^۱، ۲۰۱۷).

فرانسیس، لافند، السن، و اسکپیر^۲ (۲۰۰۷، ۴۲۳) در پژوهشی با عنوان عدم قطعیت اطلاعاتی و درآمدهای بعدی نشان داده‌اند که سیگنال‌های سودهای غیرمنتظره، سبب عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر، واکنش‌های غیرعادی بازار، و پدیده رانش قیمت پس از اعلان سود^۳ می‌شوند. سرانجام باید بیان شود که این پژوهش بر بررسی ارتباط میان عدم تقارن اطلاعاتی و بازده بازار تمرکز دارد.

بارتف، رادهارکریشنام، و کرینکسی^۴ (۲۰۰۰، ۵۳) در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که واکنش سرمایه‌گذاران به سیگنال‌های سودهای غیرمنتظره پیاپی، کامل‌تر از زمانی است که این سیگنال‌ها جنبه موقت داشته باشند. روی هم رفته، پژوهش‌ها و ادبیات موجود نشان‌دهنده این است که انتظارات سود باثبات مثبت (منفی) در سیگنال‌های سود، سبب افزایش (کاهش) خطای پیش‌بینی سودهای آتی و بازده سهام می‌شود.

گیسن و همکاران (۲۰۱۷، ۴۴) در پژوهش خود، اعلان‌های سود شرکت‌ها و رفتار تحلیلگران را بررسی و دسته‌بندی کرده‌اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که تحلیلگرانی که بر تعداد زیادی از شرکت‌ها تمرکز داشته و سود آن‌ها را پیش‌بینی می‌کنند، هنگامی که شرکت سود خود را اعلان می‌کند، تمرکز کمتری بر آن دارند و بیشتر بر شرکت‌هایی متمرکز می‌شوند که سود خود را افشا نکرده باشند. همچنین، شرکت‌هایی که

1. Charles, Schmid, and von Meyerinck
2. Francis, Lafond, Olsson and Schipper
3. post earnings announcement drift
4. Bartov, Radhakrishnan, and Krinsky



سودهای غیرمنتظره‌شان زیاد است، در سود پیش‌بینی‌شده خود، نوسان بیشتری دارند و این موضوع، ریسک این شرکت‌ها را افزایش داده و این تحلیل‌گران، بر این شرکت‌ها تمرکز کمتری دارند.

قائمی، بیات، و اسکندرلی (۱۳۹۰، ۱۲۱)، واکنش بازار به تغییرات سود سهام را با توجه به روند پرداخت آن بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، تا زمانی که شرکت از روند پیشین تقسیم سود خود منحرف نشود، بازار واکنش غیرمنتظره‌ای نشان نمی‌دهد. همچنین، به این نتیجه رسیده‌اند که بازار با دنبال کردن روند خاصی، واکنش مثبتی به افزایش رخ داده در آن روند نشان می‌دهند.

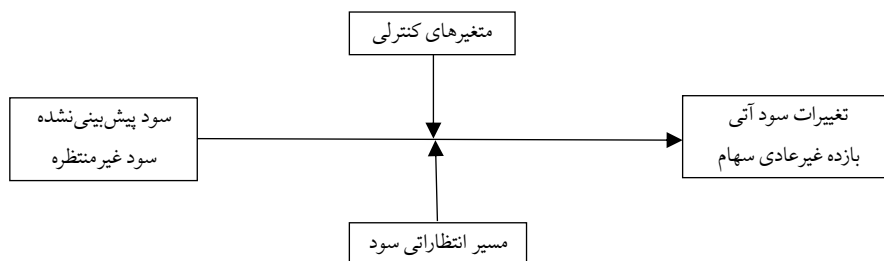
مهرآذین، مسیح‌آبادی، و دهنوی (۱۳۹۰، ۱۲۴) ارتباط بین محتوای اطلاعاتی سود و سطوح شفافیت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ بررسی کرده‌اند. آنان بر این نظر بوده‌اند که شفافیت اطلاعات مالی، سبب تضعیف رابطه سود-بازده می‌شود. درواقع، نتایج الگوی رگرسیون خطی چندگانه این پژوهش نشان‌دهنده این است که در شرکت‌های با سطح شفافیت مالی کم (زیاد) سود دارای اطلاعات بیشتری (کمتری) برای سرمایه‌گذاران است.

موسوی و علوی طبری (۱۳۹۰، ۱۳) در پژوهشی اثر اخبار منفی در طول یک فصل را بر محتوای اطلاعاتی اعلامیه‌های سود فصلی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده‌اند. پرسش اصلی پژوهش آن‌ها این بود که آیا بین وجود اخبار منفی در طول فصل با محتوای اطلاعاتی سود، رابطه معناداری وجود دارد؟ این نویسندگان برای بررسی این پرسش از اطلاعات ۸۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و برای سنجش این رابطه از آزمون رگرسیون اثرات ثابت استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها، بیانگر این است که وجود اخبار منفی در طول یک فصل بر محتوای اطلاعاتی سود آن فصل تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۲-۱. الگوی مفهومی

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی در ایران و خارج از ایران، ابعاد مختلف تأثیر رقم سود و خبر اعلان سود بر بازده سهام شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند که براین اساس، تأثیر نقش متغیرهای

مستقل یعنی سود پیش‌بینی نشده و سود غیرمنتظره بر تغییرات سود آتی و بازده سهام غیرعادی با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی و مسیر انتظاراتی سود را بررسی کرده‌ایم.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

۳. روش پژوهش

برپایه بررسی‌های انجام‌شده، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در شکل شماره (۱) مشخص شده است. بیشتر پژوهش‌های پیشین، برپایه معیارهای درونی یا بیرونی تجزیه و تحلیل شده‌اند، درحالی‌که در نگاه کل نگر و بهینه، دید متمرکز و یکپارچه می‌تواند به میزان زیادی به سازمان برای رسیدن به اهدافش کمک کند. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع توصیفی و به لحاظ ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه این پژوهش می‌تواند در تعیین فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران به کار رود، نوع پژوهش، کاربردی به‌شمار می‌آید. برای گردآوری داده‌ها، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این روش، مبانی نظری پژوهش از کتاب‌ها و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین گردآوری می‌شود. برای گردآوری داده‌های تکمیلی پژوهش نیز از لوح‌های فشرده بایگانی تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران، و پایگاه‌های اینترنتی مرتبط استفاده شده است.

۳-۱. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش، همه شرکت‌های دارای فناوری سطح بالای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ است. یک بنگاه



اقتصادی باید دست کم چهار ویژگی داشته باشد تا جزء صنایع دارای فناوری سطح بالا به شمار آید:

- فناوری‌های محوری آن، یعنی فناوری‌هایی که فعالیت تجاری بنگاه بر محور آن‌ها استوار است، از نوع پیشرفته باشد؛
- بخش زیادی از نیروی انسانی فعال در این بنگاه را نیروهای علمی مانند پژوهشگرها و مهندس‌ها تشکیل دهند؛
- این بنگاه‌ها بیشتر در بازارهایی حضور دارند که بر مبنای نوآوری فعالیت می‌کنند.
- درواقع، نوآوری، موتور محرک صنایع دارای فناوری سطح بالا است.
- شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا در چند دسته طبقه‌بندی می‌شوند:
- صنایع الکترونیک یا صنایع طراحی و ساخت که دربردارندهٔ رایانه و وسایل آن، مدارهای مجتمع، و تولید تجهیزات الکترونیکی و ارتباطی پیشرفته می‌شود (البته به جز فرایندهای مونتاژ (S.K.D))؛
- صنایع تولید مواد نو که تولید سرمایه‌های پیشرفته، کامپوزیت‌ها، پلیمرهای پیشرفته، و مواد ابرسانا است؛
- صنایع بیوفناوری که دربردارندهٔ انواع محصولات دارویی پیشرفته و کیت‌های تشخیص، مکمل‌های غذایی، بیوپلیمرها، رآکتورهای زیستی، تراشه‌های بیوفناوری، و تولید انواع کودهای بیولوژیک و آنزیم‌ها است؛
- صنایع اپتیک و لیزر که دربردارندهٔ انواع لنز، تجهیزات کاربرد لیزر، فیبر نوری، کریستال‌ها، و لایه‌های نازک اپتیکی و ایتومکانیک است؛
- اتوماسیون صنعتی و سامانه‌های هوشمند که سامانه‌ها و تجهیزات کنترل فرایند، ابزار دقیق، کنترل گرما، سنسورها، و روبات‌ها را دربر می‌گیرد؛
- نانوفناوری: این صنعت در زمینه‌های گوناگونی از قبیل برق و رایانه، پزشکی، محیط زیست، انرژی، و... کاربرد دارد؛
- صنایع مرتبط با فناوری اطلاعات (IT) که دربردارندهٔ طراحی و تولید بسته‌های نرم‌افزاری انتقال اطلاعات و خدمات شبکه‌های اطلاع‌رسانی، سامانه‌های اطلاعاتی، و اطلاع‌رسانی است؛





- صنایع هوا و فضا که به تجهیزات ناوبری هوایی، سامانه‌های آیرودینامیک و مکانیک پروازی ساخت هواپیماهای غیرنظامی، و فناوری‌های ماهواره‌ای مربوط است؛
 - انرژی‌های نو مانند پیل سوختی و مبدل‌های خورشیدی.
 - برای انتخاب نمونه، از بین تمام شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که دارای هریک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و سرانجام، شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:
 - به‌منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های موردبررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
 - در راستای افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد؛
 - نمونه آماری، شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها، و شرکت‌های بیمه را دربر نمی‌گیرد و تنها دربردارنده شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا است؛
 - شرکت‌ها در دوره زمانی موردنظر این پژوهش، تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداشته باشند؛
 - داده‌های موردنظر شرکت‌ها در دسترس باشد.
- سرانجام، شرکت‌های موردبررسی در این پژوهش، شامل ۲۴۰ شرکت دارای فناوری سطح بالای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. به این ترتیب که از بین تمام شرکت‌های بورسی، ۱۵۹ شرکت به دلیل هماهنگ نبودن پایان سال مالی، ۶۳ شرکت به سبب فعالیت در صنعت واسطه‌گری و سرمایه‌گذاری، و تعدادی نیز به علت عدم دسترسی به اطلاعات کامل در دوره زمانی پژوهش، حذف شدند.

۲-۳. الگوی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها، ابتدا مفهوم متغیر مسیر انتظاراتی سود، ارائه و مطرح می‌شود. مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها^۱ از طریق نوع تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود^۲ و نوع تحقق سود غیرمنتظره^۳ و متناسب با انتظارات گذشته و در ۴ حالت به شرح زیر مشخص می‌شود. گفتنی است، نوع تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود و نوع تحقق سود غیرمنتظره به شرح زیر محاسبه می‌شوند.

$$REV = \text{Last Firms' forecast of quarter } q \text{ earnings} \\ - \text{First Firms' forecast of quarter } q \text{ earnings}$$

1. earnings expectation path
2. Sign of the Forecast Revision (REV)
3. Sign of the Earnings Surprise (SURP)



در فرمول بالا، نوع تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود (REV) از طریق محاسبه تفاوت میان آخرین پیش‌بینی سود شرکت و نخستین پیش‌بینی آن متناسب با هر فصل به‌دست می‌آید. البته باید در نظر داشت که تنها علامت عدد به‌دست‌آمده از نتیجه تفاضل، مبنای تعیین مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها خواهد بود.

$$SURP = EPS_q - \text{Last Firms' forecast of quarter } q \text{ earnings}$$

در فرمول بالا، نوع تحقق سود غیرمنتظره (SURP) از طریق محاسبه تفاوت میان سود هر سهم شرکت و آخرین پیش‌بینی آن متناسب با هر فصل به‌دست می‌آید. البته باید در نظر داشته باشیم که تنها علامت عدد به‌دست‌آمده از نتیجه تفاضل، مبنای تعیین مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها خواهد بود.

مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها براساس ۴ حالت شناسایی می‌شود: مسیر نخست، استمرار در خبر خوب به شرط تعدیل پیش‌بینی سود مثبت و سود غیرمنتظره مثبت است؛ مسیر دوم، عدم استمرار در خبر خوب به شرط تعدیل پیش‌بینی سود مثبت و سود غیرمنتظره مثبت است؛ مسیر سوم، عدم استمرار در خبر بد به شرط تعدیل پیش‌بینی سود مثبت و سود غیرمنتظره مثبت است؛ مسیر چهارم، استمرار در خبر بد به شرط تعدیل پیش‌بینی سود مثبت و سود غیرمنتظره مثبت است.

البته باید در نظر داشته باشیم که تنها علامت عدد به‌دست‌آمده از نتیجه تفاضل، مبنای تشخیص مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها خواهد بود. در ادامه، مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها به شرح زیر محاسبه می‌شود:

جدول ۱. مسیر انتظاراتی سود

حالت‌های مختلف	نوع تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود	نوع تحقق سود غیرمنتظره	مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها
اول	مثبت	مثبت	استمرار در اخبار خوب
دوم	منفی	مثبت	عدم استمرار در اخبار خوب
سوم	مثبت	منفی	استمرار در اخبار بد
چهارم	منفی	منفی	عدم استمرار در اخبار بد



در ادامه، شرکت‌ها برپایهٔ حالت‌های گوناگونی که در آن قرار می‌گیرند، می‌توانند محتوای اطلاعاتی سود را تنظیم کرده و واکنش‌های متفاوت رفتاری سرمایه‌گذاران در بازار را تعیین کنند. اکنون به منظور الگوسازی محتوای اطلاعاتی سود با توجه به مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها از الگوی زیر استفاده می‌کنیم:

$$\Delta EPS_{i,t+1} = \alpha_0 + \alpha_1 SURP_{i,t} + \alpha_2 REV_{i,t} + \alpha_3 \Delta EPS_{i,t} + \alpha_4 LTA_{i,t} + \alpha_5 CATA_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 MGO_{i,t} + \alpha_8 LOSS_{i,t} + \alpha_9 MTB_{i,t} + \alpha_{10} LEV_{i,t} + \alpha_{11} RETVOL_{i,t} + \alpha_{12} INST_{i,t} + \sum \alpha_{13} Signals_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

به منظور الگوسازی رفتار سرمایه‌گذاران در بازار با توجه به مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها از الگوی زیر استفاده می‌شود:

$$AbRet_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 SURP_{i,t} + \alpha_2 REV_{i,t} + \alpha_3 \Delta EPS_{i,t} + \alpha_4 LTA_{i,t} + \alpha_5 CATA_{i,t} + \alpha_6 ROA_{i,t} + \alpha_7 MGO_{i,t} + \alpha_8 LOSS_{i,t} + \alpha_9 MTB_{i,t} + \alpha_{10} LEV_{i,t} + \alpha_{11} RETVOL_{i,t} + \alpha_{12} INST_{i,t} + \sum \alpha_{13} Signals_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در الگوهای یادشده REV، تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود؛ SURP، تحقق سود غیرمنتظره؛ EPS، سود هر سهم؛ Signals، مسیر انتظاراتی سود؛ AbRet، بازده غیرعادی؛ LTA، اندازه شرکت؛ CATA، نسبت دارایی‌های جاری؛ LEV، اهرم مالی؛ ROA، بازده دارایی‌ها؛ MTB، نسبت ارزش بازار به دفتری؛ RETVOL، نوسان بازده؛ INST، مالکیت نهادی؛ MGO، مالکیت مدیریت؛ و LOSS، زیان شرکت را نشان می‌دهد.

۳-۳. متغیرهای پژوهش

• تغییرات سود آتی (ΔEPS_1): تغییرات سود بین دو دوره که به صورت سالانه و فصلی محاسبه می‌شود؛

• بازده غیرعادی سهام (AbRet): از طریق برآورد تفاوت میان بازده واقعی و بازده بازار به دست می‌آید؛

۳-۳-۱. متغیرهای مستقل

• سود غیرمنتظره (SURP): از طریق برآورد تفاوت میان سود هر سهم شرکت و آخرین پیش‌بینی آن متناسب با هر فصل به دست می‌آید؛

• تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود (REV): از طریق برآورد تفاوت میان آخرین پیش‌بینی سود شرکت و نخستین پیش‌بینی آن متناسب با هر فصل به دست می‌آید؛

• مسیر انتظاراتی سود (Signals): در چهار حالت و به شرح جدول شماره (۱) محاسبه می‌شود.

۳-۲-۳. متغیرهای کنترلی

در این پژوهش، متغیرهای کنترلی بر پایه یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تعیین و در الگوهای پژوهش به کار برده شده‌اند.

- اندازه شرکت (LTA): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است؛
- نسبت جاری (CATA): نسبت دارایی‌های جاری به مجموع دارایی‌ها است؛
- بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت سود پیش از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها است؛
- زیان (LOSS): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری، سال پیش، یا در دو سال پیش زیان داشته باشد، عدد یک و در غیر این صورت، صفر است؛
- ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است؛
- اهرم مالی (LEV): نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت است؛
- انحراف معیار بازده (RETVOL): انحراف معیار سه‌ساله بازده سالانه شرکت است؛
- مالکیت نهادی (INST): میزان مالکیت نهادی، از تقسیم بر مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، نهادهای دولتی، و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشرشده شرکت به دست می‌آید؛
- مالکیت مدیریتی (MGO): مالکیت مدیریت که از تقسیم سهام نگهداری‌شده توسط هیئت مدیره بر کل سهام شرکت در هر دوره به دست می‌آید.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

به منظور ارائه یک نمای کلی از ویژگی‌های مهم متغیرهای محاسبه‌شده، در جدول شماره (۲) برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل، و اکثر مشاهدات ارائه شده است.



جدول شماره (۲). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
تغییرات سود آتی	۰/۱۳۶۸	۰/۱۲۵۸	۰/۰۳۱۱	۰/۴۰۵۶	۰/۰۰۰۷
سود غیر منتظره	۰/۱۲۰۸	۰/۰۹۲۵	۰/۴۳۱۰	۰/۷۹۸۱	۰/۰۰۱۷
تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود	۰/۳۳۱۷	۰/۳۰۸۷	۰/۴۹۷۹	۰/۹۰۰۷	-۰/۲۲۵۸
تغییرات سود	۰/۱۲۴۹	۰/۱۰۶۸	۰/۳۳۱۰	۰/۴۰۵۶	۰/۰۰۰۷
بازده غیرعادی سهام	۰/۱۷۹۴	۰/۱۲۷۵	۰/۱۷۴۱	۰/۹۹۸۴	۰/۰۰۱۶
مسیر انتظاراتی سود (حالت اول)	۰/۲۹۴۳	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۱۹	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
مسیر انتظاراتی سود (حالت دوم)	۰/۱۳۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۷۶	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
مسیر انتظاراتی سود (حالت سوم)	۰/۳۸۴۱	۱/۰۰۰۰	۰/۲۸۲۷	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
مسیر انتظاراتی سود (حالت چهارم)	۰/۱۹۰۶	۰/۰۰۰۰	۰/۱۵۶۶	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۵/۸۵۸۶	۵/۷۹۵۰	۰/۶۱۲۳	۸/۵۲۰۰	۴/۲۴۶۴
نسبت جاری	۰/۶۱۴۳	۰/۶۵۱۰	۰/۲۱۱۹	۰/۹۵۰۰	۰/۰۶۷۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۷۶	۰/۰۵۷۳	۰/۲۱۷۶	۱/۱۸۵۴	-۰/۴۰۳۲
زیان شرکت	۰/۰۸۷۴	۰/۰۰۰۰	۰/۲۸۲۷	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	۱/۱۶۴۱	۱/۱۲۰۹	۰/۱۵۶۶	۱/۹۲۷۱	۰/۴۷۰۴
اهرم مالی	۰/۶۴۲۷	۰/۶۵۸۹	۰/۲۰۱۲	۱/۸۲۴۴	۰/۰۹۶۴
نوسان بازده	۰/۳۸۹۵	۰/۳۳۵۰	۰/۲۴۱۱	۰/۹۷۷۴	۰/۰۱۲۰
مالکیت نهادی	۰/۷۲۲۷	۰/۸۱۹۰	۰/۲۶۵۷	۰/۹۹۰۰	۰/۰۱۰۰
مالکیت مدیریت	۰/۶۶۸۱	۰/۷۰۱۱	۰/۲۰۸۴	۰/۹۹۰۰	۰/۰۱۰۰



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۷۲

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

میانگین تغییرات سود آتی، ۰/۱۳۶۸ است که بیانگر محافظه‌کارانه بودن رویکرد پیش‌بینی سود و ایجاد بازده غیرعادی در بلندمدت است. میانگین تعدیل در بازنگری پیش‌بینی سود و تغییرات سود به ترتیب، ۰/۳۳۱۷ و ۰/۱۲۰۸ است که نشان‌دهنده تعدیل در انتظارات و برآوردهای مدیریت است؛ به گونه‌ای که بیشتر شرکت‌های مورد مطالعه به دلیل نوسانات در بازار سرمایه و شرایط محیطی، اقدام به تعدیل پیش‌بینی‌های خود کرده‌اند که با توجه به بازده غیرعادی ۱۷ درصدی، قابل توجیه است. با توجه به مسیرهای انتظاراتی سود می‌توان گفت، پایداری مسیرهای مربوط به اخبار خوب نسبت به مسیرهای مربوط به اخبار بد، بیشتر است و با توجه به تغییرات مناسب در سودهای آتی، قابل توجیه است. افزون‌براین، با توجه به رویکرد محافظه‌کارانه در پیش‌بینی سود، مسیر انتظاراتی استمرار در



اخبار بد (با میانگین $0/3841$) بالاترین سهم از رویکردهای پیش‌بینی را به خود اختصاص داده است. ساختار مالکیتی شرکت، دربردارنده $0/72$ سهام‌دار آگاه است که بخش عمده‌ای از اعضای هیئت‌مدیره ($0/668$) را تشکیل می‌دهند. میانگین $17/9$ درصدی نااطمینانی محیطی، بیانگر ثبات در روند فروش شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. ارزش میانگین اندازه شرکت، $5/8586$ و نسبت جاری، $0/6143$ است؛ به بیان روشن‌تر، بخش زیادی از دارایی‌های شرکت‌ها، جاری هستند که بیانگر بالاتر بودن سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت است. میانگین اهرم مالی و نوسان بازده به ترتیب، $0/6427$ و $0/3895$ است که نشان می‌دهد، بخش زیادی از هزینه‌کرد شرکت از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. ارزش میانگین بازده دارایی و زیان شرکت به ترتیب، $0/1376$ و $0/0874$ است که بیانگر ایجاد $0/13$ بازدهی به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها است. ارزش میانگین $1/1641$ برای نسبت ارزش بازار به دفتری، نشان‌دهنده فرصت‌های رشد موجود برای شرکت‌های مورد مطالعه است. با مقایسه میانگین و میانه متغیرها می‌توان گفت، ارزش همه میانگین‌ها به جز نسبت جاری، بزرگ‌تر از میانه‌ها است که نشان‌دهنده انحراف منطقی در توزیع هر متغیر است. پس از بررسی ضریب تغییرات داده‌ها می‌توان گفت، داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته، توزیع نرمالی دارند.

۴-۲. آمار استنباطی

پیش از برازش الگوها، لازم است آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای الگوهای بالا انجام شود. نتایج به دست آمده از آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر برای الگوهای پژوهش

الگوی پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی ۱	۶/۵۷۱۳	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت
الگوی ۲	۵/۸۶۹۳	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر ورد فرضیه H_0 برای الگوهای پژوهش، لازم است برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای پژوهش

الگوی پژوهش	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی ۱	۱۴/۰۵۹۲	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت
الگوی ۲	۱۴/۱۹۰۲	۰/۰۰۰۰	الگوی اثرات ثابت

نتایج ارائه‌شده در جدول شماره (۴)، حاکی از رد شدن فرضیه H_0 برای الگوهای پژوهش است و در نتیجه، الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، برتری دارد؛ بنابراین، برای برآورد الگوهای پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای تشخیص خودهمبستگی الگو، از آزمون دوربین -واتسن استفاده شده است. افزون‌براین، از آزمون فیشر برای بررسی معناداری کل الگوها استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگوی ۱ و ۲ پژوهش

متغیر	محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی			رفتار سرمایه‌گذاران		
	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
سود غیرمنتظره	۰/۱۲۰۳	۲/۵۹۲۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۳۲	۲/۴۱۱۳	۰/۰۱۶۲
تعديل در بازنگری پیش‌بینی سود	-۰/۱۷۴۵	-۲/۳۹۵۱	۰/۰۱۰۳	۰/۱۰۶۰	۲/۸۲۶۴	۰/۰۰۴۸
تغییرات سود	۰/۱۰۲۵	۲/۷۱۰۶	۰/۰۰۳۴	-۰/۰۰۱۵	-۰/۴۳۵۱	۰/۶۶۳۶
مسیر انتظاراتی سود (حالت نخست)	۰/۰۳۵۹	۲/۹۹۲۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۵۲	۱/۷۹۷۸	۰/۰۷۲۶
مسیر انتظاراتی سود (حالت دوم)	۰/۰۰۱۶	۱/۴۲۱۶	۰/۱۵۲۴	-۰/۰۰۲۳	-۱/۰۵۳۲	۰/۲۹۲۶
مسیر انتظاراتی سود (حالت سوم)	-۰/۰۰۳۹	-۲/۵۱۰۱	۰/۰۰۷۸	۰/۰۰۴۴	۲/۷۳۳۶	۰/۰۰۷۰
مسیر انتظاراتی سود (حالت چهارم)	-۰/۰۰۲۵	-۳/۱۲۹۴	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۶۲	-۰/۹۶۷۱	۰/۰۴۸۸
اندازه شرکت	-۰/۰۰۰۵	-۰/۵۶۰۸	۰/۵۷۵۱	-۰/۰۰۱۹	-۰/۴۹۰۱	۰/۶۲۴۲
نسبت جاری	۰/۰۳۱۴	*۳/۰۰۷۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۲۹	*۲/۷۴۸۰	۰/۰۰۶۲
بازده دارایی‌ها	۰/۰۱۴۱	*۲/۵۱۷۰	۰/۰۰۸۶	۰/۰۰۴۴	***۱/۹۴۴۱	۰/۰۵۵۴
زیان شرکت	۰/۰۰۹۲	*۳/۷۴۱۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۳۱	۰/۹۵۹۱	۰/۳۳۷۸
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۰۱۵	-۰/۵۱۵۲	۰/۶۰۶۵	-۰/۰۰۴۵	-۰/۹۰۱۲	۰/۳۶۷۸

متغیر	محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی			رفتار سرمایه‌گذاران		
	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
اهرم مالی	-۰/۰۲۴۰	*-۲/۷۱۱۷	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۷۱	***-۱/۷۹۷۸	۰/۰۷۲۶
نوسان بازده	-۰/۰۰۱۶	-۱/۳۹۷۰	۰/۱۶۲۸	-۰/۰۰۳۰	-۱/۰۵۳۲	۰/۲۹۲۶
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۷۲	*-۲/۶۲۱۷	۰/۰۰۸۹	-۰/۰۰۴۷	*-۲/۷۳۳۶	۰/۰۰۷۰
مالکیت مدیریت	-۰/۰۰۸۹	*-۳/۱۳۹۴	۰/۰۰۱۸	-۰/۰۰۶۱	** -۰/۹۶۷۱	۰/۰۴۸۸
جزء ثابت	۰/۰۴۶۹	*۲/۸۰۴۹	۰/۰۰۴۷	۰/۰۵۲۴	۲/۲۱۱۱	۰/۰۲۷۴
ضریب تعیین	۰/۳۳۱۷			۰/۵۵۷۸		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۲۰۲			۰/۴۷۵۶		
آماره دوربین-واتسن	۱/۷۳۴۳			۱/۵۷۵۵		
آماره F	۲۸/۶۵۶۷			۶/۷۸۲۰		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰		



فرضیه نخست پژوهش بیان می‌کند که می‌توان با بررسی مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها، محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی را الگوسازی کرد. همان‌گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، سطح احتمال متغیر تغییرات سود، ۰/۰۰۵۹ بوده و با توجه به اینکه کوچک‌تر از ۵ درصد است، فرضیه نخست پژوهش تأیید می‌شود. فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که می‌توان با بررسی مسیر انتظاراتی سود شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاران را الگوسازی کرد. همان‌گونه که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، سطح احتمال متغیر تغییرات سود، ۰/۰۱۶۲ بوده و با توجه به اینکه کوچک‌تر از ۵ درصد است، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

برپایه نتایج برآورد الگوها، می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای پژوهش، معنادار است، زیرا مقدار سطح خطای احتمال مربوط به آماره F، کمتر از ۵ درصد است؛ در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن الگو، پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسن الگوهای بالا، می‌توان نتیجه گرفت، الگوهای پژوهش، مشکل خودهمبستگی ندارند.

۳-۴. اقتصاد رفتاری و سود فصلی شرکت‌های دانش‌بنیان

امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، شرکت‌های دانش‌بنیان دارای فناوری سطح بالا به‌عنوان یک مجموعه مهم، توسعه یافته‌اند. جامعه به میزان زیادی اطلاعات جدید و ارزش‌های



مبتنی بر دانش را دریافت می‌کند. اقتصاد رفتاری، تأثیر عوامل اجتماعی، شناختی، و عاطفی را بر تصمیم‌های اقتصادی افراد و نهادها و پیامدهای آن برای تأمین سود و تخصیص منابع بررسی می‌کند. اقتصاد رفتاری، ویژگی‌های تصمیم‌گیرنده را ثابت نمی‌کند، بلکه بر فرایندهای غیرمتعادل و اقدامات عوامل گوناگون با عقلانیت محدود تمرکز دارد که ممکن است از تجربه‌ها و تعاملات بیاموزند. آموزش و در نتیجه، سطح بالای تجمعی دانش در جامعه ممکن است بر پیچیدگی و مشکل در نظام اقتصادی کشور، به‌ویژه با توجه به رویکرد اقتصاد رفتاری، تأثیر بگذارد.

رباطهٔ امروز بین سطح آموزش اقتصادی (به‌ویژه دانش مالی) و بهره‌وری از اقتصاد واقعی (شرکت‌های دارای فناوری سطح بالا) یکی از موضوع‌های اصلی بحث علمی در بسیاری از رویکردهای گوناگون است. تقریباً غیرممکن است که علم اقتصاد، جدا از رشته‌های دیگری مانند روانشناسی، رفتار انسان، فلسفه، اخلاق، و... در نظر گرفته شود. رویکرد مشترک این است که سواد مالی برپایهٔ دانش تعیین می‌شود؛ در پژوهش‌های گوناگون دربارهٔ جمعیت، افراد با توجه به اینکه آیا پولی را برای زمان‌های سخت ذخیره کرده‌اند، اهداف بلندمدتی دارند، یا از درآمد و بودجهٔ اختصاص‌یافته به بازنشستگی مراقبت می‌کنند یا خیر، به باسواد یا بی‌سواد تقسیم می‌شوند. همچنین، سرمایه‌گذاری جامعه در بازار سهام، آگاهی از اقدامات این جمعیت، یا توزیع مناسب سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده نیز از جمله سایر مواردی است که در تعیین سواد مالی نقش دارد. برای تعیین میزان سواد مالی، مسائل زیر در نظر گرفته شده است: آیا فرد می‌داند که چگونه درآمد و هزینه‌های روزانه را با هم سازگار کند، آیا به‌گونه‌ای ناامیدکننده بدهکار است یا خیر. با دانش کافی، امکان توسعهٔ بیشتر مهارت‌های مفید وجود دارد؛ بنابراین، لازم است دانش خود را ابتدا در حوزه ریاضیات و سپس در اقتصاد خرد و کلان، به‌منظور شناخت روش مدیریت امور مالی، چگونگی وابستگی به پول، بهره، تورم، و... توسعه دهیم. دانش کلی باید سبب یادگیری رفتار عقلانی، انتخاب مناسب خدمات مالی، و پرهیز از خطاهایی شود که موجب آسیب رسیدن به وضعیت مالی فرد می‌شوند. جهانی‌شدن، بهبود بازارهای مالی، و تغییرات دائمی در اقتصاد که پیش‌بینی آن‌ها دشوار است، نیاز به سواد مالی را برجسته

می‌کند. این تغییرات و نوآوری‌های فناوری، رفتار مالی افراد و مدیریت مالی شخصی را تغییر می‌دهند. با پیشرفت علم اقتصاد، رویکرد اقتصاددانان به رفتار مالی مصرف‌کننده تغییر کرده است.

اقتصاد رفتاری تدوین شده است تا به منظور برطرف کردن اختلاف در حال ظهور بین فرضیه بازار کارآمد و واقعیت، بینش عمیق‌تر متمرکز بر روانشناسی را به عنوان عامل مهمی در نظریه مالی گسترش دهد. با توجه به ادغام علوم گوناگون، اقتصاد رفتاری، ناهنجاری‌های بازار و رفتار مالی افراد را بهتر توضیح می‌دهد. فرضیه بازار کارآمد بر این نظر است که سرمایه‌گذاران، در حین رقابت برای دریافت سود بیشتر، قیمت‌های منصفانه را تعیین می‌کنند. نظریه رفتاری روانشناسی، جامعه‌شناسی، و انسان‌شناسی به منظور درک بهتر رفتار مالی افراد به کار می‌روند. یک بازار کارآمد با نظریه انتظارات منطقی، از جمله ارزیابی تمام اطلاعات مربوط به دارایی‌ها، همراه است. با این حال، وجود سرمایه‌گذاران غیرمنطقی فراوان، ناهمبستگی رفتار مالی آن‌ها، غیرقابل اعتماد بودن معاملاتشان، و تأثیرگذاری آن‌ها بر قیمت‌ها، نشان‌دهنده تأثیر سرمایه‌گذاران نامناسب بر بازار است. اگر سرمایه‌گذاران غیرمنطقی باشند، تصمیم‌های مالی آن‌ها قیمت‌ها را تعیین می‌کند، اگرچه ارزش دارایی‌های مالی را تغییر نمی‌دهند؛ در نتیجه، سرمایه‌گذاران منطقی می‌توانند — تا زمانی که قیمت دارایی با ارزش آن همگرا باشد — دارایی‌های بسیار با ارزش را به فروش برسانند یا کم‌ارزش را خریداری کنند و در نتیجه، سود به دست آورند.

۴-۴. تحلیل اقتصادی و اجتماعی

برای اینکه یک رفتار مدیریتی، یک نشانه متقاعدکننده برای کارمندان و سهامداران باشد، باید قابل مشاهده و بر مبنای هزینه و درآمد باشد، یعنی مدیر باید برای انجام کاری متفاوت به منظور تأثیرگذاری بر دستاوردهای قراردادی برای سود دهی شرکت انگیزه داشته باشد. در این مقاله بررسی نمودیم که آیا اعتبار و تاریخ ثبت کوتاه مدت شرکت در مدیریت سود، نشانه‌ای از قابلیت اعتبار سرمایه‌گذاران برای ارائه سود به آنها در آینده فراهم می‌نماید؛ بنابراین، مدیریت سود بین سرمایه‌گذاران نه تنها به عنوان جنبه‌ای از سودهای حال حاضر شرکت در نظر گرفته شده است بلکه سرمایه‌گذاران باید به منظور کسب تصویر آشکارتری





از عملکرد اقتصادی یک شرکت آن را نادیده نگیرند. همچنین بازار، میزان مدیریت سود در گذشته را به عنوان اطلاعاتی جهت قابلیت اعتبارسنجی شرکت در نظر می‌گیرد که نتایج مشخصی در این موضوع قابل بررسی و تحلیل نبود. افزون‌براین، ممکن است مدیران از گزارش سودها برای انتقال اطلاعات خصوصی درباره عملکرد آینده استفاده کنند. شرکت‌هایی که در مدیریت سودهای حقیقی تنها برای همسویی با معیارها مشارکت می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که در مدیریت سودهای حقیقی مشارکت نمی‌کنند، عملکرد اجرایی بهتری در آینده خواهند داشت؛ به این معنا که مدیران از مدیریت سودها به عنوان یک نشانه استفاده می‌کنند و سرمایه‌گذاران ممکن است سود شرکت‌های فناور با مدیریت سود بالا را (نسبت به شرکت‌های فناور با مدیریت سود کم) دربردارنده اطلاعات مفیدتری درباره عملکرد آینده در نظر بگیرند.

به طور میانگین، بازارها به سود شرکت‌هایی که پیشتر مشارکت کمی در مدیریت سود داشته‌اند (نسبت به سود شرکت‌های دارای پیشینه چشمگیر در مدیریت سود) واکنش بیشتری نشان می‌دهند. در این بخش، شاخص‌های معاصر مدیریت سود، عدم قطعیت اطلاعات، و مدیریت سودهای حقیقی نیز بررسی شده است. افزون‌براین، سه معیار سنجش میزان مفید بودن اطلاعات سودها نشان می‌دهد که بازار، اطلاعات بیشتری از اخبار سودهای شرکت‌های دارای مشارکت در مدیریت سود در گذشته به دست می‌آورد. همان‌گونه که انتظار می‌رود، واکنش‌ها به سود، به‌ویژه زمانی شدیدتر است که شرکت نه تنها از مدیریت سود در سال گذشته، بلکه در محدوده زمانی طولانی‌تری، یا در کل دوره ریاست مدیرعامل یا مدیر مالی، خودداری کرده است.

هنگامی که اهداف شرکت‌کنندگان اصلی بازار و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی همسو می‌شود، اطلاعات ارائه خواهد شد؛ اگر منافع آن‌ها متفاوت باشد، اطلاعات راهبردی یا پنهان یا اطلاعات به‌گونه‌ای ناهماهنگ ارائه می‌شود. یکی از مشکلات انواع مشارکت‌کنندگان در بازار، عدم تقارن اطلاعات سرمایه‌گذاران و اطلاعات ارائه‌شده توسط ارائه‌دهندگان خدمات است؛ بنابراین، اغلب تصمیم‌گیری برای آن‌ها دشوار است. عدم تقارن اطلاعات، زمانی به وجود می‌آید که اطلاعات گوناگونی درباره طرفین وارد شده به



یک معامله یا علاقه‌مند به آن در دسترس باشد. عدم تقارن اطلاعات گریزناپذیر است، زیرا اغلب معاملات، به‌ویژه برپایه انتظارات طرفین از آینده رخ می‌دهد. افزون‌براین، عدم تقارن اطلاعات ممکن است مانع انجام یک معامله شود. یکی از مهم‌ترین ابزار برای مقابله با مشکل عدم تقارن اطلاعات، افزایش سواد مالی مصرف‌کنندگان است.

در قالب الگوی انتظارات عقلانی، رفتارهای غیرمنطقی مشخص می‌شود؛ افزون‌براین، در جهان انتظارات عقلانی و بازارهای کارآمد، قیمت دارایی، بازتاب‌دهنده اطلاعات همواره در حال تغییر و اغلب ناپایدار درباره عوامل بنیادینی است که بر قیمت تأثیر می‌گذارند. نقد اصلی الگوی انتظارات عقلانی، بر این نکته مبتنی است که فرض شود عوامل فردی می‌توانند تمام اطلاعات را در مغز خود ذخیره و پردازش کنند؛ پیچیدگی آن‌ها بسیار بیشتر از پیچیدگی مغز است؛ همچنین، بازارهای مالی دچار ناهنجاری‌های فراوانی است که با پارادایم انتظارات عقلانی تناقض دارد. الگوی عقلانی محدود که رواج فراوانی دارد، بر این فرض تأکید می‌کند که عوامل، برای تجزیه و تحلیل تمام اطلاعات در دسترس، توانایی محدودی دارند؛ بنابراین، برای تصمیم‌گیری، قوانین ساده‌ای اعمال می‌شود، درحالی‌که همه آن‌ها به‌طور بالقوه، به‌گونه‌ای یکسان اطلاعات را به اشتراک می‌گذارند؛ باین‌حال، آن‌ها در نحوه تفسیر و استفاده این اطلاعات متفاوت عمل می‌کنند.

بازار می‌تواند از اطلاعات مربوط به پیشینه مدیریت سود در گذشته برای آزمون میزان تعهد مدیریت به ارائه گزارش‌های معتبر، استفاده کند. انگیزه‌ها و فرصت‌های مدیریت برای مشارکت در تعیین مسیر و میزان سودها در شرکت‌های گوناگون متفاوت است و با گذشت زمان تغییر می‌کند. مدیرانی که در برابر فرصت و انگیزه تعیین مسیر و میزان سودها مقاومت می‌کنند برای بازار قابل اعتمادتر هستند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بازار سرمایه در ایران، یک بازار ناشناخته است. روزانه هزاران سرمایه‌گذار، پول خود را به امید دستیابی به ثروت بیشتر در این بازار، سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این میان، برخی به هدفشان دست می‌یابند و برخی دیگر، سرمایه خود را از دست می‌دهند. شناخت بازار



بورس اوراق بهادار تهران از جنبه‌ها و زوایای گوناگون می‌تواند ضمن کمک به پیش‌بینی بهتر آینده این بازار و تغییرات آن، ریسک سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش داد یا بازده بیشتری را در پی داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش این است که انتظارات سود ممکن است تأثیرات متفاوتی بر پیش‌بینی سرمایه‌گذاران موجود در بازار نسبت به سود و بازده آتی شرکت داشته باشند. با توجه به فرضیه نخست که بیان می‌کند، می‌توان با بررسی مسیر انتظاراتی ایجادشده در مورد سود شرکت‌ها، محتوای اطلاعاتی سودهای فصلی را الگوسازی کرد، وجود رابطه معکوس و معنادار تأیید شده است؛ بنابراین، سود غیرمنتظره می‌تواند به گونه‌ای منفی بر نخستین پیش‌بینی سود تأثیرگذار باشد. یافته‌های این پژوهش در این زمینه با یافته‌های پژوهش‌های چان، لی، و لین^۱ (۲۰۱۳)، برانز^۲ (۲۰۱۰، ۸)، بیرد، کوی، و یونگ^۳ (۲۰۱۱، ۲۴) و ویلیامز^۴ (۲۰۱۴، ۷۹۰) هم‌راستا است.

بر پایه فرضیه دوم پژوهش حاضر، می‌توان با بررسی مسیر انتظاراتی ایجادشده در مورد سود شرکت‌ها، رفتار سرمایه‌گذاران را در بازار الگوسازی کرد؛ بنابراین، یک رابطه مستقیم و معنادار بین آن‌ها برقرار است که با نتایج پژوهش‌های سادکا و سادکا^۵ (۲۰۰۸، ۱۰۰) و اسکینر^۶ (۱۹۹۵، ۳۴)، همسو است. نتایج به‌دست‌آمده پس از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که انتظارات سود باثبات مثبت (منفی) در سیگنال‌های سود سبب افزایش (کاهش) خطای پیش‌بینی سودهای آتی و بازده سهام می‌شود. نتایج کلی پژوهش، تأییدکننده این موضوع بوده و بیان می‌کنند که مسیر انتظاراتی سود ترسیم‌شده در این پژوهش بر تعدیل سود پیش‌بینی‌شده و رفتار سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است.

مسائل کلیدی مربوط به اقتصاد رفتاری مدرن عبارتند از اینکه: چگونه مسائل موردنیاز را به گونه‌ای مؤثر برآورد کنیم و نقش عوامل رقابت‌کننده اقتصادی را بازنویسی نماییم، بازنویسی چنین تقسیمی در عمل، نیازمند تعریف نقش‌های اجتماعی مجدد برای ارکان

1. Chan, Li, and Lin
2. Berens
3. Bird, Choi, and Yeung
4. Williams
5. Sadka and Sadka
6. Skinner



اقتصادی جامعه می باشد. همچنین تعیین اینکه کدام روش بیشترین مزیت را برای جامعه فراهم می نماید نیز از جمله موضوعات قابل بحث در اقتصاد رفتاری می باشد. پاسخ به این مسائل در صورت تعمیم نتایج این مقاله می تواند در زمان انتقال از نظریه انتزاعی تقسیم پایدار به راه حل های عملی طراحی بازارهای نهاد گرا ارائه شود. ابزارهای تحلیلی کاربردی به سرمایه گذاران اجازه می دهد تا روابط متقابل بین افراد از دیدگاه های مختلف، اصول عمومی بهینه و گسترش محدوده ابزار سنجش را بررسی نمایند. از سوی دیگر، در عمل فرصتی برای بازگشت به پیامدهای واقع گرایانه عدم تقارن اطلاعات، ویژگی های خصوصیت رفتاری فردی و چالش های خاص اقتصاد بازار را می توانند به کمک این ابزارها و گزارش ها بررسی نمایند و بهترین تصمیم را در موضوع سود سرمایه گذاری قبل از تقسیم اخذ نمایند.

برپایه نتایج به دست آمده در این پژوهش، سرمایه گذاران در آینده به اخبار ارائه شده توسط شرکت هایی که همواره (اما به گونه ای قانونی) سودهای فصلی شرکت خود را گزارش می دهند، اعتماد نمی کنند. درواقع، بازار به خودداری از مدیریت سود فصلی دقیقاً در شرایطی واکنش نشان می دهد که اعتماد سرمایه گذاران به دلیل کارشکنی شرکت ها علیه شرکت های رقیبشان، و نیز نگرانی آنان از دریافت اطلاعات نادرست و فریبنده، بی دوام است. این نشان می دهد که سرمایه گذاران برداشت متفاوتی از مشارکت در مدیریت سودها دارند. به طور خلاصه، نتایج این پژوهش نشان می دهد که سرمایه گذاران، مدیریت سود را به خودی خود، خوب یا بد نمی دانند، بلکه شرایط موجود را در نظر می گیرند.

۶. پیشنهادها

با توجه به یافته های پژوهش، هیئت مدیره ها باید به رفتارهای محافظه کارانه توجه بیشتری داشته باشند، زیرا در صورت اجرا نشدن رویه های مربوط به آن، زمان زیادی لازم است تا پیامدهای رفتارشان اصلاح شود. شرکت ها باید از میزان ریسک و فرصت های ناشی از تغییرات عوامل رفتاری سرمایه گذاران آگاهی داشته باشند، زیرا ممکن است فرصتی برای بهبود عملکرد، کاهش ریسک، یا به تأخیر انداختن پیامدهای منفی سرمایه گذاری فراهم

نشود. به بیان روشن تر، در نظر گرفتن اثر نوسانات بر رفتار در الگوی سود مورد انتظار، باعث افزایش کیفیت الگوی استاندارد می شود. الگوهای کنونی سود، مبتنی بر این فرض هستند که انتظارات سرمایه گذاران بر پایه رفتارهای یک شرکت در یک نقطه از زمان تعیین می شود و مقاومت های مؤثر بر آن در نظر گرفته نمی شوند.

در مقاله حاضر تفاوت های موجود میان شرکت ها به لحاظ انگیزه و فرصت برای تحریف در اعلام سود، بررسی و یک تصویر بسیار متناقض پدیدار شد. هنگامی که انگیزه مدیرعامل ها و مدیران مالی برای افزایش قیمت سهام قوی است، سود و تحریف سود حائز اهمیت خواهد بود. این نتیجه جالب توجه نشان می دهد که سهام داران درک می کنند که مدیران، انگیزه های متفاوتی برای مشارکت در مدیریت سود دارند. نتایج مقاله های پیشین، وجود رابطه بین مدیریت سودها و انگیزه های مدیریتی برای افزایش قیمت سهام را نشان می دهند. به منظور تکمیل نتایج این پژوهش پیشنهاد می شود در آینده، تأثیر تعاملی ساختار مالکیت و اعتماد به نفس بیش از اندازه بر رفتار سرمایه گذاران بررسی شود و به منظور شناخت رفتار شرکت ها و سرمایه گذاران در بلندمدت، صورت های مالی شرکت ها با یکدیگر مقایسه شوند



- موسوی، سیده سمیه؛ علوی طبری، سید حسین (۱۳۹۰). محتوای اطلاعاتی سود خالص و تعدیل قیمت سهام. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱(۱)، ۷-۱۹. doi: 10.22051/jera.2013.522
- قائمى، محمد حسين؛ بیات، علی؛ اسکندرلی، طاهر (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر محتوای اطلاعاتی اعلان سودهای فصلی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۸(۶۵)، ۱۱۵-۱۳۰.
- مهرآذین، علیرضا؛ مسیح آبادی، ابوالقاسم، دهنوی؛ محمد علی (۱۳۹۰). شفافیت اطلاعات مالی و محتوای اطلاعاتی سود. دانش حسابداری، ۳(۸)، ۱۱۳-۱۳۰. doi: 10.22103/jak.2012.6
- Ball, R., & Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6(2), 159. doi:10.2307/2490232
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2008). How Much New Information Is There in Earnings? *Journal of Accounting Research*, 46(5), 975-1016. doi:10.1111/j.1475-679x.2008.00299.x
- Ball, R., Sadka, G., & Sadka, R. (2009). Aggregate Earnings and Asset Prices. *SSRN Electronic Journal*, 47(5), 1097-1133. doi:10.2139/ssrn.1915364
- Bartov, E., Radhakrishnan, S., & Krinsky, I. (2000). Investor Sophistication and Patterns in Stock Returns after Earnings Announcements. *The Accounting Review*, 75(1), 43-63. doi:10.2308/accr.2000.75.1.43
- Beaver, W. (1968). The Information Content of Annual Earnings Announcements. *Journal of Accounting Research*, 6, 67-92. doi:10.2307/2490070
- Berens, M. (2010). The Asymmetry of Market Efficiency for Positive and Negative Earnings Surprises. *SSRN Electronic Journal*, 1-11. doi:10.2139/ssrn.1569619
- Bird, R. G., Choi, D. F. S., & Yeung, D. (2011). Market Uncertainty and Sentiment, and the Post-Earnings Announcement Drift. *SSRN Electronic Journal*, 1-37. doi:10.2139/ssrn.1912195
- Chan, K., Li, F., & Lin, T.-C. (2013). Post-Split Drift and Post-Earnings Announcement Drift: One Anomaly or Two? *SSRN Electronic Journal*, doi:10.2139/ssrn.2329740
- Charles, C., Schmid, M.M., & Meyerinck, F.V. (2017). Peer Pressure in Corporate Earnings Management. Paris December 2017 Finance Meeting EUROFIDAI – AFFI, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2958181>
- Chen, L., & Zhao, X. S. (2008). Return Decomposition. *SSRN Electronic Journal*, 22(12), 5213-5249 doi:10.2139/ssrn.762601
- Dichev, I., Graham, J., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2016). The Misrepresentation of Earnings. *Financial Analysts Journal*, 72(1), 22-35. doi:10.2469/faj.v72.n1.4
- Francis, J., Lafond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2007). Information Uncertainty and Post-Earnings-Announcement-Drift. *Journal of Business Finance & Accounting*, 34(3-4), 403-433. doi:10.1111/j.1468-5957.2007.02030.x



- Gibson, R., Sohn, M., & Tanner, C. (2017). Investing in Managerial Honesty. *SSRN Electronic Journal*, 1-79. doi:10.2139/ssrn.2912795
- Gurun, U. G., Stoffman, N., & Yonker, S. E. (2015). Trust Busting: The Effect of Fraud on Investor Behavior. *SSRN Electronic Journal*, Kelley School of Business Research Paper No. 15-70, 1-57. doi:10.2139/ssrn.2664307
- Ng, J., Rusticus, T. O., & Verdi, R. S. (2007). Implications of Transaction Costs for the Post-Earnings-Announcement Drift. *SSRN Electronic Journal*, 46(3),661-696. doi:10.2139/ssrn.899902
- PARSONS, C. A., SULAEMAN, J., & TITMAN, S. (2018). The Geography of Financial Misconduct. *The Journal of Finance*, 73(5), 2087–2137. doi:10.1111/jofi.12704
- Pevzner, M., Xie, F., & Xin, X. (2012). When Firms Talk, Do Investors Listen? The Role of Trust in Stock Market Reactions to Corporate Earnings Announcements. *SSRN Electronic Journal*, 117(1),190-223. doi:10.2139/ssrn.2144835
- Roychowdhury, S., & Sletten, E. (2012). Voluntary Disclosure Incentives and Earnings Informativeness. *SSRN Electronic Journal*, 1-57. doi:10.2139/ssrn.1220942
- Sadka, G., & Sadka, R. (2008). Predictability and the Earnings>Returns Relation. *SSRN Electronic Journal*,94(1),87-106 doi:10.2139/ssrn.967675
- Skinner, D. J. (1995). Earnings Disclosures and Stockholder Lawsuits. *SSRN Electronic Journal*, 1-46. doi:10.2139/ssrn.55489
- Williams, C. D. (2014). Asymmetric Responses to Earnings News: A Case for Ambiguity. *The Accounting Review*, 90(2), 785–817. doi:10.2308/accr-50866



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۸۴

دوره ۱۳، شماره ۳
تابستان ۱۴۰۰
پیاپی ۵۱

۱. مقدمه

ظهور مدرنیسم و تهاجم آرمان‌های غرب در ساختار آموزش آکادمیک معماری معاصر ایران نوعی از معماری کلیشه‌ای را به وجود آورده است که با وجود پیشینه و غنای فرهنگی جایی برای بروز و رشد «احساسات انسانی» و «فضاهای خیال‌انگیز» دیده نمی‌شود. بسیاری از آموخته‌های معماری امروز استیلای هژمونی^۱‌های نوظهور و تسخیر روح انسان توسط تکنولوژی‌های نوین و بمباران اطلاعاتی را نشان می‌دهد (پالاسما^۲، ۱۳۹۵، ۲۳). محصول این عملکرد، تبلور اشکال جدید خلیقات فردی به جای خلاقیت فردی است که موجب شده رفتارهای فاشیستی فردی بیش از هر زمانی در میان جامعه معماران دیده شود. محصولات معماری حاضر نشان‌دهنده بی‌ثمر بودن آموزش و یادگیری در انتقال مفاهیم از فردی به فرد دیگر است. تغییر یادگیری از طریق تجربه‌های فردی و اکتشاف در دنیای معناها مورد بحث مقاله حاضر است. در این فرایند، هدف تنها افزایش دانش نیست بلکه چگونگی بیداری، اندیشیدن و فکر کردن مبنای آموختن است که منجر به خودشکوفایی و متعالی ساختن خویش می‌گردد. رشد و پرورش نگاه نو معمار به پدیده‌ها و گسترش پیوند ذهنی میان پدیده‌ها (انسان و طبیعت - انسان و انسان) حلقه گم‌شده آموزش معماری ایران است که برای حل این مهم، نیاز به برقراری ارتباط با جهان دگر رشته‌ها دارد. در این پیوند میان‌رشته‌ای خوانش گستره‌های انتزاعی ادبیات کهن قابل ملاحظه است؛ چراکه ادیبان پارسی بیش از دیگر هنرمندان با مقوله خیال و تصرف ذهنی در برقراری پیوندی نو میان روابط و مفاهیم ساده طبیعت و انسان سروکار داشته‌اند.

امروزه شهرهای ما فارغ از احساسات نافذ انسانی پر از ساختمان‌هایی هستند که نبودشان بهتر از بودنشان است. بررسی ماهوی معماری کنونی نمایانگر آن است که پدیده‌های معماری امروز به دور از معنا و محتوا از شرق تا غرب، جنوب تا شمال به صورتک‌های مشابهی تبدیل شده که حاصل آموزه‌های نادرستی است که معماران ایرانی در این سال‌ها تجربه کرده‌اند. این در حالی است که در مواجهه با فضاهای معماری ایران



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۱۰۲

دوره ۱۳، شماره ۳

تابستان ۱۴۰۰

پیاپی ۵۱

۱. hégémonie

۲. Pallasmaa

BIBLIOGRAPHY

- Ball, R., & Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6(2), 159. doi:10.2307/2490232
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2008). How Much New Information Is There in Earnings? *Journal of Accounting Research*, 46(5), 975-1016. doi:10.1111/j.1475-679x.2008.00299.x
- Ball, R., Sadka, G., & Sadka, R. (2009). Aggregate Earnings and Asset Prices. *SSRN Electronic Journal*, 47(5), 1097-1133. doi:10.2139/ssrn.1915364
- Bartov, E., Radhakrishnan, S., & Krinsky, I. (2000). Investor Sophistication and Patterns in Stock Returns after Earnings Announcements. *The Accounting Review*, 75(1), 43-63. doi:10.2308/accr.2000.75.1.43
- Beaver, W. (1968). The Information Content of Annual Earnings Announcements. *Journal of Accounting Research*, 6, 67-92. doi:10.2307/2490070
- Berens, M. (2010). The Asymmetry of Market Efficiency for Positive and Negative Earnings Surprises. *SSRN Electronic Journal*, 1-11. doi:10.2139/ssrn.1569619
- Bird, R. G., Choi, D. F. S., & Yeung, D. (2011). Market Uncertainty and Sentiment, and the Post-Earnings Announcement Drift. *SSRN Electronic Journal*, 1-37. doi:10.2139/ssrn.1912195
- Chan, K., Li, F., & Lin, T.-C. (2013). Post-Split Drift and Post-Earnings Announcement Drift: One Anomaly or Two? *SSRN Electronic Journal*, doi:10.2139/ssrn.2329740
- Charles, C., Schmid, M.M., & Meyerinck, F.V. (2017). Peer Pressure in Corporate Earnings Management. Paris December 2017 Finance Meeting EUROFIDAI – AFFI, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2958181>
- Chen, L., & Zhao, X. S. (2008). Return Decomposition. *SSRN Electronic Journal*, 22(12), 5213-5249 doi:10.2139/ssrn.762601
- Dichev, I., Graham, J., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2016). The Misrepresentation of Earnings. *Financial Analysts Journal*, 72(1), 22-35. doi:10.2469/faj.v72.n1.4
- Francis, J., Lafond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2007). Information Uncertainty and Post-Earnings-Announcement-Drift. *Journal of Business Finance & Accounting*, 34(3-4), 403-433. doi:10.1111/j.1468-5957.2007.02030.x
- Ghaemi, M., Bayat, A., Skandarlee, T. (2011). The Information Content of Quarterly Earnings Announcements. *Accounting and Auditing Review*, 18(65), 115-130.
- Gibson, R., Sohn, M., & Tanner, C. (2017). Investing in Managerial Honesty. *SSRN Electronic Journal*, 1-79. doi:10.2139/ssrn.2912795
- Gurun, U. G., Stoffman, N., & Yonker, S. E. (2015). Trust Busting: The Effect of Fraud on Investor Behavior. *SSRN Electronic Journal*, Kelley School of Business Research Paper No. 15-70, 1-57. doi:10.2139/ssrn.2664307
- Mehrazeen, A., Masihabadi, A., dehnavi, M. (2012). Financial Information Transparency and Informativeness Content of Earnings. *Journal of Knowledge Accounting*, 3(8), 113-130. doi: 10.22103/jak.2012.6



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

39

Abstract

performance, reduce risk, or delay the negative consequences of investment. In other words, considering the effect of fluctuations in behavior on the expected profit pattern increases the quality of the standard pattern. Current profit patterns are based on the assumption that investors' expectations are determined through corporate factors at one point of time and the cohesion and resistances effective on them are not considered.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

38

Volume 13
Issue 3
Summer 2021

FINDINGS

The first hypothesis of the research states that the information content of quarterly profits can be modeled by examining the expected profit path of companies. As can be seen in the table, the probability level of the profit variable is equal to 0.0059 and considering that it is less than 5%, the first hypothesis is confirmed. The second hypothesis states that the behavior of investors can be modeled by examining the expected path of companies' profits. As can be seen in the table, the probability level of the profit variable is equal to 0.0162 and considering that it is less than 5%, the hypothesis is confirmed.

Based on the results of approximation of patterns, it can be concluded that the research patterns are significant because the amount of probability error level related to F data is less than 5%. As a result, the significance of the model is accepted at the 95% confidence level. Also, according to the amount of the camera-Watson patterns, it can be concluded that the research patterns do not have the correlated problem.

CONCLUSION

Behavioral economics is compiled to encourage the emerging discrepancy between the efficient market hypothesis and reality, deeper psychology-focused insights as an important factor in financial theory. Due to the integration of different scientific knowledge, behavioral economics better explains market anomalies and financial behavior of individuals. The theoretical assumption of the labor market believes that investors set fair prices while competing for big profits. In order to better understand individual financial behavior, behavioral theory of psychology, sociology and anthropology is applied. An efficient market is associated with the theory of logical expectations, including the evaluation of all information related to property. However, if there are many irrational investors and their financial behavior is not correlated and their transactions are unreliable and have impact on prices, these are outcome of a very poor assessment of the impact of unsuitable investors in the market. If investors are irrational, their financial decisions set prices, although they do not change the value of financial assets. As a result, rational investors can sell very valuable assets or buy low-value ones, and thus make a profit, as long as the price of the valuable asset converges.

NOVELTY

With regard to research findings, board of directors should pay more attention to conservative practices because, in case of non-implementation of related procedures, it will take longer to determine the performance consequences. Companies need to be aware of the risks and opportunities associated with changes to the behavior of investors because they may provide an opportunity to improve



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

37

Abstract



INTRODUCTION

After the research of Ball and Brown, many studies were conducted in an attempt to examine and test between accounting numbers and companies' stock prices and returns, and led to the development of this field of market research. In fact, subsequent researches in this domain could largely improve the methods of measuring profits and stock returns and used statistical methods to explain their relationship. Many criterions were used in these researches, and generally profit and return were homogenized through pricing or another variable, hence; unexpected profit and unusual return were used more in these researches. Empirical evidence from these studies also suggest that unexpected profits explain only a small amount (less than 5%) of changes in returns. Therefore, the information content of companies' profits is less than expected, which is probably due to the random step behavior and the quarterly profits announcement. Stock market reactions differ from advertisement and news, and in some cases, are not rational, leading to anomalies such as over- or underpricing. Overreaction and under-reaction occur when people set prices more or less than the actual amount based on new information. One of the main reasons for this is the quantitative and qualitative information available to major market players (Pearson, Sulaeman and Titman, 2018).

PURPOSE

The paper intends to investigate how the announcement of quarterly profits leads to the provision of information signals to predict future profit expectations from the perspective of investors and analysts. The study will also address the issue of whether or not the expected path of current quarterly profits can reflect the future return of the company's stock.

METHODOLOGY

Based on the accomplished researches, the conceptual framework of the present study is shown in the above figure. In general, previous researches were analyzed based on internal or external criterion, while in the holistic and optimal view, centralized and integrated vision can greatly help an organization achieve its goals. The present study is descriptive in terms of its purpose and correlational in terms of nature and method. It is a type of applied research given that this can be used in the decision-making process of investors. Here, to collect data and information, first the library method has been used meaning the theoretical bases of the research are gathered from specialized Persian and Latin books and journals. Then, data were also collected from statistical and digital archives of the Tehran Stock Exchange Organization and its official website as well as other related websites.



The Stock Market Reaction to Quarterly Profit Behavior of High-Tech Companies

Sima Nowroozi¹, Mohammad Hossein Ranjbar^{2*}, Jahanbakhsh Asadnia³

Received: Aug. 29, 2020; Accepted: Apr. 21, 2021

ABSTRACT

From the perspective of stock market, the company's profitability expectations can have different effects on investors' predictions i.e. about the company's future profit and return in proportion to the level of their expectations. As the topic indicates, this study intends to investigate the stock market reaction to the seasonal profit behavior of high-tech companies listed on the Tehran Stock Exchange. In order to study the subject matter based on the regression model of combined data, during 2007-2018 period, data of 240 high-tech companies listed on the Tehran Stock Exchange were collected and used to test research hypotheses. The first hypothesis indicates the possibility of the information content modeling of quarterly earnings based on the expected profits path. Therefore, unexpected earnings can negatively affect the first earnings forecast. The second hypothesis is confirmed based on the fact that the investors' behavior in the market can be modeled by examining the path of expectations created about companies' profits. According to economic analysis and behavioral economics discussions, quarterly profits in high-tech companies have the greatest impact on the development of intellectual property in the company. The results of the research as a whole indicate this issue and state that the expected profit path drawn in this research affects the adjustment of the predicted profit and the behavior of investors.

Keywords: quarterly profit announcement, profit information content, stock market expectations, expected profit path, high-tech companies

1. Department of Accounting, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Iran

2. Assistant Professor, Department of Accounting and Financial Management, Faculty of Humanities, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Hormozgan, Iran (Corresponding Author)

✉ Mhranjbar54@gmail.com

3. Visiting Professor, Qeshm International Campus, Islamic Azad University, Qeshm Branch, Hormozgan, Iran

- Javanshir, K. (1999). *Tārix-e olum-e manābe'e tabie'i-ye Iran* [History of the natural resource sciences of Iran]. Tehran, Iran: Agricultural Research Education and Extension Organization.
- Joneidi, F. (1999). *Hoquq-e bašar dar jahān-e emruz va hoquq-e bašar dar Iran-e bāstān* [Human rights in today's world and human rights in ancient Iran]. Tehran, Iran: Našr-e Balx.
- Kuros, G., & Labbaf Khaneiki, M. (2007). *Water and Irrigation Techniques in Ancient Iran*. Iran: *Iranian National Committee on Irrigation and Drainage* (IRNCID).
- Malandra, W. (1983). *An introduction to Ancient Iranian religion*. USA: University of Minnesota Press.
- Mohaqqeqe damad, M. (2018). *Bohrān-e mohit-e zist, akhlāqist* [The environmental crisis is moral]. *farhangestān-e Olum Newsletter*, 18(67), 51-52.
- Moradi ghiasabadi, R. (2008). *Katibehā-ye Haxāmaneši* [Achaemenid inscriptions]. Tehran, Iran: Navid.
- Mujtabayi, F. (1973). *Šahr-e zibā-ye Aflāton va šāhi-e ārmāni dar Iran-e bāstān* [Plato's Kallipolis and ideal kingship in ancient Iran]. Tehran, Iran: Ancient Iranian Cultural Association.
- Papoli Yazdi, M.H. (2010). *Qanāt-e qasbe-ye Gonābād; yek ostureh* [The quassabeh quanat in gonabat a myth]. Mashhad, Iran: Enteshārāt-e Papoli.
- Puladi, K. (2018). *Dar sowda-ye nezām-e dād; jahānšenāsi-ye Irani va andiše-ye siāsi* [Aspiring for a just system Iranian cosmology and political thought]. Tehran, Iran: Našr-e Markaz.
- Purdavod, E. (1998). *Yaštā*. Tehran, Iran: Našr-e Asātir.
- Rajayi, F. (1996). *Tahavol-e andiše-e siyāsi dar Šarq-e bāstān* [The evolution of political thought in the ancient East]. J. Tehran, Iran: Našr-e Qumes.
- Rashidiyan, A. (2009). *Husserl dar matn-e āsāraš* [Husserl in the text of her works]. Tehran, Iran: Našr-e Ney.
- Rezayi rad. M. (2010). *Mabāni-ye andiše dar xerad-e Mazdāyi* [Fundamentals of political thought in Mazdaean wisdom]. Tehran, Iran: Enteshārāt-e Tarh-e now.
- Rostamvandi, T. (2009). *Andiše-ye Irānšāhri dar asr-e Eslāmi* [Irānšāhri thought in the Islamic era]. Tehran, Iran: Enteshārāt-e Amirkabir.
- Saghebfar, M. (1998). *Šāhnāme-ye Ferdowsi va falsafe-ye tārix-e Iran* [Ferdowsi's Shahnameh and philosophy of history of Iran]. Tehran, Iran: Enteshārāt-e Kharazmi.
- Tabatabayi, J. (2007). *Zavāl-e andiše-ye siyāsi dar Iran* [The decline of political thought in Iran]. Tehran, Iran: Kavir.
- Taghizadeh, M. (2003). *Jahānbini va hefāzat-e mohit-e zist* [Worldview and environmental protection]. *Iranian Journal of Engineering Education*. 4(16), 103-127. doi:10.22047/ijee.2003.2093
- Widengren, G. (1998). *Dinhā-ye Irān-e bāstān* [La royaume de l'Iran antique] (M. Farhang, Trans.). Tehran, Iran: Āgāhān-e Dideh.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

37

Abstract



BIBLIOGRAPHY

- Abedi Sarvestani, A. (2018). Akhlāq-e mohit-e zist va naqš-e ān dar siyānat az tabi'at [Environmental ethics and its role in the preservation of nature]. *Journal of Iran Nature*, 3(2), 6-9. doi: 10.22092/irn.2018.116429
- Ahmadvand, Sh., & Eslami, R. (2017). *Andiše-ye siyāsi dar Iran-e bāstān* [Political thought in ancient Iran]. Tehran, Iran: Samt.
- Amuzgar, J. (2006). *Tarikh-e asātiri-ye Iran* [Mythical history of Iran]. Tehrān, Iran: Samt.
- Amuzgar, J. (2019). *Maghālāt-e Ahmad-e Tafazzoli* [A. Tafazzoli's collected Persian papers]. Tehrān, Iran: Tus.
- Bahar, M. (1996). *Pājuheši dar asātir-e Iran* [Research in Iranian mythology]. Tehran, Iran: Āgah.
- Bahar, M. (2009). *Negāhi be tārikh va asātir-e Iran-e bāstān* [An Overview to the history and mythology of ancient Iran]. Tehran, Iran: Našr-e Elm.
- Behina, A. (1988). *Qanāt sāzi va qanāt dāri* [A qanat construction and a qanat management]. Tehran, Iran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi.
- Benson, J. (2003). *Akhlāgh-e mohit-e zist* [Environmental Ethics: An introduction with reading] (A.Vahabzadeh, Trans.). Mašhad, Iran: Enteshārāt-e Jahad Dāneshgāhi. (Original work published 2001)
- Corbin, H. (2012). *Eslām-e Irani* [En Islam Iranien] (E.Rahmati, Trans.). Tehran, Iran: Sofiya.
- Ebrahimnia, R. (2004). Ahammiyat-e mohit-e zist dar Iran-e bāstān [The importance of the environment in ancient Iran]. *Journal of Tarikh Pajohi*, 6(20), 113-122.
- Eliadeh, M. (1987). *The sacred and profane: the nature of religion*. New York: Harcourt Brace Javanvich.
- Eslami, R. (2015). *Siāsāt be masābe-ye teknik; Mabāni-ye raveši-ye elm-e Siāsāt* [Politics as a technique; Methodological foundations of political science]. Tehran, Iran: Enteshārāt-e Khorsandi.
- Gheibi, M. (2003). *mabāni-ye falsafi-ye hefāzat az mohit-e zist dar Iran-e bāstān* [Philosophical foundations of environmental protection in ancient Iran], Tehran, Iran.
- Hinnells, J. (1985). *Šenāxt-e asātir-e Irani* [Persian mythology] (J. Amuzgar & A. Tafazoli, Trans.). Tehran, Iran: Našr-e Češme.
- Hole, F., Flannery, k., & Neely, J. (1965). Early agriculture and animal husbandry in Deh Luran, Iran. *Current Anthropology*, 6(1), 105-106. doi: 10.1086/200561
- Husserl, E. (2002). *Ta'amolāt-e Dekarti* [Cartesianische Meditationen und Pariser Vorträge] (A. Rashidiyan Trans.). Tehran, Iran: Ney.
- Jamadi, S. (2006). *Zamine va zamāne-ye padidāršenāsi* [Phenomenological context and time]. Tehran, Iran: Enteshārāt-e Qoqnus.

CONCLUSION

Iranians, as the inhabitants of the great plateau, which covers large parts of the earth from east to west, had conceptual frameworks that were perfectly in line with the ecological view. Respect for nature and the four elements have been prevalent among Iranians from the mythological time. Agriculture and civilization seem to have started on the Iranian plateau, in other words, Iran is one of the first countries where early humans had much respect for cultivation and breeding of livestock. Even politics and religiosity in ancient Iran are clearly marked by the customs of keeping nature alive. Coexistence with nature has been very popular among Iranians since the adoption of Zoroastrianism. In the Avesta, protecting and guarding animals, especially those related to livestock and agriculture has been shown to be very important. These texts show that ancient Iranians did not consider rights only for human beings, but according to their own thought, rights were considered for each of the phenomena of the world. Respect for nature has also had a special place in the policies of kings. Respect for nature and the use of materials related to each region for building towers, emphasizing agriculture and farming for the people and providing the possibility of these activities, holding ceremonies based on nature and at the same time with natural changes in the land are among the things applied by Kings in ancient Iran that are testimonies of the sanctity of nature and respect for it.

NOVELTY

What distinguishes this article is the study of environmental ideas from three different perspectives. First, from the perspective of myths, which are known as the first system of knowledge and collective archetypes of Iranian wisdom and have very deep socio-political implications. The second is by looking at Zoroastrianism as the first official religion of ancient Iranians who consider Zarathustra as the promoter of prosperity, peace and civilization and most historians have praised him. And the third is from the perspective of policies and actions of ancient Iranian kings and how they adopted policies and taken steps to conserve biological resources and prevent damage to the environment.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

35

Abstract



INTRODUCTION

With an insight into the evolution of ancient ideas in this region, it can be observed that our ancestors had very positive and close interactions with their surroundings and regarded the environmental elements in the form of national and spiritual beliefs. Undoubtedly, the population balanced and commensurate with resources available at the time, the lack of extravagance in reasonable per capita consumption and, most importantly, the reliance on beliefs and myths, as well as a comprehensive view of the environment, all played a role in such interactions. Basically, the laws that governed in ancient times were based on belief patterns, and the governing policies of that time were based on the notion of protecting the environmental elements of soil, water, plants and animals. Such patterns are evident in the thoughts of Zoroaster, and its primitive forms can be seen in the remnants of the sanctity that are still held in some parts of Iran for some evergreen trees such as *ziziphus* and *cypress*.

PURPOSE

The article is an attempt to study the place of the environment in the political thought of ancient Iran in order to analyze environmental ideas of the predecessors in the framework of governing policies and existing ideas at that time. What is certain and accrued from the writings of that time, the attitude of ancient humans towards the environmental phenomena was comprehensive and based on ethics and beliefs and national ideas. In those days, each person considered himself as part of the surrounding environment, along with all its physical and biological elements, and in other words, there was a kind of bio-centric view that man was only a part of his environment, by analogy. His being was evaluated by his surroundings.

METHODOLOGY

The phenomenological method with an empathetic approach to the environment is the most appropriate for studying the environmental phenomenon in the thought of ancient Iran. The environment has never been safe from the negative impact of industrialized and modern world, and modern man, with his centrality and intellect, has taken steps to make the most of the environment. By continuously examining the environmental thought of ancient Iranians, this method considers the role of mythology, Zoroastrian religion and bio-Iranians in respecting the environment and evaluates the function of this idea in the years of Iranian monogamy as important and a key.

FINDINGS

Familiarity of the Iranian people with their ancient culture, which was once one of the world's first civilizations, had a charter of civil rights and a bio-centric view of nature, will not be ineffective in their behavior today and awareness for different groups, especially young people can be very effective in their current attitude towards the environment and the country's natural resources. Respect for the environment from a religious perspective or in the form of political thought of kings can be a manifestation of the special attention of Iranians in the past to their surroundings and the revitalization of the living space. Undoubtedly, this important issue, if formed in connection with myths, rituals, religions and rule of kings, can always be consistently raised and be the center of gravity for attention to the future.



Environmental Phenomenon in the Political Thought of Ancient Iran

Fatemeh Zolfagharian¹

Received: Nov. 22, 2020; Accepted: Apr. 21, 2021

ABSTRACT

The human perspective has a direct impact on the environment. In the modern era, man has considered himself in the place of God and has dominated the nature that has resulted in encroachment upon its privacy and disruption of its cycle. During antiquity, man always defined himself within the universe and had firm belief that the cycle of nature could not and should not be disrupted. The manner of man's interactions with nature and the environment has been varied and sometimes contradictory in different periods. The existence of a bio-centric view and the acceptance of the principle that man is part of nature and his life depends on the surroundings, has led to behavioral occurrence based on the respect for nature and the environment. Ancient Iranians, too, as one of the world's first civilizations, have always been at the forefront of human and environmental issues. The laws governing the ancient world were based on belief patterns, and the governing policies of that time were based on the notion of the protection of the environmental elements of soil, water, plants and animals. In this article, apart from examining the bio-centric perspective on the remaining myths from ancient Iran, as well as exploring the sources of Zoroastrianism and the Avesta, the relationship between the policies of kings and rulers and environmental ideas is discussed. This article shows that ancient Iranians with a bio-centric attitude and using religious propositions tried to satisfy the four elements of nature and emphasized its preservation.

Keywords: environmental attitude, Ancient Iran, political thought, imperial politic

1. Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Khorasan Razavi, Iran

✉ fa.zolfagharian@mail.um.ac.ir

- Safian, M. J. (2019). Barasi moqayesei mafhume padidar nazd-e Kant va Heidegger, delalatha va natayej-e har yek [Kant and Heidegger on Phenomenon: a Critical Comparison]. *Philosophical Investigation*, 13(26), 233-246. doi: 10.22034/JPIUT.2019.8029
- Shafiei Kadkani, M. R. (1996). *Sovar-e xiyāl dar šē'r-e Fārsi: Tahqiq-e enteqādi dar tatavor-e imāzhā-ye šē'r-e Fārsi va seyr-e nazariye-ye belāqat dar eslām va Iran* [Poetic imagination in Persian poetry: A critical study on the evolution of Persian poetry images and the development of rhetoric theory in Islam and Iran]. Tehran, Iran: Āgāh.
- Shafiei Kadkani, M. R. (2001). *Advār-e šē'r-e Fārsi az mašrutiyat tā soqut-e saltanat* [The periods of Persian poetry from the constitutionalism to the fall of the monarchy]. Tehran, Iran: Soxan.
- Shayegan, D. (2009). *Sāhat-e bineš-e Hafez: Naqd-e adabi* [The area of Hafez's insight: literary criticism]. *Boxārā*, 72,73, 72-55.
- Shayegan, D. (2014). *Panj eqlim-e hozur* [Five realms of existence]. Tehran, Iran: Farhang-e Moāser.
- Smith, D. W. (2018). Phenomenology. In *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrived from <https://plato.stanford.edu/archives/sum2018/entries/phenomenology>.
- Watson, R. (2007). *Cogito, Ergo Sum: The Life of René Descartes*. Boston: David R. Godine.
- Willis, P. (2001). The "Things Themselves" in Phenomenology. *Indo-Pacific Journal of Phenomenology*, 1(1), 1-12. doi: 10.1080/20797222.2001.11433860
- Wood, A. W. (2003). Kant and the problem of human nature. In B. Jacobs, and P. Kain (eds.), *Essays on Kant's Anthropology* (pp. 38-59). Cambridge: Cambridge University Press.
- Yorgancioglu, D. (2004). *Steven Holl: A Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture* (A Thesis Submitted to the Graduate School of Natural and Applied Sciences). Middle east Technical University. Retrieved from <https://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12605414/index.pdf>
- Zumthor, P. (2015). *Rahyāft-e padidāršenāsi dar andiše-ye Peter Zumthor*. [Phenomenology in Peter Zumthor's architecture] (M. Nikfetrat, S. Mirgozar Langaroudi, Trans.). Tehran, Iran: Elm-e Me'mār.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

31

Abstract



- Haghir, S., & Kamelnia, H. (2015). *Nazariye-ye modernite dar me'māri* [Theory of modernity in architecture] (F. Rezvan, ed.). Tehran, Iran: Tehran University.
- Heidegger, M. (2002). *Še'r-e zabān va andiše-ye rahā-yi: haft maqāle az Martin Heidegger hamrāh bā zendegināme-ye tasvir-i Heidegger* [Poetry, language, thought and gelassenheit: seven articles by Martin Heidegger] (A. Manouchehri, Trans.). Tehran, Iran: Mowlā. (Original work published 1971)
- Hicks, S.R.C. (2012). *Tabyin-e post modernism: šakgerā-yi va susiyalism az Rousseau tā Foucault*. [Explaining postmodernism: skepticism and socialism from Rousseau to Foucault] (H. Poursafir, Trans.). Tehran, Iran: Qoqnus. (Original work published 2004)
- Hill, J. (2017). *Merlowponti barāye me'mārān*. [Merleau-Ponty for architects] (G. Saleh Karimi, Trans.). Tehran, Iran: Fekr-e Now. (Original work published 2009)
- Hume, D. (2016). *Resāle-yi darbāre-ye tabiat-e ādami: ketāb-e aval: darbāb-e fahm* [A Treatise of Human Nature] (J. Peykani, Trans.). Tehran, Iran: Qoqnus. (Original work published in 2003)
- Keshavarzi Eishabadi, S. (2009). *Negāhi gozarā bar tārixče-ye mae'nā-ye fenomen va taqvim-e ān dar fenomenoloži-e Hegel va Husserl* [A comparative study Hegel and Husserl's notions of phenomenon and phenomenology]. *Philosophical Investigation*, 5(15), 97-102.
- Newman, L. (2019). *Descartes' Epistemology*. In *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from <https://plato.stanford.edu/archives/spr2019/entries/descartes-epistemology>.
- O'Brien, M. (2004). Commentary on Heidegger's "The Question Concerning Technology", In A. Cashin and J. Jirsa (Eds). *Thinking Together: Proceedings of the IWM Junior Fellows' Conference, Winter 2003*. Vienna: IWM Junior Visiting Fellows' Conferences, Vol. 16.
- Otero-Pailos, J. (2005). *Phenomenology and the Rise of the Architect-Historian*. New York: Columbia University.
- Pallasmaa, J. (2016). *Xiyāl-e mojasam: taxayyol va xiyālpardāzi dar me'māri*. [The embodied image: imagination and imagery in architecture] (A. Akbari, Trans.). Tehran, Iran: Parhām-e Naqš. (Original work published 2011)
- Partovi, P. (2015). *Padidāršenāsi-ye makān* [Phenomenology of place]. Tehran, Iran: Tarjome'-e va Našr-e Āsar-e Honari.
- Pombo, F., Bervoets, W., & De Smet, H. (2015). Phenomenology for Introductory Architectural Analysis Courses: The pentagon methodological approach. *Design and Technology Education: An International Journal*, 20(2), 58-69.
- Ragers, C.R. (2018). *Honar-e ensān šodan: Ravāndarmāni az didga-e yek darmāngar*. [On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy] (M. Milani, Trans.). Tehran, Iran: Našr-e Now. (Original work published 1995)
- Rohani Ravari, M., & Talebzade, H. (2012). *Ensānšenāsi dar andiše-ye Kant* [Anthropology in Kant's thought]. *Metaphysic*, 3(11), 73-88.

BIBLIOGRAPHY

- Ahi, M., & Taheri, M. (2019). *Naqd va tahlil-e nazariye-ye sāxt šekani Derrida dar fahm-e motun* [A critique and analysis of Derrida's deconstruction theory of understanding texts]. *Naqd va Nazar*, 24(1), 127-149. doi: 10.22081/JPT.2019.67095
- Ashoori, D. (1998). *Še'r-o andiše* [Poetry and thought]. Tehran, Iran: Našr-e Markaz.
- Bachelard, G. (2013). *Butiqā-ye Fazā*. [The Poetics of Space] (M. Kamali & M. Shirbacheh Trans.). Tehran, Iran: Rowšangarān va Motāle'āt-e Zanan. (Original work published 1994)
- Bakhtin, M. (/2019). *Butiqā-ye Dostoevsky: Zibāšenāsi-ye āsār-e Dostoevsky* [Problems of Dostoevsky's Poetics] (E. Soleymani, Trans.). Tehran, Iran: Navā-ye Maktub. (Original work published 1998)
- Barati, M., & Emami, N. (2014). *Mafhum šenāsi- e še'r va mesdaqha-ye ān* [Understanding the concept of poetry and its instances]. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 3(1), 103-122. doi: 10.22059/JLCR.2014.52692
- Blackmore, S. (2020). *Zen va honar-e āgāhi* [Zen and the Art of Consciousness] (M. Kanani, Trans.). Tehran, Iran: Našr-e Mosallas. (Original work published 2011)
- Clarke, M. F. (2013). *Jean Labatut and Éducation à pied d'œuvre*: The Princeton Architectural Laboratory. *The Princeton University Library Chronicle*, 74(2), 178-209.
- Ebrahimi Asl, H., Panahi, S., & Foroutan, M. (2017). *Šenāxt- e mo'allege-ye parallax va rišeyabi ān dar falsafe-ye tarāhi-e Steven Holl: nemune-ye mowredi: muze-ye Helsinki, ektešāfāt-e darun va tesseract-e zaman* [Recognition of the component of parallax and finding its roots in forming the design philosophy of Steven Holl: Case studies: Helsinki museum, explorations of in and tesseract of time]. *Bāgh-e Nazar*, 14(50), 65-74.
- Emami, S.A., Dehghan Nayeri, N., Rahnavard, Z., & Nori Saeed, A. (2012). *Raveššenāsi- ye tahqiq-e keyfi: padidaršenāsi* [Qualitative research methodology: phenomenology]. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 22(68), 56-63.
- Esfandiari, S. (2010). *Cogito-ye Descartes va jahāt-e tārixi-ye ān dar andiše-ye Augustine va ensān-e moalaq-e Ibn Sina* [Descartes' Cogito and its historical aspects in the thought of Augustine and Ibn Sina's "Suspended Man"]. *Tāriḫ-e Falsafe*, 1(1), 35-62.
- Falamaki, M. M. (2012). *Aslha va xāneš-e me'māri-ye Irāni* [Principles and reading Iranian architecture]. Tehran, Iran: Našr-e Fazā.
- Fletcher, B. (1905). *A History of Architecture on the Comparative*. London: Batsfort.
- Gholamhosseinzadeh, G. R. (2007). *Hafez va manteq-e mokāleme-ye Bakhtin-i va ašār-e Hafez-e Širāzi* [Hafez and the logic of Bakhtini's conversation and poems of Hafez Shirazi]. *Research in Contemporary World Literature*, 39, 95-110.
- Greenlee, C., & Hinders, K. (2011). *Juhani Pallasmaa: Plym distinguished professor in architecture 2010-2011*. Champaign, IL: School of Architecture, University of Illinois at Urbana-Champaign.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

29

Abstract

"awakening" or the way of "becoming a human architect" which are presented in a model. Its purpose is to refine the mind of architectural learners from the endless invasion of information from the environment, and other sources. To achieve that, the significant position of Hafez's poetry is depicted in a continuous rotation model by applying effective learning elements of becoming a human architect, namely "self-consciousness" and "human lived experiences".

NOVELTY

Education of Iranian architecture needs reading local doctrines such as Hafez's viewpoints. His worldview can be effective in the process of being an architect.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

28

Volume 13
Issue 3
Summer 2021

valuable part of authentic local document that contains pure experiences to convey the peak of these vivid and imaginative feelings (Ashouri, 1998). Based on the analysis of the enduring characters of this classical poetry, Hafez was able to establish a link between various phenomena and human (personal-internal) due to his centrifugal worldview compared to the centrist view of other classical poets. Hafez lived in a period full of monophony, absolute suffocation and despotism (Gholam Hosseinzadeh, 2007) which can be considered as his lived experience. Perhaps his polyphony and dialectical discourse can be considered as critical or a confrontation with this "dark age" of society. To counter this "suffocation" and "anti-freedom", Hafez resorted to symbolic words and sometimes "humor". He created his words in "poetry" with his destructive worldview and "centrifugal" thought. As a free and deconstructive human being, using discourse and combining opposites, he was able to create an effective mental, imaginative and emotional connection between man and his free emotions in order to lead him to imagine.

Hafez's poetry has become one of the lived resources that provide human beings with experiences in two stages. The first is Hafez's lived experiences of how, by waking up to the suffocation and monophony of his time, he creates his "poetic phenomenon" for dialogue. The second is the lived experience of each individual who finds an internal relationship between himself and his surrounding while reading his poems. Hafez with his universal and centrifugal view could unify and include all the domains raised in various theories such as: Kant's critical thinking, the feelings of empiricists, the lived experiences of phenomenologists such as Merleau-Ponty and Sartre, dialectics and Bakhtin's symbolic words, freedom and liberation of thought, Merleau-Ponty and Heidegger's questioning, polyphony and imaginary forms the peak of Bakhtin and Bachelard imagination and feeling.

CONCLUSION

By reading Hafez's poems, man first frees his mind of all visual environmental information and then finds himself in a pure and emotional world. Hafez's poetry challenges human beings internally in two axes of horizontal and vertical imagination, that is, the peak of "imaginary forms" or the "polyphony" that is effective in poetic texts to arouse all the inner and outer senses of the man. There is a new and fresh experience of contradictions in poetry, which sometimes exaggerates with the language of humor and sometimes with criticism and therefore, deconstructs the whole structure of readers' mind instantly. This deconstruction is accompanied by suffering and pain, such as the concept of "love" present in Hafez's poetry. The continuous and successive revolutions between man and the existing phenomena in poetry are an internal agreement among the person (what the environment has made of him), the self (what is inside each person in a transparent way), and others (stereotypes refined by deconstruction). The results are "endless self-discovery" and



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

27

Abstract



INTRODUCTION

The emergence of modernism and invasion of Western values in the academic education structure of contemporary Iranian architecture have created a kind of stereotype that despite cultural background and its richness, there is no indication of the emergence and growth of "human emotions" and "imaginary spaces". Current architectural products, which are the result of saturating mind and reducing imaginary effects, indicate the fruitlessness of teaching and learning in the form of transferring knowledge from one person to another. Therefore, the need to change one's learning through individual experiences and exploration of the world of meanings is strongly felt. So learning is regarded as the process of acquiring skill in how to think and reason, thus leading to self-actualization and self-exaltation. The growth and development of the architect's new view of phenomena and the expansion of the mental connection between phenomena (man and nature, man and man) is a missing link in the Iranian architectural education. To solve this important issue, the architectural education needs to communicate with other fields. This article tries to enable the recognition of architectural ideas through a new understanding and creating a connection between architecture and other experimental, mental and environmental phenomenon. As such, the current research seeks to answer this question: how can the human architect's process of thought be modified through recognition of human relations with the environment and links among phenomenon?

PURPOSE

The study tends to recognize architect's mind and imagination by reading different theoretical points of views as well as try to find solutions by reading ways toward learning from lived human experiences containing spirit and emotions.

METHODOLOGY

This qualitative study is carried out through a deep documentary research to understand the effective connective ways among phenomenon. In order to find contributing thoughts in becoming an architect, the works of oncologists and phenomenologists were studies in several stages and place of phenomenology in teaching and learning was investigated. Then, Hafez's thoughts and worldviews through his poetry were discussed in order to assess and establish interdisciplinary connections.

FINDINGS

Understanding the "lived human experiences" in the category of teaching and learning in the process of "becoming a human architect" is significant in two ways: 1) Reading main local sources of each region and, 2) Learning how to think comprehensively and getting a universal perspective. Persian Classical poetry is a



A Reading of Thought-Provoking Teachings and Lived Experiences of Hafez toward Self-Discovery of Human Architect

Hiva Rahmani¹, Mohammad Reza Pourzargar^{2*}, Behrooz Mansouri³

Received: Dec. 7, 2020; Accepted: Apr. 21, 2021

ABSTRACT

The contemporary architectural knowledge is affected by the dominance of centrist hegemonies as well as the swarm of information technology that have captured the human soul and consequently led to the crystallization of new forms of individual creations other than the actual creativity. This study aims at changing the learning process of human architect by freeing the mind from the accumulated information and reading of effective teachings handed down through human lived experiences that embrace spirit and emotions. This study has been carried out through a documentary research method to identify the relationship of humans with the environment and examine the works of phenomenologists in the domains of human, mind and imagination as well as the within-border roots contributing to connect humans with native phenomenon such as literature. Going through ontology and Axialism attitudes, we could infer the lost facets of “how to become human”. The intellectual-philosophical movement of phenomenology, which emerged at the dawn of the twentieth century, considered lived experience as the basis of ontology. Thereafter, it was rerouted from pure philosophy to the realm of “thought” hence, it found its way into schools of architecture by establishing a multi-faceted link between disciplines and lived experiences. The findings revealed the self-discovered process of “human architect” in acquiring experiences toward creating human architectural phenomena. This was studied from two aspects: reading rich sources and within-border roots; and learning of “how to think” as a universal viewpoint. The reading of Hafez’s poetry and his lived experience in the process of learning architecture contributes to self-discovery and mental purification and human, in this way, gains consciousness.

Keywords: self-discovery, consciousness, human architect, mental purification, Hafez poetry phenomenon

1. Department of Architecture, PhD candidate of Architecture and Urban Planning Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran

2. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

✉ moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

3. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran



- Hadian, N., & Saeedi, R. (2013). Az diplomasi-ye omumi-ye sonnati ta diplomasi-ye omumi-ye novin: ruikardi Häbermäsi [From traditional to modern public diplomacy: A Habermasic approach]. *Journal of Rāhbord*, 22(68), 33-61.
- Ho, K. (2007). Structural violence as a human rights violation. *Essex Human Rights Review*, 4 (2). 1-17. Retrieved from <http://projects.essex.ac.uk/ehrr/V4N2/ho.pdf>
- Jaspers, K. (2014). *Ide-ye dānešgāh* [The idea of the university] (M. Pārsā & M. Pārsā). Tehrān, Iran: Našr-e Ghoghñus.
- Javadani, H., & Mili Monfared, J. (2013). *Dānešgah-e pāidār: Gozargāhi baray-e barzisti-ye bā keifiat* [Sustainable university; A passage for quality survival]. Tehrān, Iran: Higher Education Research and Planning Institute.
- Jenkins, R. (1996). *Hoviat-e ejtemāie* [Social identity] (T. Yār Ahmadi). Tehrān, Iran: Našr-e Šīrāze.
- Jonstone, I. (2003). Security council deliberations: The power of the better argument. *Egil*. 14(3), 437-480. Doi: 10.1093/egil/14.3.437
- Keldi, A., & Fallah Minbashi, F. (2009). Barrasi-ye kār kardha-ye ejtemei va farhangi-ye dānešgah-ha az nazar-e danešjuian, motale-e moredi: danešjuian-e Dānešgah-e Āzād-e Eslāmi-ye Vāhed-e Olum va Tahghighāt [A survey of social and cultural functions of universities from Students' perspectives, Case study: Students of Islamic Azad University, Science and Research Branch]. *Journal of Pažuhešnāme-ye Olum-e Ejtemaie*. 3(1), 71-88.
- Le Feuvre, N., & Metso, M. (2005). *Disciplinary barriers between the social sciences and humanities*. France: Maison de la Recherche, Université de Toulouse.
- Macdonald, E. (2012, Jul). A directory of peace education resources for NZ educators. *National Centre for Peace and Conflict Studies, University of Otago*, V1.0. Retrieved from https://podcasts.otago.ac.nz/nzpeace-ed/files/2012/08/PeaceEdDir_V1b_July2012_HighRes.pdf
- Malekinia, E., Bazargan, A., Vaezi, M., & Ahmadian, M. (2013). Šenāsāie va olaviat bandi-ye mo'alefehā-ye dānešgāh-e pāidār [Identify and prioritize the components of a sustainable university]. *Jornal of Pažuheš va Barnāme rizi Āmuzeš-e Āli*, 20(3), 1-26.
- Parsania, H. (2008). Nesbat-e elm v farhang [Science and culture]. *Rāhbord*. 2(1), 51-64.
- Popper, Karl. R. (1960). *Sarčešmeha-ye dānāyi v nādāni* [On the sources of knowledge and of ignorance] (A. Bāqeri). Tehrān, Iran: Našr-e Ney.
- Readings, B. (1996). *The university in ruins*. USA: Harvard University Press.
- Rodríguez- Martínez, C., Calvo, G. (2014). Gender and positive social interaction at school: Proposal based, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 132, 107-113. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.04.285



BIBLIOGRAPHY

Barash, P., & Webel, CH. (2009). *Peace and Conflict Studies*. US: SAGE Publications.

Belis, J., & Smith, S. (1989). *Jahāni šodan-e siāsat: Ravābet-e bein-olmelal dar asr-e novin (zamine-ye tarixi, nazari-ye ha, sāxtār-ha v farāyand-ha)* [Globalization of Politics: An Introduction to International Relations] (A. Rāhčamani). Tehrān, Iran: Abrār Moāser Institution.

Berton, G., & Lambert, M. (2003). *Jahāni šodān va danešgahhā, sepehr-e no va konešgarān-e novin* [Globalisation et universités: novel espace, nouveaux acteurs] (H. Jāvdati). Tehrān, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

Bridges, D., Juceviciene, P., Jucevicius, R., H. McLaughlin, T & Stankeviciute, J. (2012). *Āmuzeš āli v tose-ye meli: Dānešgahhā v jāvame-e dār hale-e gozār* [Higher education and national development: universities and societies in transition]. (R. Simbar). Tehrān, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

Calder, W., & Smith, j. (2009). Higher education: More and more laboratories for inventing a sustainable future. *Agenda for a sustainable America*, Washington, DC: Environmental Law Institute. 93-107. Retrieved from www.uslf.org/pdf/ESDHigherEdamericaCalder2009.pdf

Cortese, A.D. (2003). The critical role of higher education in creating a sustainable future. *Planning for higher education*. 31(3), 15-22. Retrieved from <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.739.3611&rep=rep1&type=pdf>

Delanty, G. (2001). *Dāneš dar čāleš: dānešgah dar Jame 'e- ye dānāyi* [Challenging knowledge: The university in the knowledge society] (A. Baxtiāri Zāde). Tehrān, Iran: Institute for Social and Cultural Studies.

Fathi Vajargah, K., & Islami, S. (2008). Barrasi-ye mizān-e tavajoh be āmuzeš solh dar barnāme-ye darsi-ye dore-ye ebtedā-yi az didgāh-e motaxasesin-e ta'lim va tarbiat, kāršenāsan-e barnāme-ye darsi v moalemān-e dore-ye ebteda-yi šahr-e Tehrān [Investigating the degree of attention to peace education in primary school curriculum from the experts of curriculum planning, and primary school teachers' points of view] *Journal of Noāvariha-ye Āmuzeši*. 7 (25), 49-76.

Fathi Vajargah, K., & Vahedeh Chokdeh, S. (2006). Šenāsāyi āsibhā-ye tarbiat-e šahrvandi dar barnāme-ye darsi-ye penhān [Identifying the harms of citizenship education in the hidden curriculum]. *Journal of Noāvariha-ye Āmuzeši*. 5(17), 93-132.

Fazeli, N, & Shams, N. (2004). Barrasi-ye nezām-e modiriat-e erdebātāt va mobādelāt-e dānešgāhi-ye Irān va Qarb. *Jornal of Pažuheš va Barnāme rizi Āmuzeš-e Āli*. 10(3), 121-162.

Gardner, S. K. (2007). I heard it through the grapevine: Doctoral student socialization in chemistry and history. *Higher Education*, 54(5), 723-740. doi: 10.1007/s10734-006-9020-x

Griffiths, M. (2006). *Dānešnāme-ye ravābet-e bein-ol melal va siāsat-e jahān* [Encyclopedia of international relations and global politics] (A. Tayeb). Tehrān, Iran: Našr-e Ney.

CONCLUSION

University can be an active actor in promoting peace through its functions and as a diplomatic actor. It is believed that these goals will be achieved within the framework of a sustainable university model. According to Calder & Smith, at the sustainable university, there is accurate planning for the training of students and faculty as well as the support for research -especially interdisciplinary research. Sustainability is also reflected in university social services, student life, and policy-making (Calder and Smith, 2009, 94). Furthermore, a sustainable university is future-oriented, does not ignore global concerns, is purposeful, and at the same time has a coherent plan in pursuit of sustainable goals. Accordingly, in addition to structural, managerial, educational, and research changes, it can actively pursue sustainability and peace.

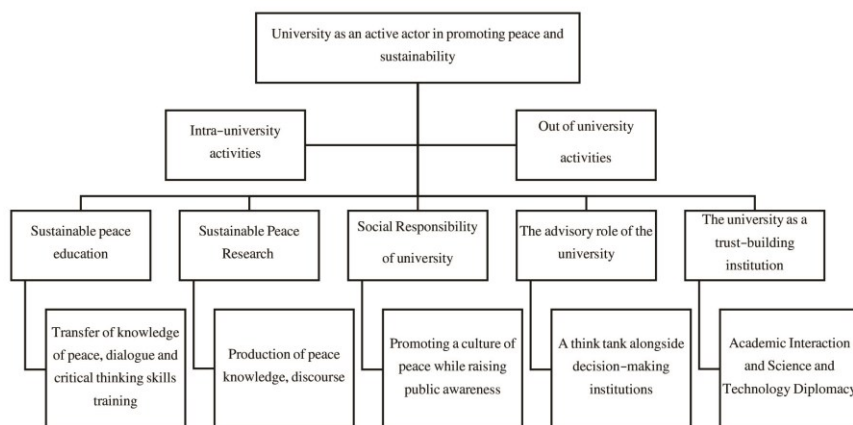


Diagram 1. The role of university in spreading culture of peace

NOVELTY

This research has tried to highlight the importance of peace to academics and executives by:

- 1) Introducing the university as an active actor in promoting the culture of peace and adopting a comprehensive view. In addition to the role of academic functions, the university's role as a think tank and as a tool to advance the goals of modern diplomacy has been studied.
- 2) Introducing the model of a sustainable university as a suitable model in promoting peace and sustainability.





INTRODUCTION

With ever-increasing globalization in today's world, the phenomenon has caused widespread and general challenges for all of us. Since these challenges are related to the almost exact domain of human lives, handling them requires cooperation among all actors in a peaceful environment, including individuals, nations, and governments. Similarly, the fulfillment of peace, as an interdisciplinary issue, needs consensus and collective efforts. With the same aim in recent years, beyond individual steps, even joint actions have been considered at the level of governmental or non-governmental organizations. However, despite these efforts, we still continue to witness the challenges of war and violence, prompting experts from different areas to study the problem and propound how peace can be established. Since peaceful insights and attitudes pave the way toward peace, we need to focus on developing human thoughts. It is believed that education is pivotal among all institutions that help work directly with thoughts and beliefs.

PURPOSE

The paper intends to evaluate the role of higher education (specifically universities) in achieving peace or peaceful co-existence in society. The aim is to examine whether universities can be active actors in promoting a culture of peace through their functions given the fact that they effectively fostered militarism and violence in partnership with governments in the past.

METHODOLOGY

The qualitative method has been taken into account in the course of the current study. For that matter, semi-structured interviews were conducted with twenty professors and experts in the fields of peace and education. The interview process continued until the theoretical saturation was achieved. After collecting responses from interviewees, key phrases were extracted and categorized, with similar and close phrases being placed in different categories. The desired category about universities and their role in promoting peace was finally achieved.

FINDINGS

Among the triple functions of a university (education, research, social responsibilities), academic research is believed to have a prominent role. In other words, the knowledge produced in academic research centers can be an anti-thesis of previous assumptions and give people a different perspective on emerging global issues. Also, professors and students considered an actor in public diplomacy and have a significant role in resolving misunderstandings. Apart from the political considerations, the neutral and universal language of science leads to interaction and dialogue.



Sadoughi, Z. (2021). The role of university in promoting the culture of peace. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(3), 71-100. doi: 10.22035/isih.2021.371

 <https://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.371>

URL: http://www.isih.ir/article_371.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

The Role of University in Promoting the Culture of Peace

Zeinab Sadoughi¹

Received: Dec. 26, 2020; Accepted: May. 22, 2021

ABSTRACT

The interdependence resulting from globalization and the common crisis individuals face make the cooperation among scholars and researchers of different disciplines inevitable. Since promoting the culture of peace has become a significant concern for researchers, managing the current complicated situation needs a peaceful environment. Today, a wide range of studies emphasize the importance of peace believing it can bring calmness, security, stability as well as sustainability. Considering knowledge and awareness as primary concepts in shaping insights, attitudes, and peaceful behavior, the current paper has tried to study the role of a university in promoting the culture of peace. Through a qualitative method and semi-structured interviews with experts in the education domain, a hypothesis was discussed: "the university is an active actor in promoting the culture of peace through its functions (education, research, and social responsibility) and playing a crucial role in diplomacy institution." Based on theoretical and field studies findings, a sustainable university model was found to be an effective one for peace promotion, a university that institutionalizes sustainability in educational, research, and social services.

Keywords: academic diplomacy, peace; sustainable development, universities functions

1. Freelance Researcher, Tehran, Iran

✉ z.sadoughi@iscs.ac.ir

- Sherick, H. M. (2014). *The thoughtful development of others: A qualitative study of the impact of developmental relationships on chief academic officers in higher education* (Unpublished Doctoral Dissertation), University of Nebraska-Lincoln.
- Sookhtanlou M. (2017). Analysis of the effectiveness of agricultural higher education system on improvement of entrepreneurial capabilities from the viewpoints of agricultural graduate students (Case study: University of Mohaghegh Ardabili). *Entrepreneurship Strategies in Agriculture*, 3(6), 34-43.
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2010). scientific Comprehensive map document of the country. Retrieved from <https://dlp.msrt.ir>
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2013). The document of Islamization of universities was approved in the 735th session of the Supreme Council of the Cultural Revolution and based on the resolution of the Islamicization of universities and educational centers. Retrieved from <http://dastour.ir/Brows/?lid=358012>
- Taghi Zadeh, H., & Zeyaei M. (2018). Development roadmap of educational processes in higher education systems; Case study. *Journal of New Approaches in Education Administration*, 9(1), 1-24.
- Thurmond, V. A. (2001). The point of triangulation. *Journal of Nursing Scholarship*, 33(3), 253-258. doi: 10.1111/j.1547-5069.2001.00253.x
- UNESCO (2015). Chair in Community Based Research & Social Responsibility in Higher Education Institutionalizing Community University Research Partnerships: A User's Manual. Retrieved from http://unescochair.cbrsr.org/unesco/pdf/CURP_Guidelines.pdf
- University of Tehran (2017). Third Strategic Plan of the University of Tehran. Vice of Planning and Information Technology, University of Tehran, General Office of Budget and Organizational Transformation. Retrieved from <https://ut.ac.ir>
- Vasilescu, R., Barna, C., Epure, M., & Baicu, C. (2010). Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 4177-4182. doi:10.1016/j.sbspro.2010.03.660
- Vazquez, J. L., Aza, C. L., & Lanero, A. (2016). University social responsibility as antecedent of students' satisfaction. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 13(2), 137-149. doi:10.1007/s12208-016-0157-8
- Vincent-Lancrin, S. (2007). Building future scenarios for universities and higher education: an international approach. *In Prospects of Higher Education*, 3-27. Brill Sense. doi:10.1163/9789087903213_003
- Wells, P.J. (2017). The role of Higher Education Institutions today, Higher education in the World 6. Towards a Socially Responsible University: Balancing the Global with the Local, Global University Network for Innovation (GUNI).
- Wray N., Markovic M., & Manderson L. (2007). Researcher Saturation: The Impact of Data Triangulation and Intensive-Research Practices on the Researcher and Qualitative Research Process. *Qualitative Health Research*, 17(10), 1392-1402. doi:10.1177/1049732307308308



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

17

Abstract



- Moradi, M. (2014). An integration of the function of indigenous and modern knowledge and Its role on rural development (Case study: rural areas of Birjand County). *Journal of Research and Rural Planning*, 7, 51-62.
- Motalebi Karbakandi, M., Goodarzi, G., & Abdolrahim, P. (2018). Trends impacting the future of Imam Sadiq University. *Strategic Management Thought*, 11(2), 117-148. doi: 10.30497/smt.2017.2156
- Mousavi, M., & Kahaki, F. (2018). *Futures study in territorial spatial arrangement (An investigation of Mic Mac and ScenarioWizad Software*. Urmia, Iran: Urmia University Press.
- Olsen, J. (2007). The institutional dynamics of the European University. In M. Peter & O. Johan (Eds.), *University Dynamics and European Integration* (Pp 25-52). Dordrecht, Springer.
- Parliamentary Research Center (2003). *The vision of the Islamic Republic of Iran on the horizon of 1404 AH*, Announced by the Supreme Leader. Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>
- Raford, N. (2015). Online foresight platforms: Evidence for their impact on scenario planning and strategic foresight. *Technological Foresight and Social Change*, 97(1), 65-76. doi:10.1016/j.techfore.2014.03.008
- Rahbar, F., Seifoddin Asl, A.A., Shahhosseini, M.A., & Niazi, E. (2018). Designing a model for scenarios based on identifying key factors and analyzing the key actors' interactions. *Public Management Researches*, 11(39), 61-90. doi: 10.22111/JMR.2018.4011
- Rajabian Gharib, F., Mohammadzadeh, S., & Sharifzadeh, M. S. (2021). Developing a model for university-community engagement based on social responsibility approach in agricultural higher education. *IRPHE*, 26(4), 85-111.
- Rezapour, H., & Fattahian, M.H. (2017). The future of the Islamic Revolution and the soft power of higher education. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 14(49), 55-74.
- Rouhani, A., & Ajrlou, S. (2015). *MicMac software training, usable in scenario writing projects - futures studies*. Tehran, Iran: Arena.
- Sarpong, D., & Maclean, M. (2011). Scenario thinking: A practice-based approach for the identification of opportunities for innovation. *Futures*, 43(10), 1154-1163. doi:10.1016/j.futures.2011.07.013
- Shafaei Yamchloo, T. (2015). *Identifying the current status of social responsibility of the university based on the Valleys model (Case: University of Tehran) based on the views of faculty members and providing solutions to improve it* (Master Thesis in Educational Management). University of Tehran
- Shafei, R., & Azizi, N. (2013). Study of organizational social responsibility status in universities and higher education centers in the west of the country (designing an evaluation model). *Organizational Behavior in Education*, 1(2), 5-22.

- Guidelines for Universities Engaging in Social Responsibility, University Meets Social Responsibility (UNIBILITY). 2015-2017. Published by the UNIBILITY project, www.postgraduatecenter.at/unibility
- GUNI (2017). Higher Education in the World 6. Towards a Socially Responsible University: Balancing the Global with the Local, *Gloal University Network for Innovation* (GUNI).
- Hammershoj, L. G. (2019). The perfect storm scenario for the university: Diagnosing converging tendencies in higher education. *Futures*, 111, 159-167. doi: 10.1016/j.futures.2018.06.001
- Inayatullah, S., Ahmed, Sh., Alam, P., Davis, S., & Hashemi, S. (2013) Alternative scenarios for BRAC University. *On the Horizon*, 21(4), 275-285. doi: 10.1108/oth-01-2013-0006
- Javanak Liavali, M., Abili, K., Porkarimi, J., & Soltani Arabshahi, K. (2018). Providing a pattern of professional development of clinical department chairs: A case of state universities of medical sciences in Tehran. *Education Strategies in Medical*, 10(3), 202-218.
- Karimi, V., Zamani, G. (2015). Motivation to work at Rural Areas as Perceived by Agricultural graduates from Shiraz University. *Journal of Agricultural Education Administration Research*, 33(7), 47-55. doi: 10.22092/jaear.2015.105816
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2006). *Governance matters V: aggregate and individual governance indicators for 1996-2005* (Vol. 4012). World Bank Publications.
- Khosravipour, B., & Soleimanpour, M.R. (2011). Identifying educational factors in Shahid Karimi Agriculture Jihad Training Center in Gorgan with emphasis on students' entrepreneurial ability. *Iranian Agriculture Development and Education Journal*, 7(1), 89-100.
- Khosravipour, B., Iravani, H., Hosseini, M., & Movahed Mohammadi, H. (2007). Identification and analysis of training components of agricultural applied higher education centers students entrepreneurship capabilities. *Iranian Journal of Agricultural Sciences*, 38, 207-218.
- Kosow, H. & GaBner, R. (2008). *Methods of Future and Scenario Analysis*. German Development Institute (DIE).
- Larran Jorge, M., & Andrades Pena, F. J. (2017). Analysing the literature on university social responsibility: A review of selected higher education journals. *Higher Education Quarterly*, 71(4), 302-319. doi:10.1111/hequ.12122
- Larran Jorge, M., Herrera Madueno, J., Calzado Cejas, M. Y., & Andrades Pena, F. J. (2013). una aproximacion al nivel de desarrollo de la responsabilidad social universitaria en el sistemma universitarion espanol, <http://www.aeca1.org>
- Minoo, F., Shaverdi, T., & Chavoshi S. K. (2017). A process framework for identifying uncertainties and driving forces (Case study: oil and energy). *Journal of Management Research*, 28(3), 55-69.
- Montazar, G., & Falahati, N. (2015). Iranian higher education future scenarios driven by information technolog. *Journal of Science and Technology Policy*, 8(1), 47-82.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

15

Abstract



- Entezari, Y. (2019). Development requirements of university-based Entrepreneurship Ecosystems in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 25(1), 1-25.
- Farasatkah, M. (2017). *Occasionality of university in Iran: Some new and critical debates on university studies, science research and higher education*. Tehran, Iran: Āgah.
- Farasatkah, M. (2018). *University and higher education: Global perspective and Iranian issues*. Tehran, Iran: Našr-e Ney.
- Farasatkah, M.. (2013). A Conceptual framework for futurity oriented university planning. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 19(3), 1-21.
- Fathollahi, A., Yemni, M., Sabbaghian, Z., Farasatkah, M., & Qazi Tabatabai, M. (2015). Content analysis of higher education development programs focusing on structural and functional changes of the independence university system. *Science and Technology Policy*, 7(1), 27-45.
- Felt, U. (2003). University autonomy in Europe: Changing paradigms in higher education policy. Paper presented at the EAU convention of European Higher Education Institutions, Graz 30-31 May, 2003.
- Fereidouni, S. (2018). Higher education expansion with emphasis on social impact: a grounded theory approach. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23(4), 69-96.
- Finn, A., Ratcliffe, J., & Sirr, L. (2007). University futures: The direction, shape and provision of higher education in the University of the Future (Rep.). Dublin: *Dublin Institute of Technology*.
- Ghasemi, J., Hosseini, S.M, Hejazi, Y. (2009). Analysis of challenges facing academic Extracurricular Services from the Perspective of Faculty Members of Iranian Schools of Agriculture. *Iranian Economic Research and Agricultural Development*, 40(4), 151-139.
- Gheyassi, A. (2015). Relationship between problem solving styles and entrepreneurship willingness (Case study: Agricultural and natural resource students of the university of Zābol). *Journal of Entrepreneurship Development*, 8(1), 139-158. doi: 10.22059/JED.2015.55472
- Gholifar, E., Moradi Kafraj, M., Rezvanfar, A. (2015). Organizational variables affecting improvement of interaction status of Iranian agricultural colleges within the organizational health concept (Case study: Tehran, Zanjan and Ardebil Universities). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 46(1), 185-195. doi: 10.22059/ijaedr.2015.54491
- Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (Eds.). (2009). *Futures research methodology-version 3-0*. Editorial desconocida. Retrieved from <http://www.millennium-project.org/publications-2/futures-research-methodology-version-3-0/>
- Grau, F.X., Escrigas, C., Goddard, J., Hall, B., Hazelkorn, E., & Tandon, R. (2017). Towards a socially responsible higher education institution: balancing the global with the local, higher education in the World 6. Towards a socially responsible university: Balancing the Global with the Local, Global University Network for Innovation (GUNI).

BIBLIOGRAPHY

- Abdi, H., Mirshah Ja'fari, S.E., Nili, M.R., & Rajaeipour, S. (2016). An explanation of the future curricula toward realizing the visions and missions of Iranian higher education in horizon of 2025. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8(16), 59-88.
- Abili, K., Nadery, A., & Asarzadeh, R. (2014). A study on the relationship between on the job training and knowledge management and give suitable suggestions for its improvement case of Iranian Offshore Oil Company. *Quarterly Journal of Human Resource Management in Oil Industry*, 6(22), 179-208.
- Alizadeh, N., Sedighi, H., Pezeshki Rad, G., & farasatkah, M. (2014). Analysis of effective components on educational transformative in agricultural higher education system in Iran. *Iranian Journal of Agricultural Econoics and Developent Research*, 2(1), 43-53. doi: 10.22059/ijaedr.2017.62008
- Asghari, S, & Akbarpour Shirai, M. (2018). Presenting Iran's future higher education scenarios using fuzzy cognitive maps. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24(1), 1-26.
- Badsar, M., Rezaei, R., & Salahi Moghadam, N. (2014). The Effect of emotional intelligence on students' entrepreneurship competencies in agricultural majors (Case Study: University of Zanjan). *Journal of Entrepreneurship Development*, 7(3), 407-425. doi: 10.22059/JED.2014.52492
- Baradaran Haghiri, M., Noorshahi, N., & Roshan, A.R. (1398/2019). Conceptualization of university social responsibility in Iran, *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 25 (3), 1-26.
- Beynaghi, A., Trencher, G., Moztarzadeh, F., Mozafari, M., Maknoon, R., & Leal Filho, W. (2016). Future sustainability scenarios for universities: Moving beyond the United Nations Decade of Education for Sustainable Development. *Journal of Cleaner Production*, 112, 3464-3478. doi: 10.1016/j.jclepro.2015.10.117
- Bradfield, R., Wright, G., Burt, G., Cairns, G., & Van Der Heijden, K. (2005). The origins and evolution of scenario techniques in long range business planning. *Futures*, 37(4), 795-812. doi:10.1016/j.futures.2005.01.003
- Centre for Educational Research and Innovation (CERI) (2008). Four Future Scenarios for Higher Education, *OECD/France International Conference Higher Education to 2030: What Futures for Quality Access in the Era of Globalisation?* Reterieved from <https://www.oecd.org/education/ceri/centreforeducationalresearchandinnovationceri-universityfutures.htm>
- Dagilienne, L., & Mykolaitienė, V. (2015). Disclosure of social responsibility in annual performance reports of universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 213, 586-592. doi:10.1016/j.sbspro.2015.11.454
- De la Cuesta Gonzalez, M., Porras, A., Saavedra, I. & Sanchez, D.S. (2010). El Compromiso Social de la UNED. In M. De la Cuesta, C. De la Cruz and J. M. Rodriguez Fernandez (eds.), *Responsabilidad Social Universitaria. La Coruna: Netbiblo*, 232-272.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

13

Abstract

software, two strong scenarios and 104 weak scenarios were obtained. The two strong scenarios according to possible situations of key factors were named as Phoenix and Peacock. In the Phoenix scenario (as a symbol of happiness and well-being), the potential situation of key factors is in good condition and assumed to realize the university social responsibility. In the Peacock scenario (as a symbol of beauty and pride), the possible situation of key factors found to be in crisis and lacked the university social responsibility.

CONCLUSION

Based on the findings, the Phoenix scenario is the best and most desirable situation for social responsibility of higher agricultural education. The conditions for realizing this scenario include constructive change in policies of government in the area of higher education, a complete desire of academics for social orientation in their main areas of activities, the constructive change of professional development approaches toward community-based empirical learning, realizing the network cooperation of university with the government and society in the frameworks such as ecological and entrepreneurship innovation as well as the full integration of indigenous knowledge along with formal academic knowledge. On the contrary, if a Peacock scenario occurs with five complete crisis situations, it leads to the most desirable future for the higher agricultural education and the situation of the target groups will be extremely vulnerable. The feedback on this situation will be the reduction of social and institutional prestige of higher education. Therefore, it is logical and desirable that policymakers and managers of higher agricultural education seriously strive to achieve the desired scenario (Phoenix), which requires a transition to the university socially responsibility.

NOVELTY

The significance and novelty of this study i.e. the futuristic research on the university social responsibility is to identify key factors driving universities to social responsibility, explain the possible, probable and preferable future of university social responsibility and formulate possible scenarios and select the preferable ones for such responsibility.

axial codes or conceptual classes. Thus, 14 items were obtained as axial drivers of university social responsibility in higher agricultural education.

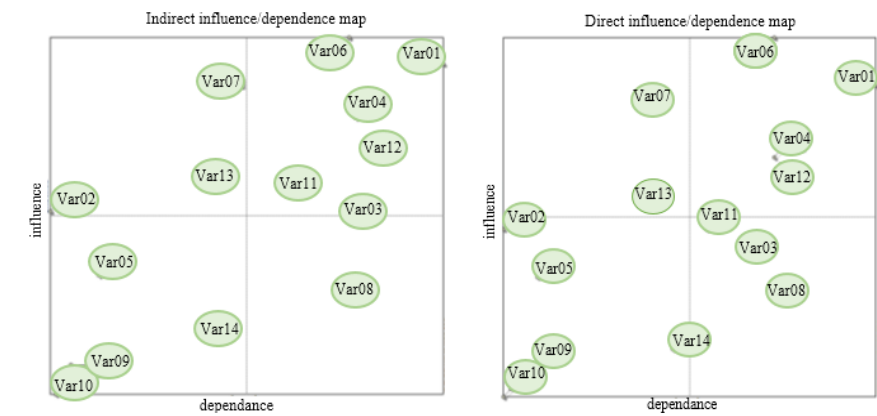
Step 2. Identifying key drivers of university social responsibility in higher agricultural education through cross impact analysis

The structural/cross impact analysis method was used with MicMac software to extract main factors influencing the future status of USR.

Table 1. Primary analysis of cross impact matrix

Matrix Dimension	Number of Iterations	Relation				Total	Filling Degree
		Ineffective (zeroes)	Effective (Ones)	Booster (Twos)	Empowering (Threes)		
14× 14	2	14	89	45	48	182	92/86%

Then, in order to a general analysis of the environment system and utmost to identify key factors effective on the influence/dependence map of variables were checked. In the dispersion page analysis, the direct and indirect effects of variables on university social responsibility can be identified in five categories (influential, two-dimensional, regulatory, dependent, and independent)



cattering of vriables based on their direct and indirect effects (Source: Research findings)

Step 3. Scenario writing of university social responsibility in higher agricultural education

In accordance with the findings of previous steps, five factors were identified as key driver in the future social responsibility of higher agricultural education. In this regard, by designing possible situations and preparing 21×21 matrix again similar to the previous step in determining key factors, a questionnaire was prepared and emailed to the participating expert group. Based on the data processing in this



INTRODUCTION

Economic, social, and environmental changes in the contemporary world and the emergence of a knowledge-based economy have increased the expectations of universities in dealing with social problems (Vazquez et al, 2014). These expectations and implications have also caused the emergence of new concept called university social responsibility (Grau et al, 2017). University Social Responsibility is an institutionalized expectation from the university to address the current and future needs of internal and external stakeholder's i.e. social welfare, quality of life, equality, eliminating social and environmental damages, and promoting peace, coexistence and sustainable development. As a matter of fact, the university focuses its education, research, specialized services and other functions on social accountability to these social expectations (Baradaran Haghiri et al, 2019). University Social Responsibility requires to identify not only the current problems, but also the future challenges of the society. Therefore, foresight with a social responsibility approach in higher agricultural education can pave the way for understanding the key issues and challenges in this area and as a result, planning for capacity building and an appropriate action.

PURPOSE

The aim of this futuristic study is to identify the key factors driving universities to social responsibility and explain the probable, possible and desirable futures of university social responsibility as well as formulate possible scenarios and select the optimal one for the same.

METHODOLOGY

This is a descriptive-analytical research conducted in three sequential steps. In the first, based on the focus group method (exploratory type), the drivers of social responsibility in higher agricultural education were identified. In the second step, the effect of each factor on the other was investigated in accordance with the extent of direct and indirect effects through MicMac software and hence, key drivers were identified. In the third step, based on the scenario method, 21 possible and probable situations in the future of social responsibility of higher agricultural education were defined. ScenarioWizard software was used to gain the scenarios. Finally, this software, according to Ganmatrix, allowed the extraction of high probability, low probability and high compatibility scenarios.

FINDINGS

Step 1. Identifying drivers of university social responsibility in higher agricultural education

After reviewing the participants' discussions in the focus group meeting, the content analysis was performed in two stages. First, after the review of the impressions of the participating team, 42 themes or initial code were extracted. Second, in order to summarize the initial list and achieve richer conceptual codes, the items were reformulated based on thematic subscription and conceptual similarity in the form of



Social Responsibility in Higher Agricultural Education: The Future Research Approach

Fateme Rajabian Gharib¹, Saeed Mohammadzadeh^{2*}, Mohammad Sharif Sharifzadeh³

Received: Dec. 2, 2020; Accepted: May. 22, 2021

ABSTRACT

In the future, the issue of university social responsibility (USR) will be expanded to a variety of domains of local, national and international communities. Since the social responsibility of higher education in the future transformation process requires a futuristic approach, the current study aims to focus on the same in higher agricultural education. Three main steps were taken in the course of this study. First, based on the focus group approach, drivers of university social responsibility in higher agricultural education were identified. Then, using the interactive analysis method as well as MicMac software, five key drivers were selected from among the 14 identified drivers. Key factors were defined with expert opinions based on the idea of scenario writing on 21 possible and probable situations in the future of university social responsibility. And then by forming 21x21 matrix and applying expert knowledge in assessing the impact of each situation on the occurrence or non-occurrence of other situation, 2 contrasting scenarios (Phoenix and Peacock) as strong ones and 104 scenarios with low and weak probable occurrences were extracted using ScenarioWizard 4.31 software. The phoenix scenario represents the realization of university social responsibility for sustainable local and regional development whereas the peacock scenario stresses that the university as a separate entity lacks social responsibility. In other words, these scenarios indicate the futuristic vision of the university's social responsibility.

Keywords: University social responsibility, agricultural higher education, future studies, scenario analysis

1. Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural & Rural Civil Engineering, Agricultural Sciences & Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran

2. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural & Rural Civil Engineering, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

s.muhammad@asnrukh.ac.ir

3. Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Management Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Golestan, Iran



- Molas-Gallart, J., Salter, A., Patel, P., Scott, A., & Duran, X. (2002). *Measuring third stream activities. Final report to the Russell Group of Universities*. Brighton: SPRU, University of Sussex.
- Mozafari, F., Padashi asl, K., Shamsi, L., & Boudaghi, A. (2011). The evaluation of role and status of interdisciplinary in relationship of university – industry. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 4(1), 25-40. doi: 10.7508/ISIH.2012.13.002
- Narin, F., Hamilton, K. S., & Olivastro, D. (1997). The increasing linkage between US technology and public science. *Research policy*, 26(3), 317-330. doi: 10.1016/S0048-7333(97)00013-9
- Nason, E., Curran, B., Hanney, S., Janta, B., Hastings, G., O'Driscoll, M., & Wooding, S. (2011). Evaluating health research funding in Ireland: assessing the impacts of the Health Research Board of Ireland's funding activities. *Research Evaluation*, 20(3), 193-200. doi: 10.3152/095820211X12941371876823
- Niederkrotenthaler, T., Dorner, T.E., & Maier, M. (2011). Development of a practical tool to measure the impact of publications on the society based on focus group discussions with scientists. *BMC public Health*, 11, 588. doi: 10.1186/1471-2458-11-588
- Phillips, P., Moutinho, L., & Godinho, P. (2017). Developing and testing a method to measure academic societal impact. *Higher Education Quarterly*, 00, 1–20. doi: 10.1111/hequ.12154
- Priem, J., Taraborelli, D., Groth, P., & Neylon, C. (2010). Altmetrics: A manifesto. Retrieved from <http://altmetrics.org/manifesto>
- Sedighi, M. (2019). The role of social Media in Assessing the Impact of Research; Case study, the field of scientometrics. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 34 (2), 765-792.
- Solans-Domènech, M., MV Pons, J., Adam, P., Grau, J., & Aymerich, M. (2019). Development and validation of a questionnaire to measure research impact. *Research Evaluation*, 28(3), 253-262. doi: 10.1093/reseval/rvz007
- Spaapen, J., & Van Drooge, L. (2011). Introducing 'productive interactions' in social impact assessment. *Research Evaluation*, 20(3), 211-218. doi: 10.3152/095820211X12941371876742
- Tajeddini, O., Azami, M., & Mousavi, A. S. (2017). An experimental model of transforming ideas into effectin humanities Iran. *National Studies on Librarianship and Informaion Organization*, 27 (4), 83-101.
- Thelwall, M., & Maflahi, N. (2015). Guideline references and academic citations as evidence of the clinical value of health research. *Journal of the Association for Information Science and Technology*. doi: 10.1002/asi.23432
- Weißhuhn, P., Helming, K., & Ferretti, J. (2017). Research impact assessment in agriculture—A review of approaches and impact areas. *Research Evaluation*, 27(1), 36-42. doi: 10.1093/reseval/rvx034

- Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., Schwartzman, S., Scott, P., & Trow, M. (1994). *The new production of knowledge: The dynamics of science and research in contemporary societies*. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
- Grant, J. (1999). Evaluating the outcomes of biomedical research on healthcare. *Research Evaluation*, 8(1), 33-38. doi: 10.3152/147154499781777658
- Hafeznia, M. R. (2017). *An introduction to the research method in humanities (total revision with additions)*. Tehran, Iran: SAMT.
- Hosseini, M. A., kermanshahani, F., Ahmadi, S., Sadeghi, T., Mirbaha, S., & Safarizadeh, M. (2015). A study on status of knowledge translation in Qazvin university of Medical Sciences. *Research in Medical Education*, 7 (2), 52-60.
- Islamic world Science Citation database (2019). Ranking of universities and research institutes of Iran (2017-2018). Retrieved from <https://ur.isc.gov.ir/>
- Joly, P. B., Gaunand, A., Colinet, L., Larédo, P., Lemarié, S., & Matt, M. (2015). ASIRPA: A comprehensive theory-based approach to assessing the societal impacts of a research organization. *Research Evaluation*, 24(4), 440-453. doi: 10.1093/reseval/rvv015
- Jones, T. H., & Hanney, S. (2016). Tracing the indirect societal impacts of biomedical research: development and piloting of a technique based on citations. *Scientometrics*, 107(3), 975-1003. doi: 10.1007/s11192-016-1895-4
- Klautzer, L., Hanney, S., Nason, E., Rubin, J., Grant, J., & Wooding, S. (2011). Assessing policy and practice impacts of social science research: the application of the payback framework to assess the future of work programme. *Research Evaluation*, 20(3), 201-209. doi: 10.3152/095820211X13118583635675
- Kousha, K., & Thelwall, M. (2015). Patent citation analysis with Google. *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 68(1), 48-61. doi: 10.1002/asi.23608
- Langfeldt, L., & Scordato, L. (2015). Assessing the broader impacts of research: A review of methods and practices (working paper). Retrieved from <https://nifu.brage.unit.no/nifu-xmlui/bitstream/handle/11250/282742/NIFUworkingpaper2015-8.pdf?sequence=1>
- Lewison, G., & Sullivan, R. (2008). The impact of cancer research: how publications influence UK cancer clinical guidelines. *British journal of cancer*, 98(12), 1944-1950. doi: 10.1038/sj.bjc.6604405
- Mansfield, E. (1991). Academic research and industrial innovation. *Research Policy*, 20(1), 1-12. doi: 10.1016/0048-7333(91)90080-A
- Moghipi, T., Arasteh, H., & Mohammadkhani, K. (2016). A model for improving science diplomacy through interdisciplinary aspects in higher education and foreign policy systems: Case study of Khaje Nasir-e Toosi University. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 8 (4), 195-224. doi: 10.22035/ISIH.2016.232
- Molas-Gallart, J., D'Este, P., Llopis, O., & Rafols, I. (2016). Towards an alternative framework for the evaluation of translational research initiatives. *Research Evaluation*, 25(3), 235-243. doi: 10.1093/reseval/rvv027



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

7

Abstract



BIBLIOGRAPHY

- Ahmadi, M., Rasoolzadeaghdam, S., & Mohammadifar, Y. (2012). The obstacles and solutions in using human sciences research. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 4 (2), 17-34. doi: 10.7508/isih.2012.14.002
- Atapour, H. (2017). Measuring the Social Impact of Science: Methods, Indicators, and Challenges. *Proceedings of the Second National Conference on Scientometrics* (pp 1-13; Vol. 2). Jan. 26 & 27, 2017, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
- Azimi, A., Sanatjoo, A., Dayani, M. H., & Fattahi, R. (2017). Knowledge translation and an assessment of its effectiveness in medical fields. *Human Information Interaction*, 4 (2), 1-16.
- Babalhavaeji, F., Tajedini, O., Nooshinfard, F., & Hariri, N. (2013). Composing self-evaluation tools for knowledge translation related to social science researchers. *Journal of Academic librarianship and Information Research*, 47 (1), 49-64. doi: 10.22059/JLIB.2013.36211
- Beise, M., & Stahl, H. (1999). Public research and industrial innovations in Germany. *Research policy*, 28(4), 397-422.
- Bornmann, L. (2013). What is societal impact of research and how can it be assessed? A literature survey. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 64(2), 217-233. doi: 10.1002/asi.22803
- Bornmann, L. (2015). Measuring impact in research evaluations: a thorough discussion of methods for, effects of and problems with impact measurements. *Higher Education*, 1-13. doi: 10.1007/s10734-016-9995-x
- Bornmann, L., & Marx, W. (2014). How should the societal impact of research be generated and measured? A proposal for a simple and practicable approach to allow interdisciplinary comparisons. *Scientometrics*, 98, 211–219. doi: 10.1007/s11192-013-1020-x
- Bornmann, L., Haunschild, R., & Marx, W. (2016). Policy documents as sources for measuring societal impact: how often is climate change research mentioned in policy-related documents?. *Scientometrics*, 109(3), 1477-1495. doi: 10.1007/s11192-016-2115-y
- Buxton, M., & Hanney, S. (1994). Assessing payback from Department of Health Research and Development: preliminary report. *HERG research report*.
- CWTS Leiden Ranking 2019. Retrieved from <https://www.leidenranking.com/ranking/2019/list>
- Ehsani, V., Azami, M., Najafi, S. M. B., & Soheili, F. (2017a). The efficacy of Iran increasing researches in the country development. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 32 (3), 631-660.
- Ehsani, V., Azami, M., Najafi, S. M. B., & Soheili, F. (2017b). The efficacy of Iran increasing researches in the country development. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 33(1), 25-52. doi: 10.7508/ISIH.2012.14.002
- Erfanmanesh, M., Rohani, V. (2014). Correlation among scholarly and social influence measures of researchers: A case study of scientometrics research, *Library and Information Science*, 16(4): 145-171.

CONCLUSION

According to the results of the present study, having working relationship and contracts between faculty members and other organizations are two main influential factors on the self-assessment of the social impact of their researches. Therefore, encouraging faculty members to follow the above patterns could increase their attitude toward the social impact. In other words, making them more engaged with real social issues and problems could increase the impact of their researches.

NOVELTY

Applying the survey method for assessing the social impact of research is our contribution, which helps develop both methods and knowledge in this field.



Interdisciplinary
Studies in the Humanities

5

Abstract

FINDINGS

The results of the present study shows that the mean score of self-assessment of participating faculties was 8.72 and the mean of the research population was between 8.29 and 9.15 intervals with 95% confidence, which is in the middle of the range of achievable scores (Table 2). Further analysis shows that the self-assessment of major departments toward social impact of their researches has significant difference.

Table 2. Self-assessment of faculties of University of Tabriz in terms of social impact of researches

Least impact	Most impact	Respondent frequency	Sum of score	Average score	Lower bound	Upper bound
3	14	90	875	8.72	8.29	9.15

Table 3 shows the domains that from the perspective of those participating in the research could potentially benefit from the results of researches they had conducted. According to them, "industry", "environment", "education", "policy and policy making" and "agriculture" are potential areas that can apply the results of their researches.

Table 3. Areas that could potentially benefit from the results of researches conducted by respondents

Areas that can benefit from research results	Basic Sciences	Humanities	Technical Engineering	Agricultural Sciences	Total
Policy and policy making	6	31	5	10	52
Industry	25	7	34	9	75
Environment	17	10	8	26	61
Education	14	27	10	8	59
Agriculture	6	5	3	30	44
Other	12	20	5	7	44

Results also showed the higher the number of faculties' research contracts with the other organizations, the higher the self-assessment of them toward the social impact of their academic research. Furthermore, faculty members of University of Tabriz who had a working relationship with the other organizations have assessed the social impact of their research more than those had not been in such relationship.

The statistical population was faculty members of the University of Tabriz, which at the time of the study, were 765 members. 20% of them were selected as sample using the stratified quota sampling method. In total, 153 faculties participated in this study.

The questionnaire used in this study specifically consists of three sections: demographic information, quantitative assessments of research outputs, and questions towards the social impact factor of research. The section on scoring social impact factor is taken from tools developed by Niederkrötenhaler, Dorner, & Maier (2011). This tool to measure three quantitative criterion, that is (1) the aim of a publication that includes (a) acquisition of knowledge, (b) application of knowledge, and (c) growth in awareness; (2) efforts made by a researcher to transmit their research results into social action, and (3) the transmission level of results, including (a) the geographical level of transmission of accomplished results (regional, national, international), (b) its status (preliminary and permanent) and (c) the target group of the transmission (individuals, part of society, total population). Table 1 shows these criteria and indicators tabulated in the form of questions. According to the table, a score was assigned to the questions related to measuring social impact and by adding these scores; the minimum and maximum self-assessment of each researcher is obtained which ranges between three and fourteen.

Table 1. The measurement tool of research social impact

Questions	Options	Social Impact Score
While advancing the frontiers of knowledge, is the application of knowledge or increasing public awareness one of your research goals?	Yes	1
	No	0
Have you done a press conference on your research findings?	Yes	1
	No	0
Have you shared your research findings on social media such as Instagram and Twitter?	Yes	1
	No	0
Have you presented your research findings in forums attributed to general public?	Yes	1
	No	2
At what level has your research results been applied to the society?	Rural, urban or provincial	1
	Regional	2
	National	3
	International	4
At what stage have your research results been used?	Preliminary	1
	Permanent	2
The results of your research have served which group of people?	Individuals	1
	Subpopulation	2
	Whole population	3





INTRODUCTION

Social impact is a scientific term used to describe the effects of science, regardless of what happens in the traditional system of measuring that impact. In the traditional system, the impact of science on other scientific works is measured based on popular indicators such as citation. While the social impact of science, under various titles, such as social benefits, third stream activities and, social quality (Bornmann, 2013, 218) is used to measure the environmental, political, cultural, organizational, and health science (Joly, Gaunand, Colinet, Larédo, Lemarié, & Matt, 2015, 441).

Due to the remarkable growth in the number of Iranian scientific articles in the world in recent years, many scientific officials and policymakers emphasize the need to simultaneously pay attention to social issues in academic researches. There is a viewpoint that the increasing growth of scientific productions in the world has not helped solve various economic, political, cultural, and environmental problems in the country (Ehsani, Azami, Najafi, & Soheili, 2017b). This concept can also be clearly seen in the viewpoints of officials and experts in media and social networks. Now, considering the speculations about the social impact of science and the fact that the progress of science is limited to articles and research projects, the question arises as what are the viewpoints of researchers themselves about the social impact of their researches? The answer to this question can help clarify more the existing viewpoints on the social impact of the country's researches. In order to achieve this purpose, faculty members of the University of Tabriz were selected for this research. An investigation of their viewpoints towards the social impact of their researches can be a manifestation of self-assessment of the social impact of researches in universities that are outstanding in terms of their scientific and research values.

PURPOSE

This paper intends to use the survey method to investigate the viewpoints of faculty members of the University of Tabriz towards the social impact of their academic researches, an aspect that distinguishes the current research from other existing domestic researches in this field.

METHODOLOGY

Various methods have been proposed to study the social impacts of science. Among them, three dominant methodological approaches include citation, survey, and case studies. In this research, the self-assessment of faculty members of the University of Tabriz towards the social impact of their researches has been studied applying the survey method.



Atapour, H., Hamdipour, A., & Akbarzade, P. (2021). Self-assessment of faculty members of Tabriz University toward social impact of their academic researches. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(2), 1-32. doi:10.22035/isih.2021.3718.3884



<http://dx.doi.org/10.22035/isih.2021.3718.3884> URL: http://www.isih.ir/article_368.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

Self-Assessment of Faculty Members of Tabriz University toward Social Impact of their Academic Researches

Hashem Atapour¹, Afshin Hamdipour², Parivash Akbarzadeh³

Received: Dec. 21, 2020; Accepted: Jun. 5, 2021

ABSTRACT

The paper intends to investigate the viewpoints of faculty members of the University of Tabriz toward the social impact of their researches. We applied a survey method for the data collection, with the research population being academic staff, of which, 20% were selected using stratified quota sampling method. As a whole, 153 faculty members of the University of Tabriz participated in this study. The results showed that the mean score of the self-assessment of the participating faculties was 8.72 and the mean of the research population was between 8.29 and 9.15 intervals with 95% confidence, which is the middle range of achievable scores. The self-assessment of major departments toward social impact has had a significant difference. It was found that "industry", "environment", "education", "policy and policy making" and "agriculture" are potential areas for the aforementioned faculties. Results also showed the higher the number of research contracts of faculty members with other organizations, the higher their self-assessment toward the social impact of their researches. Furthermore, some faculties having a working relationship with other organizations could assess the social impact of their researches more than those lacking such relationship. As such it was found that, encouraging the faculties to have working relationship and research contracts with other organizations could increase their attitude toward social impact. In other words, making them more engaged with real issues, including social could increase the impact of their researches.

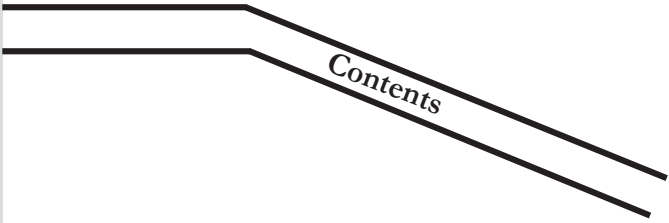
Keywords: Self-assessment, social impact of research, faculty members, Tabriz University, extensive research impacts

1. Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author)

✉ hashematapour@tabrizu.ac.ir

2. Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran



Contents

Self-Assessment of Faculty Members of Tabriz University toward Social Impact of their Academic Researches

Hashem Atapour, Afshin Hamdipour, Parivash Akbarzadeh / 1

Social Responsibility in Higher Agricultural Education: The Future Research Approach

Fatemeh Rajabian Gharib, Saeed Mohammadzadeh, Mohammad
Sharif Sharifzadeh / 9

The Role of University in romoting the Culture of Peace

Zeinab Sadoughi / 19

A Reading of Thought-Provoking Teachings and Lived Experiences of Hafez toward Self-Discovery of Human Architect

Hiva Rahmani, Mohammad Reza Pourzargar, Behrooz Mansouri / 25

Environmental Phenomenon in the Political Thought of Ancient Iran

Fatemeh Zolfagharian / 33

The Stock Market Reaction to Quarterly Profit Behavior of High- Tech Companies

Sima Nowroozi, Mohammad Hossein Ranjbar, Jahanbakhsh
Asadnia / 35

Quarterly Journal of
Interdisciplinary Studies in the Humanities

Volume 13, Issue 3, Summer 2021

Director-in-Charge: Hossein Mirzaei, PhD

Editor-in-Chief: Mahmood Mehrmohammadi, PhD

Publisher: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS)

Editorial Board

Gholam-Ali Afrooz, Professor of Tehran University; Morteza Bahrani, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Micheal Cook, Professor of Princeton University; Hossin Ebrahimabadi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Eckart Ehlers, Professor of Bonn University; Hassan Hanafi, Professor of Cairo University; Hadi Khaniki, Professor of Allameh Tabatabaee University; Maghsoud Farasatkah, Professor of Institute for Research and Planning in Higher Education; Reza Mahoozi, Associate Professor of Institute for Social and Cultural Studies; Abbas Manoochehri, Professor of Political Science, Tarbiat Modares University; Mohammad Ali Mazaheri, Professor of Shahid Beheshti University; Mostafa Mohaghegh Damad, Professor of Shahid Beheshti University; Fathollah Mojtabaie, Professor of Tehran University; Faramarz Rafi'poor, Professor of Shahid Beheshti University; Dariush Rahmanian, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Taqi Rahnamaie, Associate Professor of Tehran University; Mohammad Hadi Zahedi Vafa, Associate Professor of Imam Sadiq University.

Referees of this Issue

Abazar Ashtari, Assistant Professor of Sociology of Development, Institute for Social and Cultural Studies; Mohammad Reza Bemanian, Associate Professor of Architecture, Tarbiyat Modares University; Hossein Dehghani Sanij, Associate Professor Water Engineering, Research Institute of Agricultural Engineering; Nematollah Fazeli, Professor of Cultural Research, Institute for Humanities and Cultural Studies; Hossein Ganjidoost, Professor of Natural Environment, Tarbiat Modares University; Sayed Zia Hashemi, Associate Professor of Sociology, University of Tehran; Yahya Hassas Yeganeh, Associate Professor of Accounting, University of Allameh Tabatabaee; Nadih Imani, Associate Professor of Architecture, University of Art; Reza Mahoozi, Associate Professor of Philosophy, Institute for Social and Cultural Studies; Sayed Abdolamir Nabavi, Associate Professor of Political Science, Institute for Social and Cultural Studies; Jabbar Rahmani, Assistant Professor of Anthropology, Institute for Social and Cultural Studies; Gholamreza Zaker Salehi, Associate Professor of Higher Education, Institute for Research and Planning in Higher Education; Roozbeh Zarinkub, Assistant Professor of History, University of Tehran

Indexing Databases



- For further information, please visit: www.isih.ir
- All rights reserved for publisher

Address:

No. 124, Momen Nejad St. (1st Golestan), Pasdaran Ave., Tehran, Iran

P.O Box: 1666914711

Tel: +98 21 22570719

Email: info@isih.ir

Fax: +98 21 22570722

Website: <http://www.isih.ir>

51 Interdisciplinary Studies in the Humanities

Volume 13, Issue 3, Summer 2021

**Self-Assessment of Faculty Members of Tabriz University toward
Social Impact of their Academic Researches**

Hashem Atapour, Afshin Hamdipour, Parivash Akbarzadeh

**Social Responsibility in Higher Agricultural Education:
The Future Research Approach**

Fatemeh Rajabian Gharib, Saeed Mohammadzadeh, Mohammad Sharif Sharifzadeh

The Role of University in romoting the Culture of Peace

Zeinab Sadoughi

**A Reading of Thought-Provoking Teachings and Lived Experiences of Hafez
toward Self-Discovery of Human Architect**

Hiva Rahmani, Mohammad Reza Pourzargar, Behrooz Mansouri

Environmental Phenomenon in the Political Thought of Ancient Iran

Fatemeh Zolfagharian

The Stock Market Reaction to Quarterly Profit Behavior of High-Tech Companies

Sima Nowroozi, Mohammad Hossein Ranjbar, Jahanbakhsh Asadnia

